

کیمهان

۴۷۱

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۹ تیر تا ۴ مرداد ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۷



خشونت سیاسی و تروریسم

تهدید جدی برای دموکراسی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۳۷ (۴۷۱)

جمعه ۲۹ تیر تا ۴ مرداد ۱۴۰۳
۱۹ تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris,
FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیهان

* فهرست مطالب *

۴ سر مقاله - بر چسب «راست افراطی» پروژه‌ی اتحاد سرخ و سیاه علیه ایده و شخص پهلوی... /الاهه بقرات

۴-۵ تیر هفته - خشونت سیاسی و ترور ریسیم تهدید جدی برای دموکراسی... /

۶ «آمریکن اسپکتیور»: دیدگاه‌های رضا پهلوی «نسخه قابل اعتماد» در مقابل... /

۷ دونالد ترامپ از یک سوء قصد در پنسیلوانیا جان سالم به در برد... /

۸-۹ یادداشت شاهزاده رضا پهلوی در روز نامه «تلگراف»: فرار دادن سپاه پاسداران... /

۹ جرج رابرتسون: بریتانیا باید آماده مقابله با «چهار گانه مرگبار» رژیم‌های... /

۱۰-۱۱ سابه سیاه جمهوری اسلامی بر کشورهای منطقه با دولت چهاردهم... /احمد رافت

۱۱ دعای کنکورا! / خیر اندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۳ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علی‌نقی عالیخانی (بخش پایانی) /

۱۴ تحریف حقیقت در گزارش «وال استریت ژورنال»... /

۱۴ گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا از «توطئه» حکومت ایران برای ترور ترامپ... /

۱۶-۱۷ سابه سیاه جمهوری اسلامی بر کشورهای منطقه با دولت چهاردهم... /احمد رافت

۱۷ الیزابت استینکی: سیاست آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی تغییر نخواهد کرد... /

۱۸ مای ساتوگرا شگر و ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران پس از... /

۱۹ حمله به سه کشتی در دریای سرخ... /

۲۰-۲۱ بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۸)... /الاهه بقرات

۲۱ دولت انتصابی یز شکبان، با تالاق اصلاحات و جمهوری اسلامی است... /امیر مقدم

۲۲-۲۳ همکاری نهاد‌های امنیتی با گروه‌های مافیائی برای قتل مخالفان... /احمد رافت

۲۳ راد بواریش اسرانیل: محمد ضیف فرمانده نظامی حماس کشته شد... /

۲۴-۲۵ بزرگترین زندان زنان «جمهوری اسلامی» مکانی برای... /حنیف حیدر نژاد

۲۶-۲۷ سیاست و اخلاق: فراموش نکنیم مردم باید از اپوزیسیون گفتار و رفتار... /بروین هادی

۲۷ محمد اسلامی: شلیک ضد هوایی در جاده قم ربطی به تأسیسات اتمی نداشت... /

۲۸-۲۹ فناوری‌های تازه و خلاقیت اوکراینی‌ها در دفاع از کشورشان... /حنیف حیدر نژاد

۲۹ تمدد تجدیدیم‌های اتحاد به اروپا علیه جمهوری اسلامی به دلیل ارسال تسلیحات... /

۳۰ دیدار فرماندهان اردش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مسعود یز شکبان... /

۳۰-۳۱ نخستین یادداشت یقه‌دوری‌های انتخاباتی محمد جواد ظریف: رئیس شورای راهبری... /

۳۲ شکار «محمد بر آقا طر جی» تاجر ودلال نزدیک به پشار اسد و حزب الله... /

۳۲-۳۳ بازگشایی مجدد سفارت جمهوری آذربایجان در تهران... /

۳۳ آمریکانش کت «حکیمان شرق» را به دلیل همدستی در برنامه تسلیحات شیمیایی... /

۳۴-۳۵ نبردستین «سهم خواهی»: ظریف با چراغ سبز خامنه‌ای دولت «وحدت ملی» تعیین می‌کند... /

۳۶-۳۷ «سیرک جیدن مهره‌های کابینه» پس از «سیرک انتخابات»... /

۳۷ نفتکش آمریکایی «ادونتیج سوییت» که توسط جمهوری اسلامی توقیف شده بود به... /

۳۸ محمد جواد ظریف: تقریباً بیشتر مسیرها به روی ما بسته شده... /

۳۹ معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اسرائیل: تمام تکنولوژی ساخت بمب اتم در... /

۴۰ بالاگرفتن اختلاف میان مخالفان و حامیان شهر دار تهران... /

۴۱ جنجال بر سر عزل یا ابقاء علی رضا زاکانی؛ محمد مخبر دزفولی گزینه شورای اسلامی... /

۴۲-۴۳ دوباره زاکانی؛ فسادهای پی‌در پی و قوت گرفتن احتمال برکناری شهر دار پایتخت... /

۴۳ مانادور هار کوردار قهرمانی در جام ملت‌های اروپا... /

۴۴ فعالان حقوق زنان گیلان برای اجرای حکم راهی زندان لاکان رشت شدند... /

۴۵ فرهاد مشیری هنرمند برجسته و پیشرو ایرانی درگذشت... /

۴۶ افزایش بی سابقه دما در ایران؛ قطع برق در بخش خانگی به دلیل... /

۴۷ هشدار یک اقتصاددان به مسعود یز شکبان... /

۴۸ عربستان پرواز هواپیماهای «ماهان ایر» را بر فراز این کشور ممنوع اعلام کرد... /

۴۸-۴۹ هشدار محرمانه آمریکا به یگانه جمهوری اسلامی در مورد فعالیت‌های مشکوک اتمی... /

۴۹-۵۰ دست و دلبازی دیگری از جمهوری اسلامی برای اتباع افغان... /

۵۰-۵۱ شیوع ویروس زگیل تناسلی در ایران به ۱۶ سالگی رسید... /

۵۱ ۲۱ هزار میلیارد تومان؛ خسارت سیل‌های سه سال گذشته در ایران!... /

۵۲ هشدار رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی درباره کمبود آموزگار... /

۵۳ محیط زیست ایران خاکستر می‌شود؛ ۱۶۹ هزار میلیارد تومان خسارت آتش سوزی... /

۵۴ نسل زد در ایران، نسل بی مسکن؛ مهاجرت یا همخانگی اجباری در... /

۵۵ طرح مجلس شورای اسلامی برای افزایش دستمزد کارگران... /

۵۶ ۴۰ شهر ایران در معرض شیوع تب دنگی... /

۵۷ گزارش سر کوب رسانه‌ها توسط جمهوری اسلامی در نیمه نخست سال ۲۰۲۴... /

۵۸-۵۹ قتل شیخ آزاد شهابی و دودرویش از مریدانش در «خانقاه تپه مالان» سفر... /

۶۰-۶۱ دیوان عالی کشور پرونده قتل مهرجویی را به دادسرا بازگرداند... /

۶۱ ابر نفتکش جمهوری اسلامی با پرچم «سودان» لورفت!... /

۶۳-۶۴ خبرهای کوتاه... /

پشت جلد - عکس هفته / جانشین «قاضی مرگ» و «قصاب تهران»

بازنشر

بازنشر

بازنشر



خشونت سیاسی و تروریسم تهدید جدی برای دموکراسی



● گلوله‌ای که توماس ماتئو کروکس شلیک کرد، خوشبختانه نه تنها نتوانست فاجعه‌ای را رقم بزند، بلکه برعکس لحن سیاسی بسیار تندی را که تا کنون جو انتخاباتی ایالات متحده را تحت تاثیر قرار داده بود، آرام ساخت.

کروکس یک گلوله از اسلحه توماس ماتئو کروکس بیست ساله در روز ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴ (۲۳ تیر ۱۴۰۳) به سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق و کاندیدای بازگشت به کاخ سفید، در جریان کارزار انتخاباتی در «باتلر» در ایالت پنسیلوانیا، بار دیگر نشان داد که خشونت سیاسی می‌تواند تهدیدی جدی برای دموکراسی حتی با سابقه‌ای طولانی در کشوری چون ایالات متحده آمریکا، باشد. تنها پادزهری که می‌تواند دموکراسی را در مقابل این تهدید و خطر جدی ایمن سازد، سپردن اختلافات سیاسی به صندوق رای و اتحاد عمل در مبارزه با خشونت سیاسی است.

گلوله‌ای که توماس ماتئو کروکس شلیک کرد، خوشبختانه نه تنها نتوانست فاجعه‌ای را رقم بزند، بلکه برعکس لحن سیاسی بسیار تندی را که تا کنون جو انتخاباتی ایالات متحده را تحت تاثیر قرار داده بود، آرام ساخت.

این اولین بار نیست که خشونت نقشی در سیاست آمریکا به عهده می‌گیرد. آبراهام لینکلن در ۱۸۶۵، جیمز گارفیلد در ۱۸۸۱، ویلیام مک‌کینلی در ۱۹۰۱ و جان اف کندی در ۱۹۶۳، چهار رئیس جمهوری هستند که ترور شدند. دو رئیس جمهور دیگر، تئودور روزولت در ۱۹۱۲ و رونالد ریگان در ۱۹۸۱ در سوء قصد زخمی شدند و توانستند جان سالم به در ببرند. تلاش برای ترور یک رئیس جمهور دیگر، جرال فورد در سال ۱۹۷۵، نیز ناکام ماند. رابرت اف کندی که کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۲ بود نیز با شلیک گلوله کشته شد.

گلوله‌ای که توماس ماتئو کروکس شلیک کرد، خوشبختانه نه تنها نتوانست فاجعه‌ای را رقم بزند، بلکه برعکس لحن سیاسی بسیار تندی را که تا کنون جو انتخاباتی ایالات متحده را تحت تاثیر قرار داده بود، آرام ساخت.

گلوله‌ای که خطر اصلی را یادآوری کرد

جو بایدن که بلافاصله پس از تلاش برای به قتل رساندن رقیب انتخاباتی‌اش در تلویزیون ظاهر شد، تاکید کرد که در آمریکا تروریسم نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد و نباید اجازه داد که خشونت سیاسی رواج پیدا کند. اختلاف نظرات را به گفته رئیس جمهوری کنونی آمریکا باید از طریق صندوق رای حل کرد.

دونالد ترامپ نیز پس از این واقعه متن سخنرانی خود را در «کمیته ملی جمهوریخواهان» بطور کامل بازنویسی

سرمقاله

برچسب «راست افراطی»

پروژه‌ی اتحاد سرخ و سیاه علیه ایده و شخص پهلوی

هجوم ایدئولوژیک و سازمان‌یافته علیه مفاهیم از سوی افکار و نظام‌های خودبرتربین و اقتدارگرا موضوع تازه‌ای نیست. در این میان، هرچه مرتکبان انقلاب ۵۷ دل به اصلاح رژیم می‌بستند، نسل‌های جدیدی که به میدان می‌آمدند هم از انقلاب رژیم و هم از اصلاح آن فاصله می‌گرفتند و از مشروطه و پهلوی به سوی آینده نخب می‌زدند. همزمان با ناکامی پروژه اصلاحات، شماری از مدافعان رژیم با ژست منتقد به تأیید «مشروطه» پرداختند با این هدف نابکار که «ولی فقیه»‌شان را «مشروطه» کنند؛ بعد به خدمات رضاشاه اعتراف کردند؛ سپس به تجدید نظر در دروغ‌هایشان درباره دوران شاه فقیه پرداختند؛



وقتی با خیزش ملی ۴۰۱، اوضاع حاد شد، برای خنثی کردن جریان ملی و سکولاردموکرات و رهبرش تلاش کردند؛ پس از آنکه هیچ‌کدام از اینها نتیجه نداد، با تشدید بحران رژیم در داخل و خارج، حتا شعار «برای ایران» و «رنگ فیروزه‌ای» را دزدیدند و بعد فراتر رفته و «دوره انتقالی» را هم که برای پس از فاشیسم مذهبی و جهت برپایی دموکراسی مطرح شده، به دادن ریاست دولت از آن تدارکاتی به این تدارکاتی کاهش داده و «سیرک» را به «شهر بازی» تبدیل کرده‌اند!

در این میان در حالی که موضوع «راست افراطی» برای مردم در داخل ایران هیچ اهمیتی ندارد، پروژه‌ای سازمان‌یافته در خارج کشور با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های غرب، برچسب «راست افراطی» را نه برای افراطیونی که ۴۵ سال در ایران قدرت بلامنازع را در دست دارند، بلکه علیه کسانی که کار می‌برد که حول ایده و شخص پهلوی به عنوان راسخ‌ترین مخالف آزادیخواه جمهوری اسلامی گرد آمده‌اند.

زدن برچسب «راست افراطی» به کسانی که از این ایده و فرصت دفاع می‌کنند، بازی در زمین جمهوری اسلامی است. راه مقابله با آن، روشنگریست و نه دامن زدن به آن با روش‌های غلط، و یا تحریف این مفهوم و یا همچنین انکار موجودیت افراطیون اعم از چپ و راست، کسانی که با این برچسب می‌خواهند ملی‌گرایان و طرفداران پهلوی را تخریب کنند، عین رژیم همگی مدافع ۵۷‌اند و با ده‌ها اکتان مستعار از جمله به اسم ملی‌گرا و طرفدار پادشاهی و پهلوی و کامل‌دو آتش در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به این پروژه دامن می‌زنند. از این رو باید دانست:

افراط‌گرایی راست یک عنوان کلی برای ایدئولوژی‌هاییست که قوم، مذهب، ملت و هرآنچه خود را متعلق به آن می‌دانند، برتر از بقیه دانسته، و «دولت استبدادی» دانسته که علت همه مشکلات تنوع باور ندارند و به دنبال نظام و جامعه‌ی اقتدارگرا هستند مانند فاشیسم و نازیسم و اسلامیسیم.

افراط‌گرایی چپ یک عنوان کلی برای ایدئولوژی‌هاییست که علیه بنیادهای آزادی و دموکراسی هستند مانند آنارشیسم و کمونیسم و اسلامیسیم که دولت‌های دموکراتیک و نظم اجتماعی موجود را «کاپیتالیسم» و «دولت استبدادی» دانسته که علت همه مشکلات هستند و باید آنها را نابود کرد تا آنها بر اساس ایدئولوژی خود جامعه بی‌طبقه و بدون دولت درست کنند. همانطور که دیده می‌شود اسلامیسیم‌ها حامل عناصر هر دو افراطی‌گری چپ و راست نیز هستند. پهلوی و ایده‌هایش اما که بر انقلاب مترقی مشروطه استوار بود، به عنوان طیف راست میانه وقتی فرصت تاریخی یافت، طی نیم قرن ایران را آزاد و آباد کرد، ولیعهدش با گسست ۵۷ فرصت نیافت تا آن آزادی و آبادی را به سوی دموکراسی هدایت کند. اکنون که جامعه مصمم است این فرصت را به ایده‌ی مشروطه و پهلوی فارغ از نوع نظام جمهوری یا پادشاهی بدهد و غرب نیز در تأمل برای مهار انواع افراطی‌گری و تروریسم است، بار دیگر اتحاد سرخ و سیاه عرق‌ریزان به تلاش افتاده است. استفاده‌ی بیمارگونه از برچسب «راست افراطی» علیه ملی‌گرایان و ایده‌های پهلوی، چیزی جز تداوم انقلاب ۵۷ و استمرار پروژه‌ی اصلاح و تحول جمهوری اسلامی نیست!

اخبار کذب با هدف نفرت‌پراکنی تبدیل شده‌اند. معرفی دونالد ترامپ به عنوان بازپچه‌ای در دست ولادیمیر پوتین و یا در جستجوی توافقی بدون قید و شرط با جمهوری اسلامی، در کشوری چون آمریکا که مردم عادی هم علی‌خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین یا شی جین‌پینگ را دشمن خود، اقتصاد و دموکراسی‌شان می‌دانند، برای تحریک افراد

بودند. با کشته شدن وی توسط تیراندازان نظامی که در محل بودند، احتمالاً مدت‌ها طول خواهد کشید تا نهادهای امنیتی آمریکا بتوانند به حقیقت دست پیدا کنند. البته نمی‌توان نادیده گرفت که حکومت‌هایی نیز هستند که در صورتی که توماس ماتیو کروکس موفق به کشتن دونالد ترامپ می‌شد، بدون شک این فاجعه را جشن

تروریسم به مثابه ابزار حذف

با اینهمه آمریکا هر بار توانست این بحران‌ها را پشت سر بگذارد و به نوعی دموکراسی حاکم بر این کشور را تقویت کند. کشورهای دیگری هم در اروپا و یا ژاپن توانستند در جنگ با ترور و گروه‌های تروریستی داخلی پیروز شوند. تروریسم و



ساده‌اندیش کافیت.

البته خود مقامات این کشور هم به چنین مسائلی دامن می‌زنند. از جمله از زمان آغاز کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا، بارها ولادیمیر پوتین از دونالد ترامپ تجلیل کرده و اشاراتی کرده است که گویا با انتخاب او بین دو کشور روابط دوستانه خواهد شد و بحران‌های فاجعه‌باری چون تجاوز نظامی روسیه علیه اوکراین بلافاصله حل خواهند شد.

جمهوری خلق چین هم بارها سیاست جو بایدن را که این کشور را بزرگ‌ترین خطر برای آمریکا خوانده است مورد انتقاد شدید قرار داده و اینگونه وانمود می‌کند که با انتخاب دونالد ترامپ، ایالات متحده از حمایت از جمهوری تایوان که چین آن را به رسمیت نمی‌شناسد، دست برخواهد داشت. جمهوری اسلامی اما برعکس عمل کرده و دونالد ترامپ را به نوعی معرفی می‌کند که با بازگشت او به کاخ سفید بلافاصله جنگ دیگری در خاورمیانه به راه خواهد افتاد، که آمریکا را نیز درگیر خواهد ساخت.

دونالد ترامپ اگرچه در این موارد تا کنون دوپهلوی صحبت کرده، ولی بعید به نظر می‌رسد که اگر به کاخ سفید بازگردد بتواند سیاست‌هایی را اتخاذ کند، که این روزها به او نسبت می‌دهند. دموکراسی سیستمی است مشارکتی و قانونمند و با نظارت شدید از سوی احزاب و رسانه‌ها و افکار عمومی، و مانند روسیه، چین یا جمهوری اسلامی، رؤسای جمهور و همچنین رؤسای دولت، نمی‌توانند بلافاصله پس از کسب قدرت، ردای دیکتاتور به تن کنند و حرف اول و آخر را در همه زمینه‌ها بزنند.

می‌گرفتند. رسانه‌های آمریکا از تهدیدهایی که دونالد ترامپ و همچنین مقامات دولت وقت وی از سوی جمهوری اسلامی دریافت کرده بودند، اشاره می‌کنند؛ اگرچه نهادهای امنیتی بعید می‌دانند که رژیم ایران نقشی در تلاش برای ترور او در ۱۳ ژوئیه داشته باشد.

نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در جوسازی

حزب کارگر بریتانیا که دولت جدید این کشور را تشکیل داده است، ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) از رژیم‌های چهار کشور روسیه، چین، ایران و کره شمالی به عنوان خطری جدی برای امنیت کشورهای غربی نام برده است. کشورهایی که به گفته جان هیلی وزیر دفاع دولت جدید بریتانیا «بطور فزاینده‌ای با همکاری یکدیگر» علیه منافع غرب کار می‌کنند و باید بطور جدی «با آنها مقابله کرد». این کشورها در سال‌های اخیر از راه‌های مختلف تلاش کردند در روند انتخاباتی کشورهای دموکراتیک دخالت کنند و بر آنها به سود نامزدهای مورد نظر خود تأثیر بگذارند.

با اینهمه احتمالاً هیچ‌کدام از کشورهایی که دشمن یا رقیب آمریکا به شمار می‌روند، تفنگ خودکار AR-15 را به دست این جوان آمریکائی ندادند؛ ولی با استفاده از راه‌های دیگر چون تبلیغات و جوسازی توسط عوامل خود در رسانه‌ها و همچنین در شبکه‌های اجتماعی فضایی را به وجود آوردند که افراد ساده‌لوح و روان‌پریشی چون توماس ماتیو کروکس دست به چنین اقداماتی بزنند.

شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر به یکی از ابزار مهم جمهوری خلق چین، روسیه و جمهوری اسلامی برای پخش

خشونت سیاسی سال‌ها است که به یکی از ابزارهای مبارزه برای نابودی دموکراسی تبدیل شده است. به گفته بسیاری اولین باری که از ترور برای از بین بردن نظرات مخالف و مخالفین استفاده شد به ایران و ماجرای حسن صباح و حشاشین در قلعه الموت باز می‌گردد؛ اگرچه نوع مدرن آن در قرن نوزدهم توسط آنارشیست‌های ایتالیائی و روس تئوریزه شد. در این سال‌ها گروه‌های زیادی خشونت و تروریسم را به عنوان حربه اصلی خود برای به اصطلاح فعالیت سیاسی انتخاب کرده‌اند که از جمله می‌توان به «کوکلس کلان» و «پلنگ‌های سیاه» در آمریکا، «بریگاد سرخ» در ایتالیا، «فراکسیون ارتش سرخ» یا «بادرمایهوف» در آلمان و یا جدائی‌طلبان باسک در اسپانیا و جدائی‌طلبان ایرلند شمالی در بریتانیا اشاره کرد.

هر بار کشورهای دموکراتیک توانستند با استفاده از ابزار دموکراسی این گروه‌های داخلی را منزوی کرده و وادار به کنار گذاشتن اسلحه و همچنین انحلال خود کنند. البته هم در این کشورها و هم در دیگر کشورهای دموکراتیک برخی شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی و همچنین دولتمردان قربانی تروریسم شدند که از جمله می‌توان به اولاف پالمه نخست وزیر سوئد که در سال ۱۹۸۶ ترور شد و یا شینزو آبه نخست وزیر ژاپن که در سال ۲۰۲۲ کشته شد اشاره کرد. در ماه ژوئن امسال نیز فردی به سوی روبرت فیکو نخست وزیر اسلواکی شلیک کرد.

هنوز مشخص نیست توماس ماتیو کروکس که به سوی دونالد ترامپ شلیک کرد، یک جوان ۲۰ ساله با اختلالات روانی بود یا اینکه گروهی او را برای انجام این جنایت تحریک کرده

«آمریکن اسپکتیتور»: دیدگاه‌های رضا پهلوی «نسخه قابل اعتماد» در مقابل تهدیدات ناشی از اسلام افراطی و چپ‌گرایی مارکسیستی است

خسونت‌آمیزشان برای استقرار یک خلافت جهانی، ضعف و ساده‌لوحی سیاسی آمریکا در شناخت ماهیت واقعی این رژیم و احساس گناه و ترس اروپایی‌ها از «اسلام‌هراسی» بوده است.»

به اعتقاد کاپوستکا برای جلوگیری از اینکه گمان شود رضا پهلوی در استدلال‌هایش علیه رژیم نفع شخصی را دنبال می‌کند او در حرف‌هایش موضوع «منافع آمریکا» را مطرح کرد و گفت: «ایالات متحده دلایل زیادی برای حمایت از مردم ایران در برابر حکومت دارد.» وی توضیح داد: «ایران پس از سرنگونی آیت‌الله‌ها آماده پیوستن به پیمان ابراهیم با اسرائیل و سایر کشورهای منطقه است.» این وضعیت به آمریکا اجازه می‌دهد تا سربازان خود را بجای ننگ و شرمساری که در افغانستان به راه افتاد، با افتخار از خاورمیانه خارج کند.

رضا پهلوی همچنین عنوان کرد که تلاش‌های آمریکا در تحمیل دموکراسی به خاورمیانه بارها شکست خورده است. چنانکه در عراق، عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی پس از سرنگونی صدام، به فرقه‌گرایی منجر شد و در نهایت زمینه‌های ظهور داعش را پدید آورد. وی همچنین افزود گفت: «در افغانستان، زمانی که ۷۰ درصد از پارلمان قبیله‌ای کشور پسا طالبانی خواستار احیای پادشاهی مشروطه ظاهرشاه بودند، زیرا مردم او را حتا در سنین بالا نیز نماد و سرچشمه‌ی وحدت ملی می‌دانستند، دولت آمریکا این خواست ملی و این حق حاکمیت آنها را رد کرد و یک ساختار غیراصیل غربی را بر جامعه‌ای با سنت‌ها، هنجارها و ابزارهای حکومتی ویژه‌ی خود تحمیل کرد. نتیجه‌اش فساد، هرج و مرج و فروپاشی دولت بود. این یک خطای ویرانگر بود که پیامد آن را امروز می‌بینیم.»

شاهزاده رضا پهلوی در سخنانش خطاب به آمریکا گفت که مردم ایران به دنبال حمایت قیام‌آبانه‌ی شما نیستند، بلکه به دنبال مشارکت شما هستند.

نسخه قابل اعتماد

نویسنده این یادداشت با اشاره به محتوای سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در ادامه افزود: سخنان پهلوی در مجموع، یک نسخه غیرمنتظره و البته قابل اعتماد در برابر آنچه فرانسوی‌ها «اسلام-چپ‌گرایی» نامیده‌اند، است. ترکیب سیاست‌های آسان مهاجرتی برای چپ‌گرایان اسلامگرا در حال افزایش است که مثل یک نوشیدنی انرژی‌زا شده که به راستگرایی در اروپا قدرت می‌بخشد. اشتباه نیست در جایی که احزاب میانه‌رو و چپ میانه اقداماتی را برای کاهش مهاجرت انجام داده‌اند، مانند دانمارک، احزاب جناح راست دچار شکست شده‌اند. با وجود توصیف ناسیونالیست‌های جدید اروپا به عنوان «تهدید برای دموکراسی»، به نظر می‌رسد که ساختارهای سیاسی در سراسر جهان غرب فکر می‌کنند که باید انتخاب رأی‌دهندگان و منافع ملت‌ها را بدون هیچگونه انعطافی نادیده بگیرند.

در پایان این نوشتار آمده، آنها تا کنون اشتباه کرده‌اند و عواقب غرور خود را در پای صندوق‌های رأی دیده‌اند اما همانطور که شاهزاده رضا پهلوی بر آن تأکید کرده است، عواقب عدم کنترل اتحاد مارکسیست‌های رادیکال و اسلامگرایان رادیکال بطور قابل توجهی وخیم‌تر خواهد بود.



شاهزاده رضا پهلوی

ملی» در انتقاد شدید خود از ماجراجویی خارجی دولت جرج دبلیو بوش، به ویژه در مورد جنگ در عراق و افغانستان، جدا از بقیه جناح راست سیاست در این کشور ایستاده بودند.

شاهزاده رضا پهلوی با پیامی به این جمع آمد که مطمئناً گوش شنوا پیدا خواهد کرد. او دیده که آیت‌الله [خامنه‌ای] ایدئولوژی فراملی و امپریالیستی را بر میهن‌پرستی و ملی‌گرایی ارجحیت می‌دهد. اسلام، از نظر رژیم ایران، جایی برای «ملت» بودن ندارد. در همین ارتباط شاهزاده پهلوی با تأسف گفت: «نهاد شیروخورشید که قرن‌ها پرچم ملی ما را زینت می‌داد با الله‌اکبر جایگزین شد.»

اشاره نویسنده به آن بخش از صحبت‌های شاهزاده رضا پهلوی است که گفت: «جبهه متحد مارکسیست‌ها و اسلامگرایان میهن مرا فتح کرد اما هرگز به تسلط بر ایران بسنده نکرد، زیرا این دو ایدئولوژی به مفهوم ملت، یا حتی کمتر از آن، به مرزهای ملی اعتقادی ندارند. در واقع جمهوری اسلامی ایران خود را مدافع یا محدود به «ملت» یا «ملت ایران» نمی‌داند، بلکه به «امت» [واحد] یا «برادری اسلامی» [اخوان‌المسلمین] معتقد است.»

در بخشی دیگری از این یادداشت آمده، آیت‌الله هیچ ارزش خاصی برای مرزهای ملی یا حاکمیت ملی قائل نیست. رژیم ایران به هر حال، به شکل آشکار و دقیقاً به عنوان حکومت حامی تروریسم معرفی شده است. مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده اخیراً هشدار داد که حکومت ایران از تظاهرات ضد اسرائیلی در ایالات متحده حمایت مالی می‌کند. شاهزاده رضا پهلوی ادعای کسانی را که در رسانه‌های جریان اصلی در تلاش‌اند مسعود پزشکیان را به عنوان یک رئیس جمهور اصلاح‌طلب میانه‌رو جا بزنند نیز رد کرد و گفت: «شریک جرم اصلی آیت‌الله‌ها در لشکرکشی

استفان کاپوستکا تحلیلگر سیاسی و عضو «آمریکن اسپکتیتور» (American Spectator) در یادداشتی که ۱۲ ژوئیه (۲۲ تیرماه) منتشر شد به تحلیل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» موسوم به «NatCon» پرداخت و تأکید کرد، دیدگاه‌های او «نسخه قابل اعتماد» در مقابل تهدیدات ناشی از اسلام افراطی و چپ‌گرایی مارکسیستی است.

به اعتقاد کاپوستکا برای جلوگیری از اینکه گمان شود رضا پهلوی در استدلال‌هایش علیه رژیم نفع شخصی را دنبال می‌کند، او در حرف‌هایش موضوع «منافع آمریکا» را مطرح کرد.

نویسنده این یادداشت با اشاره به محتوای سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی می‌نویسد، سخنان وی در مجموع، یک نسخه غیرمنتظره و البته قابل اعتماد در برابر آنچه فرانسوی‌ها «اسلام-چپ‌گرایی» نامیده‌اند، است.

«با وجود توصیف ناسیونالیست‌های جدید اروپا به عنوان «تهدید برای دموکراسی»، به نظر می‌رسد که ساختارهای سیاسی در سراسر جهان غرب فکر می‌کنند که باید انتخاب رأی‌دهندگان و منافع ملت‌ها را بدون هیچگونه انعطافی نادیده بگیرند.»

در پایان این نوشتار آمده، «آنها [دولت‌های غربی] تا کنون اشتباه کرده‌اند و عواقب غرور خود را در پای صندوق‌های رأی دیده‌اند اما همانطور که شاهزاده رضا پهلوی بر آن تأکید کرده است، عواقب عدم کنترل اتحاد مارکسیست‌های رادیکال و اسلامگرایان رادیکال بطور قابل توجهی وخیم‌تر خواهد بود.»

استفان کاپوستکا تحلیلگر سیاسی و همکار «آمریکن اسپکتیتور» (American Spectator) در یادداشتی که ۱۲ ژوئیه (۲۲ تیرماه) منتشر شد به تحلیل سخنان شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» موسوم به «NatCon» پرداخت و تأکید کرد، دیدگاه‌های او «نسخه قابل اعتماد» در مقابل تهدیدات ناشی از اسلام افراطی و چپ‌گرایی مارکسیستی است.

وی می‌نویسد، «تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده در معرض خطر است. این را می‌گویم چون که این دقیقاً همان چیزی است که ۴۵ سال پیش برای کشورم رخ داد؛ سخنرانی رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» با این جملات آغاز شد.

نویسنده این یادداشت با این مقدمه نوشت: ولیعهد دولت شاهنشاهی ایران در سخنرانی خود در واشنگتن، آنچه را که پدر فقیدش «اتحاد سرخ و سیاه»، اتحاد مارکسیسم رادیکال و اسلام‌گرایی رادیکال توصیف می‌کرد، مورد توجه قرار داد.

در پی سرنگونی پدر شاهزاده رضا پهلوی در سال ۱۹۷۹ به علت وقوع انقلاب اسلامی در ایران، یک حکومت تروریستی بر مبنای ضدیت با آمریکا در کشوری شکل گرفت که زمانی متحد پیگیر آمریکا بود.

کاپوستکا می‌نویسد، شاید افرادی فکر کنند که پهلوی برای یارگیری در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» سخنرانی کرد، اما این بسیار سطحی است اگر تنها بخواهیم بگوییم او به آنجا رفت تا بگوید که رژیم ایران باید برود. در واقع اگر اینطور فکر کنیم سخنانش را دست‌کم گرفته‌ایم. «محافظه‌کاران

دونالد ترامپ از یک سوء قصد در پنسیلوانیا جان سالم به در بُرد: من هرگز تسلیم نخواهم شد!



سوء قصد به دونالد ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی در پنسیلوانیا / ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۴

از سرویس مخفی و سایر افسران مجری قانون برای اقدامات سریع و قاطع امروزشان سپاسگزارم. من همچنین برای کشورمان دعا می‌کنم. پدر، امروز و همیشه تو را دوست دارم.» کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا نیز به این حادثه واکنش نشان داد و در «ایکس» نوشت: «من از واقعه‌ی تکان‌دهنده در کمپین پرزیدنت ترامپ وحشت‌زده شده‌ام و بهترین آرزوها را برای او و خانواده‌اش دارم، خشونت سیاسی به هر شکلی در جوامع ما جایی ندارد و تمام فکرم نزد قربانیان این حمله است.»

شاهزاده رضا پهلوی نیز از شخصیت‌هایی است که اولین واکنش‌ها را به واقعه‌ی ترور ترامپ نشان داد. وی در «ایکس» نوشت: «من از سوء قصد علیه پرزیدنت ترامپ به شدت شوکه و متأسف شده‌ام. برای آقای ترامپ و خانواده‌اش بهترین آرزوها را دارم و برای بهبودی سریع وی دعا می‌کنم. همچنین به قربانیان و مردم آمریکا تسلیت می‌گویم. خشونت سیاسی هیچ جایی در دموکراسی‌ها ندارد.»

بعد از بهبود نسبی ترامپ به نقل از وی برای هوادارانش یک ایمیل کوتاه ارسال شد با این متن که «این پیامی از سوی دونالد ترامپ است. من هرگز تسلیم نخواهم شد.»

کاخ سفید اعلام کرده جو بایدن پس از تیراندازی به دونالد ترامپ با وی تلفنی گفتگو کرده است. وی همچنین با جاش شاپیرو فرماندار پنسیلوانیا و باب داندوی شهردار باتلر نیز صحبت کرده است. اینهمه در حالیست که فشار علیه جو بایدن و اطرافیان وی بیش از پیش زیاد شده است. تا جایی که مایک کالینز نماینده جمهوریخواه در مجلس نمایندگان آمریکا با بازنشر نقل قولی منتسب به بایدن بدون اشاره به حمله به ترامپ در تجمع حامیان در پنسیلوانیا در «ایکس» نوشت: «دستورش را بایدن داد.»

هدف سوء قصد قرار گرفت اما جان سالم به در برد. ده‌ها نفر از هواداران ترامپ عصر شنبه ۱۳ ژوئیه به محل برگزاری این کمپین انتخاباتی آمده بودند آنهم در شرایطی که طبق نظرسنجی‌ها شانس ترامپ برای پیروزی در انتخابات بعد از مناظره رو در رو با جو بایدن بسیار بالاتر رفته و دموکرات‌ها به دلیل پرت و پلاگویی‌های بایدن به فکر کنار گذاشتن او و معرفی یک نامزد جدید هستند.

فرد مهاجم با یک سلاح دورزن دوربین‌دار از بالای یک پشت‌بام به سوی ترامپ شلیک کرد. پس از آنکه یک گلوله به قسمت بالای گوش سمت راست وی اصابت کرد، وی بلافاصله روی زمین نشست و محافظان دور او را گرفتند. گلوله‌ها باعث کشته و زخمی شدن دو نفر از حاضرین در این گردهمایی شد. سازمان اطلاعات ایالات متحده و همچنین سخنگوی ستاد انتخاباتی ترامپ اطمینان داده‌اند که حال وی خوب است اما برای درمان جراحی و جراحی‌ها به بیمارستان منتقل شده است.

ترامپ با صورت خونی و مشت‌های گره کرده در محاصره محافظانش خطاب به طرفداران خود فریاد زد: «بجنگید! جنگید! جنگید!»

کوبین روزگ بازرس ویژه اف‌بی‌آی اعلام کرد آنچه در ایالت پنسیلوانیا رخ داد «تلاش برای ترور» بود اما سوء قصد و انگیزه‌ها این ترور در دست بررسی است.

به گزارش «فاکس نیوز»، دونالد ترامپ جونیور (پسر ترامپ) اعلام کرد «با پدرم تلفنی در بیمارستان صحبت کردم روحیه او عالی است و هرگز از مبارزه برای نجات آمریکا دست نخواهد کشید، مهم نیست چه رادیکال علیه او چه می‌کند.» ایوانکا ترامپ دختر ترامپ نیز در واکنش به این سوء قصد در «ایکس» نوشت: «از عشق و دعای شما برای پدرم و سایر قربانیان خشونت بی‌معنای امروز در باتلر، پنسیلوانیا سپاسگزارم... من

● دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در جریان یک سخنرانی انتخاباتی در شهر باتلر واقع در ایالت پنسیلوانیا هدف سوء قصد قرار گرفت اما جان سالم به در برد.

● ترامپ با صورت خونی و مشت‌های گره کرده در محاصره محافظانش خطاب به طرفداران خود فریاد زد: «بجنگید! جنگید! جنگید!»

● به گزارش «فاکس نیوز»، دونالد ترامپ جونیور (پسر ترامپ) اعلام کرد «با پدرم تلفنی در بیمارستان صحبت کردم؛ روحیه او عالی است و هرگز از مبارزه برای نجات آمریکا دست نخواهد کشید، مهم نیست چه افراطی علیه او چه کار می‌کند.»

● کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا نیز به این حادثه واکنش نشان داد و در «ایکس» نوشت: «من از واقعه‌ی تکان‌دهنده در کمپین پرزیدنت ترامپ وحشت‌زده شده‌ام و بهترین آرزوها را برای او و خانواده‌اش دارم، خشونت سیاسی به هر شکلی در جوامع ما جایی ندارد و تمام فکرم نزد قربانیان این حمله است.»

● شاهزاده رضا پهلوی نیز از شخصیت‌هایی است که اولین واکنش‌ها را به ترور ترامپ نشان داد. وی در «ایکس» نوشت: «من از سوء قصد علیه پرزیدنت ترامپ به شدت شوکه و متأسف شده‌ام. برای آقای ترامپ و خانواده‌اش بهترین آرزوها را دارم و برای بهبودی سریع وی دعا می‌کنم. همچنین به قربانیان و مردم آمریکا تسلیت می‌گویم. خشونت سیاسی هیچ جایی در دموکراسی‌ها ندارد.»

دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده که قرار است نوامبر ۲۰۲۴ برگزار شود، در جریان یک سخنرانی انتخاباتی در شهر باتلر واقع در ایالت پنسیلوانیا

یادداشت شاهزاده رضا پهلوی در روزنامه «تلگراف»؛

قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریسم پشتیبانی از مدافعان دموکراسی در ایران است



دیدار پزشکیان با فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۲۴ تیرماه ۱۴۰۳

اینکه فشار را کم کنیم.» در بخش دیگری از این یادداشت آمده، «بیش از چهار دهه است که جمهوری اسلامی ایران انقلاب افراطی خود را صادر کرده است. مردم بریتانیا با گروگانگیری، سوء قصد و حملات تروریستی توسط جمهوری اسلامی بیگانه نیستند. دولت کانادا از تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استقبال کرد. اکنون بریتانیا فرصتی یافته تا رهبری [این اقدام] را در اروپا به عهده بگیرد.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه با اشاره به ملاقات‌های خود با مقامات سیاسی در اروپا عنوان کرد که «از ملاقات‌هایم با مقامات منتخب در سراسر اروپا می‌دانم برای مسئول دانستن رژیم در قبال جنایات‌اش عزم جدی وجود دارد. با توجه به رهبری چشمگیر دیوید لمی [وزیر خارجه بریتانیا] در ارتباط با همین موضوع طی سالیان متعددی و همچنین تعهد صریح حزب کارگر، اقدام فوری دولت جدید بریتانیا، پیامی قدرتمند خواهد بود هم برای رژیم همواره در حال تضعیف شدن و هم برای مردم رنج کشیده ایران.»

در بخش دیگری از این یادداشت تأکید شده است که «شواهد بی چون و چرا علیه سپاه پاسداران وجود دارد. این تشکیلات تروریسم را در داخل و خارج ایران گسترش می‌دهد و از اقدامات تروریستی حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها و سایر گروه‌ها در منطقه پشتیبانی و حمایت مالی می‌کند. سپاه از تهاجم روسیه به اوکراین با ارسال پهپاد و تسلیحات پشتیبانی می‌کند. این سازمان در خاک بریتانیا مسئول ده‌ها حمله و تلاش برای آدم‌ربایی علیه روزنامه‌نگاران،

شاهزاده رضا پهلوی در یادداشتی که ۱۳ ژوئیه (۲۳ تیرماه) در روزنامه «تلگراف» منتشر شد از دولت بریتانیا خواست در راستای حمایت حداکثری از جنبش آزادیخواهان مردم ایران و فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و به عنوان گامی حیاتی در جهت مقابله با تروریسم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. وی تأکید کرده است که مباحثات با تهران جواب نداده و بریتانیا حالا این فرصت را دارد تا در برابر رژیم جنایتکار بایستد. متن کامل این یادداشت در ادامه ترجمه و تنظیم شده است.

در مقدمه آمده، «تنها چند هفته پس از مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر، برخی در جامعه جهانی از جانشین وی، مسعود پزشکیان، به عنوان یک اصلاح‌طلب یا میان‌رو می‌دانند. تجربه نشان می‌دهد که وی چنین فردی نیست. او به علی خامنه‌ای و سیاست‌های افراطی جمهوری اسلامی خالصانه وفادار است.»

شاهزاده در تشریح بحران‌های حکومت ایران توضیح می‌دهد، «بگذارید روشن کنیم که چرا این اتفاق [روی کار آوردن پزشکیان] روی داده است. رژیم اسلامی متزلزل، ضعیف و مستأصل است و به همین دلیل اجازه داده‌اند که یک به اصطلاح «اصلاح‌طلب» برنده ریاست جمهوری شود. او در واقع برگ انجیر نظام [پوشش و نقاب] است. دموکراسی‌های غربی نباید درگیر این مانور سیاسی شوند. مردم ایران خواهان دموکراسی و آزادی هستند و ما باید در کنار آنها بایستیم و فشار [به حکومت] را افزایش دهیم و نه

● شاهزاده رضا پهلوی در یادداشتی که ۱۳ ژوئیه در روزنامه «تلگراف» منتشر شد از دولت بریتانیا خواست در راستای حمایت حداکثری از جنبش آزادیخواهان مردم ایران و فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و به عنوان گامی حیاتی در جهت مقابله با تروریسم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. وی تأکید کرده است که مباحثات با تهران جواب نداده و بریتانیا حالا این فرصت را دارد تا در برابر رژیم جنایتکار بایستد.

● رژیم اسلامی متزلزل، ضعیف و مستأصل است و به همین دلیل اجازه داده‌اند که یک به اصطلاح «اصلاح‌طلب» برنده ریاست جمهوری شود. او در واقع برگ انجیر نظام [پوشش و نقاب] است. دموکراسی‌های غربی نباید درگیر این مانور سیاسی شوند. مردم ایران خواهان دموکراسی و آزادی هستند و ما باید در کنار آنها بایستیم و فشار [به حکومت] را افزایش دهیم و نه اینکه فشار را کم کنیم.»

● «برخی مدعی شده بودند که تروریستی اعلام کردن سپاه در واقع تحریم شاخه‌ای از ارتش یک کشور است و چنین اقدامی یک رویه دیپلماتیک غیرقابل برگشت ایجاد می‌کند که بعداً می‌تواند توسط بازیگران بد مانند روسیه و چین علیه غرب استفاده شود. این بیانگر یک سوء تفاهم اساسی نسبت به سپاه است که بنیانگذارانش علناً به خود می‌بالند، که نام «ایران» در عنوان آن نیامده زیرا مأموریت این تشکیلات دفاع از ایران نیست، بلکه صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان است.»

می‌گویند منظور او جمهوری خلق چین، روسیه و رژیم‌های ایران و کره شمالی هستند.

به گزارش خبرنگاری رویترز، رابرتسون روز دوشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در یک نشست خبری در مورد مأموریت بازنگری دفاعی بریتانیا که به وی محول شده، با اشاره به تهدیدات و چالش‌هایی که کشورش با آن روبروست بر ضرورت ارائه «استراتژی‌های تازه» تأکید کرد.

او در این نشست افزود «ما با گروه کشورهای چهارگانه مرگباری روبرو هستیم که بطور گسترده با همدیگر علیه غرب کار می‌کنند.»

لرد رابرتسون در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ در دولت وقت تونی بلر رهبر وقت «حزب کارگر»، وزیر دفاع بود و در پایان آن نیز یک دوره دبیرکلی «ناتو» (پیمان آتلانتیک شمالی) را به عهده داشت.

منابع بریتانیایی می‌گویند کی‌یر استارمر نخست‌وزیر جدید بریتانیا رابرتسون را برای اجرای طرح بررسی دفاع استراتژیک

جُرج رابرتسون: بریتانیا باید آماده مقابله با «چهارگانه مرگبار» رژیم‌های چین، روسیه، ایران و کره شمالی باشد



جُرج رابرتسون

این کشور در تقابل با چالش‌های بین‌المللی موسوم به بررسی «بنیادی-شاخه‌ای» دفاعی منصوب کرده است.

روزنامه «گاردین» نوشته که این طرح نشان‌دهنده نگرانی‌های غرب درباره همکاری رو به افزایش تسلیحاتی و اطلاعاتی میان این چهار کشور است.

این روزنامه می‌نویسد با فروکش کردن تهدیدات ناشی از بنیادگرایی اسلامی برای بریتانیا، اکنون گروه چهارگانه کشورهای چین، روسیه، ایران و کره شمالی «تهدید اصلی» محسوب می‌شوند. هرچند طرح این ادعا که «بنیادگرایی اسلامی» فروکش کرده با آنچه در واقعیت در حال وقوع است مطابقت ندارد.

در بخشی از گزارش روزنامه «گاردین» آمده، ایران و کره شمالی با ارسال پهپاد و گلوله‌های توپخانه از حمله نظامی ولادیمیر پوتین به اوکراین حمایت می‌کنند و مسکو با استفاده از موشک‌های بالستیک که جمهوری اسلامی در اختیار روسیه قرار داده حملات خود را به اوکراین ادامه می‌دهد.

پیش از این جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده نیز بر این واقعیت تأکید کرده بود که این چهار کشور در حالی اکنون بطور گسترده با یکدیگر همکاری می‌کنند که در گذشته فعالیت هماهنگ نداشته‌اند.

● جرج رابرتسون که از سوی نخست‌وزیر جدید بریتانیا مأمور بازنگری در ساختار دفاعی این کشور شده، می‌گوید: «بریتانیا و متحدان آن باید توان رویارویی با گروه مرگبار کشورهای چهارگانه را داشته باشند.»

● دبیرکل سابق ناتو اشاره‌ای به این «چهارگانه مرگبار» نکرد اما منابع رسانه‌های بریتانیا می‌گویند منظور او جمهوری خلق چین، روسیه و رژیم‌های ایران و کره شمالی هستند.

● رابرتسون در مورد مأموریت بازنگری دفاعی بریتانیا که به وی محول شده، با اشاره به تهدیدات و چالش‌هایی که کشورش با آن روبروست بر ضرورت ارائه «استراتژی‌های تازه» تأکید کرد.

● روزنامه «گاردین» نوشته طرح بازنگری در ساختار دفاعی بریتانیا نشان‌دهنده نگرانی‌های غرب درباره همکاری رو به افزایش تسلیحاتی و اطلاعاتی میان این چهار کشور است.

جرج رابرتسون که از سوی نخست‌وزیر جدید بریتانیا مأمور بازنگری در ساختار دفاعی این کشور شده، می‌گوید: «بریتانیا و متحدان آن باید توان رویارویی با گروه مرگبار کشورهای چهارگانه را داشته باشند.» وی اشاره‌ای به این «چهارگانه مرگبار» نکرد اما منابع رسانه‌های بریتانیا

➔ مخالفان و مقامات است و یک ایدئولوژی افراطی اسلامی را از طریق شبکه‌ای از مدارس، مؤسسات خیریه و مساجد در بریتانیا گسترش می‌دهد.»

او در ادامه می‌نویسد که این نهاد نظامی «در کشور خودم، ایران، هموطنان دلیر مرا در جنبش زن، زندگی، آزادی وحشیانه سرکوب، شکنجه و اعدام کرده است.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به مخالفت دولت‌های محافظه‌کار بریتانیا در این کشور با تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران توضیح داد «دولت بریتانیا قبلاً گفته بود که باید کانالی را برای ارتباط با تهران را باز نگه دارد و با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، این ارتباط قطع می‌شود. روشن است که این درست نیست زیرا بریتانیا یک سفارت فعال در تهران دارد. در عین حال، این گفتگو چه دستاوردی داشته است؟ نتیجه‌ی دهه‌ها مامشات برای مهار کردن رژیم، آنها را گستاخ‌تر کرده و به منافع بریتانیا آسیب رسانده است.»

وی در ادامه هشدار داده: «همزمان با اینکه گزینه‌ها بسیار محدودتر می‌شوند، رژیم به مَب هسته‌ای نزدیک‌تر می‌شود» و افزوده است: «برخی مدعی شده بودند که تروریستی اعلام کردن سپاه در واقع تحریم شاخه‌ای از ارتش یک کشور است و چنین اقدامی یک رویه دیپلماتیک غیرقابل برگشت ایجاد می‌کند که بعداً می‌تواند توسط بازیگران بد مانند روسیه و چین علیه غرب استفاده شود. این بیانگر یک سوء تفاهم اساسی نسبت به سپاه است که بنیانگذارانش علناً به خود می‌بالند، که نام «ایران» در عنوان آن نیامده زیرا مأموریت این تشکیلات دفاع از ایران نیست، بلکه صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان است.»

در بخش دیگری از این یادداشت آمده: «با وجود جنگ افروزی و جنجال‌های اخیر باید آگاه بود که رژیم ضعیف و دچار انشقاق است. مردم به مخالفت برخاسته‌اند، چنانکه ما شاهد تحریم انتخابات نمایشی آن هستیم. ما شاهد افزایش نشانه‌هایی از ریزش در داخل نیروهای مسلح هستیم. تغییر در ایران اجتناب‌ناپذیر است. این تغییر از داخل کشور پیش برده می‌شود و ممکن است زودتر از آنچه فکر می‌کنید روی دهد.»

شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر بر این نکته تأکید کرد: «برای مامشات و اقدام نظامی یک جایگزین وجود دارد:

راه سوم: حمایت از مبارزه مردم ایران برای دموکراسی. دموکراسی‌های غربی با اقدامات عملی خود می‌توانند از مردم ایران حمایت کنند. نه تنها زمان فشار حداکثری، بلکه زمان سیاست حمایت حداکثری فرا رسیده است. این همان مجموعه سیاست‌هایی است که بریتانیا و غرب برای کمک به سرنگونی آپارتاید در آفریقای جنوبی و رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی استفاده کردند. ایرانیان نیز مستحق چنین حمایتی هستند.»

در پایان این یادداشت تأکید شده، «تروریستی اعلام کردن سپاه باید اولین گام حیاتی از تلاش‌های هماهنگ‌تر باشد. هموطنان من برای ایرانی می‌جنگند که با تروریسم و هرج و مرج تعریف نمی‌شود، بلکه با همکاری مسالمت‌آمیز و روابط سازنده با جهان تعریف می‌شود. یک ایران سکولاردموکراتیک را تصور کنید که در صلح با همسایگان خود بسر می‌برد. یک فرصت اقتصادی جدید را تصور کنید که رفاه و صلح منطقه‌ای به وجود می‌آورد. اکنون این امکان وجود دارد. مردم ایران برای تحقق این هدف مبارزه می‌کنند و با حمایت شما در زمان کمتر و با هزینه کمتر به این مهم دست خواهند یافت.»

*منبع: تلگراف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سایه سیاه جمهوری اسلامی بر کشورهای منطقه با دولت چهاردهم کمرنگ خواهد شد



علی خامنه‌ای و مسعود پزشکیان در روزه‌خوانی ماه محرم / ۲۳ تیر ۱۴۰۳

علیه دولت بنیامین نتانیاهو تجهیز کرده است. نقش جمهوری اسلامی در بحران‌های کنونی در خاورمیانه تنها بر سیاست‌های اسرائیل و یا غرب تأثیر نمی‌گذارد. در کشورهای این منطقه نیز مدت‌هاست که که نفوذ جمهوری اسلامی و به ویژه فعالیت‌های نیروی قدس، بازوی منطقه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به بحران‌های داخلی برخی کشورها چون عراق، سوریه و یا لبنان دامن زده است. در لبنان، به استثنای گروهی از مسیحیان که متحد حزب‌الله هستند، دیگران به شدت مخالف نفوذ روزافزون این گروه و حامیان‌اش در تهران هستند. این گروه‌ها و بسیاری از شهروندان لبنانی حزب‌الله را به درستی متهم می‌کنند که منافع کشورشان را فدای سیاست‌های جمهوری اسلامی می‌کنند.

ادامه درگیری‌های مرزی حزب‌الله با ارتش اسرائیل می‌تواند در نهایت به جنگی گسترده تبدیل شود و اولین بار هم نخواهد بود که مردم سراسر لبنان بهای آن را پرداخت خواهند کرد. هنوز دو جنگی که پای ارتش اسرائیل را به خاک لبنان باز کرد از خاطره مردم این کشور، که زمانی از آن با عنوان «عروس خاورمیانه» نام برده می‌شد و بیروت را «پاریس خاورمیانه» می‌خواندند، پاک نشده و آثار ویرانی‌های ناشی از این دو جنگ را می‌توان هنوز هم مشاهده کرد.

جنگ اول اسرائیل و لبنان ۱۶ خرداد ۱۳۶۱ در پی ترور سفیر اسرائیل در لندن به دست تروریست‌های فلسطینی گروه ابونظال آغاز شد. در آن سال ارتش اسرائیل به همراه متحدین مسیحی خود، طی مدت کوتاهی با حملات شدید هوایی و پیشروی سریع نظامی توانست بیروت و قسمت‌هایی از جنوب لبنان را اشغال کرده و نیروهای مسلح فلسطینی را در پایان جنگ مجبور به ترک این کشور کنند. حضور ارتش اسرائیل در بخش‌هایی از لبنان ۳ سال به طول انجامید.

جنگ دوم اسرائیل و لبنان که ۳۳ روز به طول انجامید، در حقیقت جنگی بین ارتش اسرائیل و نیروهای حزب‌الله بود و به مناطق جنوبی این کشور محدود ماند که با قطعنامه

۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲۵ مرداد ←

شدن حسین امیرعبداللہیان سرپرستی وزارت خارجه به عهده وی گذاشته شده، هنوز هم در جریان است؛ پذیرفته بود که حماس و حزب‌الله را متقاعد به نرمش بیشتر و کاهش تنش‌ها کند. اگرچه مسئولین آمریکائی ادعا می‌کنند بیش از دو ماه است که با نمایندگان تهران نه مذاکره کرده و نه پیامی رد و بدل شده است.

البته کاهش تنش در منطقه به معنای پایان درگیری‌ها نیست. در حال حاضر نه جمهوری اسلامی و نه اسرائیل هیچکدام علاقه‌ای به پایان بحرانی که با حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر آغاز شد ندارند. در بیش از ۹ ماهی که از آغاز جنگ در غزه می‌گذرد، با وجود ویرانی گسترده در این باریکه و کشته شدن چند ده هزار فلسطینی غیرنظامی، پایان این درگیری‌ها هیچ منفعتی برای جمهوری اسلامی ندارد، چنانکه گسترش دامنه جنگ نیز به نفع کسانی که در تهران قدرت را به دست دارند نیست. هدف رژیم تهران روشن نگاه داشتن شعله جنگی است که موقعیت این رژیم را در مذاکرات بین‌المللی تقویت کند. ادامه این بحران در منطقه این فرصت را نیز برای جمهوری اسلامی به وجود آورده که برنامه‌های هسته‌ای خود را شتاب بخشد. اگر تا قبل از آغاز جنگ در غزه احتمال حمله به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی از سوی اسرائیل یک تهدید جدی بود، امروز این خطر تا زمانی که ارتش این کشور در دو جبهه غزه و لبنان درگیر است، به صورت چشمگیری کاهش یافته است.

از سوی دیگر دولت کنونی اسرائیل نیز خواهان ادامه این موقعیت است. در آخرین نظرسنجی که در اسرائیل از سوی شبکه تلویزیونی کانال ۱۲ صورت گرفته، بیش از ۷۰ درصد از شهروندان این کشور خواهان تغییر دولت هستند. تغییری که تا زمانی که جنگ در غزه به پایان نرسد و درگیری‌ها در مرز با لبنان ادامه پیدا کنند، به سختی می‌تواند انجام پذیرد. جمهوری اسلامی با درگیر کردن اسرائیل در جنگ غزه و در تنش‌های مرزی با لبنان، در عمل بر روابط تل‌آویو و واشنگتن سایه انداخته و بسیاری از دولت‌های اروپائی را به منتقدین سیاست‌های اسرائیل تبدیل کرده و افکار عمومی را

● در کشورهای غربی این توهم وجود دارد که با گزینش مسعود پزشکیان که برخی رسانه‌های اروپائی و آمریکائی او را «میان‌رو» و «اصلاح‌طلب» می‌خوانند، تغییری در سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه روی خواهد داد.

● کاهش درگیری‌ها در مرز اسرائیل و لبنان و اعلام آمادگی حماس برای دستیابی به آتش‌بس با اسرائیل، بخشی از توافق نانوشته‌ای است که قبل از نمایش انتخاباتی تیرماه بین نمایندگان عالی‌رتبه آمریکائی و فرستادگان جمهوری اسلامی، با وساطت مقامات عمانی در مسقط به دست آمده بود.

● البته کاهش تنش در منطقه به معنای پایان درگیری‌ها نیست. در حال حاضر نه جمهوری اسلامی و نه اسرائیل هیچکدام علاقه‌ای به پایان بحرانی که با حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر آغاز شد ندارند.

● ادامه درگیری‌های مرزی حزب‌الله با ارتش اسرائیل می‌تواند در نهایت به جنگی گسترده تبدیل شود که مردم سراسر لبنان چون دو جنگ قبلی در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۸۵ بهای آن را پرداخت خواهند کرد.

● نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه نیز به اختلافاتی شدید در این کشور دامن زده است. آخرین قربانی اختلافات در مورد روابط با جمهوری اسلامی، لونا الشیل، مشاور ویژه بشار اسد است که ۱۲ تیرماه در جریان یک حادثه مشکوک رانندگی کشته شد.

احمد رأفت - پیام‌های مسعود پزشکیان به حزب‌الله لبنان، حماس فلسطینی، حشدالشعبی عراقی و حوثی‌های یمنی در کنار دیدار او با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح بار دیگر نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حمایت از آنچه را مقامات تهران نام «محور مقاومت» بر آن نهاده‌اند، در دستور کار دولت‌های غربی قرار داده است. با اینهمه در کشورهای غربی هنوز این توهم وجود دارد که با گزینش مسعود پزشکیان، که برخی رسانه‌های اروپائی و آمریکائی او را «میان‌رو» و «اصلاح‌طلب» می‌خوانند، تغییری در سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه روی خواهد داد.

برخی از رسانه‌های غربی اظهارات اخیر حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان را مبنی بر اینکه اگر حماس توافق آتش‌بس در نوار غزه را امضا کند، این گروه نیز به آتش‌بس متعهد خواهد بود و حملات موشکی و پهپادی علیه اسرائیل را متوقف خواهد کرد، گامی در جهت تغییر سیاست جمهوری اسلامی در منطقه ارزیابی می‌کنند. همین رسانه‌ها آمادگی گروه تروریستی حماس برای ادامه مذاکرات با میانجیگری چند کشور عربی چون مصر و قطر را نیز نمائی دیگر از تغییرات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با انتصاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری قلمداد می‌کنند.

کاهش درگیری‌ها در مرز اسرائیل و لبنان و همچنین آمادگی حماس برای دستیابی به آتش‌بس و آزادی گروهان‌های اسرائیلی، بخشی از توافق نانوشته‌ای است که قبل از نمایش انتخاباتی تیرماه بین نمایندگان عالی‌رتبه آمریکائی و فرستادگان جمهوری اسلامی، با وساطت مقامات عمانی در مسقط به دست آمده بود. جمهوری اسلامی در این مذاکرات که به گفته علی باقری کنی که پس از کشته

→ ۱۳۸۵ پایان یافت. این جنگ اگرچه رسماً پایان یافت، ولی در حقیقت هنوز هم ادامه دارد و حزب‌الله هر از چند گاهی، البته به گفته لبنانی‌ها هر زمانی که از تهران دستوری برسد، در نوار مرزی دست به اقداماتی علیه اسرائیل می‌زند که همیشه با واکنش فوری این کشور مواجه می‌شود. به نوعی می‌توان درگیری‌های کنونی را نیز ادامه جنگ ۳۳ روزه‌ای دانست که ۲۳ تیر ۱۳۸۵ آغاز شد.

در پایان آن جنگ جمهوری اسلامی تصمیم گرفت با ارسال ده‌ها هزار موشک، راکت و پهپاد حزب‌الله را در موقعیتی قرار دهد که بتواند هر زمانی احتیاج داشت با حملاتی به شمال اسرائیل، ارتش این کشور را مشغول سازد. در روزهای گذشته بار دیگر اخباری مبنی بر انبار کردن موشک‌ها و تسلیحات ارسالی جمهوری اسلامی در فرودگاه «رفیق حریری» بیروت انتشار یافت. خبری که ساکنان بیروت و حومه جنوبی پایتخت لبنان را وحشت‌زده کرده است. این فرودگاه ۶ کیلومتر بیشتر از بیروت فاصله ندارد و انفجار در این انبار می‌تواند فاجعه‌ای را مشابه آنچه در ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ در بندر بیروت رخ داد رقم بزند.

یک انبار متعلق به حزب‌الله در بندر بیروت، در عصر روز ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ منفجر شد. شدت این انفجار در حدی بود که ساختمان‌های زیادی در منطقه اشریفه ویران شدند. موج ناشی از انفجار باعث کشته شدن ۲۲۰ نفر و زخمی شدن حدود ۷۰۰۰ نفر و مفقود شدن بیش از ۱۱۰ نفر شد. بر اساس آمار منتشر شده توسط مقامات لبنانی، بیش از ۳۰۰ هزار نفر بر اثر این انفجار بی‌خانمان شده و بخش مهمی از بندر بیروت تخریب شد. از این انفجار به عنوان یکی از قوی‌ترین انفجارهای غیرهسته‌ای تاریخ یاد می‌شود. حالا حزب‌الله در ماه‌های گذشته با پروازهای مستقیم از تهران چندین هزار موشک، راکت و قطعات پهپاد دریافت کرده که بسیاری از آنها در فرودگاه نزدیک بیروت انبار شده‌اند. خبرگزاری رویترز در گزارشی به زرادخانه حزب‌الله اشاره می‌کند و می‌نویسد این گروه شبه‌نظامی که بر مبنای اطلاعات سازمان سیا می‌تواند روی ۴۵ هزار فرد مسلح دوره‌دیده حساب کند، امروز مجهز به موشک الماس (هوا به زمین و زمین به زمین با برد ۸ کیلومتر)، موشک «فاتح» ۱۱۰ (موشک بالستیک دو مرحله‌ای با سوخت جامد زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتری) موشک نقطه‌زن «رعد»، راکت‌های توپخانه‌ای «فجر»، موشک‌های «زلزال» (با بُرد ۱۵۰ کیلومتری و نمونه‌های پیشرفته آن با بُرد ۳۵۰ کیلومتری) و موشک «برکان» (موشک بالستیک کوتاه‌برد) است. اخیراً جمهوری اسلامی از روسیه موشک‌های قدرتمند ضد کشتی «یاخوت» را نیز خریداری کرده و به لبنان فرستاده است.

در این میان، نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه نیز به اختلافاتی شدید در این کشور دامن زده است. آخرین قربانی اختلافات در مورد روابط با جمهوری اسلامی، لونا الشبل، مشاور ویژه بشار اسد است که ۱۲ تیرماه در جریان یک حادثه مشکوک رانندگی کشته شد. کم نیستند در داخل نظام حاکم بر سوریه و در جبهه مخالفان بشار اسد که این حادثه را مانند سقوط هلی‌کوپتر ابراهیم رئیس‌ی، مشکوک ارزیابی می‌کنند. یک هفته قبل از کشته شدن لونا الشبل، مقامات سوری از سفر این روزنامه‌نگار سابق شبکه الجزیره و همسرش عمار ساعاتی به روسیه برای گذراندن تعطیلات تابستانی در خانه‌شان در شهر بندری سوچی در کنار دریای سیاه جلوگیری کرده بودند. عمار ساعاتی عضو کمیته رهبری حزب بعث سوریه است و اخیراً در گفتگوهای از لزوم بازنگری در روابط با جمهوری اسلامی صحبت کرده بود. در روزهای قبل از این حادثه، سرتیپ ملهم الشبل، برادر لونا، به اتهام «تماس با دولت‌های دشمن سوریه» توسط

دعای کنکور!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۸۲) آذرماه ۱۳۸۴

● حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت کاشانی: سلام بر او (شیخ ابومفید قمی) و برکات خدا شامل حالش باد.
● مقام معظم رهبری: سفارش می‌کنم او را (شیخ ابومفید قمی) که مرا از دعای خیرش فراموش نکند.
● آیت‌الله علامه کاشانی (دارای اجازه از مرحوم سید علی آقا قاضی و مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی) در مکتوبی مهم، ضمن اعطای اجازه دعا، از شیخ ابومفید قمی با عنوان «عالم عامل و ذخیره امثال» نام برده‌اند.
● استاد علامه فشارکی (استاد رهبر انقلاب) خطاب به شیخ ابومفید قمی: شما عالم پاک هستیید.

چه غم اگر استادان غرب‌زده دانشگاه‌های عهد طاغوت نتوانستند با انقلاب شکوهمند اسلامی کنار بیایند و به بلاد فرنگ رخت کشیدند و به خدمت دانشگاه‌های اروپا و آمریکا درآمدند. حوزه و حوزویون را خداوند برقرار و پایدار بدارد. سر حَمِّ می سلامت شکنند اگر سبوتی!

تنها به‌برکت وجود دانشگاه‌هاوایی نیست که هر سال بر انبوه دانشگاه‌دیده‌ها و صاحبان لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در میهن اسلامی ما افزوده می‌شود. سهم رمالان و دعانویسان را نیز در این پیشرفت عظیم از نظر نباید دور داشت.

پس بشتابید ای فرزندان انقلاب و اسلام که فرصت کم است و داوطلب بسیار. اگر می‌خواهید با اطمینان کامل از دریافت مُهر قبولی و جواز ورود به دانشگاه در کنکور شرکت کنید قبلاً مبلغ بیست هزار تومان به حساب جاری 702992 به‌نام قزل در بانک سپه شعبه میدان آیت‌الله سعیدی قم بریزید و قبض آن را با پست سفارشی به آدرس قم - صندوق پستی 37185 بفرستید تا دعای قبولی در کنکور برای شما ارسال گردد.

محض اطمینان از نتیجه صد در صد این دعای معجزآسا لازم است به دستخط مبارک مقام معظم رهبری و مراجع عالیقدر تقلید توجه فرمایید که مقام علمی و عملی شیخ ابومفید قمی را تأیید و اجابت دعای او را تضمین کرده‌اند.

بسمه تعالی

همه قبول شدند

تاکت‌ون تمامی کسانی که این برنامه را از ما دریافت کردند، تک تک آنها بدون استثناء در کنکور و برای دانشکاه دولتی (جز یک شهرستانی برای شهرستان - بقیه همگی برای تهران) قبول شدند.

تجربه گذشته برنامه ما:

قبولی ۱۰۰٪ در کنکور

با: (دستور قرآنی و نوشتن دعاء)) توسط: شیخ ابومفید قمی

چهار تپه این برنامه می‌توانید مبلغ ۷۰۰۰۰ تومان به حساب جاری ۷۰۲۹۹۲ (به نام قزل) نزد بانک سپه شعبه میدان آیت‌الله سعیدی قم (شماره ۳۳۱) واریز نمایند و فیش بانکی را با آدرس دقیق پستی خود با پست سفارشی به آدرس: قم صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۳۳۱ بفرستید تا برنامه (دستور و دعاء) به آدرس شما ارسال گردد.

(دوره فرهنگی فر زمینه‌هایی از قبل آورده، تجربه و ... به اثر گرفته خواهد شد)

فقط تا پایان ماه مبارک رمضان (۱۳۸۴) فرصت دارید.

○ کنکوری‌های سال‌های بعد نیز می‌توانند در همین فرصت آنرا تهیه نموده و در وقت کنکور خود آنرا استفاده نمایند.

شیخ ابومفید قمی از نگاه بزرگان

- حضرت آیت‌الله بهجت: سلام بر او (شیخ ابو مفید قمی) و برکات خدا شامل حالش باد.
- مقام معظم رهبری: سفارش می‌کنم او را (شیخ ابومفید قمی) که مرا از دعاهای خیرش فراموش نکند.
- آیت‌الله علامه کاشانی (دارای اجازه از مرحوم سید علی آقا قاضی و مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی) در مکتوبی مهم ضمن اعطای اجازه دعا، از شیخ ابومفید قمی با عنوان (ذخیره امثال) نام برده‌اند.
- استاد علامه فشارکی (استاد رهبر انقلاب) خطاب به شیخ ابومفید قمی (شما) عالم پاک هستیید.

دفتر اطلاع‌رسانی و روابط عمومی ریاست جمهوری را بر عهده داشت، در هفته‌های قبل از کشته شدنش در عمل کنار گذاشته شده بود و حق حضور در جلسات با حضور بشار اسد را از دست داده بود. نه تنها لونا الشبل بلکه گروهی دیگر از مشاوران بشار اسد نیز به خواست جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر کنار گذاشته شده‌اند که علی مملوک معاون امور امنیتی ریاست جمهوری و از اعضای شورای مرکزی حزب بعث، و بنیثه شعبان مشاور سیاسی بشار اسد از جمله این افراد هستند.

نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. برخی معتقدند که این بازداشت بی‌ارتباط با حمله هوایی اسرائیل به ساختمانی متعلق به جمهوری اسلامی در دمشق نیست. نیروی قدس که ۷ نفر از فرماندهان‌اش از جمله سرتیپ محمدرضا زاهدی فرمانده ارشد این نیرو در سوریه و لبنان در این حمله هوایی کشته شدند. جمهوری اسلامی منتقدین در سوریه را متهم به همکاری با نهادهای امنیتی اسرائیلی می‌کند. لونا الشبل نیز که بشار اسد را به عنوان مشاور در معدود سفرهای خارجی‌اش همراهی می‌کرد و همچنین ریاست

ایادی يك معما بود. این معما برای من حل نشده باقی ماند!

او هزینه شخصی نداشت و حتی شام و ناهارش را در دربار می خورد اما از راههای مختلف کسب درآمد می کرد و نمی دانست آن پولها را به چه مصرفی می رساند

باز نشر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش پایانی)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

در همان سال آخر وزارت من بود و متوجه بودم که زیاد مخالفت مرا نپسندید.

کارخانه سیمان آبیک

مورد بعدی که برایم پیش آمد، در واقع یکی از دلایلی رفتن من از وزارت اقتصاد شد. در همان سال آخر که من در وزارت اقتصاد بودم يك روز يك تلگرافی از سوئیس آمد که شما يك پروانه سیمان بدهید به بنیاد پهلوی که در آبیک کارخانه سیمان بگذارند. در ضمن شاه خیلی بامهربانی این تلگراف را به من فرستاده بود، به امضای ایادی، که من متوجه مقرراتی که شما دارید که در فاصله ۱۲۰ کیلومتری تهران نباید صنعت تازه ایجاد کرد هستیم، ولی این کارخانه لازم است و شما این کار را بکنید. من هم وجداناً باید حضورتان عرض بکنم که درست است که این کار خلاف آن ضابطه بود، ولی به هیچ وجه قصد مخالفت با حرف شاه را نداشتم.

من پیش خودم فکر کردم که اقلاً شاه به من اجازه بدهد وقتی که بر می‌گردد توضیح بدهم و اگر سر تصمیمش باقی است این کار را بکنم. چون آبیک امکانات خیلی خوبی داشت برای سیمان، ولی خوب این امکانات را شاید می‌شد آن طرف تر هم فراهم کرد و همان کار را انجام داد. بهرحال وقتی می‌خواهیم این مقررات مربوط به ۱۲۰ کیلومتر حریم را بشکنیم. باید تکلیف من روشن باشد، که بتوانم با شاه صحبت بکنم که، خیلی خوب، پس بگذارید من اصولاً مقررات را تغییر بدهم. تصویبنامه محدودیت ایجاد صنعت تازه در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران را خودم به به دولت پیشنهاد کرده بودم که مخصوصاً دست خودمان را ببندیم که نتوانیم در اینجا صنعت ایجاد کنیم و فعالیت صنعتی را در این منطقه بیش از پیش متمرکز کنیم. حالا، اگر می‌خواهیم خلاف این کار را بکنیم، پس من اجازه داشته باشم بگویم هر کسی می‌تواند در

رقابت برای کارخانه‌های موجود لاستیک ایجاد بکنیم، در کار نبود. من هم گفتم که من به شما این پروانه را نمی‌دهم. باید شما ضوابطی را که وزارت اقتصاد دارد مراعات بکنید. آن وقت اگر بیائید جلو باکمال میل، ولی خارج از این ضابطه غیرممکن است.

او هر چه می‌خواست، اعلیحضرت، اعلیحضرت کرد تاثیر نداشت. البته چند نفر از همکاران من در دولت به من یادآور شدند که آقا این شخص را دیده‌اند که چه رفتار خصوصی با شاه دارد. گفتم در کار من تاثیر ندارد. بعد دیدم بهتر است که خودم این کار را بشکافم. رقوم حضور اعلیحضرت. گفتم، می‌دانم این شخص مورد توجه است ولی این کاری که دارد می‌شود خلاف آن ضابطه‌ای است که شما با آن آشنا هستید و نمی‌توانم این کار را بکنم اما اگر شما به این شخص لطف دارید، خوب، من به بانک توسعه صنعتی که متقاضی پروانه برای کارخانه جدید با مشارکت دانلپ بود می‌گویم او را به عنوان بازرس یا عنوان دیگری يك جای دیگر بگذارند. هر چقدر این شرکت به او قول داده، بانک به او خواهد داد. اما صنعت مملکت را نمی‌شود بهم ریخت، یعنی اصول را نباید بهم بریزیم، و گرنه، در چهارچوب آن اصول اگر قرار است به يك نفر کمک بشود، من که در خلاء زندگی نمی‌کنم، حرفی ندارم اما نباید نظم را به هم بزینم، چون من این را می‌دانستم که تمام موفقیتی که به دست آورده‌ایم به خاطر این است که بساط گذشته را به هم زده بودیم.

قبلاً در مغز همه رفته بود، که این کشور نه ضابطه دارد و نه مقررات، و هممیهنان عزیز من که در طول تاریخ مطلقاً به ضابطه اعتقاد نداشتند و همیشه به رابطه بیشتر اعتقاد داشتند، حال می‌دیدند که این امر درست بر عکس شده است. ما این همه زحمت کشیده بودیم و خون دل خورده بودیم تا به این جا رسیده بودیم و این را من نمی‌خواستم بهم بزینم. و البته شاه پذیرفت. اما، این جریان

مورد دیگری پیش آمد که خیلی جدی بود و من هم خیلی جدی مخالفت کردم و نتیجه هم گرفتم. ما برای يك کارخانه لاستیک می‌خواستیم پروانه بدهیم به شرکت انگلیسی دانلپ و می‌خواستیم اضافه بر دو کارخانه لاستیک سازی موجود واحد تازه‌ای وارد بازار بشود و رقابت بیشتری داشته باشند. شرایط سختی هم گذاشته بودیم و دانلپ هم پذیرفته بود. درست در همین موقع شخصی که در امریکا در آن زمان کارش دلالی بود و بعد هم خیلی پولدار شد، آمد و با یکی از کسانی که در جریان ۲۸ مرداد در ایتالیا مورد توجه اعلیحضرت قرار گرفته بود تماس گرفت و با او صحبت کرده بود که من حاضر هستم که یکی از کمپانی‌های لاستیک سازی امریکا، فایرستون، را بیاورم به ایران، و شما پروانه را به انگلیسی‌ها ندهید، به اینها بدهید. او هم گفته بود که من با تماسی که با اعلیحضرت دارم این کار را حتماً انجام می‌دهم، و به عرض اعلیحضرت رسانده بود و اعلیحضرت هم، غافل از همه جا گفته بودند که بله این کار را بکن. آن شخص هم آمده بود به وزارت اقتصاد.

● آن شخص یعنی آقای...

مهندس صادق. دلال مورد اشاره هم با توجه به يك چنین تأییدی که شده بود با هارت و پورت آمده بود به وزارت اقتصاد پهلوی نجم آبادی، که در آن زمان جانشین نیازمند شده بود و معاون صنعتی من بود، و خیلی رسمی گفته بود که این پروانه را باید شما بدهید. چند مقام دیگر دولتی هم که او با آنها تماس گرفته بود همه‌شان خیلی شل شده بودند، به خاطر اینکه متوجه نفوذ یا رابطه آن شخص با اعلیحضرت بودند. کارخانه‌ای می‌خواستند بگذارند بدون هیچگونه تشریفات، با قیمت خیلی گرانتر، و بدون هیچگونه مطالعه قبلی. به هیچوجه آن ایده‌ای که ما داشتیم که بتوانیم قیمت‌های لاستیک را پائین تر بیاوریم و

و آن کارهای اولیه را که در این پارک شده ببیند. ریاحی به من گفت من مخصوصاً نقطه‌ای را که شاه در آن قرار می‌گیرد در روی این تپه گذاشته‌ام، چون از اینجا معلوم است که شمال این پارک حدش قناس است و حتماً از من خواهد پرسید که چرا این طوری کردی، چرا اینجا را صاف نکردی و بزرگتر نکردی و به طرف کوه نرفتی، و من هم آن وقت جریان را به شاه خواهم گفت. درست هم همینطور اتفاق افتاد. وقتی که شاه از او پرسید که چرا این زمین را جزو پارک نکردید گفت اینجا مال تیمسار ایادی است. شاه سکوت مطلق کرد. پس از رفتن او ریاحی به من گفت وقتی که آدم پزشک مخصوص یک نفر می‌شود هر کاری می‌تواند بکند. تقریباً هیچ کدام از کسانی که می‌خواستند به صورت اصولی کار بکنند و با ایادی احیاناً تماس داشتند از او خوششان نمی‌آمد. این را هم گفتید که این پولها را چه کار می‌کرد، این یک معمای بزرگی برای همه و من بود.

او از این کار خودداری کردند و به هیچوجه حاضر نشدند کمکی به او بکنند. مساله دیگر این بود که او مسئول اتحادیه تعاونی کارکنان ارتش بود که به نام کوتاه شده «اتکا» شناخته می‌شد، که البته همیشه یک مدیر عامل ظاهراً مستقلاً داشت ولی تمام کارها را ایادی می‌کرد و معاونان مدیر مسئول اتکا همیشه دستورات ایادی را گوش می‌کردند نه چیزی که مدیر عامل بگوید.

در آنجا او چندین بار کوشش کرد که از راه آنها بتواند شاید کالاهائی را وارد ایران بکند، به نام اتکا ولی در واقع برای خودش، و بتواند از این راه هم سودی ببرد. ولی چون خلاف اصول بود هر بار من با او مخالفت کردم. نتیجه‌اش این بود که هیچوقت ما نتوانستیم با هم رابطه خوبی داشته باشیم. البته به صورت محترمانه با هم رفتار می‌کردیم، ولی ته دل کاملاً می‌دانستیم هیچکدام همدیگر

این محدوده ۱۲۰ کیلومتری صنعت سیمان ایجاد بکند. این واقعا نیتم بود. یعنی همه را به یک چوب برانیم. نگوئیم که این چون بنیاد پهلوی و آقای بهبهانیان رئیس املاک پهلوی است اجازه دادیم. بنابراین کاری نکردم. دو روز بعدش باید می‌رفتم به یک سمیناری که سازمان ملل مرا دعوت کرده بود در هلند، برای مسائل کشورهای پیشرفته و درحال رشد، که یکطرف کشورهای پیشرفته بودند و یک طرف ما، که با آنها بنشینیم صحبت بکنیم و در آن چندروز من در تهران نبودم. آقای بهبهانیان مرا در هواپیما دید، ولی هیچ چیز نگفت به من. ولی او رفته بود به سوئیس و با ایادی، که هیچ نظر خوشی نسبت به من به دلیل دیگری نداشت، صحبت کرده بود. و وقتی جریان را به عرض اعلیحضرت می‌رسانند، اعلیحضرت فوق‌العاده عصبانی می‌شود و تلگراف خیلی تندی به هویدا می‌فرستد، بطوریکه من که از هلند آمدم، هویدا گفت چه شده، چه کار کردی که اعلیحضرت یک همچین تلگرافی کرده‌اند؟ من تلگراف را به شما نشان نمی‌دهم، ولی بدان که خیلی بد شده. فوری تصویبنامه را بیاور. گفتم چشم. تصویبنامه را بردم، ولی هیچ نتوانستم صحبت بکنم. اعلیحضرت فوق‌العاده سر آن جریان دلگیر شده بودند.

این از موارد مشکل برخوردهای من بوده، ولی در پایان کار بود. یعنی سال هفتم. در آن ۵،۶ سال اول واقعا حمایت اعلیحضرت از من یک عامل اساسی بود که توانستم کار بکنم. در چند مورد، برای صناعی که ایجاد کردیم ابتکار از او بود. یعنی در مورد ذوب آهن قدم اول را خود شاه برداشت. صحبت‌هایی کرده بودیم که چه کار می‌توانیم بکنیم، ولی پس از صحبت‌های اولیه ای که کرده بودیم، او رفت به روسیه و با آنها توافق کرد در مورد ذوب آهن و در مورد ماشین سازی اراک، و همچنین در مورد لوله گاز. بعد به من می‌گفت اجرا کن. ولی خودش ابتکار را در دست گرفته بود..

اصطكاك با دكتر ایادی

● چرا ایادی با شما نظر خوبی نداشت؟

به خاطر اینکه چندین بار کوشش کرد برای منافع شخصی خودش کاری بکند و با مخالفت من روبرو شد. همچنین بعضی از کارهای او مورد انتقاد من بود. او ماهیگیری جنوب را که با نیت خوبی ایجاد شده بود، در دست گرفته بود، ولی برخلاف توقع ما به هیچوجه به ماهیگیران جنوب این مکان را نداد که بتوانند در آنجا فعالیت خودشان را بهبود بدهند. فقط برای او محل درآمدی شده بود که ماهیگیری جنوب را در اختیار شرکتهای خارجی بگذارد و خودش هم سودی از این راه ببرد. من در جلسه شورای اقتصاد در حضور اعلیحضرت به این موضوع اشاره کردم و انتقاد کردم از کارهایی که در ماهیگیری جنوب می‌کند.

یکی از کسانی که در آن شورا بود و می‌دانستم همه خبرها را به ایادی می‌برد فوری این خبر را برد و روز بعدش هم ایادی یک نفر را فرستاد از من گله کرد که این حرف را زدم. ولی خوب، در دلش مانده بود. از این گذشته مایل بود برای بیمارستانهای کمکی که درست کرده بود (بیمارستان نبودند، در واقع یک ساختمان که بیمارانی را که تخت در بیمارستانهای معمولی نبود آنجا می‌خواباندند، کار زیادی هم رویشان انجام نمی‌دادند ولی نامشان بود بیمارستان کمک) از بازرگانان کمک بگیرند - تیرآهن، مصالح یا پول و هر چه که او بتواند کارش را توسعه بدهد. البته در این مورد هیچ سود شخصی نداشت ولی دلش می‌خواست این کار را بکند. اما بازرگانان و صاحبان صنایع به علت مذهب



سفر هند - دكتر ایادی در ملازمت شاه و ملکه ثریا

در عكس، ردیف اول از راست: سرتیپ ایادی، دكتر تاراچند (سفیرهند در ایران)، شاه و ملکه، ابوالفتح آتابای، پروفیسور جمشید اعلم

در ردیف دوم پروفیسور یحیی عدل، سپهبد یزدان پناه و اردشیر زاهدی دیده می‌شوند

هیچوقت هیچ کس نفهمید، چون حتی ناهار و شامش را در دربار می‌خورد. او هزینه‌ای نداشت. در مطبش هم واقعا به بیماران کمک می‌کرد. این را هم من باید به شما بگویم واقعا به بیماران کمک می‌کرد. تقریباً از هیچ بیماری که نمی‌توانست پول بدهد پول نمی‌گرفت و از بقیه هم گویا یک پول خیلی ناچیزی می‌گرفت، یعنی جنبه کاملاً نمادی داشت نه اینکه بخواهد درآمدی داشته باشد.

● بعضی ها می‌گویند که این پولها را برای کمک به جامعه بهائی در ایران و در خارج شاید می‌گرفت. اطلاع خاصی شما در این باره دارید؟

به هیچوجه اطلاعی ندارم و واقعا هم نمی‌خواهم تهمتیه به هم میهنان ما که بهائی هستند در این مورد بزنم، به خاطر اینکه بیشترشان مردمان بسیار خوبی هستند.

پایان

را دوست نداریم.

● ایادی به نظر می‌رسد که شخصا آدم مادی نبود. ولی

این پولها را می‌گرفت، دلیلش چه بود؟

دلیلش هیچوقت برای من روشن نشد. برای اینکه هم پولها را می‌گرفت و هم زمین می‌خورد. این پارکی که به همت مرحوم ریاحی، وزیرکشاورزی وقت، و مرحوم گلسترخی، که در آن زمان معاون ریاحی بود، در غرب تهران ایجادشد، که امروز هم تبدیل به یک پارک خیلی شکوفائی شده، زمینهایش به اصطلاح قناس است. چون در شمال آنجا زمینی بود که ایادی به نام خودش به ثبت رسانده بود. خیلی هم عجیب بود، چون در مسیل بود در بیابان. اساساً ایادی چه نسبتی با آنجا می‌توانست داشته باشد معلوم نیست، و ریاحی هم کاری نمی‌توانست بکند. روزی قرار بود که شاه بیاید و رسماً این پارک را افتتاح بکند

تحریف حقیقت در گزارش «وال استریت ژورنال» درباره انتخابات جمهوری اسلامی در ایران

زندگی می‌کنند. روایت «وال استریت ژورنال» نارضایتی عمومی و اعتراضات گسترده‌ای که در سال‌های گذشته رخ داده را نادیده می‌گیرد و بطور گمراه‌کننده‌ای نشان می‌دهد که آوردن پزشک‌ها می‌تواند تغییرات مثبت قابل توجهی بدون پرداختن به این مشکلات اساسی به ارمغان بیاورد.

۵- ادعای تلطیف تصویر «ایران»

این ویدیو/مقاله ادعا می‌کند که گزینش پزشک‌ها برای رهبران جمهوری اسلامی راهی را برای تلطیف تصویر خود در ارتباط با تقویت روابط با روسیه و چین باز می‌کند. این ادعا، پویایی‌های ژئوپلیتیک را بیش از حد ساده می‌کند. در حالی که نقاب اصلاح‌طلبی پزشک‌ها ممکن است بطور سطحی تصویر «ایران» را تلطیف کند، اما انگیزه‌های استراتژیک پشت سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نادیده می‌گیرد. ارتباطات با روسیه و چین ریشه در ملاحظات اقتصادی و امنیتی دارند که بعید است بطور قابل توجهی بر اساس آوردن یک رئیس جمهور جدید تغییر کنند. دستور کار پزشک‌ها به احتمال زیاد بر مذاکره با آمریکا برای احیای برجام به منظور رفع تحریم‌ها متمرکز است، تحریم‌هایی که اگرچه نه بطور کامل، اما به کاهش تأمین مالی جمهوری اسلامی به نایب از حماس و حزب‌الله کمک می‌کند. در حالی که ادعاهای گزارش «وال استریت ژورنال» درباره تلاش برای تلطیف تصویر «ایران» ممکن است صحیح به نظر برسد، اما به استراتژی‌ها و انگیزه‌های ژئوپلیتیک گسترده‌تر پشت روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی توجه نمی‌کند. علاوه بر این، رهبر جمهوری اسلامی، خامنه‌ای، تصمیم‌گیرنده نهایی همه امور کلان دولتی، به ویژه آنهایی است که مربوط به سیاست خارجی هستند.

۶- تحریف تصویر ایرانیان معترض خارج کشور

این گزارش ایرانیان معترض در حوزه‌های رای‌گیری خارج از ایران را تنها به عنوان پادشاهی خواهان قلمداد می‌کند. این نادرست است زیرا بایکوت‌کنندگان انتخابات حکومت شامل افراد از همه جناح‌های مخالف، از چپ تا راست، و همچنین جمهوری خواهان بوده‌اند. اگرچه غالب معترضان معتقد به رهبری شاهزاده رضا پهلوی بودند، اما مجموعه‌ی آنها نماینده طیف گسترده‌ای از ایده‌های سیاسی بودند که لزوماً همه پادشاهی خواه نبودند و در مخالفت با روند انتخابات جمهوری اسلامی متحد بودند.

گزارش «وال استریت ژورنال» درباره این انتخابات الگوی نگران‌کننده‌ای را منعکس می‌کند که در دیگر نشریات بزرگ مانند «نیویورک تایمز» نیز دیده می‌شود؛ جایی که خبرنگارانی با روابط نزدیک به رژیم اسلامی ایران، روایت‌ها را برای ارائه تصویری گمراه‌کننده و مثبت از ایران تحریف کرده و می‌کنند. این نوع سوء استفاده روزنامه‌نگاری نه تنها غیرقابل قبول بلکه از نشریه‌ای با شهرت «وال استریت ژورنال» بسیار نامیدکننده است. روزنامه‌نگاری دقیق و مسئولانه برای درک امور بین‌المللی ضروری است و رسانه‌ها وظیفه دارند گزارش‌های صادقانه و واقعی ارائه دهند که در آنها به پیچیدگی‌های مسائل مورد نظر پرداخته شود.

*سیمون درایه فعال سیاسی و مدنی

*منبع: آپادانا تلگراف



مسعود پزشک‌ها در روضه خوانی محرم «بیت خامنه‌ای» /
۲۳ تیر ۱۴۰۳

واقعی نیست، بایکوت شد. این موضوع مهم اما در این گزارش حذف شده و به نادرستی حمایت گسترده مردمی از پزشک‌ها را القاء می‌کند. علاوه بر این، هیچ پیشینه‌ای برای توضیح ماهیت غیردموکراتیک این انتخابات به دلیل فرآیند گزینش نامزدهای نهایی توسط شورای نگهبان که عمدتاً شامل ملایانی است که کاندیداها را بر اساس وفاداری به رهبر جمهوری اسلامی انتخاب می‌کنند، ارائه نمی‌شود.

۳- تعهد پزشک‌ها به از سر گرفتن مذاکرات با آمریکا و لغو پلیس امنیت اخلاقی

این ویدیو/مقاله به وعده‌ی پزشک‌ها برای مذاکره با آمریکا جهت رفع تحریم‌ها و وعده‌اش به لغو گشت ارشاد اشاره می‌کند. با این حال، تجزیه و تحلیل جامعی از این وعده‌ها ارائه نمی‌دهد. به ویژه اینکه پزشک‌ها یکی از اولین حامیان حجاب اجباری در جمهوری اسلامی است که تردیدهای مشخصی در مورد صداقت و قابلیت اجرایی بودن وعده‌اش برای حذف گشت ارشاد ایجاد می‌کند. علاوه بر این، به عنوان یک پزشک، او به شدت درباره ممنوعیت معاینه بیماران زن توسط پزشکان مرد تلاش کرده است که بیشتر اثبات می‌کند که او در زمینه تعهد و اعتقاد به احکام شرعی اسلام کمتر از رقبای تندرو یا اصول‌گرایان نیست. این تناقض در گزارش مربوطه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و بینندگان را با درک ناقص و تحریف‌شده از مواضع سیاسی او رها می‌کند.

۴- نادیده گرفتن شدت بحران‌های اقتصادی و نارضایتی عمومی

در حالی که گزارش، به اقتصاد ضعیف ایران و جامعه ناراضی اشاره می‌کند، به حد بودن این مسائل مانند فساد سیستماتیک و مدیریت ناکارآمد نمی‌پردازد. در واقع، بر اساس داده‌های خود رژیم، ۶۵٪ از ایرانیان زیر خط فقر

● گزارش ویدئویی اخیر «وال استریت ژورنال» که درباره انتخابات جمهوری اسلامی در ایران تهیه شده، شامل چندین مورد اطلاعات نادرست و روایت‌های گمراه‌کننده است که با واقعیت‌های سیاسی ایران مغایرت دارد.

● این گزارش تصویری تحریف‌شده از وضعیت سیاسی ایران ارائه می‌دهد و با حذف زمینه‌های مهم به انتشار اطلاعات نادرست می‌پردازد. این رپرتاژ یک گزارش درست از نتایج مربوطه و پیامدهای گسترده آن نیست. روزنامه‌نگاری دقیق و گزارش بدون جانبداری حقایق برای آگاهی عمومی به ویژه هنگام پوشش مسائل پیچیده بین‌المللی ضروریست. لازم است که رسانه‌ها تلاش کنند تا روایت‌های متوازن و واقعی ارائه دهند و استانداردهای روزنامه‌نگاری مسئولانه را حفظ کنند.

سیمون درایه (آپادانا تلگراف) - گزارش ویدئویی اخیر «وال استریت ژورنال» که بر اساس مقاله‌ای از آرزو اقبالی درباره انتخابات جمهوری اسلامی در ایران تهیه شده، شامل چندین مورد اطلاعات نادرست و روایت‌های گمراه‌کننده است که با واقعیت‌های سیاسی ایران مغایرت دارد.

این گزارش تصویری تحریف‌شده از وضعیت سیاسی ایران ارائه می‌دهد و با حذف زمینه‌های مهم به انتشار اطلاعات نادرست می‌پردازد. این رپرتاژ یک گزارش درست از نتایج مربوطه و پیامدهای گسترده آن نیست. روزنامه‌نگاری دقیق و گزارش بدون جانبداری حقایق برای آگاهی عمومی به ویژه هنگام پوشش مسائل پیچیده بین‌المللی ضروریست. لازم است که رسانه‌ها تلاش کنند تا روایت‌های متوازن و واقعی ارائه دهند و استانداردهای روزنامه‌نگاری مسئولانه را حفظ کنند. در اینجا فهرستی از نادرستی‌ها و تحریف‌های موجود در این گزارش آورده شده است:

۱- ادعای نادرست اولین «رئیس جمهور اصلاح‌طلب» در «دو دهه»

مهمترین نادرستی این گزارش، ادعای اینست که مسعود پزشک‌ها اولین رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب در دو دهه اخیر است. این کذب محض است زیرا حسن روحانی، یک اصلاح‌طلب، دو دوره از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ رئیس جمهوری اسلامی بود، درست قبل از رئیس جمهور قبلی، ابراهیم رئیسی، که در حادثه سقوط هلیکوپتر کشته شد. این تحریف واضح واقعیت‌ها، درک بیننده‌ها و خوانندگان «وال استریت ژورنال» را از تاریخ و سیاست‌های رژیم ایران منحرف می‌کند.

۲- ناپدید شدن گمراه‌کننده از مشارکت در انتخابات تیرماه

این ویدیو/مقاله ادعا می‌کند که ایرانیان مسعود پزشک‌ها را با بیش از ۵۳٪ آرا به عنوان رئیس‌جمهور جدید خود انتخاب کرده‌اند؛ ادعایی که توسط رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی گزارش شده که کاملاً نادرست است. این روایت اشاره‌ای به حضور بسیار پایین رأی‌دهندگان نمی‌کند، که در واقع حدود ۱۰٪ بر اساس محاسبات ریاضی‌دانان بی‌طرف است که اعداد گزارش‌شده توسط حکومت را بررسی کرده‌اند. این انتخابات بطور گسترده به عنوان یک نمایش مسخره که به #سیرک_انتخابات معروف شد، از سوی بسیاری از ایرانیان و به دلیل اینکه یک انتخاب دموکراتیک

گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا از «توطئه» حکومت ایران برای ترور ترامپ جمهوری اسلامی تکذیب کرد



دونالد ترامپ نامزد جمهور یخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با گوش پانسیمان شده در نشست ملی جمهور یخواهان (RNC) در ویسکانس / ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۴ / رویترز

اسرائیل، رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک نشست خبری که ششم دی‌ماه ۱۴۰۲ برگزار شد آن عملیات را انتقام خون قاسم سلیمانی دانست اما یک روز بعد حسین سلامی فرمانده کل سپاه در سخنرانی گفت، «طوفان الاقصی مستقل از حرکت ما برای انتقام حاج قاسم است، انتقام حاج قاسم در فضای مخصوص به خود صورت خواهد گرفت.»

انتقام در خاک آمریکا

اسماعیل قاتنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۰ در یک سخنرانی گفته بود، «همه جا لازم نیست ما به صورت مباشر حضور داشته باشیم هر جا که لازم باشد زمینه انتقام از آمریکایی‌ها را از درون خانه‌های خودشان و با افرادی از کنار دست خودشان فراهم می‌کنیم بدون اینکه ما حضور داشته باشیم.» وی در همین سخنرانی به دو نکته دیگر نیز اشاره کرده بود نخست اینکه «اگر عاقلانی در آمریکا پیدا شدند که با کسانی که جنایت ترور سردار سلیمانی را مرتکب شدند برخورد بکنند، این کار برای آمریکا بسیار کم هزینه‌تر است از اینکه فرزندان جبهه مقاومت که هیچ مرزی را نمی‌شناسند خودشان بروند و این انتقام را بگیرند.» قاتنی همچنین تهدید کرد که «ما بچه شیعه‌ها بلدیم چگونه انتقام بگیریم، دیده‌اید نسل‌های قدیم ما چگونه از خاندان بنی‌امیه انتقام گرفته‌اند، عمل مختار سر جای خودش اما نسل‌های گذشته ما ریشه این خاندان را از خاک بیرون آورده و از بین بردند ما دارای یک چنین فرهنگی هستیم.»

پایگاه خبری «پولیتیکو» نیز به نقل از مقامات مطلع گزارش داد، نهادهای اطلاعاتی آمریکا شواهد زیادی به دست آورده‌اند که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در هفته‌های منتهی به انتخابات آمریکا در توطئه برای ترور دونالد ترامپ فعال بوده است.

دو مقام آمریکایی در اینبار گفتند که دولت بایدن اطلاعات را از طریق منابع مختلف از جمله منابع انسانی جمع‌آوری کرده و این اطلاعات با تهدیدات جمهوری اسلامی مربوط به اقدام فیزیکی که می‌تواند به قتل ترامپ بیانجامد مرتبط است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی دخالت در حمله مسلحانه به ترامپ را رد کرد. ناصر کنعانی در این ارتباط توضیح داد، جمهوری اسلامی در پیگرد قضایی ترامپ به دلیل نقش مستقیم او در ترور قاسم سلیمانی «مصمم» است، اما هرگونه مداخله در حمله مسلحانه اخیر علیه ترامپ و یا ادعاها در مورد قصد ایران برای چنین اقدامی را قویاً رد می‌کند و چنین ادعاهایی را دارای اهداف و انگیزه‌های مغرضانه سیاسی می‌داند.

دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نیویورک نیز اعلام کرد که این «اتهامات بی‌اساس و مغرضانه» است. در این بیانیه آمده است: «از نگاه جمهوری اسلامی ترامپ یک مجرم جنایتکار است که به خاطر صدور دستور ترور سردار قاسم سلیمانی باید در دادگاه محاکمه و مجازات شود؛ ایران مسیر حقوقی را برای پاسخگو کردن او انتخاب کرده است.»

بعد از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» حماس علیه

● منابع اطلاعاتی آمریکا سه‌شنبه شب ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیرماه) گزارش دادند که مقامات ایالات متحده در هفته‌های اخیر به اطلاعاتی دست یافته بودند که حاکی از توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ بوده است.

● سی‌ان‌ان با اشاره به اینکه اطلاعات مربوطه درباره طرح جمهوری اسلامی برای قتل ترامپ از سوی یک «منبع انسانی» به دست مقامات آمریکایی رسیده، نوشت: «سرویس مخفی آمریکا» که حفاظت از جان مقامات ارشد را بر عهده دارد به همین دلیل وضعیت امنیتی ترامپ را تقویت کرده بود.

● بر اساس گزارش سی‌ان‌ان وجود این اطلاعات درباره تهدید از سوی «سرویس امنیتی یک کشور خارجی متخاصم» و تقویت وضعیت امنیتی دونالد ترامپ، پرسش‌های جدیدی را درباره خطاهای امنیتی منجر به تیراندازی به سوی او در جریان تجمع انتخاباتی روز ۱۳ ژوئیه (۲۳ تیرماه) مطرح کرده است.

● دو مقام آمریکایی به پولیتیکو گفتند که دولت بایدن اطلاعات را از طریق منابع مختلف از جمله منابع انسانی جمع‌آوری کرده و این اطلاعات با تهدیدهای جمهوری اسلامی مربوط به اقدام فیزیکی که می‌تواند به قتل ترامپ بیانجامد مرتبط است.

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی دخالت در حمله مسلحانه به ترامپ را رد کرد. دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نیویورک نیز اعلام کرد که «اتهامات بی‌اساس و مغرضانه» است.

● منابع اطلاعاتی آمریکا سه‌شنبه شب ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیرماه) گزارش دادند که مقامات ایالات متحده در هفته‌های اخیر به اطلاعاتی دست یافته بودند که حاکی از توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ بوده است.

● سی‌ان‌ان با اشاره به اینکه اطلاعات مورد اشاره درباره طرح جمهوری اسلامی برای قتل ترامپ از سوی یک «منبع انسانی» به دست مقامات آمریکایی رسیده بود، نوشت: «سرویس مخفی آمریکا» که حفاظت از جان مقامات ارشد را بر عهده دارد به همین دلیل وضعیت امنیتی ترامپ را تقویت کرده بود.

● بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، وجود این اطلاعات درباره تهدید از سوی «سرویس امنیتی یک کشور خارجی متخاصم» و تقویت وضعیت امنیتی دونالد ترامپ، پرسش‌های جدیدی را درباره خطاهای امنیتی منجر به تیراندازی به سوی او در جریان تجمع انتخاباتی روز ۱۳ ژوئیه (۲۳ تیرماه) مطرح کرده است.

● با اینهمه به گفته این منابع هنوز هیچ نشانه‌ای مبنی بر ارتباط توماس ماتئو کروکس با برنامه‌های جمهوری اسلامی برای قتل ترامپ وجود ندارد. کروکس ۲۰ ساله چند ثانیه پس از شلیک به ترامپ توسط تک‌تیراندازهای نظامی کشته شد. یک مقام امنیت ملی ایالات متحده گفت که «سرویس مخفی» و ستاد انتخاباتی ترامپ قبل از برگزاری کمپین انتخاباتی در میلوکی از این تهدید مطلع شده بودند.

سایه سیاه جمهوری اسلامی بر کشورهای منطقه با دولت چهاردهم کمرنگ خواهد شد

نقش جمهوری اسلامی در بحران‌های کنونی در خاورمیانه تنها بر سیاست‌های اسرائیل و یا غرب تاثیر نمی‌گذارد. در کشورهای این منطقه نیز مدت‌ها است که که نفوذ جمهوری اسلامی و به ویژه فعالیت‌های نیروی قدس، بازوی منطقه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به بحران‌های داخلی برخی کشورها چون عراق، سوریه و یا لبنان دامن زده است. در لبنان، به استثنا گروهی از مسیحیان که متحد حزب‌الله هستند، دیگران به شدت مخالف نفوذ روزافزون این گروه و حامیان‌اش در تهران هستند. این گروه‌ها و

شدن حسین امیرعبداللہیان سرپرستی وزارت خارجه به عهده‌ی وی گذاشته شده، هنوز هم در جریان است، پذیرفته بود که حماس و حزب‌الله را متقاعد به نرمش بیشتر و کاهش تنش‌ها کند. اگرچه مسئولین آمریکائی ادعا می‌کنند بیش از دو ماه است که با نمایندگان تهران نه مذاکره کرده و نه پیامی رد و بدل شده است.

البته کاهش تنش در منطقه به معنای پایان درگیری‌ها نیست. در حال حاضر نه جمهوری اسلامی و نه اسرائیل هیچکدام علاقه‌ای به پایان بحرانی که با حمله تروریستی

● در کشورهای غربی این توهم وجود دارد که با گزینش مسعود پزشکیان که برخی رسانه‌های اروپائی و آمریکائی او را «میان‌رو» و «اصلاح‌طلب» می‌خوانند، تغییری در سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه روی خواهد داد. ● کاهش درگیری‌ها در مرز اسرائیل و لبنان و اعلام آمادگی حماس برای دستیابی به آتش‌بس با اسرائیل، بخشی از توافق نانوشته‌ای است که قبل از نمایش انتخاباتی تیرماه بین نمایندگان عالی‌رتبه آمریکائی و فرستادگان جمهوری اسلامی، با وساطت مقامات عمانی در مسقط به دست آمده بود.

● البته کاهش تنش در منطقه به معنای پایان درگیری‌ها نیست. در حال حاضر نه جمهوری اسلامی و نه اسرائیل هیچکدام علاقه‌ای به پایان بحرانی که با حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر آغاز شد ندارند.

● ادامه درگیری‌های مرزی حزب‌الله با ارتش اسرائیل می‌تواند در نهایت به جنگی گسترده تبدیل شود که مردم سراسر لبنان چون دو جنگ قبلی در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۸۵ بهای آن را پرداخت خواهند کرد.

● نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه نیز به اختلافاتی شدید در این کشور دامن زده است. آخرین قربانی اختلافات در مورد روابط با جمهوری اسلامی، لونا الشبل، مشاور ویژه بشار اسد است که ۱۲ تیرماه در جریان یک حادثه مشکوک رانندگی کشته شد.

احمد رأفت - پیام‌های مسعود پزشکیان به حزب‌الله لبنان، حماس فلسطینی، حشدالشعبی عراقی و حوثی‌های یمنی در کنار دیدار او با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح بار دیگر نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حمایت از آنچه را مقامات تهران نام «محور مقاومت» بر آن نهاده‌اند، در دستور کار دولت‌های غربی قرار داده است. با اینهمه در کشورهای غربی هنوز این توهم وجود دارد که با گزینش مسعود پزشکیان، که برخی رسانه‌های اروپائی و آمریکائی او را «میان‌رو» و «اصلاح‌طلب» می‌خوانند، تغییری در سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه روی خواهد داد.

برخی از رسانه‌های غربی اظهارات اخیر حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان را مبنی بر اینکه اگر حماس توافق آتش‌بس در نوار غزه را امضا کند، این گروه نیز به آتش‌بس متعهد خواهد بود و حملات موشکی و پهپادی علیه اسرائیل را متوقف خواهد کرد، گامی در جهت تغییر سیاست جمهوری اسلامی در منطقه ارزیابی می‌کنند. همین رسانه‌ها آمادگی گروه تروریستی حماس برای ادامه مذاکرات با میانجیگری چند کشور عربی چون مصر و قطر را نیز نمائی دیگر از تغییرات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با انتصاب مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری قلمداد می‌کنند.

کاهش درگیری‌ها در مرز اسرائیل و لبنان و همچنین آمادگی حماس برای دستیابی به آتش‌بس و آزادی گروگان‌های اسرائیلی، بخشی از توافق نانوشته‌ای است که قبل از نمایش انتخاباتی تیرماه بین نمایندگان عالی‌رتبه آمریکائی و فرستادگان جمهوری اسلامی، با وساطت مقامات عمانی در مسقط به دست آمده بود. جمهوری اسلامی در این مذاکرات که به گفته علی باقری کنی که پس از کشته



علی خامنه‌ای و مسعود پزشکیان در روضه خوانی ماه محرم / ۲۳ تیر ۱۴۰۳

بسیاری از شهروندان لبنانی حزب‌الله را به درستی متهم می‌کنند که منافع کشورشان را فدای سیاست‌های جمهوری اسلامی می‌کنند.

ادامه درگیری‌های مرزی حزب‌الله با ارتش اسرائیل می‌تواند در نهایت به جنگی گسترده تبدیل شود و اولین بار هم نخواهد بود که مردم سراسر لبنان بهای آن را پرداخت خواهند کرد. هنوز دو جنگی که پای ارتش اسرائیل را به خاک لبنان باز کرد از خاطره مردم این کشور، که زمانی از آن با عنوان «عروس خاورمیانه» نام برده می‌شد و بیروت را «پاریس خاورمیانه» می‌خواندند، پاک نشده و آثار ویرانی‌های ناشی از این دو جنگ را می‌توان هنوز هم مشاهده کرد.

جنگ اول اسرائیل و لبنان ۱۶ خرداد ۱۳۶۱ در پی ترور سفیر اسرائیل در لندن به دست تروریست‌های فلسطینی گروه ابونظال آغاز شد. در آن سال ارتش اسرائیل به همراه متحدین مسیحی خود، طی مدت کوتاهی با حملات شدید هوایی و پیشروی سریع نظامی توانست بیروت و قسمت‌هایی از جنوب لبنان را اشغال کرده و نیروهای مسلح فلسطینی را در پایان جنگ مجبور به ترک این کشور کنند. حضور ارتش اسرائیل در بخش‌هایی از لبنان ۳ سال به طول انجامید.

جنگ دوم اسرائیل و لبنان که ۳۳ روز به طول انجامید، در حقیقت جنگی بین ارتش اسرائیل و نیروهای حزب‌الله بود و به مناطق جنوبی این کشور محدود ماند که با قطعنامه

۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۲۵ مرداد ←

حماس در ۷ اکتبر آغاز شد ندارند. در بیش از ۹ ماهی که از آغاز جنگ در غزه می‌گذرد، با وجود ویرانی گسترده در این باریکه و کشته شدن چند ده هزار فلسطینی غیرنظامی، پایان این درگیری‌ها هیچ منفعتی برای جمهوری اسلامی ندارد، چنانکه گسترش دامنه جنگ نیز به نفع کسانی که در تهران قدرت را به دست دارند نیست. هدف رژیم تهران روشن نگاه داشتن شعله جنگی است که موقعیت این رژیم را در مذاکرات بین‌المللی تقویت کند. ادامه این بحران در منطقه این فرصت را نیز برای جمهوری اسلامی به وجود آورده که برنامه‌های هسته‌ای خود را شتاب بخشد. اگر تا قبل از آغاز جنگ در غزه احتمال حمله به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی از سوی اسرائیل یک تهدید جدی بود، امروز این خطر تا زمانی که ارتش این کشور در دو جبهه غزه و لبنان درگیر است، به صورت چشمگیری کاهش یافته است.

از سوی دیگر دولت کنونی اسرائیل نیز خواهان ادامه این موقعیت است. در آخرین نظرسنجی که در اسرائیل از سوی شبکه تلویزیونی کانال ۱۲ صورت گرفته، بیش از ۷۰ درصد از شهروندان این کشور خواهان تغییر دولت هستند. تغییری که تا زمانی که جنگ در غزه به پایان نرسد و درگیری‌ها در مرز با لبنان ادامه پیدا کنند، به سختی می‌تواند انجام پذیرد. جمهوری اسلامی با درگیر کردن اسرائیل در جنگ غزه و در تنش‌های مرزی با لبنان، در عمل بر روابط تل‌آویو و واشنگتن سایه انداخته و بسیاری از دولت‌های اروپائی را به منتقدین سیاست‌های اسرائیل تبدیل کرده و افکار عمومی را علیه دولت بنیامین نتانیاهو تجهیز کرده است.

اقدامات بی‌ثبات کننده روسیه و چین و جمهوری اسلامی ایران برای تضعیف و تغییر نظم بین‌المللی بر امنیت اروپا و آمریکا تأثیر می‌گذارد.

رئیس جمهوری آمریکا در ضیافت پایانی این اجلاس در کاخ سفید گفت که «دیپلماتورها می‌خواهند نظم جهانی را که ۸۰ سال برقرار بوده و همچنان پابرجاست برهم بزنند. گروه‌های تروریستی همچنان به کشیدن نقشه‌های شیطانی، برای ایجاد هرج و مرج ادامه می‌دهند.»
نظر به اینکه سران ناتو بر پایداری خودشان به ماده ۵ این پیمان نظامی (دفاع جمعی اعضای ناتو در صورت حمله نظامی به یک کشور عضو) تأکید کردند، تا چه اندازه آمریکا و ناتو از احتمال یک درگیری در یک رویارویی ترکیبی نگران هستند؟

۴- بند ۹ نه بیانیه پایانی اجلاس تأکید می‌کند که بازدارندگی هسته‌ای سنگ بنای تأمین اتحاد است. هدف اساسی از

الیزابت استینکی سخنگوی فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا: سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی تغییر نخواهد کرد ارزش‌های دموکراتیک برای اعضای ناتو حیاتی است



قابلیت هسته‌ای ناتو حفظ صلح و جلوگیری از حمله نظامی و تجاوز است. آیا برنامه هسته‌ای رژیم ایران نیز موضوع این صحبت‌ها بود؟

همچنین رویکرد نسبت اجلاس نسبت به گزینش مسعود پزشکیان به عنوان رئیس جمهوری اسلامی چه بود؟ آیا انتظار تغییر در مواضع جمهوری اسلامی را دارند؟

۵- یکی از محورهای اصلی این نشست تقویت حمایت و پشتیبانی از اوکراین بود. ناتو جمهوری اسلامی و چین را به خاطر «توانمند کردن» روسیه برای ادامه جنگ اوکراین محکوم کرد. همزمان سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: «تلاش برای مرتبط ساختن جنگ اوکراین به همکاری‌های دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و روسیه، اقدامی صرفاً با انگیزه‌های مغرضانه سیاسی و با هدف مشروع جلوه دادن دخالت‌ها و استمرار کمک‌های تسلیحاتی غرب به اوکراین صورت می‌گیرد.» پاسخ شما چیست؟

دفتر اطلاع‌رسانی و روابط عمومی ریاست جمهوری را بر عهده داشت، در هفته‌های قبل از کشته شدنش در عمل کنار گذاشته شده بود و حق حضور در جلسات با حضور بشار اسد را از دست داده بود. نه تنها لونا الشبل بلکه گروهی دیگر از مشاوران بشار اسد نیز به خواست جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر کنار گذاشته شده‌اند که علی مملوک معاون امور امنیتی ریاست جمهوری و از اعضای شورای مرکزی حزب بعث، و بئینه شعبان مشاور سیاسی بشار اسد از جمله این افراد هستند.

نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف در گفتگویی با الیزابت استینکی مدیر مرکز رسانه‌های بین‌المللی در سفارت ایالات متحده در لندن و همچنین سخنگوی فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا پرسش‌های زیر را با وی مطرح کرده است:

۱- اهمیت کنفرانس سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که به تازگی برگزار شده از دید آمریکا چیست؟
۲ نشست هم برای پیشبرد دستور کار زنان، در جهت صلح و امنیت (WPS) در چارچوب وظایف و مأموریت‌های اصلی ناتو برگزار شد. آیا در این نشست به موضوع آزادی زنان در ایران نیز اشاره شد؟ دستاوردهای این نشست چه بود؟
۳- ناتو با یکی از بزرگترین چالش‌های تاریخ ۷۵ ساله خود روبروست. در بیانیه اجلاس این پیمان نظامی آمده که سران کشورهای عضو ناتو روسیه را مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید برای خود می‌دانند و تأکید کردند که

نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. برخی معتقدند که این بازداشت بی‌ارتباط با حمله هوایی اسرائیل به ساختمانی متعلق به جمهوری اسلامی در دمشق نیست. نیروی قدس که ۷ نفر از فرماندهان‌اش از جمله سرتیپ محمدرضا زاهدی فرمانده ارشد این نیرو در سوریه و لبنان در این حمله هوایی کشته شدند. جمهوری اسلامی منتقدین در سوریه را متهم به همکاری با نهادهای امنیتی اسرائیلی می‌کند. لونا الشبل نیز که بشار اسد را به عنوان مشاور در معدود سفرهای خارجی‌اش همراهی می‌کرد و همچنین ریاست

→ ۱۳۸۵ پایان یافت. این جنگ اگرچه رسماً پایان یافت، ولی در حقیقت هنوز هم ادامه دارد و حزب‌الله هر از چند گاهی، البته به گفته لبنانی‌ها هر زمانی که از تهران دستوری برسد، در نوار مرزی دست به اقداماتی علیه اسرائیل می‌زند که همیشه با واکنش فوری این کشور مواجه می‌شود. به نوعی می‌توان درگیری‌های کنونی را نیز ادامه جنگ ۳۳ روزه‌ای دانست که ۲۳ تیر ۱۳۸۵ آغاز شد.

در پایان آن جنگ جمهوری اسلامی تصمیم گرفت با ارسال ده‌ها هزار موشک، راکت و پهپاد حزب‌الله را در موقعیتی قرار دهد که بتواند هر زمانی احتیاج داشت با حملاتی به شمال اسرائیل، ارتش این کشور را مشغول سازد. در روزهای گذشته بار دیگر اخباری مبنی بر انبار کردن موشک‌ها و تسلیحات ارسالی جمهوری اسلامی در فرودگاه «رفیق حریری» بیروت انتشار یافت. خبری که ساکنان بیروت و حومه جنوبی پایتخت لبنان را وحشت‌زده کرده است. این فرودگاه ۶ کیلومتر بیشتر از بیروت فاصله ندارد و انفجار در این انبار می‌تواند فاجعه‌ای را مشابه آنچه در ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ در بندر بیروت رخ داد رقم بزند.

یک انبار متعلق به حزب‌الله در بندر بیروت، در عصر روز ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ منفجر شد. شدت این انفجار در حدی بود که ساختمان‌های زیادی در منطقه اشرفیه ویران شدند. موج ناشی از انفجار باعث کشته شدن ۲۲۰ نفر و زخمی شدن حدود ۷۰۰۰ نفر و مفقود شدن بیش از ۱۱۰ نفر شد. بر اساس آمار منتشر شده توسط مقامات لبنانی، بیش از ۳۰۰ هزار نفر بر اثر این انفجار بی‌خانمان شده و بخش مهمی از بندر بیروت تخریب شد. از این انفجار به عنوان یکی از قوی‌ترین انفجارهای غیرهسته‌ای تاریخ یاد می‌شود. حالا حزب‌الله در ماه‌های گذشته با پروازهای مستقیم از تهران چندین هزار موشک، راکت و قطعات پهپاد دریافت کرده که بسیاری از آنها در فرودگاه نزدیک بیروت انبار شده‌اند.

خبرگزاری رویترز در گزارشی به زرادخانه حزب‌الله اشاره می‌کند و می‌نویسد این گروه شبه‌نظامی که بر مبنای اطلاعات سازمان سیا می‌تواند روی ۴۵ هزار فرد مسلح دوره‌دیده حساب کند، امروز مجهز به موشک الماس (هوا به زمین و زمین به زمین با برد ۸ کیلومتر)، موشک «فاتح» ۱۱۰ (موشک بالستیک دو مرحله‌ای با سوخت جامد زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتری) موشک نقطه‌زن «رعد»، راکت‌های توپخانه‌ای «فجر»، موشک‌های «زلزال» (با بُرد ۱۵۰ کیلومتری و نمونه‌های پیشرفته آن با بُرد ۳۵۰ کیلومتری) و موشک «برکان» (موشک بالستیک کوتاه‌برد) است. اخیراً جمهوری اسلامی از روسیه موشک‌های قدرتمند ضد کشتی «یاخوت» را نیز خریداری کرده و به لبنان فرستاده است.

در این میان، نفوذ و حضور جمهوری اسلامی در سوریه نیز به اختلافاتی شدید در این کشور دامن زده است. آخرین قربانی اختلافات در مورد روابط با جمهوری اسلامی، لونا الشبل، مشاور ویژه بشار اسد است که ۱۲ تیرماه در جریان یک حادثه مشکوک رانندگی کشته شد. کم نیستند در داخل نظام حاکم بر سوریه و در جبهه مخالفان بشار اسد که این حادثه را مانند سقوط هلی‌کوپتر ابراهیم رئیس‌ی، مشکوک ارزیابی می‌کنند. یک هفته قبل از کشته شدن لونا الشبل، مقامات سوری از سفر این روزنامه‌نگار سابق شبکه الجزیره و همسرش عمار ساعاتی به روسیه برای گذراندن تعطیلات تابستانی در خانه‌شان در شهر بندری سوچی در کنار دریای سیاه جلوگیری کرده بودند. عمار ساعاتی عضو کمیته رهبری حزب بعث سوریه است و اخیراً در گفتگوهای از لزوم بازنگری در روابط با جمهوری اسلامی صحبت کرده بود. در روزهای قبل از این حادثه، سرتیپ ملهم الشبل، برادر لونا، به اتهام «تماس با دولت‌های دشمن سوریه» توسط

مای ساتو گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران پس از جاوید رحمان

دادگاه اجرا شده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل شکنجه گسترده زندانیان سیاسی را نیز نشانه‌ای از «جنایت علیه بشریت» و «اقدام خصمانه» جمهوری اسلامی علیه زندانیانی خوانده که به دلیل اختلاف عقیده سیاسی با حکمرانان جمهوری اسلامی مورد آزار و مجازات قرار گرفتند.

جاوید رحمان همچنین با اشاره به اینکه بخش زیادی از اعدام‌ها و خاکسپاری پیکر اعدام‌شدگان در ساز و کاری مخفیانه از سوی حکومت انجام شده تأکید کرده جمهوری اسلامی از هرگونه اطلاع‌رسانی در اینباره از جمله ارائه مشخصات محل دفن اعدام‌شدگان خودداری کرده است. او در بخشی از گزارش خود به خانواده‌ها و بازماندگان اعدام‌های دهه شصت پرداخت و گفت بازماندگان این قربانیان همچنان با پیامدهای کشته‌شدن عزیزانشان دست و پنجه نرم می‌کنند.

یکی دیگر از مهمترین گزارش‌های جاوید رحمان در طول مأموریت شش ساله به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران به سرکوب شهروندان در اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ مربوط است.

«وضعیت غیر انسانی و غیر بهداشتی بازداشتگاه‌ها»، «شکنجه، بدرفتاری و آزار جنسی شهروندان بازداشت شده»، «اختلالات گسترده در اینترنت و فیلترینگ پلتفرم‌های اجتماعی»، «آزار و ارباب خانواده جانباختگان اعتراضات»، «محاکمه ناعادلانه شهروندان در دادگاه‌های انقلاب»، «صدور و اجرای احکام اعدام» «اخذ اعترافات اجباری از بازداشت‌شدگان» از دیگر موارد نقض حقوق بشر است که در گزارش مربوطه به آنها اشاره شده است.

او در این گزارش با اشاره به بازداشت بیش از ۱۸ هزار نفر از جمله مدافعان حقوق بشر، دانشجویان، وکلای روزنامه‌نگاران، فعالان جامعه مدنی، هنرمندان و ورزشکاران، نسبت به بدرفتاری با کودکان و دانش‌آموزان ابراز نگرانی کرده بود.

جاوید رحمان به شکنجه و بدرفتاری با معترضان، از جمله سوء استفاده جنسی پرداخته و بازداشت حداقل ۱۷۰ زن مدافع حقوق بشر و ۴۵ وکیل را نقض واضح آزادی بیان از سوی جمهوری اسلامی دانست.

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران تأکید کرده بود که سیاست آشکار حکومت جمهوری اسلامی در برابر این اعتراضات نقض شدید حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، حق عدم شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، حق قرار نگرفتن در معرض تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، بوده است.

جاوید رحمان افزوده بود که دامنه و ابعاد سرکوب‌ها، آزارها و نقض حقوق انسانی از جمله کشتار، حبس، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و تجاوز جنسی به حدی است که ممکن است در زمره ارتکاب جرائم بین‌المللی، به ویژه جنایت علیه حقوق بشر قرار گیرد.

گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران همچنین خواستار اتحاد جامعه بین‌المللی برای پاسخگو کردن حکومت جمهوری اسلامی در قبال نقض فاحش حقوق بشر در ایران از طریق یک ساز و کار قانونی شده بود.



مای ساتو

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران موظف است سالانه دو بار درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر گزارش ارائه داده و منتشر کند.

جاوید رحمان رئیس دانشکده حقوق دانشگاه برونل لندن و استاد حقوق اسلامی، شریعت اسلامی و فعال حقوق بشر پاکستانی- بریتانیایی در ژوئن ۲۰۱۸ به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران معرفی شد. این مأموریت فروردین ۱۴۰۳ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای یک سال دیگر تمدید شد.

جاوید رحمان خرداد امسال در آخرین گزارش درباره وضعیت حقوق بشر در ایران که در در پنج‌ماه و ششمین نشست جنبی شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد به کشتار زندانیان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی در دهه شصت خورشیدی توسط جمهوری اسلامی پرداخت و آن را «جنایت شنیع علیه بشریت و نسل‌کشی» خواند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل تأکید کرد که «نسل‌کشی» به شیوه‌های مختلف علیه اقلیت‌های مذهبی به ویژه بهائیان از سوی جمهوری اسلامی انجام شده و بهائیان تنها به واسطه اینکه اقلیت مذهبی هستند «هدف» قرار گرفته‌اند.

قتل، اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی، اسارت و زندانی شدن بهائیان، ناپدید شدن اجباری و شکنجه هزاران زندانی سیاسی و اقلیت مذهبی در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

او در این گزارش تأکید کرده که اعدام‌های دهه شصت از جمله شامل زنانی می‌شد که بعضی از آنها پیش از اعدام مورد تجاوز قرار گرفته بودند. تعداد زیادی نوجوان زیر ۱۸ سال که کودک محسوب می‌شدند هم جزو اعدام‌شدگان بودند. وی گفت بسیاری از احکام اعدام حتی بدون برگزاری

● مای ساتو یکی از پژوهشگران برتر نقض حقوق بشر در آسیا به شمار می‌رود. او حقوقدان، پژوهشگر ارشد جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی است.

● مای ساتو قبلاً به عنوان پژوهشگر و دانشیار در دانشگاه ملی استرالیا و همچنین استاد و دانشیار در دانشگاه ریدینگ و افسر تحقیقاتی آکسفورد- هاوارد بریتانیا و نیز عضو فوق دکتری دانشگاه آکسفورد در بریتانیا فعالیت داشته است.

● مای ساتو هفتمین گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران است. مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران سه ساله است و برای سه سال نیز قابل تمدید است.

● مأموریت جاوید رحمان رئیس دانشکده حقوق دانشگاه برونل لندن و استاد حقوق اسلامی، شریعت اسلامی و فعال حقوق بشر پاکستانی- بریتانیایی که در ژوئن ۲۰۱۸ به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران معرفی شده بود، اواخر ماه ژوئیه پایان می‌یابد.

با پایان مأموریت شش ساله جاوید رحمان به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، مای ساتو جامعه‌شناس، حقوقدان و جرم‌شناس ژاپنی جانشین او شد.

مأموریت جاوید رحمان به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران آخر ژوئیه ۲۰۲۴ پایان می‌یابد و شورای حقوق بشر سازمان ملل مای ساتو را جایگزین او کرد. مای ساتو یکی از ۱۱ کاندیدای این پُست و در میان سه گزینه نهایی منتخب قرار داشت.

بر اساس گزارش‌ها رئیس شورای حقوق بشر، عمر زنیبر از مراکش بطور رسمی مای ساتو را گزینه برتر برای گزارشگری ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران اعلام کرده است. مای ساتو از ابتدای اوت ۲۰۲۴ کار خود را آغاز خواهد کرد.

مای ساتو یکی از پژوهشگران برتر نقض حقوق بشر در آسیا به شمار می‌رود. او حقوقدان، پژوهشگر ارشد جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی است.

مای ساتو برنده جایزه جرم‌شناسان جوان ژاپن در سال ۲۰۱۴ و در حال حاضر دانشیار دانشگاه معتبر موناش استرالیا است.

او قبلاً به عنوان پژوهشگر و دانشیار در دانشگاه ملی استرالیا و همچنین استاد و دانشیار در دانشگاه ریدینگ و افسر تحقیقاتی آکسفورد- هاوارد بریتانیا و نیز عضو فوق دکتری دانشگاه آکسفورد در بریتانیا فعالیت داشته است.

او همچنین به عنوان پژوهشگر در مؤسسه تحقیقات سیاسی جنایت و عدالت در بریتانیا، دانشجوی فوق دکتر در مؤسسه ماکس پلانک برای حقوق جزای خارجی و بین‌المللی در آلمان و کارشناس بین‌المللی برنامه توسعه سازمان ملل در ترکیه کار کرده است.

مای ساتو هفتمین گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران است. مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران سه ساله است و برای سه سال نیز قابل تمدید است.

حمله به سه کشتی در دریای سرخ

وزارت خارجه آمریکا: «سپاه قدس» تجهیزات پیشرفته‌تر در اختیار حوثی‌ها قرار داده است



کشتی اسرائیلی MT Bentley

به صورت قاچاق برای حوثی‌ها ارسال می‌کند، این امر امکان پیشرفت قابلیت‌های نظامی حوثی‌ها را فراهم کرده است.» بر اساس اطلاعات این بیانیه «از ۳۰ آوریل ۲۰۲۴ تا امروز، حوثی‌ها از موشک‌های بالستیک و کروز عرضه شده توسط جمهوری اسلامی ایران جهت انجام حداقل ۱۰۰ حمله علیه اهداف زمینی مستقر در اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، یمن و همچنین حداقل ۵۶ حمله علیه کشتی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن استفاده کرده‌اند. ارائه موشک‌ها و قطعات آنها توسط [رژیم] ایران به حوثی‌ها بیانگر پیشرفته‌ترین سلاح‌هایی است که ایران در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد.»

حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ بعد از واکنش اسرائیل به عملیات تروریستی حماس در «هفت اکتبر» آغاز شد اما پس از آن اوج گرفت که علی‌خامنه‌ای دست‌کم در سه سخنرانی علنی از نیروهای «مقاومت» خواست تا شریان‌های اقتصادی اسرائیل را قطع کنند. در ماه‌های اخیر اتحادیه اروپا، کشورهای «گروه هفت» و اعضای شورای امنیت سازمان ملل بارها بطور جداگانه از جمهوری اسلامی خواسته‌اند پشتیبانی از حوثی‌ها در حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ را متوقف کند اما این درخواست‌ها بی‌نتیجه مانده است. آمریکا حتا بارها از جمهوری خلق چین خواست برای مهار حوثی‌ها با فشار به رژیم ایران کمک کنند اما فایده نداشت. در شرایطی که اسرائیل عزم خود را برای نابودی حماس در غزه جزم کرده و حزب‌الله لبنان محتاطانه با اسرائیل می‌جنگد بار درگیری با غربی‌ها در خاورمیانه به دوش حوثی‌ها انداخته شده و آنها نیز برای پیاده کردن این مأموریت سنگ تمام گذاشته‌اند هرچند که برخی تحلیلگران معتقدند اگر حوثی‌ها بازوی نظامی جمهوری اسلامی در دریای سرخ هستند اما در نهایت کارت بازی روسیه علیه منافع غرب‌اند و نوکری ولادیمیر پوتین را می‌کنند.

پاناما و زیر نظر موناکو فعالیت می‌کند و از روسیه به چین حرکت می‌کند و محموله آن «روغن نباتی» بوده است. همچنین طبق اعلام سنتکام، کشتی «کایوس لاین» حامل نفت خام متعلق به جزایر مارشال با پرچم لیبریا در دریای سرخ حرکت می‌کرد که هدف حمله یک قایق انتحاری قرار گرفت. در بیانیه سنتکام تأکید شده «این رفتار شرورانه و غیرمستولانه حوثی‌های مورد حمایت رژیم ایران، ثبات منطقه را تهدید کرده و جان دریانوردان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد.» حوثی‌ها ادعا می‌کنند که به نمایندگی از فلسطینی‌ها در غزه عمل می‌کنند. این در حالیست که در عمل جان اتباع کشورهای دیگر را که هیچ ارتباطی با درگیری‌های غزه ندارند، هدف قرار داده و تهدید می‌کنند.

شبه‌نظامیان حوثی سه‌شنبه ۱۹ تیرماه اعلام کردند دو کشتی از جمله «سنتوزا» متعلق به شرکت «مرسک»، در دریای عرب و یک کشتی دیگر را در خلیج عدن هدف قرار دادند. یحیی سریع سخنگوی حوثی‌ها در بیانیه‌ای ویدئویی اعلام کرد این شبه‌نظامیان با موشک‌های بالستیک و کروز کشتی آمریکایی سنتوزا را در دریای عرب هدف قرار داده‌اند. یحیی سریع همچنین گفت: کشتی «ماراتوپلیس» نیز به علت ورود به بنادر اسرائیلی، هدف حمله پهپادی در دریای عرب قرار گرفته است. سخنگوی حوثی‌ها می‌گوید یک کشتی اسرائیلی به نام «ام‌اس‌سی پاتناری» نیز در حملات پهپادی این گروه در خلیج عدن هدف حمله قرار گرفته است.

بر اساس گزارش منابع غیررسمی طی ماه‌های اخیر بیش از ۱۰۰ کشتی در محدوده دریای سرخ، باب‌المندب و خلیج عدن هدف حملات حوثی‌ها قرار گرفته‌اند. همزمان با اوج گرفتن حملات حوثی‌ها وزارت خارجه آمریکا ۲۵ تیرماه در بیانیه‌ای اعلام کرد، «از سال ۲۰۱۵ تا امروز، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تسلیحات و قطعات آنها را

● بر اساس گزارش منابع خبری، نفتکش «کایوس لاین» دوشنبه شب ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) با یک قایق بمب‌گذاری شده در دریای سرخ هدف حمله قرار گرفته است. همزمان کشتی باری «بنتلی» و کشتی «کایوس لاین» نیز با پهپاد (یا موشک بالستیک) و قیاق انتحاری مورد اصابت قرار گرفتند. فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) اعلام کرد تانکر «ام‌تی بنتلی» متعلق به اسرائیل است که با پرچم پاناما و زیر نظر موناکو فعالیت می‌کند و از روسیه به چین حرکت می‌کند و محموله آن «روغن نباتی» بوده است. ● در بیانیه سنتکام تأکید شده «این رفتار شرورانه و غیرمستولانه حوثی‌های مورد حمایت رژیم ایران، ثبات منطقه را تهدید کرده و جان دریانوردان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد.»

● همزمان با اوج گرفتن حملات حوثی‌ها وزارت خارجه آمریکا ۲۵ تیرماه در بیانیه‌ای اعلام کرد، «از سال ۲۰۱۵ تا امروز، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تسلیحات و قطعات آنها را به صورت قاچاق برای حوثی‌ها ارسال می‌کند، این امر امکان پیشرفت قابلیت‌های نظامی حوثی‌ها را فراهم کرده است.» حملات شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به کشتی‌ها و نفتکش‌ها به شدت افزایش پیدا کرده و شواهد نشان می‌دهد در مقایسه با ماه‌های قبل از تسلیحات دقیق‌تری برای حمله استفاده می‌کنند.

بر اساس گزارش منابع خبری، نفتکش «کایوس لاین» دوشنبه شب ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) با یک قایق بمب‌گذاری شده در دریای سرخ هدف حمله قرار گرفته است. همزمان کشتی باری «بنتلی» و کشتی «کایوس لاین» نیز با پهپاد (یا موشک بالستیک) و قیاق انتحاری مورد اصابت قرار گرفتند. فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) اعلام کرد تانکر «ام‌تی بنتلی» متعلق به اسرائیل است که با پرچم

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۸)

بازنشر



الاهه بقراط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

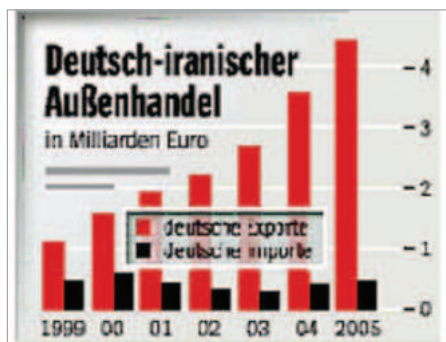
بخش هشتم و آخر

اشپیگل آنلاین همچنین می‌نویسد: «در حال حاضر با پلاکاردهای «مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا» دهها هزار ایرانی در تهران راهپیمایی می‌کنند و خواهان نابودی اسرائیل می‌شوند. رئیس جمهوری احمدی نژاد در این تظاهرات مردم را به «آزادی قدس» [اورشلیم] فرا خواند» (۲۸ اکتبر ۲۰۰۵). لیکن هنگامی که رسانه‌های غربی هرگز درباره اعتراضات سیاسی و اجتماعی در ایران گزارش نمی‌دهند چگونه می‌توانند انتظار داشته باشند که چنین تظاهرات ضد اسرائیلی و ضد غربی در تهران تنها تصویر بازتاب دهنده ایران نباشد؟ دگردانیشان ایرانی چگونه و با کدام پشتیبانی از سوی غرب و جهان آزاد می‌توانند نیروی مستقل خویش را ادعا کنند؟

تعجبی ندارد که تظاهرات ضد اسرائیلی حتی در برلین هم برگزار می‌شود. در روز «قدس»، روزی که پس از انقلاب اسلامی توسط خمینی در آخرین جمعه ماه رمضان جشن گرفته می‌شود، صدها تظاهر کننده علیه اسرائیل در خیابان‌های برلین به راهپیمایی پرداختند (۲۰۰۵). این روز باید هر سال به یاد مسلمانان جهان بیاورد که دولت اسرائیل باید از بین برود.

در دوران «اصلاح طلبان» نیز روز «قدس» نه تنها حذف نشد بلکه از سوی دولت سازماندهی می‌گشت. با تغییر دولت در آلمان و تقریباً همزمان در خود ایران، دوران خوش و بش سیاسی بین دو کشور رو به پایان رفت. لیکن آلمان همچنان پس از ایتالیا دومین شریک اقتصادی جمهوری اسلامی باقی ماند و این در حالیست که در فاصله بین ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ اعتبارات تضمین‌های مربوط به صادرات در رابطه با معاملات ایران به شدت کاهش یافت.

نمودار زیر، حجم مبادلات بازرگانی ایران و آلمان را در فاصله سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد. رنگ قرمز نشان‌دهنده حجم صادرات آلمان به ایران و رنگ سیاه نشان‌دهنده حجم واردات آلمان از ایران است (منبع: اتاق بازرگانی آلمان).



در دوران احمدی نژاد نیز مبادلات بازرگانی به نحو احسن ادامه می‌یابند. اشپیگل می‌نویسد: «تجارت شرکت‌های آلمانی در حکومت ملایان اتفاقاً به دلیل ستیزه

بیست و چهار ساعته اخبار، تحلیل، گفتگو و تفسیر در اختیار همه کسانی قرار می‌دهد که دسترسی به اطلاعات سریع برایشان اهمیت دارد و یا می‌خواهند از رویدادهای



جهان بلافاصله با خبر شوند». لیکن ظاهراً اعتراضات سیاسی و اجتماعی در ایران جزو «رویدادهای جهان» به شمار نمی‌آیند.

تنها هنگامی که احمدی نژاد درباره اسرائیل حرف می‌زند، غرب و به ویژه آلمانی‌ها به شدت عصبانی می‌شوند: «رئیس جمهوری ایران قصد دارد اسرائیل را از نقشه جهان محو کند. محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران همه را به نابودی اسرائیل فرا خواند. پس از سال‌ها، این نخستین بار

این عکس مربوط به مجله اشپیگل شماره ۳۴ به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ است. این مجله را یکی از خوانندگان گرامی این سایت از کتابخانه شخصی خود در اختیار «ژورنالیست» گذاشته است که همین جا صمیمانه از وی سپاسگزاری می‌شود.

در بخش پیش خواندید که برنامه اتمی تبدیل به فاکتور اصلی در خبررسانی آلمان شد و در عین حال دفاع از «اصلاحات» توسط دولت آلمان با روی کار آمدن دولت نهم به شکست انجامید.

در بخش پایانی این گزارش به تغییر چهارچوب‌های ژورنالیستی از جمله در اشپیگل پرداخته می‌شود و طرح این پرسش که خبررسانی کشورهای آزاد و دموکراتیک تا چه اندازه به گسترش دموکراسی در کشورهای در حال رشد، از جمله در ایران، یاری می‌رساند.

در دوران محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری جدید نیز که در تابستان ۲۰۰۵ گزینش شد، آلمان تلاش می‌کند مناسبات «عادی» خود را با ایران حفظ کند. این تلاش در مجموعه خبررسانی آلمان نیز هویداست. به ویژه در طول دو سال آخر دومین دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و در حدود یک و نیم سالی که از آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد می‌گذشت، صدها اعتراض و تظاهرات از سوی زنان، دانشجویان، آموزگاران و کارگران وجود داشت که درباره آنها یا اصلاً گزارش داده نشد و یا بسیار کم در رسانه‌های آلمان بازتاب یافتند. حال آنکه این رویدادها را می‌توان خیلی ساده در اینترنت پیگیری کرد. رویدادهای ایران توسط هزاران ایرانی در داخل و در تبعید همراه با متن و تصویر و به زبان‌های مختلف در اینترنت منتشر می‌شوند. این توقع به ویژه زمانی بجا به نظر می‌رسد که در اشپیگل

۲,۳۳۴ (افزایش ۱۶ درصدی) ۳۲۰ (کاهش ۲۱ درصدی)	صادرات به ایران واردات از ایران	۲۰۰۲
۲,۶۷۸ (افزایش ۲۰ درصدی) ۲۹۰ (کاهش ۹ درصدی)	صادرات به ایران واردات از ایران	۲۰۰۳
۳,۵۷۴ (افزایش ۳۳ درصدی) ۳۹۱ (افزایش ۳۵ درصدی)	صادرات به ایران واردات از ایران	۲۰۰۴
۴,۴۲۹ (افزایش ۲۴ درصدی) ۴۶۲ (افزایش ۱۸ درصدی)	صادرات به ایران واردات از ایران	۲۰۰۵

است که یک مقام عالی‌رتبه ایران در ملاء عام خواهان نابودی اسرائیل شده است. اظهارات وی سبب خشم جهانیان شد» (۲۸ اکتبر ۲۰۰۸).

آنلاین می‌خوانیم این مجله اینترنتی «نقش پیش‌تاز را در خبررسانی به زبان آلمانی در اینترنت دارد: سریع، تازه، مشروح، مستدل و سرگرم کننده. سردبیری این سایت بطور

دولت انتصابی پزشکيان، باتلاق اصلاحات و جمهوری اسلامی است



مسعود پزشکیان در کارزار انتخاباتی

وجود برجام و با وجود آنکه حکومت «گشایش»‌هایی داشت اما آزاد ساختن نسبی قیمت‌ها، حذف «ارز جهانی‌گیری» و کوپنی کردن برخی کالاها و کلاهبرداری بزرگ در بورس تا حدودی از انفجار بحران گریختند.

ایران در همان سال اول دولت پزشکیان با اولین موج جدید تورم، فساد، تداوم انسداد اینترنت حتا با شدت بیشتر و اعتراضات علیه مهندسین «انتخابات» مواجه می‌شود و سیلی محکم‌تری از مردم خواهند خورد که موج جدید ریزش و قیام ملی مردم را در پی دارد و می‌تواند گام دیگری برای پایان دادن به کابوس جمهوری اسلامی باشد و میخ آخر را بر تابوت رژیم بکوبد. آنها با حربه قوم‌گرایی پزشکیان را روی کار آوردند اما آنچه اتفاق خواهد افتاد پیوند میان مردم علیه حکومتی است که نمی‌تواند رفاه نسبی آنها را تأمین کند. طولی نخواهد کشید که همگان متوجه شوند درد ایران یک درد ملی و راهکارش حکومت ملی است.

برنده «سیرک انتخابات» با اینکه حکومت همه توان خود را برای مهندسی آن با عددسازی به کار گرفت، مردم ایران و اپوزیسیون هستند. آمار و ارقام نشان می‌دهد در جامعه میل به سرنگونی جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده است. طبق آنچه خودشان اعلام کردند - که قطعاً معتبر نیست و آمار مشارکت بسیار کمتر بوده - در این سیرک، پزشکیان کمتر از ۱۴ میلیون رای آورد! در حالی که طبق آمار حکومتی احمدی‌نژاد در سال ۸۴ بیش از ۱۷ میلیون رأی و رئیسی ۱۸ میلیون رأی داشت! جمعیت ایران بیش از ۹۰ میلیون نفر و واجدین شرکت در انتخابات بیش از ۶۲ میلیون نفر بودند. این برای حکومت یعنی تهدید امنیتی از درون!

*امیر مقدم روزنامه نگار، مدیر روابط عمومی و رابط پارلمانی معاونت اجرایی ریاست جمهوری دولت یازدهم و از مسئولین ستاد موسوی در سال ۸۸ است و سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کند.

● اینکه دولت پزشکیان منصوب خامنه‌ای و مافیا است بر کسی پوشیده نیست، بنابراین آشکارا و امدار مفسدان و دلال‌های گردن کلفت و قوم‌گرایان است و بدیهی است، اولین اقدام او پرداخت بدهکاری به همین گروه‌ها و کسانی است که منصوبش کرده‌اند و درواقع اسم او را از صندوق رأی بیرون کشیدند.

● قابل پیش‌بینی است دولت پزشکیان بعد از استقرار، اولین کارش افزایش قیمت نان، بنزین، آب و برق است که ناگزیر از انجام آن است.

● ایران در همان سال اول دولت پزشکیان با اولین موج جدید تورم، فساد، تداوم انسداد اینترنت حتا با شدت بیشتر و اعتراضات علیه مهندسین «انتخابات» مواجه می‌شود و سیلی محکم‌تری از مردم خواهند خورد که موج جدید ریزش و قیام ملی مردم را در پی دارد و می‌تواند گام دیگری برای پایان دادن به کابوس جمهوری اسلامی باشد و میخ آخر را بر تابوت رژیم بکوبد.

امیر مقدم - اینکه دولت پزشکیان منصوب خامنه‌ای و مافیا است بر کسی پوشیده نیست، بنابراین آشکارا و امدار مفسدان و دلال‌های گردن کلفت و قوم‌گرایان است و بدیهی است که اولین اقدام او پرداخت بدهکاری به همین گروه‌ها و کسانی است که منصوبش کرده‌اند و درواقع اسم او را از صندوق رأی بیرون کشیدند.

پزشکیان مجبور است به آنها باج دهد و تا پایان دولت‌اش هم این روند ادامه خواهد داشت و هر جا هم که خلاف این عمل کند به مشکل می‌خورد.

قابل پیش‌بینی است دولت پزشکیان بعد از استقرار، اولین کارش افزایش قیمت نان، بنزین، آب و برق است که ناگزیر از انجام آن است. اصلاً یکی از دلایل محبوبیت او نزد خامنه‌ای همین شعار بنزین ۲۰ هزار تومانی از دوره قبل و بنزین ۵۰ هزار تومانی در این دوره است که به ویژه از سوی مشاوران و اطرافیان وی مطرح شد. پُرواضح است که این شعار و تأکید بر مراتب چاکری به خامنه‌ای در ایام تبلیغات انتخاباتی رأی نمی‌آورد و فقط پیام به حکومت بود. مصرف روزانه بنزین در ایران ۱۳۰ میلیون لیتر است و به صورت تصاعدی سالی ۲۰ درصد بالا می‌رود. سال ۹۸ که بنزین را به سه هزارتومان افزایش دادند، قیمت دلار ۱۳ هزارتومان بود و هر لیتر بنزین را ۵۰۰ تومان یعنی حدود چهار سنت به عراق و سوریه و... صادر می‌کردند! حالا اگر با افزایش نجومی قیمت به ۲۵ هزار تومان، یا حتا ۱۰ هزار تومان موفق شوند ۵۰ میلیون لیتر بنزین را لیتری حدود پنج سنت بفروشند و به قیمت همان قیمت قرارداد منعقد شده در دولت روحانی صادر کنند حدود ۷۵ میلیون دلار در ماه درآمد خواهند داشت که حدود ۹۰۰ میلیون دلار در سال خواهد شد. حال اگر بتوانند در شرایط جدید ۵۰ میلیون لیتر را روزانه به قیمت مثلاً ۵۰ سنت صادر کنند، درآمد آنها ۷۵۰ میلیون دلار در ماه و ۹ میلیارد دلار در سال خواهد بود!

طبق اعلام روزنامه «فاینشال تایمز» فروش نفت ایران ۳۵ میلیارد دلار در سال بوده در نقطه اوج خود، یعنی از محل افزایش قیمت بنزین حدود یک چهارم درآمد فروش نفت را به دست می‌آوردند که روشن است قابل چشم‌پوشی نیست! یادمان نرود در دولت دوم روحانی در همان سال ۹۸ با

جوبی‌های رییس جمهوری ایران بیش از پیش شکوفا می‌شود» (فشار شدید بر ایران: ۲۹ آوریل ۰۶). با این همه سیاستمداران آلمانی، دولت‌مردی چون رفسنجانی را که در دادگاه می‌کونوس برلین محکوم شده بود، ترجیح می‌دادند. رسانه‌های آلمان در جدیدترین انتخابات مجلس خبرگان روی رفسنجانی و «یاران عمل‌گرای» او سرمایه گذاشتند: «عمل‌گرایان محافظه کار پیرامون رییس جمهوری پیشین، علی‌اکبرهاشمی‌رفسنجانی، و رییس هیئت نمایندگی مذاکرات اتمی، حسن روحانی، می‌خواهند از پیروزی فراکسیون یزدی (یک دار و دسته محافظه کارتر) جلوگیری کنند. آنها در اتحاد با محافظه کاران معتدل، امیدوارند با ترغیب طرفداران خود که چندان علاقه‌ای به شرکت در انتخابات نشان نمی‌دهند، بتوانند اکثریت را در مجلس خبرگان به دست آورند» (جنگ قدرت ملایان: ۱۱ دسامبر ۰۶).

با این همه همچنان گزارش‌های مربوط به برنامه اتمی رژیم ایران در مرکز توجه خبرسانی اشپیگل قرار دارد و این در حالیست که توجه جهان کمی پیش از آغاز جنگ عراق به آن جلب شده بود. افکار عمومی جهان در سال ۲۰۰۲ بود که از برنامه اتمی مخفی رژیم ملایان در ایران با خبر شد.

در نگاه کلی، بیشتر گزارش‌ها از سال ۱۹۹۷ تا پایان ۲۰۰۶ در آلمان درباره اصلاحات، تروریسم و برنامه‌های اتمی هستند. در یک مقایسه، دموکراسی، حقوق بشر و اعتراضات اجتماعی زنان، جوانان، دانشجویان، آموزگاران و کارگران که از سال‌ها پیش برای به دست آوردن حقوق خود مبارزه می‌کنند، کمتر جایی در خبرسانی آلمان می‌یابند.

با ریاست جمهوری احمدی نژاد برخی چیزها تغییر کرد و این در حالیست که نظام حکومت الله همان نظامی است که در «دوران اصلاحات» بود. این اما در این واقعیت تغییری نمی‌دهد که هنوز و همچنان درصد کمی از اخبار، از جمله در اشپیگل، به دموکراسی و حقوق بشر در ایران اختصاص یابد. اگرچه بر شمار اخبار نقض حقوق بشر افزوده می‌گردد، لیکن درست مانند گذشته، اخبار و گزارش‌ها در همان محدوده پیشین دور می‌زنند و بر اساس جهت‌های سیاسی در قاب‌های معین گزینش می‌گردند. آن اخبار و گزارش‌هایی که در قاب‌های جدید نمی‌گنجند، طبیعتاً راهی به دایره خبرسانی رسمی نمی‌یابند.

اعطای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی (۱۰ اکتبر ۲۰۰۳) خبرهای زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. به گزارش اشپیگل آنلاین، شیرین عبادی خواهان اصلاحات «جدی و بنیادین» است. او در پی لغو سنگسار و قصاص در ایران است. او می‌گوید جمهوری اسلامی برای بقا باید تحول یابد. رژیم ایران اما بی‌اعتنا به این مطالبات و بدون تن دادن به هرگونه تحولی همچنان باقی می‌ماند.

روزنامه نگاران همچنان به زندان می‌افتند و به قتل می‌رسند و وبلاگ‌نویس‌ها دستگیر می‌شوند. اشپیگل آنلاین می‌نویسد: «بسیاری از سایت‌های خبری در اروپا در اعتراض به تشدید سانسور و سرکوب به هم پیوستند تا از همکاران ایرانی خود پشتیبانی به عمل آورند» (۲۰ اکتبر ۲۰۰۴).

احمدی نژاد پنج ماه پس از آغاز ریاست جمهوری اش پخش موسیقی غربی را در رادیو و تلویزیون دولتی ممنوع اعلام می‌کند. این نوع موسیقی به دلیل «فساد» نباید پخش شوند (۱۹ دسامبر ۲۰۰۵). پس از انتشار کاریکاتورهای محمد، سفارت دافارک در تهران مورد حمله قرار می‌گیرد (۱۱ اکتبر ۲۰۰۶). دسترسی به اینترنت بیش از پیش محدود می‌شود. برای جلوگیری از «نفوذ مخرب غرب» افزایش سرعت اینترنت ممنوع اعلام می‌گردد. نه تنها باید مراجعه به اینترنت باید محدود شود، بلکه باید دسترسی به سایت‌های مخالفان بیش از پیش محدود گردد (۱۸ اکتبر ۲۰۰۶). (ادامه دارد)

همکاری نهادهای امنیتی با گروه‌های مافیائی برای قتل مخالفان جمهوری اسلامی در اروپا



عکس آرشیوی/ پلیس هلند/ رویترز

عیاری سال گذشته در فرانسه یکی از اعضای یک گروه مافیائی متهم به «خیانت» را کشته بود. عیاری این فرد را چنان به قتل رسانده بود که شناسائی‌اش توسط پلیس فرانسه هفته‌ها به طول انجامید. کارشناسان پلیس فرانسه معتقدند که هدف از چنین قتل وحشیانه‌ای توسط محرز عیاری تنها از بین بردن این فرد نبوده بلکه ارسال پیامی به دیگر اعضای این گروه مافیائی بوده است که قبل از «نافرمانی» به عاقبتی که در انتظارشان خواهد بود فکر کنند.

فرانسيسكو خورخه، دادستانی که در مادرید تحقیقات در این رابطه را به عهده دارد، در گفتگوی کوتاه تلفنی با کیهان لندن می‌گوید «امروز تقریباً روشن است که سرخ این ترور در تهران است. با دستگیری‌های اخیر می‌توان به اطلاعات جامع‌تری در رابطه با نقش ایران در رابطه با ترور آخو ویدال کوادراس دست یافت. ما در انتظار استرداد کسانی هستیم که در هلند در این رابطه بازداشت شدند زیرا آنها می‌توانند بسیاری از نکاتی را که هنوز مبهم هستند روشن سازند.»

نام‌های شاهین لو و سیامک تدین طهماسبی در شهریور سال گذشته در یک بیانیه وزارت اطلاعات گنجانده شده بود. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مدعی است که این دو نفر با یک گروه «تروریستی» که در مردادماه گذشته در ایران بازداشت شدند در ارتباط بوده و قصد داشتند «یکسری عملیات خرابکارانه» در داخل کشور انجام دهند. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی برای ترور و یا ربودن مخالفان خود در خارج کشور از عوامل وابسته به باندهای مافیای مواد مخدر و قاچاق اسلحه استفاده می‌کند. در گذشته شواهدی از همکاری نیروی قدس با باندهای مافیای مواد مخدر در منطقه بالکان، ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز به دست آمده است.

همکاری جمهوری اسلامی با «موکرو مافیا» نیز که عمدتاً تبهکارانی از شمال آفریقا را در بر می‌گیرد، تازگی ندارد. این روابط بنا بر تحقیقاتی که دادستانی مرکزی اسپانیا انجام داده است به نیمه دهه ۸۰ میلادی باز می‌گردد و در ابتدا

بین‌المللی با برگه سرخ صادر کرده بود. آخو ویدال کوادراس، که در گذشته دو بار معاونت پارلمان اروپا را عهده‌دار بوده است و یکی از بیانگذاران حزب راست‌گرای «وکس» است، ۹ نوامبر در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر مادرید با شلیک یک گلوله به صورتش زخمی شد.

الخو ویدال کوادراس از همان لحظات اول جمهوری اسلامی را به عنوان آمر این ترور معرفی کرد، اگرچه در ابتدا مقامات اسپانیائی این اظهارات او را جدی نگرفتند. تنها با اولین بازداشت‌ها مشخص شد که آمران ترور این شخصیت سیاسی، که از دو سال قبل نامش در فهرست «حامیان گروهک‌های تروریستی» جمهوری اسلامی قرار دارد در تهران هستند. تا کنون غیر از محرز عیاری و شاهیناز کدید چندین نفر دیگر در اسپانیا و یک نفر در کلمبیا در رابطه با طرح ترور آخو ویدال کوادراس بازداشت شده‌اند.

گرگ اولیور هیگرا مارکانو، شهروند ۲۵ ساله ونزوئلائی که چندی پیش به مذهب شیعه گروید، هنگام ورود به کلمبیا بر پایه حکم بازداشت بین‌المللی اسپانیا توسط پلیس مرزی این کشور آمریکائی لاتین بازداشت شد. بر اساس تحقیقات پلیس ضد تروریسم اسپانیا، گرگ اولیور هیگرا مارکانو فردی است که محرز عیاری را با موتورسیکلت به محل ترور نافرجام آخو ویدال کوادراس در مادرید برده و بعد نیز این قاتل حرفه‌ای تونسئی تبار را فراری داده بود. گرگ اولیور هیگرا مارکانو چند روز بعد از این ترور نافرجام با پروازی از فرودگاه باراخاس مادرید به پایتخت ونزوئلا رفت.

محرز عیاری را نارایا گومز مالا، یکی دیگر از بازداشت‌شدگان این پرونده، با ماشین پس از سوء قصد به جان آخو ویدال کوادراس از مادرید به پرتغال برده بود. این فرد نیز از چندین هفته پیش در اسپانیا در زندان بسر می‌برد. دو اسپانیائی و یک شهروند بریتانیائی ساکن جنوب اسپانیا نیز افراد دیگری هستند که در رابطه با طرح ترور این شخصیت اسپانیائی در زندان بسر می‌برند. محرز عیاری یک قاتل حرفه‌ای است که گروه‌های مافیایی از او بارها در گذشته نیز برای قتل استفاده کرده‌اند.

● بازداشت دو نفر در هلند پرده از همکاری گسترده نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با یک باند بسیار خطرناک از قاچاقچیان مواد مخدر به نام «موکرو مافیا» برداشت. یکی از این دو نفر قصد داشت دو مخالف جمهوری اسلامی را در هلند و دانمارک ترور کند.

● پلیس هلند محرز عیاری شهروند فرانسوی تونسئی تبار را که کشورهای فرانسه و اسپانیا برای بازداشت او به اتهام قتل برگه قرمز بین‌المللی صادر کرده بودند بر اساس اطلاعاتی در پی دستگیری یک زن هلندی مراکشئی تبار به نام شاهیناز کدید، شناسائی و به درخواست مقامات قضائی مادرید بازداشت کرد.

● محرز عیاری ۱۷ خرداد در شهر هلندی هارلم زمانی که قصد داشت با اسلحه گرم یک ایرانی بنام سیامک تدین طهماسبی را به قتل برساند بازداشت شد. محرز عیاری در مادرید تلاش کرده بود معاون پیشین پارلمان اروپا را که جمهوری اسلامی او را «حامی تروریسم» می‌خواند ترور کند.

● فرانسيسكو خورخه دادستانی که در مادرید تحقیقات در رابطه با طرح ترور معاون سابق پارلمان اروپا را بر عهده دارد، در گفتگوی کوتاه تلفنی با کیهان لندن می‌گوید «امروز تقریباً محرز است که سرخ این ترور در تهران است.»

احمد رأفت - بازداشت دو نفر در هلند پرده از همکاری گسترده نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با یک باند بسیار خطرناک از قاچاقچیان مواد مخدر به نام «موکرو مافیا» برداشت. جمهوری اسلامی از قاتلان حرفه‌ای این باند مافیائی برای کشتار مخالفان خود استفاده می‌کرده و احتمالاً در آینده نیز این همکاری ادامه خواهد داشت.

پلیس هلند توانست محرز عیاری ۳۸ ساله، شهروند فرانسوی تونسئی تبار را که کشورهای فرانسه و اسپانیا برای بازداشت او به اتهام قتل برگه قرمز بین‌المللی صادر کرده بودند، بر اساس اطلاعاتی در پی دستگیری یک زن هلندی مراکشئی تبار به نام شاهیناز کدید، شناسائی کرده و به درخواست مقامات قضائی مادرید بازداشت کند. دادستانی مرکزی اسپانیا شاهیناز کدید را متهم به حمایت مالی از محرز عیاری می‌کند. این زن هلندی مراکشئی تبار که در انتظار تصمیم دادگاه عالی هلند برای استرداد به اسپانیا است، مدعی است که مورد سوء استفاده قرار گرفته و از برنامه قتل مخالفان جمهوری اسلامی در اسپانیا، هلند و دانمارک اطلاعی نداشته است.

محرز عیاری ۱۷ خرداد در شهر هلندی هارلم زمانی که قصد داشت با اسلحه گرم یک ایرانی به نام سیامک تدین طهماسبی را به قتل برساند بازداشت شد. در تحقیقات بعدی مشخص شد که محرز عیاری ماموریت قتل یک رپر ایرانی ساکن دانمارک به نام شاهین لو را نیز دریافت کرده بود. هر دو ایرانی در حال حاضر از سوی پلیس این دو کشور اروپائی به خانه‌های امن منتقل شده‌اند، زیرا حدس زده می‌شود که این گروه مافیائی پرقدرت می‌تواند از جنایتکاران حرفه‌ای دیگری برای قتل این دو ایرانی استفاده کند.

نام محرز عیاری برای اولین بار توسط دادستانی مرکزی اسپانیا در جریان تحقیقات ترور نافرجام یک شخصیت سیاسی این کشور اروپائی در نوامبر سال گذشته میلادی در شهر مادرید مطرح شد، اگرچه قبل از آن پلیس فرانسه برای دستگیری او در ارتباط با قتل دیگری حکم بازداشت

راديو ارتش اسرائيل: محمد ضيف فرمانده نظامي حماس كشته شد؛ حماس تكذيب كرد



محمد ضيف (سمت راست)

كذب و بی‌اساس است. وی تاکید کرد: «ادعاهای اسرائیل پوچ است و آنها می‌خواهند قتل عام هولناک را توجیه کنند. تمام شهدا غیرنظامی هستند و آنچه اتفاق افتاده، جنایتی بزرگ در امتداد جنگ نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه تحت حمایت آمریکا و سکوت جهانیان است.»

وی همچنین اضافه کرد که این حملات نشان می‌دهد که اسرائیل هیچ تمایلی به توافق آتش‌بس ندارد.

منابع اسرائیلی روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش داده بودند، بر اساس پیام‌های داخلی ارسال شده میان مقامات ارشد نظامی حماس در داخل غزه با رهبران سیاسی این گروه تروریستی در خارج از غزه، حماس به دلیل افزایش تلفات خود در جنگ مجبور شده از بعضی خواست‌های خود عقب‌نشینی کند تا زودتر با اسرائیل به توافق برسد و بیش از این متحمل خسارات و تلفات سنگین نشود. به نظر می‌رسد رهبران حماس دست از خواسته‌های کلیدی خود که مورد موافقت اسرائیل نبود برداشته‌اند. در همین ارتباط آسوشیتدپرس گزارش داد، با توجه به خبر پیشرفت در مذاکرات برای معامله گروگان‌ها، مقامات خاورمیانه و ایالات متحده بر این باورند که سطح ویرانی ناشی از عملیات زمینی اسرائیل در نوار غزه، ظاهراً حماس را مجبور کرده تا سطح خواسته‌های خود را کاهش دهد. اخیراً مطرح شده بود که قرار است رهبران حماس و درواقع دفتر مرکزی آنها از دوحه به عراق (بغداد) منتقل شوند. قطری‌ها اسماعیل هنیه را زیر فشار گذاشتند تا این طرح و همچنین پیشنهاد توافقی را بپذیرد و گزینه حمایت‌های مالی خود را از حماس قطع خواهند کرد.

برخی منابع فاش کرده بودند رهبران حماس تحت فشار فزاینده قطر جهت پذیرش پیشنهادهای آمریکا برای آتش‌بس و مبادله گروگان‌ها و زندانیان فلسطینی با اسرائیل قرار دارند. حماس این پیشنهادها را رد کرده و خواسته‌های خود را تکرار کرده بود که هر توافقی باید امکان آتش‌بس دائمی در منطقه، خروج کامل نیروهای اسرائیلی، بازسازی غزه و بازگشت بی‌قید و شرط فلسطینی‌های آواره را فراهم کند.

● منابع ارتش اسرائیل شنبه ۱۳ ژوئیه گزارش دادند، «محمد ضیف» فرمانده گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) و «رافع سلامه» فرمانده تیپ خان یونس حماس در حمله هوایی کشته شدند اما منابع فلسطینی این ادعا را تکذیب کردند.

● هنگام حمله به این محل، تعدادی دیگر از اعضای حماس از جمله محافظان نیز حضور داشتند اما وزارت بهداشت غزه که زیر نظر حماس قرار دارد اعلام کرد که در این حمله دست‌کم ۷۱ نفر کشته و ۲۸۹ نفر زخمی شدند. مشخص نیست که چه تعداد از این افراد غیرنظامی هستند.

منابع ارتش اسرائیل شنبه ۱۳ ژوئیه (۲۳ تیرماه) گزارش دادند، «محمد ضیف» فرمانده گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) و «رافع سلامه» فرمانده تیپ خان یونس حماس در حمله هوایی کشته شدند اما منابع فلسطینی این ادعا را تکذیب کردند. راديو ارتش اسرائيل جزئیات بیشتری درباره کشته شدن این فرمانده حماس منتشر نکرده اما اعلام شده است که تدارکات زیادی برای این حمله انجام گرفت و عملیات «بسیار دقیق» بود.

محمد ضیف و رافع سلامه در ساختمانی کم‌ارتفاع بین المواصلی و خان یونس که یک منطقه مسکونی غیرنظامی است مستقر بودند. این منطقه هیچ ارتباطی با اردوگاه چادری آوارگان فلسطینی ندارد.

یک منبع امنیتی خاطرنشان کرد تا آنجا که مشخص شده، هیچ گروگانی در این عملیات آسیب ندیده است.

هنگام حمله به این محل، تعدادی دیگر از اعضای حماس از جمله محافظان نیز حضور داشتند اما وزارت بهداشت غزه که زیر نظر حماس قرار دارد، اعلام کرد در این حمله دست‌کم ۷۱ نفر کشته و ۲۸۹ نفر زخمی شدند. مشخص نیست که چه تعداد از این افراد غیرنظامی هستند.

اینهمه در حالیست که امی ابوزهری رهبران حماس به رویتز گفت، ادعای اسرائیل در مورد کشته شدن ضیف

تنها در زمینه قاچاق مواد مخدر به ویژه هروئین بوده است. اولین قتل سیاسی که به «موکرو مافیا» نسبت داده می‌شود، ترور پیتر دوریس، یکی از مشهورترین خبرنگاران تحقیقاتی هلند در ۲۱ ژوئیه سال ۲۰۲۱ در آمستردام است. پس از آن ده‌ها قاضی هلندی مورد تهدید این گروه قرار گرفتند، مارک روتنه نخست‌وزیر وقت این کشور نیز که از ماه اکتبر آینده دبیرکلی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را به عهده خواهد گرفت، مجبور شد برای مدتی در محافظت پلیس قرار داشته باشد. این گروه مافیائی در گذشته قصد ربودن شاهزاده آمالیا دختر پادشاه ویلم آلکساندر و ملکه ماکسیم را داشت. ولیعهد هلند در پی این تهدید مدت‌ها در مجامع و انظار عمومی ظاهر نمی‌شد.

در خرداد ۹۷، علی معتمد که در حقیقت نامش رضا کلاهی صمدی است و در دهه هشتاد میلادی با این نام مستعار به هلند پناهنده شده بود در شهر آمبره ترور شد. رضا کلاهی صمدی مسئول اصلی انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر سال ۱۳۶۰ بود. انفجاری که منجر به کشته شدن ۷۳ نفر از مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی از جمله محمد بهشتی رئیس وقت دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی شد. رابط دو فردی که صمدی را ترور کردند با جمهوری اسلامی نوفل فصیح نام دارد و برای یکی از تبهکاران شناخته شده هلندی مراکشی‌تبار به نام رضوان تقی کار می‌کند. رضوان تقی یکی از قاچاقچیان معروف مواد مخدر در هلند و با روابط گسترده‌ای با نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است و بارها به ایران سفر کرده است. این فرد به درخواست هلند در سال ۲۰۱۹ میلادی در دویی دستگیر و به هلند استرداد شد. نوفل فصیح بنا بر تحقیقات پلیس هلند، برای قتل صمدی ۱۳۰ هزار یورو دریافت کرده بود در حالی که به نوار. ب و مورثو. م که در عمل این پناهنده ایرانی را به قتل رساندند تنها نقری ده هزار یورو پرداخت کرده بود.

محمد رضا کلاهی صمدی پس از انقلاب بهمن ۵۷ به سازمان مجاهدین خلق پیوست و با حفظ این عضویت، ابتدا پاسدار کمیته انقلاب اسلامی خیابان پاستور شد و بعد با هدایت این سازمان، به داخل حزب جمهوری اسلامی راه پیدا کرد. او در حزب جمهوری اسلامی ارتقاء یافت و مسئول دعوت‌ها برای کنفرانس‌ها، میزگردها و جلسات شد، ضمن آنکه مسئول حفاظت حزب نیز بود. گزارش‌ها حاکی است که وی هم‌پا را با کیف دستی خود به داخل جلسه حزب جمهوری اسلامی در تهران برد و دقایقی قبل از انفجار، از ساختمان خارج شد. محمد رضا کلاهی صمدی پس از انفجار نیز مدتی در منزل یکی از اعضای سازمان مجاهدین مخفی شد و نهایتاً از طریق مرز غربی ایران به عراق رفت و سپس راهی هلند شد.

نام رضوان تقی و گروه مافیائی او که با نام «فرشتگان مرگ» شناخته می‌شود و همکاری نزدیکی با «موکرو مافیا» دارد، در پرونده قتل یکی دیگر از مخالفان جمهوری اسلامی به نام احمد مولا نیسی در شهر لاهه در ۱۸ آبان ۱۳۹۶ نیز به چشم می‌خورد. احمد مولا نیسی موسس گروه جدائی‌طلب «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» بود که در سال ۱۳۷۶ تاسیس شد. سه‌شنبه ۲۲ خرداد سال جاری پلیس سوئد مهران عباسیان، خبرنگار تلویزیون «ایران اینترنشنال» را در پی تهدیدی جدیدی به خانه امن منتقل کرد. پلیس این کشور اسکاندیناوی به اطلاعات موثقی دست یافته است که یک گروه تبهکار سوئدی که عمده اعضای آنرا شهروندان اروپای شرقی تشکیل می‌دهند از سوی جمهوری اسلامی ماموریت یافته تا مهران عباسیان را به قتل برساند. این خبرنگار در جریان دادگاه حمید نوری در استکهلم بارها پیام‌های تهدیدآمیز دریافت کرده بود.

بزرگترین زندان زنان «جمهوری دموکراتیک آلمان» مکانی برای یادبود و علیه فراموشی



berg) نماد زنان تحت تعقیب سیاسی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ در آلمان شرقی است. برخی از زندانیان خاطرات خود از آن دوره را نوشته یا در مورد آن سخن گفته‌اند.

تجربه زندان و شکسته شدن حباب اصلاحات
گابریله اشتوتزر در سال ۱۹۷۷ وقتی که ۲۳ ساله بود به اتهام «افترا به دولت» به یک سال حبس محکوم شد. او دوره محکومیت‌اش را ابتدا در بازداشتگاه «اشتازی» (سازمان اطلاعات و امنیت «جمهوری دموکراتیک آلمان») در ارفورت و سپس در زندان زنان هوهن اِک گذراند. اشتوتزر می‌گوید: یکی از شعارهای ما در آن زمان این بود: «همکاری کنید، برنامه‌ریزی کنید، حکومت کنید!» این شعار به معنای واقعی کلمه ذهن مرا تسخیر کرده بود. هدف آن این بود که سوسیالیسم را به سمت دموکراتیک و مثبت تغییر دهد. با باور به چنین پیش فرضی بود که بعدها وقتی «ناگهان» به زندان می‌روی و می‌فهمی که این سوسیالیسم که ما برای آن مبارزه می‌کردیم، اصلاً قابل اصلاح نیست. نتیجه: این یک سازه کاملاً بیمار است. آنها فرزندان کشورشان را می‌فروشند».

خاطرات او از زمان زندان هنوز بسیار زنده است: «تو هرگز تنها نیستی، زیرا تمام این قلعه، دیوارها، از زندگی به تپش درمی‌آیند، زیرا همیشه در این سیستم سه‌شیفت کار می‌شد. بعضی‌ها خوابیده بودند، بعضی دیگر خیاطی می‌کردند، بقیه در وقت آزاد بودند، برخی دیگر به جایی می‌رفتند یا غذا می‌خوردند». او که امروز ۶۹ سال دارد، در مورد شرایط زندان می‌گوید: «تو هرگز تنها نبودی، حتی یک ثانیه، حتی در دستشویی. مگر اینکه واقعاً به زیرزمین زندان بیفتی. اما آنجا به نوع دیگری تنها بودی که تو را نابود می‌کرد».

حضور داشتن و سکوت نکردن»

حضور داشتن و سکوت نکردن» نام متنی است که گابریله اشتوتزر در سال ۱۹۷۷ با ماشین تحریر خود

فرمایشی آن نیز حدود ده سال به عنوان زندان زنان استفاده می‌شد.

اشتاین‌مایر در مراسم بازگشایی این مکان یادبود گفت: «این زنان به ناحق زندانی شدند زیرا می‌خواستند آزاد و مستقل زندگی کنند.» او تأکید کرد درد و رنج و سرنوشتی که آن زنان تحمل کردند باید در سراسر آلمان به رسمیت شناخته شود. بسیاری از آنان تا امروز با پیامدهای دوره زندان دست و پنجه نرم می‌کنند.» او از جمله به جد کردن فرزندان از مادران‌شان و کار اجباری که زنان به آن مجبور می‌شدند، اشاره کرد.

به گفته اشتاین‌مایر، شرکت‌هایی که در آن زمان محصولات تولیدی آلمان شرقی را به جمهوری فدرال آلمان صادر می‌کردند، باید در جهت روشن ساختن نقش خود و ارتباطی که با این زندان و زندانیان سابق داشته‌اند تلاش کنند.

اهمیت تاریخی زندان زنان

این زندان در محوطه یک قلعه باستانی از سال ۱۸۶۴ قرار دارد. «جمهوری دموکراتیک آلمان» که پس از پایان جنگ جهانی دوم با اشغال بخش شرقی آلمان توسط اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد، از سال ۱۹۵۰ بزرگترین زندان زنان خود را در آنجا تأسیس کرد. تا سال ۱۹۸۹- زمان فروپاشی دیوار برلین- حدود ۲۴ هزار زن در آنجا زندانی بودند که حدود ۸ هزار نفر از آنان به دلایل سیاسی محکوم شده بودند. در مقاطعی نیز مردان در آنجا نگهداری می‌شدند. پس از اتحاد مجدد دو آلمان، این مکان همچنان تا سال ۲۰۰۱ به عنوان زندان استفاده می‌شد. از سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفته شد تا این زندان به عنوان یک مکان یادبود به نمایشگاهی دائمی با موضوع عدالت کیفری سیاسی و پیگرد تبدیل شود. همچنین تاریخ زندان از زمان تأسیس آن در قرن نوزدهم به نمایش گذاشته شده است.

خاطرات برخی شاهدان عینی

زندان سابق زنان هوهن اِک در شهر اِشتولبرگ (Stoll-

چند روز قبل در یازدهم ماه ژوئن بزرگترین زندان زنان در دوره «جمهوری دموکراتیک آلمان» در هوهن اِک (Hoheneck) با حضور رئیس جمهوری آلمان متحد، فرانک والتر اشتاین‌مایر به عنوان نمایشگاه دائمی درباره عدالت کیفری سیاسی و پیگرد در «آلمان شرقی» بازگشایی شد. این مکان برای مدت طولانی در «جمهوری دموکراتیک آلمان» و پس از فروپاشی آن نیز حدود ده سال به عنوان زندان زنان استفاده می‌شد.

این زندان در محوطه یک قلعه باستانی از سال ۱۸۶۴ قرار دارد. «جمهوری دموکراتیک آلمان» که پس از پایان جنگ جهانی دوم با اشغال بخش شرقی آلمان توسط اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد، از سال ۱۹۵۰ بزرگترین زندان زنان خود را در آنجا تأسیس کرد. تا سال ۱۹۸۹- زمان فروپاشی دیوار برلین- حدود ۲۴ هزار زن در آنجا زندانی بودند که حدود ۸ هزار نفر از آنان به دلایل سیاسی محکوم شده بودند.

یک زندانی سابق: «یکی از شعارهای ما در آن زمان این بود: «همکاری کنید، برنامه‌ریزی کنید، حکومت کنید!» این شعار به معنای واقعی کلمه ذهن مرا تسخیر کرده بود. هدف آن این بود که سوسیالیسم را به سمت دموکراتیک و مثبت تغییر دهد. با باور به چنین پیش فرضی بود که بعدها وقتی «ناگهان» به زندان می‌روی و می‌فهمی که این سوسیالیسم که ما برای آن مبارزه می‌کردیم، اصلاً قابل اصلاح نیست. نتیجه: این یک سازه کاملاً بیمار است. آنها فرزندان کشورشان را می‌فروشند».

یک تاریخ‌نگار: «آنچه مرا شگفت‌زده کرد این بود که زندانیان سیاسی، با وجود مشکلات فراوانی که با آن مواجه بودند، چطور و با چه شجاعت و انرژی بسیار همه آن سختی‌های زیاد را تحمل کرده و هنوز به زندگی ادامه می‌دهند. و اینکه اینک و بعد از سال‌ها با چه انرژی بسیار به بررسی آن خاطرات پرداخته، در حالی که هنوز گاهی به شدت با فشار آن خاطرات مواجه می‌شوند.»

حنیف حیدرئزاد - نوشته حاضر نگاهی کوتاه می‌اندازد به بزرگترین زندان زنان در «جمهوری دموکراتیک آلمان» یا «آلمان شرقی» و تجربه نجات‌یافتگان و دادخواهان در مبارزه با فراموشی.

با احترام به همه زنانی که در طول حکومت اسلامی حاکم بر ایران به زندان انداخته شده و شکنجه و اعدام شدند، با احترام به همه زنانی که در خیابان‌های ایران رو در روی پاسداران وحشی فریاد آزادی سر می‌دهند، با احترام به همه زنانی که هم‌اینک در زندان‌های جمهوری اسلامی به زنجیر کشیده شده، اما همچنان مقاوم و مبارز باقی مانده‌اند و به یاد شریفه محمدی از فعالان کارگری که با اتهامات واهی حکم اعدام علیه وی صادر شده، نوشته حاضر تقدیم می‌شود به همه زنان زندانی گمنام در حکومت جمهوری اسلامی.

چند روز قبل در یازدهم ماه ژوئن بزرگترین زندان زنان در دوره «جمهوری دموکراتیک آلمان» در هوهن اِک (Ho- heneck) با حضور رئیس جمهوری آلمان متحد، فرانک والتر اشتاین‌مایر به عنوان نمایشگاه دائمی درباره عدالت کیفری سیاسی و پیگرد در «آلمان شرقی» بازگشایی شد. این مکان برای مدت طولانی در «جمهوری دموکراتیک آلمان» و پس از

تایپ کرده و این تا امروز شعار اوست. پس از آزادی، او مهاجرت به آلمان غربی را رد می‌کند: «من سرسختی خودم را داشتم. فکر کردم که نمی‌خواهم این کار را بکنم، پس نمی‌روم. یعنی من نمی‌خواستم به غرب بروم تا زندگی خودم بهتر شود، بلکه همیشه یک طرح اجتماعی داشتم، می‌خواستم جامعه را بهبود دهم.»

گابریله اشتوتز پر از آزادی در شرق آلمان می‌ماند و در فعالیت‌های هنری و ادبی بطور زیرزمینی مبارزه‌اش را ادامه می‌دهد. آثار او شامل نقاشی، فیلم، کلاژهای عکاسی و اشعار است. او همیشه به نقش زن در هنر پرداخته است. به خاطر تلاش‌های حقوق بشری در آلمان شرقی و تلاش هنری خود در مواجهه با تجربه زندان و دیکتاتوری، در سال ۲۰۱۳ به او نشان افتخار کشور آلمان فدرال اعطا شد.

گابریله اشتوتز دربارۀ دوران زندان در هوهن ایک زیاد صحبت کرده است: «آنجا بدترین زندان زنان در آلمان بوده و هنوز هم هست. وقتی وارد آنجا می‌شوی، ارواح ناامید کسانی را که در آنجا زندانی بودند و هنوز هستند حس می‌کنی...» او ادامه می‌دهد: «مردم در آنجا بی‌نهایت رنج برده‌اند، واقعاً بی‌نهایت. آنها (زندان‌بانان) به ما رحم نکردند و من هم نمی‌خواهم به آنها رحم کنم، به همین دلیل کتابم را نوشتم و دربارۀ‌اش صحبت می‌کنم». بدین ترتیب او با روش خودش، یعنی روشن‌نگری در مورد هر آنچه بر او گذشته یا در زندان شاهدش بود، «انتقام» گرفت.

«آزادی امید ما بود، یادآوری نیز وظیفه ماست»

گنستانزه هیلپر یکی دیگر از زنان زندانی سیاسی سابق می‌گوید «من ۲۵ سال سکوت کردم». او در سال ۱۹۷۷ در سن ۲۱ سالگی به اتهام فرار از جمهوری دموکراتیک آلمان به زندان هوهن ایک منتقل شد. عشق برای این پرستار کودکان باعث دردسر شد. او در اولین تعطیلات خارجی خود در بلغارستان، با یک توریست از ایالت بادن وورتمبرگ در آلمان غربی آشنا شد. هر دو عاشق هم شدند. پس از دو درخواست رد شده برای مهاجرت، تصمیم به فرار گرفت. اما نقشه‌اش ناکام ماند و به زندان افتاد. او سرانجام در سال ۱۹۷۹ توسط جمهوری فدرال آلمان در ازای مبلغی پول آزاد شد.

گنستانزه هیلپر مدت‌ها خاطرات دوران زندان‌اش را فقط برای خودش نگهداشت. او پس از سال‌ها از زندان هوهن ایک بازید کرد و در این مورد می‌گوید: «تمام خاطرات به گونه‌ای بود که انگار با یک کلید روشن شده و دوباره همه آن خاطرات برگشته‌اند.» او ادامه می‌دهد: «هنگام بازدید از زندان یک جوان راهنما ما را همراهی می‌کرد. هوهن ایک کاملاً تخلیه و تبدیل به یک پوسته کاملاً خالی شده بود. راهنمای جوان دسته کلیدی در دست داشت و فکر می‌کرد باید آن را محکم نگه دارد و نشان بدهد، من از او خواستم تا آن را دور کند تا صدایش را نشنوم.»

گنستانزه هیلپر می‌گوید: «آزادی امید ما بود، یادآوری نیز وظیفه ماست.» او تمایل داشت زبانی را ملاقات کند که شرایط مشابهی داشته‌اند و می‌گوید: «اعلامیه‌ای انتشار داده و از آنها خواستم اگر مایلند با آنها ملاقات کنم، بسیاری از زنان تماس گرفتند و من با آنها ملاقات کردم و خیلی پُرحساس با هم صحبت کردیم. تلاش کردم تا از خاطرات‌شان حرف بزنند، بعد از آنکه حرف‌هایشان را زدن، خیلی راحت شدند.»

گنستانزه هیلپر دربارۀ حال درونی‌اش سال‌ها بعد از دوران زندان می‌گوید همیشه حالش خوب نیست و اضافه می‌کند: «برای این کار به آرامش و قدرت نیاز دارید تا بتوانید احساسات خود را کنترل کرده و گریه نکنید. واقعاً گریه نکنید، چون آنچه تجربه کرده‌اید، داستانی است برای

گریه کردن.» برای اینکه «داستان» فراموش نشود، هیلپر نیز در ساخت یادبود هوهن ایک مشارکت دارد: «ما یک مکان یادبود زیبا نمی‌خواهیم، بلکه یک یادبود اصیل- به سبک ۱۹۸۹، با مشارکت زنان می‌خواهیم؛ بدون ما هیچ چیزی ممکن نیست.»

مستندسازی جامع

سیاستین لیندنر تاریخ‌نگار در پایان‌نامه دکترای خود اظهارات زبانی را که در هوهن ایک زندانی بوده‌اند، جمع‌آوری کرده است. او همچنین با کارکنان این زندان صحبت کرده است. هدف او ارائه تصویری کامل از نظام کیفری جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی است که به یادبود جدید نیز کمک خواهد کرد.

سیاستین لیندنر می‌گوید: «با قطعیت مخالفت می‌کنم که همه چیز دربارۀ این زندان گفته شده است. اگر به انتشارات مربوط به نظام کیفری جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی نگاه کنید فقط به زندانیان سیاسی توجه شده است و پاسخ به این پرسش که جمهوری دموکراتیک آلمان چگونه با مخالفان سیاسی و دگراندیشان برخورد می‌کرد و اغلب به زندان اِشتازی پرداخته می‌شود. رویکرد من اما جامع‌تر است. من به هوهن ایک از زمان شروع به کار به عنوان زندان جمهوری دموکراتیک آلمان تا پایان سال ۱۹۹۰ نگاه می‌کنم و در طول این ۴۰ سال همه بازیگران را در نظر می‌گیرم. یعنی زندانیان سیاسی، زندانیان جنایی و کارکنان.

من به سادگی به این سؤالات پرداختم: چه کسانی در آنجا کار کرده‌اند و چه کسانی در آنجا زندانی بوده‌اند؟ چه گروه‌های سنی؟ به علت چه جرمی مجازات شده‌اند؟ در چه زمانی؟ برای مثال، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ احکام مربوط به زندانیان سیاسی اغلب به خاطر تلاش برای فرار از جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی بود. اما همیشه حدود یک سوم زنان زندانی به دلیل دزدی در آن زندان بودند. و قاتلان نیز همیشه در همین زندان بودند. علاوه بر این، من بررسی کردم که وضعیت ساختاری مکان زندان چگونه بود و زندگی روزمره چگونه جریان داشت. بررسی این مسائل دید جامع‌تری در مورد کل نظام کیفری جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی ارائه می‌دهد، زیرا زنان از سراسر جمهوری به هوهن ایک آورده می‌شدند.»

سیاستین لیندنر در مورد صحبت با کارکنان سابق این زندان می‌گوید: «من توانستم با پنج کارمند سابق صحبت کنم. برخی دیگر نمی‌خواستند حرف بزنند زیرا تجربه منفی داشتند که داستان‌شان بسیار سیاه و سفید ارائه شده است. افرادی که با من صحبت کردند، معتقدند که از مرزها [مقررات] عبور نکرده و با وجدان راحت در مورد مسئولیت‌هایشان صحبت می‌کنند. من توافق کردم که اظهارات آنها را به صورت ناشناس استفاده کنم، زیرا افرادی بودند که هنوز در نظام کیفری فعال بودند.»

وی ادامه می‌دهد: «تعبی نداشت که اظهارات کارکنان با اظهارات زندانیان بطور قابل توجهی متفاوت بود. کارکنان می‌گفتند که در زندگی روزمره همیشه طبق قانون عمل کرده‌اند. یک سختگیری خاص لازم بود تا بتوانند احترام زندانیان نسبت به خود را حفظ کنند.» لیندنر اضافه می‌کند: «اما زندانیان سیاسی این سختگیری را بیش از حد می‌دیدند، زیرا همیشه باور داشتند که به ناحق زندانی شده‌اند و در نتیجه چنین سختگیری‌هایی را بی‌مورد می‌دانستند.»

این تاریخ‌نگار در مورد آنچه طی تحقیقاتش او را شگفت‌زده کرد، می‌گوید: «آنچه مرا شگفت‌زده کرد این بود که زندانیان سیاسی، با وجود مشکلات فراوانی که با آن مواجه بودند، چطور و با چه شجاعت و انرژی بسیار همه

آن سختی‌های زیاد را تحمل کرده و هنوز به زندگی ادامه می‌دهند. و اینکه اینک و بعد از سال‌ها با چه انرژی بسیار به بررسی آن خاطرات پرداخته، در حالی که هنوز گاهی به شدت با فشار آن خاطرات مواجه می‌شوند. برای آنها حتی پرداختن به این موضوع در خانواده نیز اغلب یک مشکل بزرگ است: نسل بعدی اغلب جرات پرسیدن نداشته و خود قربانیان نیز نمی‌خواستند همیشه این موضوع را شروع کنند. بنابراین، قدرت این زنان و اینکه با چه آمادگی درباره تجربیات خود صحبت می‌کنند، مرا بیشتر تحت تأثیر قرار داده است.

پیشینه

در تحقیقات تاریخی از موضوعی با عنوان «پیشگیری استالین» صحبت می‌شود که در واقع تدبیری برای کاهش مقاومت احتمالی در برابر به اصطلاح ساختن سوسیالیسم در منطقه اشغالی شوروی در آلمان شرقی بود. این سیاست بر جدا کردن مخالفان شناخته شده یا مظنونین به مخالفت، از جامعه متکی بود. افرادی که به عنوان نازی، ضدانقلاب یا جاسوس غربی مظنون یا متهم می‌شدند، غالباً بدون هیچ محاکمه‌ای برای سال‌ها در اردوگاه‌های ویژه، که برخی از آنها در محل اردوگاه‌های مرگ زمان هیتلر، مانند بوخن‌والد و زاکسن‌هاوزن ساخته شده بود، زندانی می‌شدند. زندانیان غالباً بدون هیچ تماسی با دنیای بیرون زندگی می‌کردند.

دفترچه‌ای در آرشیبو دولتی روسیه مربوط به سال ۱۹۹۲ در دسترس است که در آن تعداد ۱۵۷,۸۳۷ زندانی را تا مارس ۱۹۵۰ نشان می‌دهد. حتی پس از اینکه زندانیان در اوایل ۱۹۵۰ توسط اتحاد جماهیر شوروی به مقامات پلیس آلمان شرقی تحویل داده شدند، وضعیت چندان بهتر نشد. در اسناد آن زمان وضعیت ۱,۱۱۹ زن و ۳۰ کودکی که فقط از زاکسن‌هاوزن به هوهن ایک منتقل شدند، ثبت شده است. در ۱۹۵۰، زندان هوهن ایک برای ۲۳۰ تا حداکثر ۶۰۰ نفر ظرفیت داشت، اما تعداد واقعی زندانیان چندین برابر بیشتر بود. زندانیان مجبور بودند روی زمین بخوابند. هفته‌ها بعد به آنها کیسه‌های کاه داده شد تا به عنوان تشک از آن استفاده کنند. شرایط برای مادران کودکانی که در اردوگاه‌ها به دنیا آمده بودند، بسیار سخت‌تر بود. این مادران چند هفته پس از ورود به هوهن ایک از فرزندان‌شان جدا می‌شدند و تنها پس از آزادی می‌توانستند آنها را ببینند. بعضی از آنها نیز هرگز نتوانستند آنها را ببینند. تا سال ۱۹۵۲ حداقل ۲۷ کودک در هوهن ایک به دنیا آمدند که آنها نیز از مادران‌شان جدا شدند.

زندان و حفاظت از میراث فرهنگی

پس از اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۹۰ و اعلام عفو عمومی، هوهن ایک همچنان تا چند سال به عنوان بازداشتگاه موقت و زندان برای حدود ۵۰ زندانی عادی استفاده شد. در سال ۲۰۰۱ ایالت زاکسن تصمیم به توقف استفاده از این تاسیسات به عنوان زندان گرفت زیرا ساختار آن با الزامات زندان‌های مدرن مطابقت نداشت. از طرف دیگر تغییرات لازم ممکن بود با مقررات حفاظت از میراث فرهنگی در تضاد باشد. در سال ۲۰۰۲ ایالت زاکسن این مجموعه تاریخی را به یک سرمایه‌گذار خصوصی فروخت. اما برنامه تبدیل این مجموعه به یک مجموعه تفریحی و استراحتی به دلیل مشکلات اقتصادی سرمایه‌گذار و مقاومت انجمن‌های قربانیان شکست خورد. در نتیجه، شهر اِشتولبرگ در سال ۲۰۱۴ این مجموعه را باخرید و در سال ۲۰۱۵ یادمان «زندان زنان هوهن ایک» را در آنجا به جریان انداخت که در سال ۲۰۲۴ بازگشایی شد.

سیاست و اخلاق؛ فراموش نکنیم مردم باید از اپوزیسیون گفتار و رفتار انقلاب ملی و دموکراتیک را بشنوند و ببینند

اما در عمل «کمپین ایجاد شرمساری» چگونه پیش می‌رود؟ (۷)

می‌توان گفت که اصل دوری از خشونت در زبان و رفتار و توجه به ماهیت هدایت‌گرانه و نه تهاجمی این حرکت در بسیاری از اینگونه اکسیون‌ها رعایت شده، مثلا جمعیت کوچکی در روبروی محل برگزاری یک مراسم حکومتی تجمع کرده و به کسانی که مایل به شرکت در مراسم‌اند، تذکر می‌دهند که این تجمع در چه راستاست و برگزارکنندگان چه در سر دارند. این اکسیون‌ها معمولا فیلمبرداری شده و در فضای مجازی به نمایش گذاشته می‌شود؛ بدین ترتیب می‌توان تصور کرد کسانی که با این اقدامات رژیم و اهداف آن آشنا نبوده‌اند، روشن می‌شوند؛ و به کسانی هم که در مراسم شرکت کرده‌اند ندا می‌دهیم: آگاه باش چه می‌کنی! اما در سال‌های اخیر اینگونه اکسیون‌ها ابعاد جدیدی یافته: چند نفر به کسانی که در یک مراسم دولتی، مثلا رای‌گیری، شرکت کرده‌اند، نزدیک می‌شوند و گاه راه را بر آنها می‌بندند و بعضا دشنام‌های رکیک و جنسی نثارشان می‌کنند، این برخورد غیراخلاقی فیلمبرداری شده و در فضای مجازی به نمایش درمی‌آید.

در هفته‌های اخیر همزمان با به اصطلاح «انتخابات ریاست جمهوری» دامنه اینگونه اکسیون‌ها گسترش یافت و بیش از پیش زیر نور دوربین خبرنگاران قرار گرفت و به مناظره‌های تلویزیونی هم کشیده شد.

مقاومت مدنی می‌کوشد توده‌ها را با ایجاد وحشت رهنمون شود

همسر کلاوس اشتاوفنبرگ، افسری که به جان هیتلر سوء قصد کرده بود، در خاطراتش با عنوان «رهبر کودتای ژوئیه ۱۹۴۴ علیه هیتلر» می‌نویسد: «با گذشت زمان و در جریان تدارک کودتا علیه هیتلر متوجه شدم که او رادیکال‌تر می‌شود؛ گویی پاره‌ای از ویژگی‌های هیتلر اما در نقطه‌ی مقابل ولی!».۱

هم در استدلال‌های مطرح در استدلال طرفین و هم در کامنت‌هایی که در مورد آنها می‌خوانیم، اظهاراتی از این دست می‌بینیم:

۱- آنها به زنها و دختران ما توهین کرده‌اند، و شرم‌آورتر اینکه به شهبانو و پادشاه فقید چه بسار بی‌احترامی‌ها که روا داشته‌اند.

۲- از مردمی که پنجاه سال هستی‌شان به تاراج رفته، در معرض انواع تجاوزات بوده‌اند، جز اینگونه واکنش‌ها انتظاری نیست.

پاسخ دقیق و علمی به این اظهارات از حوصله این نوشته خارج است ولی به اختصار اشاره می‌کنم: ما رو در روی رژیم تمامیت‌خواه (۸) که دهه‌هاست همه چیز، از جمله ملت ایران، را فدای بقای خود کرده و به ابتدائ‌ترین اصول اخلاقی و اجتماعی بی‌اعتناست، چنانکه حتی آیت‌الله منتظری در نامه خود به خمینی در ۱۳۶۷ نوشت: آنچه را اکنون در زندان‌ها شاهدیم هرگز از زندان‌های شاه نشنیده بودیم، مقایسه رفتار خود با چنین رژیمی و از این منظر حقانیت خود را توجیه کردن، تفاوتی با مقایسه خود با شیطان ندارد.

باید بسیار مراقب پدیده‌ای بود که همسر سرهنگ اشتاوفنبرگ به آن اشاره داشته است؛ یعنی ←



سازمان نیز مورد انتقاد قرار گرفت؛ ما نباید برای نجات خود مردم بی‌گناه را به خطر اندازیم.

این نمونه‌ها نشانگر آنست که در جوامع لیبرال غرب که «اسلامیست»‌ها مدام آنها را با انواع شیاطین مقایسه می‌کنند، سیاست چهره‌ای به مراتب انسانی‌تر از چهره مخوف آن در جمهوری اسلامی دارد. هر یک از موارد یادشده روزانه به تکرار و در ابعادی به مراتب گسترده‌تر در جمهوری اسلامی به وقوع می‌پیوندد، بدون آنکه کمتر عواقبی برای مسببان آن داشته باشد، حتی گروه‌های تروریستی سعی در رعایت اصولی دارند که در قاموس جمهوری اسلامی شناخته شده نیست.

«کمپین ایجاد شرمساری» و جای آن در انقلاب ملی چند سالی است که فعالین جنبش شکل نوینی را به نافرمانی مدنی افزوده‌اند: «کمپین ایجاد شرمساری» و بدینگونه می‌کوشند صف‌شکنان جنبش را متوجه حرکات نادرست خود کرده و تشویق به فکر کردن به پیامدهای اعمال خود نمایند.

مسعود نقره‌کار در این رابطه می‌نویسد: «گروه‌هایی از ایرانیان «کمپین»ی در خارج از ایران سامان داده‌اند با عنوان «کمپین ایجاد شرمساری». این مجموعه اعلام کرده‌اند وابستگان به حکومت اسلامی و حامیان این حکومت در خارج از ایران را در رابطه با وابستگی و همکاری و حمایت‌شان از حکومتی جنایتکار مورد پرسش قرار می‌دهند تا هم روشنگری کرده باشند و هم حس شرم و شرمساری را در آنها بیدار و فعال کنند، شاید از این طریق در فکر و کردار آنان تغییری ایجاد شود و از رژیم جهل و جنون و جنایت فاصله بگیرند. مشروط بر اینکه برای «ایجاد شرمساری» از اعمال خشونت و خشونت زبانی فاصله گرفته شود. زبان و رفتار ایجاد شرمساری می‌باید زبانی تلطیف شده، پرسشگرانه، روشنگرانه و آموزنده باشد. حس شرم آموختنی‌ست، باید آن را آموخت و آموزش داد»

پرویز هدایی - «وقتی برای رسیدن به هدف هر وسیله‌ای مجاز گردد، آنگاه جهان تبدیل به جهنمی هولناک می‌گردد». این عبارت برگرفته از رمان «تسخیرشدگان» از فنودور داستایوسکی نویسنده بزرگ روسیه است.

هنگامی که در بهار ۱۳۶۶ از بلندگوی زندان فتوای جدید خمینی که در آن دولت را مجاز می‌شمرد تا در صورت نیاز اصول دین را نادیده گرفته و مسجد را هم تخریب کند، فتوایی که به «حفظ نظام اوجب واجبات است» معروف شد، به یاد دارم وقتی این سخنان را شنیدم، به راستی خشکم زد. چگونه ممکن است رژیمی علنا اعلام کند: برای ما فقط بقای خود مهم است و دیگر هیچ.

واقعا شگفت‌انگیز بود: رژیمی که عملا همه اصول اخلاقی و وعده وعیدهایش را زیر پا گذاشته بود، اکنون بر جنایات و خیانت‌هایش مهر رسمی و الوهیت می‌زد. (۱)

آیا سیاست یعنی زرنگی و دروغ‌گویی؟

ماکس وبر در کتاب «دین، قدرت و جامعه» می‌گوید: «ملاحظات اخلاقی وجود دارند که کنشگر سیاسی در مقام تصمیم‌گیری و عمل سیاسی باید آنها را در نظر گیرد».

آیا جهان سیاست، جهان گرگ‌هاست؟ البته که نه، سیاست فاقد هر نوع اخلاق، مطلوب خامنه‌ای و بیت اوست. چهره راستین و ایده‌آل سیاست ترکیبی از اندیشه سازنده و قلبی گرم از امید و همراه با بهترین آرزوها برای آینده انسان‌هاست.

سیاست فاقد هر نوع قاعده و بی‌اعتنا به اصول و حتی عواطف انسانی فقط در نظام‌های فکری تمامیت‌خواه و فاشیست (اسلامی و غیراسلامی) قابل درک است؛ یعنی نظام‌هایی که توهم برپائی ناکجاآباد با به مسلخ بردن همه آنچه را دارند که حاصل قرن‌ها هنر، دانش و تمدن بشری است. و تنها در این تفکر است که حتی مادر در جلو دوربین خواهان اعدام فرزند می‌شود (۲) و یا فرزند پدر را به پلیس لو می‌دهد. (۳)

اما سپهر سیاسی در جهان لیبرال، اگرچه هنوز با ایده‌آل فاصله دارد، اما در چهارچوب معینی به قواعدی پایبندست که به چند نمونه در این رابطه اشاره می‌شود:

۱- «رسوایی بارشل» (۴): هنگامی که در جریان انتخابات در یکی از ایالت‌های شمالی آلمان، روشن شد که نخست وزیر آن ایالت، بارشل، با استخدام کارآگاه خصوصی و تطمیع پاره‌ای افراد دست به جمع‌آوری اطلاعات و پخش شایعات در رابطه با رقیب انتخاباتی خود از حزب سوسیال دموکرات زده است، کاملا عرصه را به رقیب باخت و حتی کشور را ترک کرد.

۲- رسوایی واترگیت (۵): در سال ۱۹۷۲ نصب غیرقانونی وسایل شنود در مقر حزب دموکرات آمریکا که به فرمان پرزیدنت نیکسون صورت گرفته بود، به یک رسوایی سیاسی منجر گردید که در پی آن نیکسون در ۱۹۷۴ استعفا داد.

۳- انعکاس منفی روش‌های ناسام در «فراکسیون ارتش سرخ» آلمان (۶): گروه تروریستی «فراکسیون ارتش سرخ» که از اواخر دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۹۰ قرن ۲۰ در آلمان فعال بود، بعد از دستگیری رهبران اولیه‌اش، دست به یک رشته گروگانگیری از مردم عادی، به منظور مبادله آنها با زندانیان خود زد. اما این اقدامات از سوی حتا رهبران زندانی این

محمد اسلامی: شلیک ضد هوایی در جاده قم ربطی به تأسیسات اتمی نداشت



محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ادعا کرد شنیده شدن صدای انفجار و شلیک ضد هوایی در جاده قم، ربطی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در فردو نداشته است. ● برخی احتمال دادند صدای انفجارها مربوط به هدف گرفتن چند ریزپرنده بوده باشد که تعدادی از آنها به زمین اصابت کرده است. برخی منابع نیز از وقوع اختلال در GPS در همان مناطق گزارش دادند.

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ادعا کرد شنیده شدن صدای انفجار و شلیک ضد هوایی در جاده قم، ربطی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در فردو نداشته است. منابع غیررسمی چهارشنبه شب ۲۰ تیرماه با انتشار ویدیویی گزارش داده بودند که بعد از شنیده شدن صدای انفجار در حوالی عوارضی آزادراه قم به کاشان، پدافند هوایی فعال شد. این تحرکات در مناطقی مشاهده شد که در آن چند سایت موشکی و اردوگاه نظامی فعال است. برخی احتمال دادند صدای انفجارها مربوط به هدف گرفتن چند ریزپرنده بوده باشد که تعدادی از آنها به زمین اصابت کرده است. برخی منابع نیز از وقوع اختلال در GPS در همان مناطق گزارش دادند.

مقامات رسمی هیچ واکنشی به این رویداد نشان ندادند اما حالا با یک هفته تأخیر محمد اسلامی در حاشیه نشست هیأت دولت گفت «آن صحنه ارتباطی با سایت هسته‌ای نداشت و نزدیک ما هم نبود.»

وی در پاسخ به خبرنگاران توسعه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی را تأیید کرد اما اشاره‌ای به افزایش تعداد سانتریفیوژها در نیروگاه‌های اتمی قم و نطنز نکرد. پس از صدور قطعنامه توبیخی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد که حکومت ایران، چهار آبخار از هشت آبخار جدید سانتریفیوژهای پیشرفته IR-6 را در تأسیسات هسته‌ای فردو قم نصب کرده است.

بر اساس اعلام مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمهوری اسلامی به میزان کافی اورانیوم ذخیره شده برای ساخت در نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد که ۲۵ ژوئن (چهارم تیرماه) برای بررسی روند اجرای قطعنامه

اپوزیسیون در مبارزه با رژیم‌هایی که به هیچ معیار و ارزشی پایبند نیست، لکه‌هایی از کثافت آنرا به خود نگذرد. ما به عنوان اپوزیسیون دموکراتیک اجازه نداریم شیوه «ایجاد رعب و وحشت» را در میان مردم برای رسیدن به اهداف خود دنبال کنیم (در میان سرکوبگران مسئله کاملاً متفاوت است).

بعلاوه از آنجا که من خودم از خانواده‌ای کاملاً سیاسی می‌آیم، با اطمینان می‌گویم که در قاموس این خانواده‌ها چنین واژگان و سلوکی را معمولاً نمی‌یابید، نگاه کنید به واژگان مادر خدانور، نیکا، پژمان، پدر سارینا و محمد مهدی ... و

در کمپین «ایجاد شرمساری» هم معمولاً اگر چند نفر از افراد با تجربه سیاسی همراه گروه بوده‌اند، مرزها رعایت شده است. کمپین «ایجاد شرمساری» چنانکه در آغاز مقاله آمد هدفش «روشنگری» و «ایجاد شرمساری» در مورد افرادی است که دچار «خطاهای فاحش سیاسی» و لطمه زدن به مبارزه مردم شده‌اند. شیوه مبارزه نه «اوباش‌گری» (۹) و نه اذیت و آزار است.

لازم می‌بینم به پاره‌ای از اعتراضات در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» اشاره کنم که در آنها از بعضی عبارات غیرمتعارف استفاده شد یا می‌شود. گویا «نسل زد» حدود و تعاریف را برای خود جابجا کرده (۱۰)، اما نباید فراموش کرد که نسل جوان (نسل «زد») مخاطب‌اش نظام، سردمدارش خامنه‌ای و ارگان‌های سرکوب‌اش همچون سپاه است، و نه مثلاً فردی که به دلایلی تصمیم گرفته در انتخابات نمایشی شرکت کند (البته «وابستگی» هم می‌تواند یکی از دلایل مشارکت باشد).

حیات سیاسی اپوزیسیون را از آلودگی‌ها پاک نگه داریم
به یاد دارم در آغاز فعالیت سیاسی خود، با یکی از دوستان بر سر اینکه چگونه می‌توان یک گروه را از نفوذ دشمن ایمن نگه داشت بحث می‌کردم و او به درستی در کنار عوامل دیگر، به نقش فرهنگ اشاره می‌کرد و اینکه گروه‌های سیاسی بنا به دیدگاه‌هایشان، معمولاً ویژگی‌های فرهنگی را نیز نمایندگی می‌کنند، که با دقت در آنها، می‌توان تا اندازه‌ای آنها را از افراد نفوذی، چه از جانب رژیم جمهوری اسلامی و چه از جانب گروه‌های دیگر، تشخیص داد.

از سوی دیگر، باید همیشه در پس‌زمینه ذهن خود به یاد داشت: آنچه برای ما بدیهی است، ممکن است برای دیگری بدیهی نباشد. برای من قابل تصور است که در صدی، هرچند اندک، از هر قشری به هر دلیلی، مثلاً قشر زحمتکش به خیال ارزان شدن «نان» در این انتخابات شرکت کرده باشد و در شرایطی که ۷۰ درصد ایرانیان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، این رفتاری غیرقابل تأیید اما قابل فهم است. در خارج کشور نیز تحلیل غلط و یا منافع شخصی می‌تواند عامل شرکت پاره‌ای از افراد در انتخابات رژیم باشد.

از این رو برخی برخوردهای خشن و رو در رویی‌های همراه با دشنام و کلمات رکیک که در روزهای رأی‌گیری تیرماه ۱۴۰۳ در خارج کشور پیش آمد نه تنها خطا بلکه خطرناک هم می‌تواند باشد چرا که رژیم می‌تواند با مانور دادن روی آن علیه اپوزیسیون استفاده کند و به عوام‌فریبی بپردازد.

شاید بد نباشد این سخنان اردشیر زاهدی را در روزهایی که هنوز حواس و تمرکز سر جایش بود، یادآور شوم که لعنت بر من و کسانی شبیه من که پاره‌ای از اشتباهات را دیدیم و از گفتن آن به پادشاه فقید خوداری کردیم.

آینه چون نقش تو بنمود راست
خود شکن آینه شکست خست

۲۳۳۱ مرتب با فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بر اساس برجام برگزار شد، سه قدرت اروپایی با حمایت آمریکا تهدید کردند، اگر جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را ادامه دهد «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد.

پس از پرتاب صدها موشک و پهپاد به اسرائیل از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مقامات اسرائیلی تهدید کردند که تأسیسات اتمی و نظامی جمهوری اسلامی را در صورت لزوم هدف قرار خواهند داد. بامداد جمعه ۱۹ آوریل (۳۱ فروردین‌ماه) صدای دست‌کم سه انفجار در اطراف شهر اصفهان شنیده شد. پس از آن گزارش شد که باتری‌های سامانه پدافند نیروگاه نطنز مستقر در پایگاه هشتم شکاری نیروی هوایی ارتش در اصفهان هدف حمله قرار گرفتند.

تحلیلگران می‌گویند ادامه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و همزمان افزایش تهدیدات علیه اسرائیل از طریق شبه‌نظامیان احتمال تکرار مجدد عملیات علیه تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی را افزایش خواهد داد.

پدر خود را که تمام محصول خود را به گماشتگان استالین تحویل نداده بود، لو داد و موجب اعدام او گردید.

Barschel-Affäre ۴-

Watergate Scandal ۵-

Red Army Fraction ۶-

۷- البته بسیاری از اکتیوین‌های شرمندسازی ممکن است اظهار کنند که ما ربطی به این کمپین نداریم، اما چون همه آنها در عمل کار یکسانی را انجام می‌دهند، آنها را در اینجا تحت نام کمپین ایجاد شرمساری بررسی می‌کنیم.

۸- البته که رژیم اکنون به نظامی دزدسالار، متشکل از ده‌ها باند مافیائی تغییر چهره داده.

Mobbing ۹-

۱۰- در این مورد مشابتهائی در جنبش ۱۹۶۸ در غرب می‌توان یافت.

* پرویز هدایی دانش‌آموخته مهندسی نرم‌افزار در آلمان و زندانی سیاسی سابق

۱- از نمونه‌های این اعمال ناشایست می‌توان به وعده‌ای که خمینی در پاریس مبنی بر عدم سپردن امور کشور به دست روحانیت داد ذکر کرد. وعده‌ای که پس از دو سه سال اثری از آن باقی نماند؛ یا به نحوه برخورد او با مخالفین و وضع زندان‌ها اشاره کرد که شاید نامه آیت‌الله منتظری به خمینی در ۱۳۶۷ پرتوی بر آن افکند.

۲- در بجه‌ا اعدام‌های سال ۶۰ دوربین تلویزیون جمهوری اسلامی مادر و پسر را نشان می‌دهد که مقابل هم نشسته‌اند. پسر زار می‌گردد و التماس مادری می‌کند که جلوی او نشسته و می‌گوید: «وقتی محارب خدا باشی، نمی‌خواهت...»

۳- پاولیک موروزوف معروف به «پیشاهنگ شماره یک» پسر بچه دهقانی بود که بر اساس تبلیغات استالینی،

فناوری‌های تازه و خلاقیت اوکراینی‌ها در دفاع از کشورشان



خبرنگار شبکه دو تلویزیون دولتی آلمان در کنار سربازان اوکراینی

که نزدیک مرز روسیه قرار دارد و پیوسته هدف حمله‌های مرگبار ارتش روسیه است، مردم با عشق به وطن و در سخت‌ترین شرایط، زندگی را ادامه می‌دهند. در صحنه‌ای از این گزارش می‌توان دختران و پسران جوانی را دید که به خاطر تلاش‌هایشان در جشنی از سوی دبیرستان، در زیرزمین یک ساختمان همراه با خانواده‌هایشان گرد آمده و در حالی که زیباترین لباس‌ها را بر تن دارند، به جشن و شادی مشغولند و بر ماندن در شهر و دفاع از کشورشان تاکید می‌کنند.

پهپاد، سلاحی جدید

جنگ برای نجات وطن از حالت کلاسیک که ما می‌شناسیم خارج شده است. جنگ اوکراین که ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ با پیشروی و تجاوز نظامی روسیه به خاک اوکراین شروع شد نشان می‌دهد که کشور کوچکی مانند اوکراین چگونه می‌تواند در برابر روسیه مقاومت کند. در کنار مقاومت تحسین‌برانگیز مردم و رئیس‌جمهور این کشور برای ماندن و دفاع از کشورشان، یکی دیگر از ویژگی‌های جنگ اوکراین استفاده گسترده از پهپادهای شناسایی و تهاجمی به مواضع نیروهای روسیه است. کار با پهپادهای پیشرفته نیاز به آموزش دارد. تولید و ساخت این پهپادها نیز پیچیده و زمان‌بر است. هم روسیه و هم اوکراین از پهپادهای مختلف در عملیات خود استفاده کرده و پیگیرانه روی ارتقاء تکنولوژیک آن کار کرده تا دقت آن را هرچه بیشتر افزایش دهند. هر دو کشور از دستاوردهایشان در این مورد سخن می‌گویند. از ویژگی‌های این پهپادها این است که ریل تولید آنها ساده‌تر است و می‌توان در کارگاه‌های کوچک قطعات آنها را سرهم کرد. حتی با کمک شرکت‌های خارجی می‌توان قطعات مختلف یک پهپاد را جداگانه وارد کشور کرده و آنها را مونتاژ نمود. سپس باید افرادی که هدایت این پهپادها را به عهده می‌گیرند، آموزش داده شوند. ارتش اوکراین

حداقل، پیشروی ارتش روسیه را پُرهزینه‌تر کند. این گزارش واحدهای ویژه‌ای را نشان می‌دهد که از این فناوری‌ها استفاده می‌کنند. اما روسیه نیز در حال پیشرفت است. یک رقابت تکنولوژیک که هر روز تشدید می‌شود. بسیاری از اوکراینی‌ها امیدوارند که سلاح‌هایی مانند پهپادهای پیشرفته به آنها در مبارزه با روسیه برتری بدهد.

اهمیت کرادفاندینگ (سرمایه‌گذاری جمعی)

واحدهای رزمی ارتش اوکراین ۷۰ درصد از پهپادها را از طریق سازمان‌های خصوصی دریافت می‌کنند که بسیاری از آنها از طریق کرادفاندینگ (سرمایه‌گذاری جمعی) تأمین مالی می‌شوند. دیمکو و ایرینا ژلوتنکو، هر دو متخصص IT، دو سال پیش شرکتی با نام «پاو دزیگا» به نام سگ‌شان تأسیس کردند. تشکیلات آنها توسط ۷۰۰۰ اهدا کننده از ۶۲ کشور حمایت می‌شود. تنها در سال گذشته این دو جوان ۲۳ و ۲۵ ساله ۱.۲ میلیون دلار آمریکا از طریق جذب سرمایه جمع‌آوری کرده و با آن ۲۰۰ پهپاد تأمین کرده‌اند. ایرینا در مورد ارتباطی که آنها بطور شبکه‌ای با هزاران نفر در کشورهای مختلف برقرار کرده‌اند توضیح می‌دهد: «تلاش می‌کنیم به آنها نشان دهیم که حتما نباید صدها دلار کمک کنند، آنها می‌توانند حتی یک دلار یا پنج دلار کمک کنند. در نهایت مجموع همه کمک‌هاست که تعیین‌کننده است. به عنوان شهروند در یک کشور آزاد هر کسی می‌تواند در این برنامه مشارکت داشته باشد، با این حال اقدام او می‌تواند تأثیر جهانی داشته باشد.»

همانطور که در برق نگاه و طنین صدای این زوج جوان که به تازگی ازدواج کرده‌اند می‌توان عشق به زندگی را دید، همچنین می‌توان عزم و اراده‌ای قوی را برای نجات کشورشان حس کرد. گزارش تلویزیون آلمان نشان می‌دهد در شهر خارکیف

● اوکراین به عنوان اولین کشور جهان واحدهای بدون سرنشین را به عنوان یک دسته‌ی جداگانه تأسیس کرده و هنگ ۱۴ یکی از واحدهای نخبه آن است. بجای مبارزه با تانک‌های زرهی و مسلسل‌ها، آنها با پهپادها، فناوری ماهواره‌ای و با لپ‌تاپ‌ها با ارتش روسیه مبارزه می‌کنند. ● اگرچه هنوز مشخص نیست که در رقابت برای فناوری‌های جدید چه کسی در نهایت برتر خواهد بود، اما دو سال گذشته نشان داده که عامل انسانی، همبستگی ملی و انگیزه اوکراینی‌ها برای دفاع از کشورشان تعیین‌کننده‌تر بوده است. وقتی این انگیزه با خلاقیت و نوآوری نیز همراه شود، بی تردید می‌تواند بسیاری از کمبودها را بطور مقطعی هم که شده جبران کرد.

حنیف حیدرئزاد- عزم، پشتکار و همبستگی اوکراینی‌ها برای دفاع از کشورشان در کنار ایده‌های خلاقانه‌ای که آن را پیوسته ارتقاء می‌دهند مثال‌زدنی است. ما ایرانیان نیز با وجود اختلافاتی که باهم داریم، اگر به نجات ایران بیندیشیم می‌توانیم پتانسیل‌های عظیمی را که در تک تک ما وجود دارد زنده کرده و به کار بگیریم. درست است که نوع و شکل جنگ اوکراینی‌ها با آنچه ایرانیان درگیر آن هستند کاملا متفاوت است، اما می‌توانیم از همبستگی و خلاقیت اوکراینی‌ها بیاموزیم و به این فکر کنیم که با چه روش‌هایی می‌توان مبارزه با حکومت اسلامی حاکم بر کشور را موثرتر پیش بُرد.

آنچه در پی می‌آید نگاهی است به جنگ اوکراینی‌ها با استفاده از فناوری‌های پیشرفته.

شبکه دوم تلویزیون آلمان (ZDF) در گزارشی به بررسی استفاده ارتش اوکراین از پهپادهای پیشرفته‌ای می‌پردازد که کاربرد وسیع آنها می‌تواند در جنگ با روسیه توازن قوا را بطور محدود در مناطق مشخصی به نفع اوکراین بهم زده یا

➔ یک یگان ویژه برای این کار اختصاص داده و دولت نیز یک وزارتخانه به این منظور تاسیس کرده است.



رومایی از پهپادهای انتحاری سپاه پاسداران و حمل آنها پشت وانت‌های تویوتا

تهدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی به دلیل ارسال تسلیحات برای روسیه علیه اوکراین

اسلامی فلسطین و حزب‌الله لبنان خود جمهوری اسلامی است.

کشورهای عضو «گروه هفت» اواخر اسفند ۱۴۰۲ در یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد. به گفته مقامات دولتی، یکی از گزینه‌ها که درباره آن بحث شده، ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی مدام به رهبران دولت‌های غربی در مورد ضرورت تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران هشدار می‌دهند. شاهزاده رضا پهلوی در یادداشتی که ۱۳ ژوئیه در روزنامه «تلگراف» منتشر شد از دولت بریتانیا خواست در راستای حمایت حداکثری از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران و فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و به عنوان گامی حیاتی در جهت مقابله با تروریسم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. وی تأکید کرده است که مباحثات با تهران جواب ندهد و بریتانیا حالا این فرصت را دارد تا در برابر رژیم جنایتکار بایستد.

-ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین در یک کنفرانس مطبوعاتی که اواخر نوامبر (اواسط آذرماه) با حضور رؤسای جمهور لتونی، سوئیس و نخست وزیر لیتوانی برگزار شد گفت، «جمهوری اسلامی هنوز موشکی به روسیه ارسال نکرده است، اما ممکن است این اتفاق بیفتد، بنابراین یک سیاست تحریمی منطقی و هشدارهای سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی از سوی جامعه بین‌المللی نیز لازم است.»

با اینهمه برخی منابع غربی گزارش دادند آثار و شواهد زیادی وجود دارد که تسلیحات ساخت ایران توسط روسیه علیه اوکراین به کار گرفته شده‌اند.

روس‌ها از یکسو زرادخانه‌ی تسلیحاتی خود را از طریق چین، جمهوری اسلامی، کره شمالی و بلاروس پُر می‌کنند و از سوی دیگر تلاش دارند تا کارزار گسترده برای ارسال تسلیحات غربی به اوکراین را مسدود کنند.

در همین ارتباط س‌ی‌ان‌ان گزارش داد توپنه روسیه برای ترور مدیر شرکت آلمانی در همکاری اطلاعاتی مشترک آلمان و آمریکا برای ارسال سلاح به اوکراین خنثی شد.

● شورای اتحادیه اروپا به دلیل «حمایت نظامی» جمهوری اسلامی از جنگ روسیه علیه اوکراین و همچنین پشتیبانی از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه از جمله حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ تحریم‌ها علیه حکومت ایران را تهدید کرد.

● بر همین اساس مقررات تحریمی فعلی شامل ۱۲ فرد و ۹ نهاد است.

● روس‌ها از یکسو زرادخانه‌ی تسلیحاتی خود را از طریق چین، جمهوری اسلامی، کره شمالی و بلاروس پُر می‌کنند و از سوی دیگر تلاش دارند تا کارزار گسترده برای ارسال تسلیحات غربی به اوکراین را مسدود کنند.

شورای اتحادیه اروپا به دلیل «حمایت نظامی» جمهوری اسلامی از جنگ روسیه علیه اوکراین و همچنین پشتیبانی از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه از جمله حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ تحریم‌ها علیه حکومت ایران را تهدید کرد.

بر اساس اطلاعیه‌ی رسمی که روز دوشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) منتشر شد این تحریم‌ها تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵ (پنجم مرداد ۱۴۰۴) تمدید شده‌اند.

در این بیانیه آمده، شورا امروز اقدامات محدودکننده در ارتباط با حمایت نظامی ایران از جنگ متجاوزانه روسیه علیه اوکراین و گروه‌های مسلح در خاورمیانه (غرب آسیا) و منطقه دریای سرخ را تهدید می‌کند. اقدامات محدودکننده فعلی بطور سالانه بازبینی خواهد شد.

بر همین اساس مقررات تحریمی فعلی شامل ۱۲ فرد و ۹ نهاد است. این موارد مشمول مسدود شدن دارایی‌ها شده و تأمین مالی یا منابع اقتصادی، بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای آنها یا به نفع آنها ممنوع است. به اضافه اینکه افراد حقیقی این فهرست مشمول ممنوعیت سفر به منطقه اتحادیه اروپا هستند.

اتحادیه اروپا بارها از جمهوری اسلامی خواسته ارسال پهپاد و موشک به روسیه را متوقف کند اما مقامات تهران ارسال تسلیحات برای روس‌ها را انکار می‌کنند.

مقامات ایران همچنین با حمایت از «آرمان‌های گروه‌های مقاومت منطقه»، ادعای حمایت مالی و نظامی از آنها و کنترل اقدامات آنها را رد کرده و مدعی هستند که این گروه‌ها بر اساس مصلحت خودشان و بطور مستقل فعالیت می‌کنند! این در حالیست که برای نمونه مؤسس جهاد

پهپاد، فناوری ماهواره‌ای و لپ‌تاپ

پهپادهای اوکراین با همه سادگی در تولید، می‌توانند حتی اهدافی در داخل خاک روسیه را نیز مورد اصابت قرار دهند. یکی از اپراتورهای این پهپادها در ارتش اوکراین که تازه دوره آموزشی را گذرانده می‌گوید: «ما می‌توانیم کمبود موشک‌های بالستیک و کروز را که در حال حاضر تعداد محدودی از آنها را در اختیار داریم جبران کنیم.»

اوکراین به عنوان اولین کشور جهان واحدهای بدون سرنشین را به عنوان یک دسته‌ی جداگانه تأسیس کرده و هنگ ۱۴ یکی از واحدهای نخبه آن است. بجای مبارزه با تانک‌های زرهی و مسلسل‌ها، آنها با پهپادها، فناوری ماهواره‌ای و لپ‌تاپ‌ها با ارتش روسیه مبارزه می‌کنند.

یک تاریخ نگار و تولید پهپادهای جنگی

از آغاز جنگ تجاوزگرانه روسیه به اوکراین پیوسته تعداد بیشتری از مخترعان و متخصصان IT شرکت‌هایی تأسیس می‌کنند که در آنها سلاح‌های مدرن به صورت انبوه تولید می‌شوند. «واربردز» یکی از این شرکت‌های نوپا است. این شرکت هر ماه ۱۵۰ مدل مختلف پهپاد تولید می‌کند. مدل‌های پیشرفته‌ای که هم برای شناسایی و هم برای حملات تهاجمی طراحی شده‌اند.

اولکسی، صاحب «واربردز»، یک تاریخ‌شناس تحصیلکرده است. او اکنون به بهینه‌سازی سیستم‌های GPS برای پهپادها می‌پردازد. ده‌ها پهپاد تازه ساخته شده به دیوارهای کارگاهش آویزان هستند و در این بین، سازندگان پهپاد روی مدل‌های جدید کار می‌کنند. او می‌گوید: «در ماه مه ۲۰۲۲ تصمیم گرفتیم که سعی کنیم پهپادها را بسازیم و آنها را در اختیار ارتش قرار دهیم، آنها را آموزش دهیم و به پرواز درآوریم.»

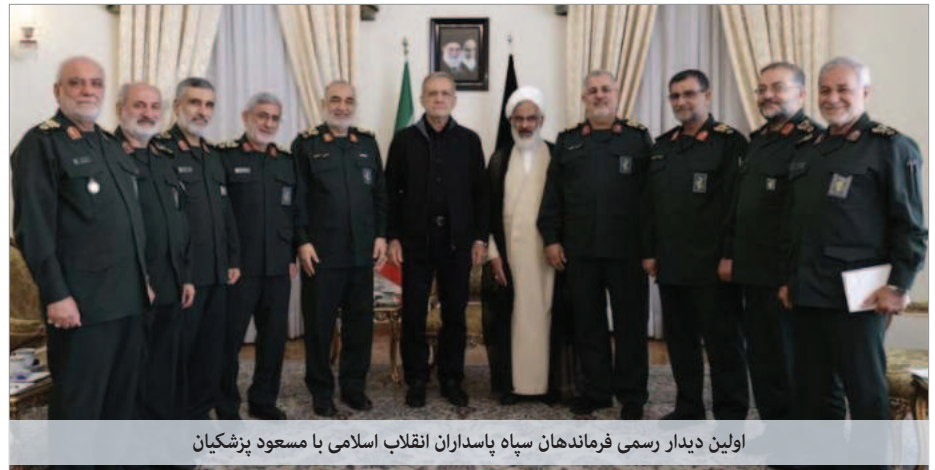
اهمیت سازمان‌های غیردولتی در تهیه تجهیزات

دولت اوکراین در کنار همه تلاش‌هایی که از طریق ارتباط با کشورهای دموکراتیک برای تأمین تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز دنبال می‌کند، همچنین روی شرکت‌های نوپایی که سلاح‌های پیشرفته تولید می‌کنند و روی کرافاندینگ (سرمایه‌گذاری جمعی) در رقابت برای برتری فناوری سرمایه‌گذاری می‌کند. میخائیلو فدروف، وزیر تحولات دیجیتال، می‌خواهد این روند را تسریع کند و به عنوان مغز متفکر دیجیتال شدن جنگ شناخته می‌شود. فدروف می‌گوید: «این مزیت رقابتی ما نسبت به دشمن است. گاهی اوقات دولت نمی‌تواند چیزی را بخرد، اما یک شرکت نوپا می‌تواند در غالب یک سازمان داوطلب به سرعت خرید کند و منابع مالی برای توسعه فناوری‌های جدید فراهم کند.»

فدروف معتقد است که سلاح‌های پیشرفته، ارزان‌تر و کارآمدتر هستند و آنها تعیین خواهند کرد که چه کسی جنگ را می‌برد. اما او واقف است که روسیه نیز روی این موضوع سرمایه‌گذاری کرده است.

اگرچه هنوز مشخص نیست که در رقابت برای فناوری‌های جدید چه کسی در نهایت برتر خواهد بود، اما دو سال گذشته نشان داده که عامل انسانی، همبستگی ملی و انگیزه اوکراینی‌ها برای دفاع از کشورشان تعیین کننده‌تر بوده است. وقتی این انگیزه با خلاقیت و نوآوری نیز همراه شود، بی تردید می‌تواند بسیاری از کمبودها را بطور مقطعی هم که شده جبران کرد.

دیدار فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مسعود پزشکیان



اولین دیدار رسمی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مسعود پزشکیان

نخستین پاداش یقه‌داری‌های انتخاباتی محمدجواد ظریف: رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم!

● به نظر می‌رسد به راه انداختن چیزی با عنوان «شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» برای متفاوت جلوه دادن دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نسبت به دولت‌های گذشته و بیشتر یک «ظاهرسازی» در همان ساختار کهنه و فرسوده و ناکارآمد برای فریب افکار عمومی است.

● انتصاب ظریف به سمت «رئیس شورای راهبری» در حالی صورت گرفته که او پیشتر مدعی شده بود قصد حضور در دولت را ندارد. اینهمه در حالیست که ظریف در روزهای پس از نمایش انتخابات نیز به شدت فعال بود تا میزان همراهی بخش‌های مختلف اقتصادی و دانشگاهی را با دولت مسعود پزشکیان افزایش دهد.

محمدجواد ظریف به عنوان «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» با بسایت جماران گفتگو کرده و با انتشار این گفتگو در شبکه «ایکس» نوشته به شایعات و خرسازی‌های پیرامون تعیین اعضای دولت توجه نکند و روند انتخاب کابینه از دیروز آغاز شده است.

این در حالیست که به نظر می‌رسد به راه انداختن چیزی با عنوان «شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» برای متفاوت جلوه دادن دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نسبت به دولت‌های گذشته و بیشتر یک «ظاهرسازی» در همان ساختار کهنه و فرسوده و ناکارآمد برای فریب افکار عمومی است. محمدجواد ظریف در این مصاحبه گفته پنج تن از دبیران کمیته‌های ستاد انتخاباتی به «شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» اضافه شده‌اند اما نام آنها را در گفتگو با «جماران» اعلام نکرده است.

او افزوده «فراخوان دیروز ارسال شده است. رؤسای کمیته‌ها فردا با بنده جلسه دارند تا روش کار معلوم شود و هفته آینده اعضای کمیته‌ها با جناب آقای دکتر پزشکیان دیدار می‌کنند تا اولویت‌های دولت چهاردهم را از زبان ایشان بشنوند. روند بررسی نامزدها به صورت کاملاً شفاف تنها پس از آن شروع خواهد شد و انشاءالله تا پایان تیرماه به نتیجه خواهد رسید.»

او افزوده «رؤسای کمیته‌ها فردا با بنده جلسه دارند تا روش کار معلوم شود و هفته آینده اعضای کمیته‌ها با جناب آقای دکتر پزشکیان دیدار می‌کنند تا اولویت‌های دولت چهاردهم را از زبان ایشان بشنوند. روند بررسی نامزدها به صورت کاملاً شفاف تنها پس از آن شروع خواهد شد و ان شاءالله تا پایان تیرماه به نتیجه خواهد رسید.»

محمدجواد ظریف که تلاش می‌کند تا خود را در ارتباط دائم با مردم و انواع تشکل‌هایی نشان دهد که در جمهوری اسلامی آزاد و مستقل نیستند، همچنین مدعی شده

در این متن همچنین آمده «در دیدار امروز برادران عزیزم در سپاه، پرچم مبارک آستان مقدس حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را از ایشان هدیه گرفتیم. پرچم آزادگان جهان امروز بر روی دوش ماست. عملدار این پرچم ماندن، همچو عباس علیه‌السلام عدالت‌خواهی، وفاداری، فداکاری و ادب می‌خواهد.»

خرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری پزشکیان توسط خامنه‌ای هفتم مرداد و مراسم تحلیف وی نهم مردادماه برگزار خواهد شد.

دیدار پزشکیان با فرماندهان سپاه واکنش‌های مختلفی را در پی داشت. برخی مخالفان نظام به کنایه گفته‌اند وی بعد از انتخابات خیلی زود به «تنظیمات کارخانه» بازگشت. برخی دیگر معتقدند این دیدار به معنای آن است که سپاه پاسداران به پزشکیان بفهماند کجا ایستاده و امور دست کیست.

در جریان رقابت‌های انتخاباتی تمایزی رسانه‌های مرتبط با سپاه پاسداران پیدا و پنهان از سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف حمایت می‌کردند و به شدت علیه پزشکیان و عوامل کارزار تبلیغاتی وی و ویژه محمدجواد ظریف موضع داشتند. برخی تحلیلگران معتقدند این مواضع نیز جزو نمایش انتخابات برای دوقطبی کردن رأی‌گیری و کشاندن برخی از به اصطلاح «قشر خاکستری» و مرددان به پای صندوق‌های رأی از ترس جلیلی و به سود پزشکیان بوده است

پیروز انتخابات خامنه‌ای است

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه (۱۶ تیرماه) طی یادداشتی که در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران منتشر شد، با بیان اینکه «باید همه ملت و مسئولان با حمایت از پزشکیان به اجرای برنامه‌های کشور کمک کنند» نوشت: «امروز نظام اسلامی، ملت ایران و در رأس همه، خامنه‌ای پیروز میدان هستند و نباید در رأی رئیس جمهور خدشه‌ای وارد شود.»

پیش از آن نیز رمضان شریف سخنگوی سپاه در ششم تیرماه گفته بود «منتخب مردم در انتخابات ریاست جمهوری، مورد حمایت سپاه خواهد بود.» این در حالیست که شعارها و وعده‌هایی که پزشکیان برای به اصطلاح «اصلاح» و «تغییر» مطرح کرده، حتا اگر واقعیت هم می‌داشت، «حمایت» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین خود خامنه‌ای را ندارد!

● در این دیدار علاوه بر حسین سلامی فرمانده کل سپاه، اسماعیل قاآنی فرمانده «سپاه قدس»، امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه، محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه و شمار دیگری از فرماندهان ارشد حضور داشتند اما جزئیات بیشتری از محتوای جلسه منتشر نشده است.

● پزشکیان با انتشار تصویری از این دیدار در «ایکس» نوشت «در دیدار امروز برادران عزیزم در سپاه، پرچم مبارک آستان مقدس حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را از ایشان هدیه گرفتیم. پرچم آزادگان جهان امروز بر روی دوش ماست. عملدار این پرچم ماندن، همچو عباس علیه‌السلام عدالت‌خواهی، وفاداری، فداکاری و ادب می‌خواهد.»

● امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه (۱۶ تیرماه) طی یادداشتی در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران نوشته بود: «امروز نظام اسلامی، ملت ایران و در رأس همه، خامنه‌ای پیروز میدان هستند و نباید در رأی رئیس جمهور خدشه‌ای وارد شود.»

● پیشتر رمضان شریف سخنگوی سپاه نیز گفته بود «منتخب مردم در انتخابات ریاست جمهوری، مورد حمایت سپاه خواهد بود.» این در حالیست که شعارها و وعده‌هایی که پزشکیان برای به اصطلاح «اصلاح» و «تغییر» مطرح کرده، حتا اگر واقعیت هم می‌داشت، «حمایت» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین خود خامنه‌ای را ندارد!

فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز یکشنبه ۲۴ تیرماه با مسعود پزشکیان دیدار کردند و «پرچم حرم حسینی» به وی هدیه دادند.

در این دیدار علاوه بر حسین سلامی فرمانده کل سپاه، اسماعیل قاآنی فرمانده «سپاه قدس»، امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه، محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه و شمار دیگری از فرماندهان ارشد این نهاد نامتعارف نظامی-ایدئولوژیک حضور داشتند اما جزئیات بیشتری از محتوای جلسه منتشر نشده است.

پزشکیان با انتشار تصویری از این دیدار در «ایکس» به زبان ترکی نوشت «یل یاتار، طوفان یاتار، یاغماز حسینین پرچمی» (باد می‌خوابد، توفان می‌خوابد، پرچم حسین برافراشته می‌ماند).»



➔ که هنوز هیچ فردی برای هیچ پستی در هیئت دولت مشخص نشده است: «تا کنون هیچ نامزدی برای هیچ پستی از جمله معاون اول حتا بررسی هم نشده است. روند بررسی‌ها پس از دریافت پیشنهادهای سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، انجمن‌های علمی، انجمن‌های صنفی و بخش خصوصی شروع می‌شود.»

انتصاب ظریف به سمت «رئیس شورای راهبری» در حالی صورت گرفته که او پیشتر مدعی شده بود قصد حضور در دولت را ندارد. وی پس از انتخابات و پیروزی مسعود پزشکیان گفته بود «من به خاطر نگرانی از آینده ایران وارد عرصه انتخابات و حمایت از آقای پزشکیان شدم نه اینکه در دولت و برای کسب پست حضور پیدا کنم و آماده‌ام که در صورت لزوم و درخواست آقای پزشکیان به این مشورت‌ها و همکاری‌ها ادامه دهم.»

پیشتر حتا از محمد جواد ظریف به عنوان یکی از داوطلبان احتمالی نامزدی در انتخابات نام برده می‌شد اما خودش اعلام کرد که در انتخابات ثبت‌نام نخواهد کرد. برخی معتقدند داوطلب نشدن او به دلیل احتمال بالای رد صلاحیت از سوی شورای نگهبان بوده است.

اینهمه در حالیست که ظریف در روزهای پس از نمایش انتخابات نیز به شدت فعال بود تا میزان همراهی بخش‌های مختلف اقتصادی و دانشگاهی را با دولت مسعود پزشکیان افزایش دهد. برای نمونه او طی روزهای گذشته با فعالان اقتصادی بخش خصوصی نشست برگزار کرد.

در این نشست که با اعضای مجمع کارآفرینان ایران در روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه برگزار شد، محمدجواد ظریف با اعتراف به فشارهایی که سیاست‌های جمهوری اسلامی و در پی آن تحریم‌ها بر بخش خصوصی وارد کرده گفت «متأسفانه تعدادی در کشور منافعی دارند که اجازه تغییر وضعیت موجود را نمی‌دهند.»

او همچنین در بخش دیگری از سخنانش گفت «دولت جدید برای رفع تحریم و FATF نیازمند حمایت داخلی است» و البته تأکید کرد که «خصلت‌ها به نام دولت و بخش خصوصی از رانت‌هایی استفاده می‌کنند و در انتهای کار کسی نمی‌تواند بابت همین رانت آنان را بازخواست کند.»

محمدجواد ظریف که در این نشست هنوز عنوان «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» را نداشت، خبر از تشکیل شورایی برای انتخاب وزرا را داده و گفته بود که «بر اساس تصمیماتی که گرفته شده با هدف جوان‌سازی دولت قرار است ۶۰ درصد از وزرا برای نخستین بار وزیر شوند و شرایط سنی آنان نیز زیر ۵۰ سال باشد.»

وی در ادامه افزوده بود که «بنا داریم دولت جوانی تشکیل شود و واقعا قرار نیست افرادی مانند من که بارها مسئولیت داشته‌ایم دوباره در این دولت مسئولیت بگیریم، در دوره تبلیغات ریاست جمهوری بارها تأکید کرده‌ام که من ظریف در دولت مسئولیتی نمی‌خواهم و برای پست و مقام نیامده‌ام، حتا پست معاون اولی را به خاطر پست و مقام‌اش حاضر نیستم بپذیرم.»

نکته مهم سخنان ظریف در این نشست اعتراف او به سیاست کلی رهبر جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت با انتخابات نمایشی چهاردهم و البته نقش خودش در این روند بوده است. او گفت که «رهبری راه حل بحران است. بی‌دلیل ما روشنفکران و پولدارها راه حل را تبدیل به مشکل نکنیم و من بطور جدی از شما کارآفرینان که در کشور مرجع هستید درخواست می‌کنم که مسیر درست را انتخاب کنید.»

محمدجواد ظریف خوانساری معروف به «ظریف» وزیر امور خارجه دو دولت حسن روحانی از ۱۹۹۲ تا ۱۴۰۰ و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای جمهوری اسلامی در مذاکراتی

بود که در تیرماه ۱۳۹۴ منجر به امضای برجام شد. ظریف که مسئولیت اصلی‌اش به عنوان وزیر خارجه‌ی دولت‌های یازدهم و دوازدهم به سرانجام رساندن توافق اتمی و دور زدن تحریم‌ها و سازماندهی لایب‌گران بود، در سیاست‌های منطقه‌ای به بازی گرفته می‌شد و حتا سفر بشار اسد به تهران به او اطلاع داده می‌شد که همین سبب قهر چند ساعته و استعفای وی در اینستاگرام شد که خیلی زود آن را پس گرفت. بعد هم علی خامنه‌ای برای رفع هرگونه ابهامی، وزارت خارجه را مجری تصمیمات دانست و خود ظریف نیز بارها به همین موضوع اعتراف کرد.

وی در سه سال گذشته و همزمان با فعالیت دولت ابراهیم رئیسی در سایه قرار گرفت و با آغاز انتخابات نمایشی ریاست جمهوری چهاردهم که در پی مرگ ابراهیم رئیسی یک سال زودتر از موعد در تیرماه امسال برگزار شد، بلافاصله و با جنجال وارد صحنه شد تا از نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان پشتیبانی کند و اکنون نیز برای چیدن و جاسازی اعضای کابینه‌ی پزشکیان به شدت فعال است و آنقدر که صحبت از اوست، از پزشکیان نیست!

محمدجواد ظریف که از او به عنوان «نامزد نیابتی خامنه‌ای» در انتخابات چهاردهم یاد شده نقش ویژه‌ای در گرم کردن تنور انتخابات به عهده گرفت. او با سفر به چند شهر در جمع‌های حمایتی از مسعود پزشکیان شرکت کرد و با هر ترفندی از جمله داد و بیداد و هیاهو و لودگی تلاش کرد توجه افکار عمومی را به انتخابات نمایشی حکومت جلب کند.

حضور محمدجواد ظریف و عربده‌کشی‌های عصبی او از پشت تریبون بیش از آنکه «جمعیت خاکستری» را برای شرکت در انتخابات تحریک کند، با اعلام انزجار و تمسخر افکار عمومی روبرو شد. گویی وی نیز آمده بود تا مانند بقیه نامزدها مردم را به تحریم تشویق کند!

او در جریان تبلیغات انتخابات در گردهمایی تبلیغاتی مسعود پزشکیان در شهر کاشان با فریادهای مکرر و حالتی غیرطبیعی پشت تریبون حاضر شد و وقتی با شعار شماری از حاضران که خطاب به او فریاد «دروغگو، دروغگو» و «هیئات من‌الذله» سر دادند روبرو شد، با فریادهای مکرر و چشمپا دریده از پشت تریبون چند بار فریاد زد «هیئات من‌الذله، هیئات من‌الچای دیش، هیئات من‌الچای دیش!» او در ادامه گفت «یادتان نیست نا نماینده کاشان که

روزگار من را در مجلس سپاه کرده بود، گند چای دیش را درآورد. ببینید همه اختلاسگران از آغاز تاریخ تا آخرش را بیاورید، به اندازه چای دیش نمی‌شود.»

فریادهای «هیئات من‌الچای دیش» و «کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!» از سوی ظریف در حالی سر داده شده که اسناد مربوط به فساد بزرگ «گروه کشت و صنعت دیش» با برند تجاری «چای دیش» با رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سال ۹۸ و در دولت حسن روحانی آغاز شده و در دولت ابراهیم رئیسی ادامه یافت!

مسعود پزشکیان صبح روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه به همراه محمدجواد ظریف راهی اصفهان شد؛ هرچند اصلاح‌طلبان در اصفهان تدارک ویژه‌ای برای این تور انتخاباتی دیده بودند اما در ابتدای حضور پزشکیان و ظریف در پل خواجو اصفهان مردم آنها را دوره کرده و علیه‌شان شعار دادند.

شماری از شهروندان خطاب به ظریف فریاد می‌زدند «خجالت‌بخش ظریف دروغگو». همچنین هنگام حضور ظریف و پزشکیان در پل خواجو، مردم با شعارهای «به اصفهان نفس بده، زاینده‌رود رو پس بده» و انتقادهای مکرر از وضعیت مدیریت آب در این استان و سایر استان‌ها که منجر به خشکی زاینده‌رود شده، آنها را دوره کردند.

همچنین یکی از کشاورزان با انتقاد از عملکرد دولت‌های پیشین خطاب به پزشکیان و ظریف گفت خشکی زاینده‌رود «نتیجه اقدامات دولت اصلاحات» و «کارنامه رفقای آقای دکتر» است. در حالی که اطرافیان پزشکیان تلاش داشتند این کشاورز را ساکت کنند، پزشکیان در پاسخ به او گفت: «به این یکی دولت رأی بدهید تا درستش کند.»

برخی تحلیلگران معتقدند مسعود پزشکیان اساسا در قواره ریاست همین دولت جمهوری اسلامی هم نیست و به ویژه در شرایط کنونی که رژیم با مشکلات جدی اقتصادی، بهم‌ریختگی روابط بین‌المللی و منطقه‌ای، تداوم تحریم‌ها در بن‌بست مذاکرات و همچنین نارضایتی گسترده داخلی روبروست، تلاش برای آرام نگه داشتن شرایط و حفظ نظام با فردی در حد و اندازه پزشکیان امکانپذیر نیست. به همین دلیل، در عمل محمدجواد ظریف و امنیتی‌های دولت حسن روحانی اداره‌کننده کشور خواهند بود حتا اگر بطور رسمی پست‌هایی در هیئت دولت نداشته باشند.

شکار «محمد براء قاطرجی» تاجر و دلال نزدیک به بشار اسد و حزب الله توسط پهپادهای اسرائیل



محمد براء قاطرجی (قارچی)

خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۶ قاطرجی و شرکت‌اش را به دلیل تسهیل تجارت سوخت بین رژیم بشار اسد و داعش، از جمله ارسال فرآورده‌های نفتی به مناطق تحت کنترل داعش، در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

خانواده قاطرجی متهم به داشتن ارتباط قوی با حزب الله هستند و برخی منابع گزارش دادند با عوامل جمهوری اسلامی در «سپاه قدس» نیز روابط نزدیکی دارند.

پایگاه خبری «ارم نیوز» در گزارشی نوشت قاطرجی یکی از چندین شخصیت برجسته سوری بود که وزارت خارجه بریتانیا در سال ۲۰۲۱ او را به اتهام پشتیبانی از حکومت سوری و سود کلان از طریق معاملات غیرقانونی تجاری در زمینه نفت و گندم تحریم کرد.

اسرائیل بعد از حمله تروریستی و مرگبار «هفت اکتبر» به خاک خود که توسط حماس انجام شد، شیوه مقابله با تهدیداتی که موجودیت این کشور را به خطر می‌اندازد تغییر داده است. عملیات گسترده اسرائیل برای مقابله با این تهدیدات از جمله حذف فیزیکی عواملی است که در تأمین مالی تروریسم نقش دارند. طی همین دوران علاوه بر فرماندهان نظامی میدانی حماس و حزب الله، شماری از عوامل وابسته به جمهوری اسلامی یا رژیم سوری و حزب الله نیز که شبکه‌های مالی شبه‌نظامیان را هدایت می‌کنند شکار شدند. یکی از آنها توفیق محمد سعید بود که بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا در اوایل سال ۲۰۲۴، شرکت صرافی وی مستقر در لبنان بود که در انتقال میلیون‌ها دلار ارز دیجیتال از سوی قاطرجی با حزب الله همکاری می‌کرد.

وزیر کشور لبنان در ماه آوریل سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که یک صراف لبنانی مرتبط با حزب الله در ویلایی در حاشیه یک استراحتگاه کوهستانی کشته شده است. وی ادعا کرده بود که احتمالاً این عملیات توسط مأموران اطلاعاتی اسرائیل انجام شده است.

● براء قاطرجی تاجر سرشناس سوری نزدیک به بشار اسد دوشنبه شب ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در حمله پهپادی اسرائیل کشته شد. وی سوار بر اتومبیل خود در بزرگراه مرزی لبنان و سوریه هدف قرار گرفت.

● وی به همراه برادرانش «زاهد» و «حسام» بخشی از اصلی‌ترین حلقه‌های تجار و دلالان نزدیک به خانواده اسد بودند که در طول جنگ ۱۳ ساله سوریه میلیاردها دلار به جیب زدند.

● به گزارش سی‌ان‌ان عربی، دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۶ قاطرجی و شرکت‌اش را به دلیل تسهیل تجارت سوخت بین رژیم بشار اسد و داعش، از جمله ارسال فرآورده‌های نفتی به مناطق تحت کنترل داعش، در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

● پایگاه خبری «ارم نیوز» در گزارشی نوشت قاطرجی یکی از چندین شخصیت برجسته سوری بود که وزارت خارجه بریتانیا در سال ۲۰۲۱ او را به اتهام پشتیبانی از حکومت سوریه و سود کلان از طریق معاملات غیرقانونی تجاری در زمینه نفت و گندم تحریم کرد.

● براء قاطرجی تاجر سرشناس سوری نزدیک به بشار اسد دوشنبه شب ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در حمله پهپادی اسرائیل کشته شد. وی سوار بر اتومبیل خود در بزرگراه مرزی لبنان و سوریه هدف قرار گرفت.

● قاطرجی و شرکت‌های وابسته به او به دلیل انتقال و تسهیل محموله‌های نفتی و تأمین مالی رژیم سوریه تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارند.

● وی به همراه برادرانش «زاهد» و «حسام» بخشی از اصلی‌ترین حلقه‌های تجار و دلالان نزدیک به خانواده اسد بودند که در طول جنگ ۱۳ ساله سوریه میلیاردها دلار به جیب زدند.

● به گزارش سی‌ان‌ان عربی، دفتر کنترل دارایی‌های وزارت

بازگشایی مجدد سفارت جمهوری آذربایجان در تهران؛ جریان‌سازی مشکوک به نفع پزشکیان!



ساختمان جدید سفارت جمهوری آذربایجان در خیابان «دروس»

● وزارت خارجه جمهوری آذربایجان اعلام کرد که در نتیجه مذاکرات باکو و تهران، سفارت این کشور در تهران از روز دوشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) فعالیت خود را از سر گرفت.

● بر اساس گزارش منابع داخلی، سفیر و کارکنان فعلی سفارت به ایران بازگشته‌اند اما ساختمان این سفارتخانه به محل جدید منتقل شده است.

● الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان ۲۰ تیرماه در تماس تلفنی با پزشکیان از وی برای سفر به باکو دعوت کرده بود.

● اصلاح‌طلبان با جریان‌سازی مشکوک تلویحاً بازگشایی سفارت جمهوری آذربایجان را مرتبط با ریاست جمهوری مسعود پزشکیان می‌دانند که از ایرانیان ترک‌زبان است. در جریان تبلیغات انتخاباتی، ستادهای پزشکیان در تلاشی سازمانیافته برای پر کردن صندوق‌های رأی به نفع جریان اصلاح‌طلب، دست روی تحریک اقوام به ویژه ایرانیان ترک‌زبان در استان‌های شمال غربی کشور و همچنین ترک‌زبان‌های سایر استان‌ها گذاشتند تا جایی که حتا روی «تُرک-مسلمان» بودن مثلث رجب طیب اردوغان، الهام علی‌اف و مسعود پزشکیان مانور می‌دادند هرچند ←

➔ این روند در مقالات و موضع‌گیری حامیان این جریان سیاسی انکار می‌شود.

وزارت خارجه جمهوری آذربایجان اعلام کرد که در نتیجه مذاکرات باکو و تهران، سفارت این کشور در تهران از روز دوشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) فعالیت خود را از سر گرفت. بر اساس گزارش منابع داخلی، سفیر و کارکنان فعلی سفارت به ایران بازگشته‌اند اما ساختمان این سفارتخانه به محل جدید منتقل شده است.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه آذربایجان، ایران بر اساس تعهدات خود مبنی بر تأمین امنیت در چارچوب «کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک» اقدامات مناسبی را برای تأمین امنیت دیپلماتیک مقابل ساختمان جدید سفارت انجام داده است.

بر اساس همین بیانیه «در حال حاضر اقداماتی برای ساماندهی خدمات کنسولی در ساختمان جدید سفارت در ایران در حال انجام است و به زودی اطلاعات تکمیلی در مورد آغاز به کار سرویس کنسولی ارائه خواهد شد.»

اسکرین‌شات خبر بازگشایی سفارت جمهوری آذربایجان در تهران را صفحه اینستاگرام سفارت روسیه در تهران بازتاب داد! یکی کاربر ایرانی در اینستاگرام سفارت روسیه در تهران در واکنش به موضوع پرسیده: «خوب به شما چه؟»

الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان ۲۰ تیرماه در تماس تلفنی با پزشک‌های از وی برای سفر به باکو دعوت کرده بود. سفارت جمهوری آذربایجان در تهران پس از آن بسته شد که یک فرد مسلح هفتم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ با یک اسلحه کلاشنیکوف به ساختمان این سفارت حمله کرد. در این اقدام یک نفر که گفته شد رئیس حراست سفارت بود کشته و دو محافظ سفارت نیز زخمی شدند. در پی این اقدام سفارت آذربایجان فعالیت خود را متوقف کرد و کارکنان خود را به باکو فراخواند. دو ماه بعد با افزایش تنش‌های سیاسی میان دو طرف، چهار دیپلمات جمهوری اسلامی از باکو اخراج شدند. در همان مقطع نیروهای امنیتی جمهوری آذربایجان شش نفر را به اتهام ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و توطئه برای خرابکاری و کودتا بازداشت کردند.

در ایران جریان‌های سیاسی و امنیتی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همواره نسبت به روابط نزدیک جمهوری آذربایجان با اسرائیل هشدار می‌دهند. به ویژه آنکه در سال‌های اخیر همکاری‌های نظامی آنها گسترش یافته است و اسرائیل در جمهوری آذربایجان پایگاه نظامی دارد. حتی پس از سقوط هلی‌کوپتر حامل ابرهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان منابع نزدیک به سپاه احتمال دخالت اسرائیل در این سانحه را با توجه به نزدیکی محل سقوط با مرز ایران و آذربایجان مطرح کردند.

شماری از کارشناسان و تحلیلگران نزدیک به سپاه در چند مورد ادعا کردند «صهیونیست‌ها بارها از پایگاه‌شان در آذربایجان، پهپاد به ایران فرستادند.»

اصلاح‌طلبان با جریان‌سازی مشکوک تلویحاً بازگشایی سفارت جمهوری آذربایجان را مرتبط با ریاست جمهوری مسعود پزشکیان می‌دانند که اهل استان آذربایجان است. در جریان تبلیغات انتخاباتی، ستادهای پزشک‌های در تلاش سازمان‌یافته برای پر کردن صندوق‌های رأی به نفع جریان اصلاح‌طلب، دست روی تحریک اقوام به ویژه ایرانیان ترک‌زبان در استان‌های شمال غربی کشور و همچنین ترک‌زبان‌های سایر استان‌ها گذاشتند تا جایی که حتی روی «تُرک-مسلمان» بودن مثلث رجب طیب اردوغان، الهام علی‌اف و مسعود پزشکیان مانور می‌دادند هرچند این روند در مقالات و موضع‌گیری حامیان این جریان سیاسی انکار می‌شود.

آمریکا شرکت «حکیمان شرق» را به دلیل همدستی در برنامه تسلیحات شیمیایی حکومت ایران تحریم کرد



رزمایش مقابله با حملات شیمیایی در رزمایش نیروی دریایی ارتش / تیرماه ۱۳۹۶

● وزارت خارجه آمریکا روز جمعه ۱۲ ژوئیه (۲۲ تیرماه) اعلام کرد شرکت تحقیقاتی «حکیمان شرق» به دلیل همدستی در تحقیقات و توسعه تسلیحات شیمیایی جمهوری اسلامی تحریم شده است.

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت این تحریم در پی فرمان اجرایی شماره ۱۳۳۸۲ درباره گسترش‌دهندگان تسلیحات کشتار جمعی و حامیان آنها وضع شده است.

● به گفته این مقام دیپلماتیک، وضع این تحریم به دلیل مشارکت و همچنین همدستی شرکت «حکیمان شرق» در فعالیت‌ها یا معاملاتی است که بطور عینی به تکثیر تسلیحات کشتار جمعی توسط جمهوری اسلامی کمک می‌کند.

● بر اساس ارزیابی ایالات متحده، جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۸ به دلیل خودداری از اعلام کامل فعالیت‌ها و تاسیسات شیمیایی خود، از کنوانسیون بین‌المللی منع تسلیحات شیمیایی تبعیت نکرده است.

وزارت خارجه آمریکا روز جمعه ۱۲ ژوئیه (۲۲ تیرماه) اعلام کرد شرکت تحقیقاتی «حکیمان شرق» به دلیل همدستی در تحقیقات و توسعه تسلیحات شیمیایی جمهوری اسلامی تحریم شده است.

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت این تحریم در پی فرمان اجرایی شماره ۱۳۳۸۲ درباره گسترش‌دهندگان تسلیحات کشتار جمعی و حامیان آنها وضع شده است.

به گفته این مقام دیپلماتیک، وضع این تحریم به دلیل مشارکت و همچنین همدستی شرکت «حکیمان شرق» در فعالیت‌ها یا معاملاتی است که بطور عینی به تکثیر تسلیحات کشتار جمعی توسط جمهوری اسلامی کمک می‌کند.

این تحریم‌ها به دنبال درخواست‌های دائمی آمریکا از جمهوری اسلامی برای عدم پایبندی رژیم به «کنوانسیون بین‌المللی منع تسلیحات شیمیایی» (CWC) وضع شده است.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا همچنین افزود، بر اساس ارزیابی ایالات متحده، جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۸ به دلیل خودداری از اعلام کامل فعالیت‌ها و تاسیسات شیمیایی خود، از کنوانسیون مربوطه تبعیت نکرده است.

ماتیو میلر در ادامه افزود که جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۴ این کنوانسیون را به دلیل توسعه عوامل دارویی به عنوان بخشی از برنامه تسلیحات شیمیایی خود نقض کرده است.

در این بیانیه همچنین آمده، ایالات متحده به مقابله با هرگونه تلاش جمهوری اسلامی برای توسعه تسلیحات شیمیایی از جمله آنهایی که ممکن است به منظور کمک به فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده حکومت ایران از سوی گروه‌های نیابتی و شرکای جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گیرند، ادامه خواهد داد. طبق اعلام دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) این شرکت در «خمینی شهر» (همایون‌شهر) اصفهان فعال است. شرکت تحقیقاتی «حکیمان شرق» به فهرست «نهادهای مورد نگرانی ویژه» وزارت خزانه‌داری افزوده شده است.

مشخص نیست تحقیقات این شرکت یا مواد شیمیایی تولیدشده مرتبط با آن تحقیقات چه بوده و کجا مورد استفاده قرار گرفته اما عمده تحریم‌های آمریکا و متحدانش علیه افراد و نهادهای حکومت جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته به دلیل برنامه هسته‌ای، نقض حقوق بشر و سرکوب معترضان، برنامه موشکی و پهپادی و همکاری نظامی با روسیه در جنگ علیه اوکراین وضع شده است و کمتر سابقه داشته تحریم نهاد، شرکت یا افراد مرتبط با تولید تسلیحات شیمیایی بوده باشد.

مرکز تحقیقاتی «آلما» امرداد سال ۱۴۰۲ اعلام کرد، رژیم ایران در ۱۰ سایت وابسته به مرکز «مطالعات و تحقیقات علمی سوریه» مشغول تولید سلاح‌های پیشرفته است. در این گزارش هشدار داده شد استفاده‌ی حزب‌الله از سلاح‌های شیمیایی در رویارویی بعدی با اسرائیل منتفی نیست.

در وبسایت شرکت «حکیمان شرق» آمده که تولیدکننده مواد شیمیایی و دارویی از جمله داروی درمان ریفلاکس معده، داروی پیشگیری از میگرن، پیشگیری از دردهای پرئود زنان، قطره ضد سرماخوردگی و سایر مواد از این قبیل است.

بر اساس کنوانسیون منع استفاده از تسلیحات شیمیایی که ۱۹۰ کشور عضو آن هستند، تولید و ذخیره و کاربرد هرگونه سلاح شیمیایی ممنوع است. جمهوری اسلامی ایران در همان سال ۱۹۹۳ که این کنوانسیون تهیه شد آن را امضا کرد.

علی باقری کنی سرپرست موقت وزارت خارجه جمهوری اسلامی ۱۱ تیرماه گفته بود «جمهوری اسلامی ایران نه تنها هرگز به سمت سلاح‌های غیرانسانی نرفته، بلکه همواره از مدافعان امحای سلاح‌های کشتار جمعی بوده و هست و از مؤثرترین و فعال‌ترین کشورها برای ایجاد جهان عاری از سلاح شیمیایی به حساب می‌آید.»

نبرد سنگین «سهم خواهی»؛ ظریف با چراغ سبز خامنه‌ای دولت «وحدت ملی» تعیین می‌کند نه «دولت ائتلافی»!



محمدجواد ظریف در تجمع انتخاباتی مسعود پزشکیان در گرگان

● به نظر می‌رسد مسعود پزشکیان رئیس دولت «فایضی» است و در اصل محمدجواد ظریف و جریان امنیتی پشت سر وی با چراغ سبز علی خامنه‌ای در حال پیشبرد طراحی دولت چهاردهم هستند. دولتی که وزرایش عین قبلی‌ها بدون تأیید ولی فقیه از مجلس رأی اعتماد نخواهند گرفت!

در شرایطی که از یکسو ادعا می‌شود دولت مسعود پزشکیان دولت «وحدت ملی» است اما اصلاح‌طلبان حتی برای دیگر «خودی‌ها» هم در این دولت سهمی قائل نیستند و به گفته محمدجواد ظریف قرار نیست افرادی که با «گفتمان رئیس جمهور» همراهی ندارند، در کابینه به بازی گرفته شوند.

محمدجواد ظریف شب گذشته در برنامه خبری صداوسیما جمهوری اسلامی از یکسو اعلام کرده دولت چهاردهم «ائتلافی نیست بلکه وحدت ملی است!» و از سوی دیگر گفته: «قرار نیست افرادی که با گفتمان رئیس جمهور همراهی ندارند، در کابینه حاضر باشند».

پس از برگزاری انتخابات فایضی، تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان با کارگردانی محمدجواد ظریف یک نمایش دیگر در رابطه با افراد پیشنهادی برای وزارتخانه‌ها و تعیین دولت به راه انداخته است.

بر آن «ماله» بکشد و به هر شکلی که می‌تواند وضعیت حاد رژیم را با نمایش آرامش و مشورت، «علاج» کند و با همین مأموریت نیز به طرزی بی‌سابقه چنان فعال شده که اصلاً نامی از مسعود پزشکیان نیست، نبردی سخت در جریان است.

● غلامعلی رجایی فعال اصلاح‌طلب هشدار داده که سهم خواهی از پزشکیان و ریزش حلقه اولیه اطرافیان یک چالش جدی است.

● بهزاد نبوی اصلاح‌طلب: به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده. از همه اعضای کمیته‌ها عاجزانه استعفا دارم، به خاطر ایران و به خاطر دکتر پزشکیان ببنوا، دست از سهم خواهی از این گوشت قربانی بردارند.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران هم درباره سهم خواهی اصلاح‌طلبان از کابینه پزشکیان نوشته که «با شعار «برای ایران» رای گرفتند برای پست به جان هم افتادند».

● ظریف افرادی مانند محمد خاتمی، حسن روحانی، غلامحسین حدادعادل، محمدباقر قالیباف و حتی سعید جلیلی را که اصلاح‌طلبان او را «ابوبکر بغدادی ایران» نامیده‌اند، «چهره‌های ملی» خوانده و گفته از آنها درخواست شده نامزدهای خود را برای وزارت معرفی کنند تا در کارگروه‌ها بررسی شوند.

● محمدجواد ظریف با عنوان نوظهور «رئیس شورای راهبری انتقال دولت» در صداوسیما دولتی به معرفی کارگروه‌هایی جهت پیشنهاد افراد برای هیئت دولت پرداخته و گفته «ما پنج کارگروه درست کردیم که البته سلیقه‌ای بوده و می‌توان آن را به شکل دیگری هم پیش برد. یک کارگروه امنیتی و سیاسی است که شامل وزارت کشور، دفاع، اطلاعات، دادگستری و امور خارجه و سازمان انرژی اتمی است و مسئولیت آن به عهده من است».

● ظریف که قبلاً این کارگروه‌ها را در شبکه «ایکس» با این بهانه معرفی کرده بود که صداوسیما جمهوری اسلامی به وی امکان اعلام آنها را نداده، از همان تریبون به تشریح آنها پرداخت آنهم در حالی که قبلاً در «چارت» خود هم وزارت اطلاعات را «سهوا» نیاورده بود و هم برخلاف همه‌ی تبلیغات رژیم درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی را نه در کارگروه مسائل «زیربنایی» بلکه در بخش مسائل دفاعی و امنیتی آورده و در کنار دیگر وزارتخانه‌های مهم، خودش مسئول کارگروه آن شده است!

● او «سهم خواهی» اصلاح‌طلبان از دولت را طبیعی خوانده و گفته «قرار نیست افرادی که با گفتمان رئیس جمهور همراهی ندارند، در کابینه حاضر باشند».

● در آسوی واقعیت پرتلاطمی که ظریف تلاش می‌کند



➔ «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» عنوان نوظهوری است که در این نمایش به محمدجواد ظریف داده شده تا مأموریت خود را به انجام برساند. به نظر می‌رسد ظریف مهره علی خامنه‌ای در انتخابات اخیر شده تا هم به جمع و جور کردن اصلاح‌طلبان و گرم کردن تنور انتخابات کمک کند و هم پس از سیرک انتخابات، افکار عمومی را سرگرم و معطل تشکیل دولت جدید و ظاهراً متفاوت جمهوری اسلامی کند.

این در حالیست که همه می‌دانند وزرای وزارتخانه‌های مهم با نظر مستقیم علی خامنه‌ای و بقیه وزارتخانه‌ها نیز با تأیید غیرمستقیم وی پیشنهاد می‌شوند تا از مجلس شورای اسلامی که آنهم گوش به فرمان اوست رأی اعتماد بگیرند. ولی از قرار معلوم به محمدجواد ظریف مأموریت داده شده تا این نمایش مضحک را برای ارائه «پیشنهاد» جهت تعیین وزرا به راه بیندازد!

در حالی که اکثریت مردم انتخابات نمایشی تیرماه ۱۴۰۳ را تحریم کردند، ظریف در برنامه خبری شب گذشته صداوسیما حکومت گفته «معمولاً بعد از انتخاب رئیس جمهوری روندی طی می‌شد که چندان شفاف نبود اما الان یک روندی آغاز شده که تجربه‌ای جدید است و آزمون و خطا هم دارد.»

او همچنین با بزرگ کردن روندی که استصوابی و خودکامه است، گفته «سعی کردیم از روش‌های مدیریتی استفاده کنیم و ما هم یک بازوی مشورتی برای رئیس جمهور منتخب هستیم و چند گزینه را پیشنهاد می‌کنیم اما انتخاب وزرا در نهایت با نظر ایشان است.» در حالی که چنین نیست و انتخاب وزرا با نظر ولی فقیه است!

«رئیس شورای راهبری انتقال دولت» در ادامه به نقش نهایی خودش اشاره کرده و گفته «هنوز این شورای راهبری تمام نشده و یک روند است. ما پنج کارگروه درست کردیم که البته سلیقه‌ای بوده و می‌توان آن را به شکل دیگری هم پیش برد. یک کارگروه امنیتی و سیاسی است که شامل وزارت کشور، دفاع، اطلاعات، دادگستری و امور خارجه و سازمان انرژی اتمی است و مسئولیت آن به عهده من است.»

ظریف که قبلاً این کارگروه‌ها را در شبکه «ایکس» با این بهانه معرفی کرده بود که صداوسیما جمهوری اسلامی به وی امکان اعلام آنها را نداده، حالا از همان تریبون به تشریح آنها پرداخته آنهم در حالی که قبلاً در «چارت» خود هم وزارت اطلاعات را «سهواً» نیاورده بود و هم برخلاف همه تبلیغات رژیم درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی را نه در کارگروه مسائل «زیربنایی» بلکه در بخش مسائل دفاعی و امنیتی آورده و در کنار دیگر وزارتخانه‌های مهم، خودش مسئول کارگروه آن شده است! محمدجواد ظریف مدعی شده که «در حال حاضر در زمینه معاونت‌های رئیس‌جمهوری هم بجز معاونت زنان هنوز بحثی مطرح نشده است و در واقع معاونت‌های سازمانی در حال بررسی است نه معاونت‌های ستادی. تمرکز ما هم بر وزارت است که قرار است به مجلس معرفی شوند.» به گفته ظریف «هر کارگروه قرار است حداقل سه نفر و حداکثر پنج نفر را به شورای راهبری معرفی کند تا یکبار هم این شورا با حضور متخصصان این افراد را بررسی کنند و در نهایت از هر کارگروه سه نفر به رئیس جمهور معرفی شوند.»

او در اظهار نظری عجیب و البته بی‌شرمانه افرادی مانند محمد خاتمی، حسن روحانی، غلامحسین حدادعادل، محمدباقر قالیباف و حتی سعید جلیلی را که اصلاح‌طلبان او را «ابوبکر بغدادی ایران» نامیده‌اند، «چهره‌های ملی»

خوانده و گفته از آنها درخواست شده نامزدهای خود را برای وزارت معرفی کنند تا در کارگروه‌ها بررسی شوند. ظریف همچنین ادعا کرده که «ما هیچ لابیگری پشت صحنه نداریم و هر نامزدی که با اعضای کمیته‌ها بیرون از جلسات کمیته‌ها لابیگری کند، هر دوی آنها از این کمیته خارج می‌شوند و ما هم به این روند امیدوار هستیم. همچنین امیدواریم که در اولین فرصت حضور رئیس جمهور منتخب در مجلس لیست وزرا را آماده کنیم.»

او افزوده که «ما در واقع یک بازوی مشورتی هستیم و شأن آقای پزشک‌ها هم اجل از این است که تحت فشار دیگران تصمیمی بگیرد. ما هم حد خود را می‌دانیم و ساز و کار را هم به شکلی فراهم کردیم که امکان فشار آوردن کسی یا جریانی در این روند وجود نداشته باشد و آقای پزشک‌ها هم تصمیم نهایی را در زمینه وزرا اتخاذ می‌کنند.» این ادعا که ظریف مرتب تکرار می‌کند اما در حالیست که «تصمیم نهایی» درباره وزرا با خامنه‌ای است!

جالب توجه آنکه محمدجواد ظریف، همانطور که پیشتر اشاره شد، گفته «کابینه ائتلافی نیست. کابینه وحدت ملی است» ولی بلافاصله می‌گوید: «قرار نیست افرادی که با گفتمان رئیس جمهور همراهی ندارند در کابینه حاضر باشند. مردم به یک نفر رأی دادند و آن یک نفر هم افرادی که حاضر باشند با آن گفتمان همراهی کنند را جمع خواهند کرد.»

علاوه بر تناقض آشکاری که در این سخنان وجود دارد، ظریف این را هم توضیح نداده که در اینصورت چرا از افرادی مانند غلامحسین حدادعادل، محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی که بطور مشخص «گفتمان» متفاوتی با گفتمان مورد ادعای پزشک‌ها دارند خواسته شده نامزد پیشنهادی خود را برای هیئت وزیران ارائه کنند!

او البته در ادامه سخنان خود بر «سهام خواهی» اصلاح‌طلبان تأکید کرده و گفته «واقعیت اینست که آقای پزشک‌ها نامزد جبهه اصلاحات بوده است و البته مستقلان، اعتدالگرایان و حتی برخی اصولگرایان و نیز کاندیداهایی که در دوره اول کنار رفتند هم در دور دوم به ما کمک کردند. پس اینکه جبهه اصلاحات سهمی در دولت داشته باشند سهام خواهی نیست.»

اما در آنسوی واقعیت پرتلاطمی که ظریف تلاش می‌کند بر آن «ماله» بکشد و به هر شکلی که می‌تواند وضعیت حاد رژیم را با نمایش آرامش و مشارکت، «علاج» کند و با همین مأموریت نیز به طرز بی‌سابقه چنان فعال شده که اصلاً نامی از مسعود پزشک‌ها نیست، نپردی سخت در جریان است. یک فعال اصلاح‌طلب هشدار داده که سهام خواهی از پزشک‌ها و ریزش حلقه اولیه اطرافیان یک چالش جدی است.

غلامعلی رجایی گفته «من فکر می‌کنم یکی از بحث‌های جدی آقای پزشک‌ها، مسئله اطرافیان ایشان است و از همان اول تشکیل ستاد ایشان دیده شد ولی گفتند تجربه نداشتند و از شهرستان آمدند برای همین جدی گرفته نشد. اما زمانی که آقای پزشک‌ها در انتخابات برنده شدند، من شنیدم که باعث رنجش افرادی که در پیروزی‌شان نقش داشتند شد و فاصله گرفتند.»

رجایی افزوده «رویکرد ایشان باید جذب آرایایی باشد که به ایشان رأی ندادند چه برسد که حلقه‌های اولیه بخواهند فاصله بگیرد. من مسئله سهام خواهی را چالش جدی می‌دانم و ایشان باید در این قضیه دخالت کند. بحث سهام خواهی می‌تواند برای ایشان یک پاشنه آشیل باشد که نتیجه خوبی هم نخواهد داشت. افرادی که چند دور وزیر شدند به دلیل تجربه و سابقه اگر بخواهند در کابینه باشند، موج برگشت

منفی علیه ایشان ایجاد خواهد شد.»

بهباد نبوی از افراد جریان اصلاح‌طلب نیز در مطلبی نوشته «به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده. از همه اعضای کمیته‌ها عاجزانه استدعا دارم، به خاطر ایران و به خاطر دکتر پزشک‌ها بی‌نوا، دست از سهم خواهی از این گوشت قربانی بردارند.» روزنامه «هم‌میهن» هم نوشته «مشکل از آنجا شروع می‌شود که نبود شاکله مناسب از جمله احزاب توانمند برای ورود یک کاندیدا به گود رقابت انتخاباتی که طبیعتاً دولت احتمالی او را از همان دوره رقابت به مرور به مردم بشناسانند، فضایی را ایجاد می‌کند که هرآنکه تلاشی برای موفقیت کاندیدایی در پیش بگیرد خود را محق بداند پستی بگیرد و مطالبه سهم از دولت و سمت‌ها کند. حالا همانند که علاوه بر این جمعیت ستادها و فعالان در کشور ما عده‌ای هم هستند که «مجاهدین شب» هستند و وقتی مطمئن از پیروزی کاندیدایی می‌شوند دور آن [او] را می‌گیرند تا به نوعی خود را در دولت جدید جا دهند.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران به مدیرمسئولی حسین شریعتمداری هم نوشته «مدعیان اصلاحات شعار «برای ایران» سر دادند و رأی گرفتند اما امروز مست‌صندلی‌های قدرت شده‌اند و به جان هم افتاده‌اند. در چنین شرایطی است که بهزاد نبوی نوشته است: «به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده.»

در ادامه مطلب «کیهان» تهران آمده «غنیمت خواهی و کشمکش بر سر قدرت میان مدعیان اصلاحات بالاست اما امید است رئیس جمهور منتخب بدون رودربایستی، معرکه سهم خواهی پدروخوانده‌های جبهه اصلاحات و دیگر عناصر مدعی اصلاحات را بهم بزند و کابینه‌ای متعهد و کارآمد تشکیل دهد.»

از سوی دیگر کارگروه‌های تشکیل شده در «سیرک چیدن مهره‌های کابینه» با حاشیه‌هایی همراه شده است. برای نمونه حضور زهرا عابدینی، عامل انحلال «جمعیت امام علی» در عضو کارگروه انتخاب وزیر میراث فرهنگی با انتقاد گسترده‌ای روبرو شده است.

پس از انتشار غیررسمی فهرست افراد حاضر در کارگروه انتخاب وزیر میراث فرهنگی، مرتضی کی‌منش مدیر روابط عمومی «جمعیت امام علی» به طرف مشورت قرار گرفتن زهرا عابدینی در این کارگروه واکنش نشان داد و با انتشار پستی در رسانه اجتماعی «ایکس» نوشت که «این فرد از گزینه‌های معاونت امور بانوان رئیس‌جمهور است و در جلسات از نهادهای مدنی به عنوان پشتوانه‌اش سخن می‌گوید.»

همه اینها در حالیست که مسعود پزشک‌ها این روزها فقط در حسینیه‌ها و مراسم عزاداری دهه عاشورا حضور داشته و به مداحی و گریه و زاری مشغول بوده است. آنچه از این روند به نظر می‌رسد اینست که مسعود پزشک‌ها رئیس دولت «نمایشی» است و در اصل محمدجواد ظریف و جریان امنیتی پشت سر وی با چراغ سبز علی خامنه‌ای در حال پیشبرد طراحی دولت چهاردهم هستند.

در همین رابطه حسین کمالی دبیرکل حزب اسلامی کار گفته «پزشک‌ها نباید بگذارد که محدودش کنند و در یک محاصره اطلاعاتی و خبری قرار بگیرد؛ باید ارتباطات خودش را با همه مردم و به صورت آزاد ادامه دهد. هر وقت بتوانند ایشان را در حصارهای امنیتی یا در حصارهای سیاسی و گروهی قرار دهند و ارتباط ایشان را با مردم کم کنند قدم به قدم مقدمات نارضایتی مردم و عدم موفقیت دولت او را فراهم می‌کنند.»

«سیرک چیدن مهره‌های کابینه» پس از «سیرک انتخابات» نمایش اصلاح‌طلبان با بازیگری محمدجواد ظریف



حسن خمینی و مسعود پزشکیان و محمدجواد ظریف در شب سیرک انتخابات / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳

برهم‌زننده عدالت، شفافیت و انتخاب کارشناسانه می‌دانیم.» قابل توجه اینکه خود محمدجواد ظریف هم در اظهاراتی نشان داده این «نمایش» هیچ ارتباطی به روند تعیین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ندارد و صرفاً یک «بازی سرکاری» برای مشغول کردن افکار عمومی است. او نوشته «اختیار انتخاب اعضای هیئت دولت بر مبنای قانون اساسی به عهده رئیس جمهور است و ما تنها به عنوان بازوی مشورتی ایشان انجام وظیفه می‌کنیم. این نخستین تجربه چنین روند شفاف در کشور است که در فرصتی بسیار کوتاه- که از ویژگی‌های انتخابات اخیر و تشکیل دولت چهاردهم است- مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.»

وی سپس با عاریه گرفتن بیت معروف سعدی بطور تلویحی و چه بسا ناخواسته «به راه بادیه رفتن» و بی‌سرانجام بودن این نمایش اعتراف کرده است: «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل/ و گر مراد نیامد به قدر وسع بکوشم!» رسانه‌های داخلی نیز نام اعضای چند کارگروه را برای تعیین اعضای هیئت دولت منتشر کرده‌اند. هر یک از این کارگروه‌ها بین ۱۰ تا بیش از ۲۰ عضو دارند و اکثریت اعضای آنها از عوامل اصلاح‌طلب نظام هستند.

برای نمونه در میان اعضای کارگروه پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نام افرادی چون علی تاجرنیا، سید محمود طباطبایی‌فر، ناهید خدکرمی و محمدرضا ظفرقندی به چشم می‌خورد.

همچنین غلامرضا تاجگردون، محمد ستاری‌فر، پیمان فروزش، ناهید پوررستمی و محمد مروتی از جمله اعضای کارگروه پیشنهاد رئیس سازمان برنامه و بودجه هستند.

محمدجواد حق شناس، علیرضا تابش، احمد مسجدجامعی، علی اصغر شفیعیان، سید مجتبی حسینی، نادر رضایی، محمدرضا جوادی یگانه و فرزین ضرامی از جمله افراد حاضر در کارگروه تعیین وزیر پیشنهادی فرهنگ و

نمودار و متنی طولانی نوشت «بنا داشتیم روند بررسی و پیشنهاد اعضای هیئت دولت را هر روز به صورت شفاف به مردم دلاور و هوشمند ایران گزارش دهیم. اما افسوس که کوشش ما برای رفع ملاحظات سازمان صداوسیما تا کنون ناکام مانده و لذا ناگزیریم که اطلاع‌رسانی را با تأخیر از طریق فضای مجازی انجام دهیم. از این تأخیر ناخواسته که باعث گرم شدن بازار شایعات و خرسازی‌ها شده است، پوزش می‌خواهیم.»

محمدجواد ظریف نوشته «فراخوان برای درخواست از شخصیت‌های ملی، احزاب، انجمن‌های علمی و صنفی و بخش خصوصی جهت معرفی نامزدهایی برای عضویت در دولت چهاردهم ارسال شده و پاسخ‌هایی دریافت شده و منتظر بقیه پیشنهادها هستیم. مسئولین و دبیران کارگروه‌ها و مدیران کمیته‌ها تعیین شده‌اند و اعضای بیشتر کمیته‌ها به شورای راهبری جهت تصویب نهایی پیشنهاد شده‌اند.»

در ادامه توضیحات محمدجواد ظریف آمده که «کمیته‌ها پس از تکمیل، بیش از ۴۵۰ نفر از بانوان، جوانان، اقلیت‌های دینی و مذهبی، نخبگان دانشگاهی و تخصصی غیردانشگاهی، نمایندگان تشکلهای تخصصی، نظام‌های صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، نمایندگان بخش خصوصی، وزرای ادوار، نمایندگان جبهه اصلاحات و اعضای ستاد مرکزی و استان‌ها را در خود جای خواهند داد، که نمودی از رنگین‌کمان زیبایی که ایران عزیز ما را ساخته خواهد بود. برخی کمیته‌ها چندین جلسه برای بررسی سنجه‌های تخصصی حوزه خود و نیز شیوه کار اقدام کرده و روند رسیدگی به آن دسته از نامزدهای پیشنهادی که تا کنون دریافت شده‌اند را آغاز کرده‌اند.»

محمدجواد ظریف همچنین خط و نشان هم کشیده و نوشته «ضمن استقبال از دریافت پیشنهاد و نقد، هیچگونه تخریب، سهم‌خواهی و خرسازی را بر نمی‌تابیم و آن را

● در حالی که مسعود پزشکیان مشغول پیام تشکر و اطمینان دادن به گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی منطقه به عنوان «نیروهای مقاومت» و همچنین عزاداری و روضه‌خوانی به مناسبت ماه محرم است، ظریف در حال مهره‌چینی در کابینه‌ی او به عنوان پیشنهاد است! نمایشی که پس از «سیرک انتخابات» به راه افتاده است.

● این در شرایطی است که بخشی از وزرا در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی با نظر مستقیم علی خامنه‌ای، و البته دیگر وزرا نیز با نظر غیرمستقیم او، تعیین می‌شوند.

● غلامرضا تاجگردون، محمد ستاری‌فر، پیمان فروزش، ناهید پوررستمی و محمد مروتی از جمله اعضای کارگروه پیشنهاد رئیس سازمان برنامه و بودجه هستند.

● به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف در نقشی فرادولتی و فراجناحی، و به احتمال زیاد از سوی علی خامنه‌ای، وظیفه برگزاری نمایش‌هایی برای جلب توجه افکار عمومی و نشان دادن چهره‌ای رو به تغییر از جمهوری اسلامی به جهان را همزمان با تشکیل دولت چهاردهم بر عهده گرفته است.

محمدجواد ظریف که این روزها در منصب نوظهوری در جمهوری اسلامی با عنوان «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» مشغول فعالیت است، بازی جدیدی با افکار عمومی را به عنوان انتخاب کابینه دولت چهاردهم پیش می‌برد.

جمهوری اسلامی پس از سقوط شدید پایگاه اجتماعی در سال‌های گذشته تلاش دارد تشکیل دولت چهاردهم را به ابزاری برای جلب توجه افکار عمومی و ارائه ظاهری متفاوت از ساختار فاسد و ناکارآمد حکومت تبدیل کند. پس از اقدامات مضحک در روند انتخابات نمایش ریاست جمهوری که به «سیرک انتخابات» معروف شد، حالا سیرک دیگری برای چیدن مهره‌های کابینه با بازیگری محمدجواد ظریف به راه افتاده است.

بر اساس قانون اساسی رئیس جدید دولت باید دو هفته پس از مراسم تحلیف، هیئت وزیران پیشنهادی خود را به مجلس شورای اسلامی معرفی کند تا صلاحیت وزرا از سوی نمایندگان تأیید شود و از آنها رأی اعتماد بگیرند.

در حالی که بخشی از وزرا در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی با نظر مستقیم علی خامنه‌ای، و البته دیگر وزرا نیز با نظر غیرمستقیم او، تعیین می‌شوند اما مسعود پزشکیان و محمدجواد ظریف نمایش تعیین وزرا از طریق کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی را به راه انداخته و تلاش دارند دولت جدید را چیزی متفاوت که گویا شایسته‌سالار و مردمی است جا بزنند!

محمدجواد ظریف چند روز پیش که به عنوان «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» با وسایت «جماران» گفتگو کرد از تشکیل کمیته‌هایی برای پیشنهاد وزاری کابینه خبر داد. اکنون اعضای برخی از این کمیته‌ها معرفی شده‌اند که نشان می‌دهد برخی کمیته‌ها برای گزینش دیگر اعضای هیئت دولت از جمله رئیس سازمان برنامه و بودجه فعال شده‌اند.

محمدجواد ظریف نیز مشغول بازارگرمی برای جمهوری اسلامی و ظاهر جدید و بزرگ‌کرده از حکومت است. او امروز سه‌شنبه ۲۶ تیرماه در شبکه «ایکس» با انتشار یک

خسارات وارد شده به «گروهی از بازماندگان و نیز بیماران پروانه‌ای» خوانده، به پرداخت ۶/۸ میلیارد دلار محکوم کرد! سی‌ان‌ان در گزارش خود بطور تلویحی تلاش کرده تا رفع توقیف این نفتکش را به روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت جدید جمهوری اسلامی ربط دهد که وعده «بهبود روابط سیاسی با غرب» را داده است در حالی که دولت وی حدود دو ماه دیگر و پس از تعیین کابینه فعالیت خود را شروع خواهد کرد!

این کشتی کمتر از یک هفته پس از آن رفع توقیف شد که طی ۲۴ ساعت دو سانحه مشکوک دریایی در بندرعباس و بندر چابهار رخ داد. در سانحه اول ناوچه سه‌سند در اسکله واژگون و سپس غرق شد و در سانحه دوم در تأسیسات اسکله «بهشتی» صدای انفجار شنیده شد.

«ادونتیج سوئیت» توسط شرکت آمریکایی «شورون» اجاره شده بود و با پرچم جزایر مارشال در دریای عمان در حال تردد بود که از سوی نیروهای جمهوری اسلامی توقیف شد. خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از صدور حکم جریمه ۶/۸ میلیارد دلاری در آمریکا گزارش داده بود که ایران حدود ۵۰ میلیون دلار نفت خام را

نفتکش آمریکایی «ادونتیج سوئیت» که توسط جمهوری اسلامی توقیف شده بود به سمت آب‌های بین‌المللی در حرکت است



Advantage Sweet

از نفتکش «ادونتیج سوئیت» تخلیه خواهد کرد. تکلیف این محموله اما مشخص نیست.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۸ تیرماه در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که مذاکرات با آمریکایی‌ها «با واسطه» ادامه دارد اما کاخ سفید این ادعا رد کرده است. جان کربی مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز دوشنبه ۱۸ تیرماه به «صدای آمریکا» گفت «ما در موقعیتی نیستیم که مایل به بازگشت به میز مذاکره با ایران فقط بر اساس این واقعیت باشیم که آنها رئیس جمهوری جدیدی را انتخاب کرده‌اند.»

شبهه‌ای گسترده‌ای از اعضای اندیشکده‌های سیاسی در آمریکا و اروپا که سابقه زیادی در همسویی با سیاست‌های جمهوری اسلامی دارند تلاش می‌کنند از طریق تحلیل‌ها و گزارش‌هایی که در رسانه‌های جریان اصلی بازتاب داده می‌شود چنین القاء کنند که مسعود پزشکیان شخصیتی «میان‌رو» است که می‌تواند رفتار جمهوری اسلامی را «نرم‌تر» کند. در حال حاضر اما هنوز دولت سیزدهم جمهوری اسلامی بر سر کار است و مراسم سوگند پزشکیان در مردادماه برگزار خواهد شد آنهم در حالی که وی نیز مانند دیگر رؤسای دولت‌های جمهوری اسلامی مجری تصمیمات و سیاست‌های علی‌خامنه‌ای و حلقه اصلی قدرت خواهد بود.

● به گزارش سی‌ان‌ان نفتکش «ادونتیج سوئیت» پنجشنبه ۱۱ ژوئیه به آب‌های آزاد رسید.

● این نفتکش آوریل ۲۰۲۳ (اردیبهشت ۱۴۰۳) در دریای عمان توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی متوقف شده بود.

● سی‌ان‌ان در گزارش خود بطور تلویحی تلاش کرده تا رفع توقیف این نفتکش را به روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت جدید جمهوری اسلامی ربط دهد که وعده «بهبود روابط سیاسی با غرب» را داده است در حالی که دولت وی حدود دو ماه دیگر و پس از تعیین کابینه فعالیت خود را شروع خواهد کرد!

داده‌های دریایی کشتی‌ها نشان می‌دهد نفتکش «ادونتیج سوئیت» که در اجاره شرکت آمریکایی «شورون» بود و بیش از یک سال پیش توسط جمهوری اسلامی ایران توقیف شده بود، به سمت آب‌های بین‌المللی در حرکت است.

به گزارش سی‌ان‌ان نفتکش «ادونتیج سوئیت» پنجشنبه ۱۱ ژوئیه (۲۱ تیرماه) به آب‌های آزاد رسید.

این نفتکش آوریل ۲۰۲۳ (اردیبهشت ۱۴۰۳) در دریای عمان توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی متوقف شده بود.

خبر رفع توقیف این کشتی پس از آن منتشر شد که در ایران، قوه قضائیه ایالات متحده را به دلیل تحریم‌ها و آنچه

➔ ارشاد اسلامی و مسعود خوانساری، محمود نیلی احمدآبادی، علینقی مشایخی، رضا ویسه، محمد نجفی‌عرب، حسین سلاح‌ورزی، خداداد غریب‌پور، سیدحسین هاشمی، محسن صفایی فراهانی و محسن ضیایی از جمله اعضای کارگروه تعیین وزیر صنعت، معدن و تجارت هستند.

هفته گذشته محمدجواد ظریف به عنوان «رئیس شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» با وسایت جماران گفتگو کرد و با انتشار این گفتگو در شبکه «ایکس» نوشت «به شایعات و خبرسازی‌های پیرامون تعیین اعضای دولت توجه نکنید و روند انتخاب کابینه از دیروز آغاز شده است.» محمدجواد ظریف در این مصاحبه گفته بود پنج تن از دبیران کمیته‌های ستاد انتخاباتی به «شورای راهبری دوره انتقال دولت چهاردهم» اضافه شده‌اند اما نام آنها را در گفتگو با «جماران» اعلام نکرد.

او همچنین افزوده بود: «فراخوان دیروز ارسال شده است. رؤسای کمیته‌ها فردا با بنده جلسه دارند تا روش کار معلوم شود و هفته آینده اعضای کمیته‌ها با جناب آقای دکتر پزشکیان دیدار می‌کنند تا اولویت‌های دولت چهاردهم را از زبان ایشان بشنوند. روند بررسی نامزدها به صورت کاملا شفاف تنها پس از آن شروع خواهد شد و انشاءالله تا پایان تیرماه به نتیجه خواهد رسید.»

در ادامه وی تأکید کرد: «رؤسای کمیته‌ها فردا با بنده جلسه دارند تا روش کار معلوم شود و هفته آینده اعضای کمیته‌ها با جناب آقای دکتر پزشکیان دیدار می‌کنند تا اولویت‌های دولت چهاردهم را از زبان ایشان بشنوند. روند بررسی نامزدها به صورت کاملا شفاف تنها پس از آن شروع خواهد شد و ان شاءالله تا پایان تیرماه به نتیجه خواهد رسید.»

محمدجواد ظریف که تلاش می‌کند تا خود را در ارتباط دائم با مردم و انواع تشکلهایی نشان دهد که در جمهوری اسلامی آزاد و مستقل نیستند، همچنین مدعی شد که هنوز هیچ فردی برای هیچ پستی در هیئت دولت مشخص نشده است: «تا کنون هیچ نامزدی برای هیچ پستی از جمله معاون اول حتا بررسی هم نشده است. روند بررسی‌ها پس از دریافت پیشنهادها سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، انجمن‌های علمی، انجمن‌های صنفی و بخش خصوصی شروع می‌شود.» انتصاب ظریف به سمت «رئیس شورای راهبری» در حالی صورت گرفته که او پیشتر مدعی شده بود قصد حضور در دولت را ندارد. وی پس از انتخابات و پیروزی مسعود پزشکیان گفته بود «من به خاطر نگرانی از آینده ایران وارد عرصه انتخابات و حمایت از آقای پزشکیان شدم نه اینکه در دولت و برای کسب پست حضور پیدا کنم و آماده‌ام که در صورت لزوم و درخواست آقای پزشکیان به این مشورت‌ها و همکاری‌ها ادامه دهم.»

پیشتر حتا از محمد جواد ظریف به عنوان یکی از داوطلبان احتمالی نامزدی در انتخابات نام برده می‌شد اما خودش اعلام کرد که در انتخابات ثبت‌نام نخواهد کرد. برخی معتقدند داوطلب نشدن او به دلیل احتمال بالای رد صلاحیت از سوی شورای نگهبان بوده است.

به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف در نقشی فرادولتی و فرا جناحی، و به احتمال زیاد از سوی علی‌خامنه‌ای، وظیفه برگزاری نمایش‌هایی برای جلب توجه افکار عمومی و نشان دادن چهره‌ای رو به تغییر از جمهوری اسلامی به جهان را همزمان با تشکیل دولت چهاردهم بر عهده گرفته است. در این میان، در حالی که مسعود پزشکیان مشغول پیام تشکر و اطمینان دادن به گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی منطقه به عنوان «نیروهای مقاومت» و همچنین عزاداری و روضه‌خوانی به مناسبت ماه محرم است، ظریف در حال مهره‌چینی در کابینه‌ی او به عنوان پیشنهاد است!

محمدجواد ظریف: تقریباً بیشتر مسیرها به روی ما بسته شده خامنهای راه حل بحران است!



محمدجواد ظریف در جمع فعالان اقتصادی بخش خصوصی

سر بلند میدان تولید و اقتصاد باشد.» او با این مقدمه توپ را در زمین علی خامنه‌ای انداخت و با اشاره به نقش وی برای «عبور از بحران‌ها» گفت: «رهبری راه حل بحران است بی‌دلیل ما روشنفکران و پولدارها راه حل را تبدیل به مشکل نکنیم و من بطور جدی از شما کارآفرینان که در کشور مرجع هستید درخواست می‌کنم که مسیر درست را انتخاب کنید.»

وی با این جملات به «بخش خصوصی» و «کارآفرینانی» که در ساختار اقتصادی نظام به فعالیت مشغولند و از قرار معلوم رأی خود را برخلاف اکثریت مردم، به صندوق نظام و خامنه‌ای به عنوان «راه حل بحران» ریخته‌اند، توصیه کرده که به خامنه‌ای کاری نداشته باشند چون «راه حل» یعنی تصمیم‌گیرنده اوست و بهتر است حملات را متوجه گروه‌هایی کرد که ظریف گویا آنها را خارج از نظام می‌پندارد و به روی خود نمی‌آورد که همان چراغ سبزی را که وی دریافت کرده تا به نجات نظام بشتابند، دیگران هم برای پیشبرد سیاست‌های بنیادی نظام دریافت کرده‌اند و «حاکمیت و مدار» آنها نیز هست! به عبارت دیگر حکومت جمهوری اسلامی و رهبرش نمی‌توانند یکی از دو بال نظام را به سود دیگری بشکنند زیرا کل نظام از کار می‌افتد.

محمدجواد ظریف در جریان تبلیغات انتخاباتی برای پزشک‌ها با رفتارهای عجیب و غریب و حتا لودگی برای رأی آوردن وی سنگ تمام گذاشت. او در سخنرانی‌های خود بارها سیاست‌های نظام را به باد انتقاد گرفت اما طبق همین توصیه‌ای که به «روشنفکران و پولدارها» کرده، سعید جلیلی و تیم او هدف گرفته می‌شدند و نه رهبر جمهوری اسلامی! وی حتا تحریم‌های اقتصادی و عدم پیوستن به FATF و هر ضعیفی را که نظام با آن روبروست به گردن «تندروها» انداخت در حالی که بعید است نداند چنین سیاست‌هایی نه توسط امثال جلیلی و یا خودش بلکه از سوی رهبر رژیم و قدرت اصلی تعیین می‌شود.

کشور» چه افراد و گروه‌هایی هستند که می‌توانند «اجازه تغییر وضعیت موجود» را ندهند!

وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی که در دو دولت روحانی به مدت هشت سال به خدمتگزاری مشغول بود، با اشاره به هزینه گزاف نقل و انتقالات تجاری ایران گفت: «متأسفانه نقل و انتقال تجاری ایران ۳۳ درصد است. سال گذشته حجم تجارت ایران شامل محصولات نفتی و غیرنفتی حدود ۱۵۳ میلیارد دلار بود که با این حساب در سال گذشته ۵۰ میلیارد دلار هزینه تحمیلی داشته‌ایم.»

ظریف که به گفته‌ی خودش در زمینه دور زدن تحریم‌ها «دکتر» دارد، با اشاره به آسیب‌های تحریم بر اقتصاد افزود: «دولت جدید برای رفع تحریم و FATF نیازمند حمایت داخلی است و نمی‌توان بدون حمایت داخلی این اقدامات صورت گیرد.» وی همچنین با انتقاد از رانت‌خواری «خصلتی»‌ها اعتراف کرد «کسی نمی‌تواند بابت همین رانت آنان را بازخواست کند.»

ظریف همچنین ادعا کرد «در دولت [جدید] مسئولیتی نمی‌خواهم و برای پست و مقام نیامده‌ام، حتا پست معاون اولی را به خاطر پست و مقامش حاضر نیستم بپذیرم.» اما بلافاصله توضیح داد، «در نظر داریم بخشی خصوصی را در انتخاب تیم اقتصادی دولت دخیل کنیم و باید تا جایی که می‌توانیم به دولت در کاهش مشکلات اقتصادی و رفع موانع کمک کنیم!» به این ترتیب وی بر اساس این گفته‌ها قرار است نقشی فعال اما غیررسمی و چه بسا مؤثرتر از «پست» و «مقام» و «معاون اولی» داشته باشد. وگرنه بر چه مبنایی از عبارت «در نظر داریم» استفاده می‌کند؟! یکی از مهمترین بخش‌های صحبت‌های ظریف در ارتباط با تحریم‌ها و در تنگنا قرار داشتن رژیم بود که گفت: «حاکمیت باید احساس کند که وامدار مردم و بخش خصوصی است. تقریباً بیشتر مسیرها به روی ما بسته شده است، ولی در این ۴۰ سال بخش خصوصی توانسته است

● به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی نه تنها عضو کلیدی کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان بود بلکه اکنون نقش مؤثری نیز در چیدن و جاسازی اعضای کابینه دولت جدید را بر عهده دارد. نقشی که ایفای آن بدون داشتن چراغ سبز از سوی خامنه‌ای و حلقه‌ی اصلی قدرت ممکن نیست.

● پس از اینکه نام مسعود پزشکیان از صندوق دومین دور انتخابات نمایشی ریاست دولت چهاردهم بیرون آمد، نشست اعضای «مجمع کارآفرینان ایران» با حضور محمدجواد ظریف روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۳ با هدف مشارکت در گزینش تیم اقتصادی دولت جدید برگزار شد.

● ظریف همچنین ادعا کرد «در دولت [جدید] مسئولیتی نمی‌خواهم و برای پست و مقام نیامده‌ام، حتا پست معاون اولی را به خاطر پست و مقامش حاضر نیستم بپذیرم.» اما بلافاصله توضیح داد، «در نظر داریم بخشی خصوصی را در انتخاب تیم اقتصادی دولت دخیل کنیم و باید تا جایی که می‌توانیم به دولت در کاهش مشکلات اقتصادی و رفع موانع کمک کنیم!» به این ترتیب وی بر اساس این گفته‌ها قرار است نقشی فعال اما غیررسمی و چه بسا مؤثرتر از «پست» و «مقام» و «معاون اولی» داشته باشد. وگرنه بر چه مبنایی از عبارت «در نظر داریم» استفاده می‌کند؟! ● وی سپس توپ را در زمین علی خامنه‌ای انداخت و با اشاره به نقش وی برای «عبور از بحران‌ها» گفت: «رهبری راه حل بحران است؛ بی‌دلیل ما روشنفکران و پولدارها راه حل را تبدیل به مشکل نکنیم و من بطور جدی از شما کارآفرینان که در کشور مرجع هستید درخواست می‌کنم که مسیر درست را انتخاب کنید.»

به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی نه تنها عضو کلیدی کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان بود بلکه اکنون نقش مؤثری نیز در چیدن و جاسازی اعضای کابینه دولت جدید را بر عهده دارد. نقشی که ایفای آن بدون داشتن چراغ سبز از سوی خامنه‌ای و حلقه‌ی اصلی قدرت ممکن نیست.

پس از اینکه نام مسعود پزشکیان از صندوق دومین دور انتخابات نمایشی ریاست دولت چهاردهم بیرون آمد، نشست اعضای «مجمع کارآفرینان ایران» با حضور محمدجواد ظریف روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۳ با هدف مشارکت در گزینش تیم اقتصادی دولت جدید برگزار شد.

محور اصلی این نشست راه‌های کاهش تحریم‌های جمهوری اسلامی و همچنین راهکارهای دور زدن تحریم‌ها بود. ظریف در این نشست بر اهمیت دو کشور کوبا و ونزوئلا برای بخش خصوصی اقتصاد ایران اشاره کرد. دو کشوری که روابط جمهوری اسلامی با آنها در هشت سال دوران ریاست محمود احمدی نژاد بر دولت‌های نهم و دهم بسیار «شکوفه» شد. برای ادامه‌ی همان مسیر، ظریف «کارآفرینان» را تشویق کرد که «علی‌رغم همه زنجیره‌هایی که به دست و پای شما بسته شده است به لطف خداوند و تلاش شما کارآفرینان و تولیدکنندگان چرخ تولید می‌چرخد.» وی با تأکید بر اینکه تحریم‌ها «کمرشکن» است عنوان کرد، «متأسفانه تعدادی در کشور منافع دارند که اجازه تغییر وضعیت موجود را نمی‌دهند و ما چاره‌ای غیر از مقابله با منافع این افراد نداریم.» او توضیح نداد که «تعدادی در

معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اسرائیل: تمام تکنولوژی ساخت مپم اتم در اختیار جمهوری اسلامی هست و فقط مونتاژ آن باقی مانده!



رومهای از موشک‌های بالستیک در رژه‌های نیروهای مسلح

ظرف چند روز یا چند هفته به سوخت سلاح هسته‌ای تبدیل شود.

در بخش دیگری از گزارش روزنامه «یدیعوت اخرونوت» آمده، ایران بخش عمده دانش فنی مورد نیاز برای مونتاژ یک سلاح هسته‌ای اولیه را به دست آورده است، اگرچه احتمالاً یک تا دو سال دیگر طول می‌کشد تا کلاهک هسته‌ای با قابلیت نصب بر روی موشک تولید شود.

جمهوری اسلامی برای ساخت مپم هسته‌ای به تکنولوژی‌های دیگری هم نیاز دارد که شامل قطعاتی برای مونتاژ یک کلاهک هسته‌ای ضروری هستند. یک مقام ارشد این تلاش‌ها را «بسیار دردسرساز» توصیف کرد.

برخی منابع می‌گویند تولید یک مپم هسته‌ای کاربردی به توانایی فنی، دانش و اجزای فیزیکی مانند چاشنی‌های دقیق و هماهنگ نیاز دارد. بطور کلی پذیرفته شده که جمهوری اسلامی ایران یک تا دو سال با دست یافتن به چنین توانایی‌هایی فاصله دارد.

با این حال، سه مقام ارشد اسرائیل می‌گویند که جمهوری اسلامی ایران فعالانه در حال پیگیری یا «تحقیق» برای دستیابی به اجزای مورد نیاز برای فعالیت‌های اتمی نظامی است که مربوط به مونتاژ مپم است.

شماری از منابع می‌گویند جمهوری اسلامی با ساخت مپم اتم هنوز فاصله دارد اما محمودرضا آقامیری دکتری مهندسی انرژی هسته‌ای و استاد دانشکده مهندسی انرژی هسته‌ای که اکنون رئیس دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) است، در اواخر فروردین‌ماه روی آنتن تلویزیون گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت مپم اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند، ما توانایی ساخت مپم اتم هم داریم.» وی تهدید کرد، «ساخت مپم اتم برای ایران راحت‌تر از نساختن آن است.»

است و اسرائیل می‌ترسد که مقامات جمهوری اسلامی از شرایط آمریکا برای ارتقاء توانایی اتمی خود بهره‌برداری کند.

علاوه بر این، اسرائیل بر این باور است که درگیری‌های نظامی در جنوب و شمال این کشور ممکن است حکومت ایران و شرکای آن را برای استفاده از این فرصت تحریک کند. مقامات اسرائیلی بر این باورند که اصلاً فرصت اشتباه ندارند.

این نگرانی‌ها با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر گسترش برنامه‌های هسته‌ای و موشکی بالستیک جمهوری اسلامی تشدید شده است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تأسیسات اتمی فردو و نطنز سانترفیوژهای جدید نصب شده است.

طبق این گزارش‌ها تولید اورانیوم غنی شده در فردو می‌تواند به زودی بیش از سه برابر افزایش یابد و در صورت تمایل ایران، توانایی‌های جدیدی را برای توسعه سریع سلاح‌های هسته‌ای فراهم کند. در همین حال، جمهوری اسلامی اعلام کرد که قصد دارد تولید خود را در تأسیسات اولیه غنی‌سازی اورانیوم خود در نزدیکی نطنز توسعه دهد.

منابع اطلاعاتی می‌گویند توسعه در فردو به تنهایی می‌تواند ایران را قادر سازد تا ماهیانه سوخت هسته‌ای کافی برای چندین مپم اتمی را ذخیره کند. در این گزارش آژانس تأکید شده است که اگرچه فردو از دو تأسیسات غنی‌سازی دیگر ایران کوچکتر است، اما موقعیت زیرزمینی آن در عمق کوه، آن را تقریباً در برابر حملات هوایی غیرقابل نفوذ می‌کند.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران حدود ۱۳۶ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصدی را ذخیره کرده است. به گفته مقامات اطلاعاتی آمریکا، می‌تواند

● خبرگزاری «کان» روز چهارشنبه به نقل از یک مقام ارشد دفاعی اسرائیل تأکید کرد که حکومت ایران بیش از هر زمان دیگری به ساختن سلاح هسته‌ای نزدیک شده است.

● ژنرال امیر برام معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اسرائیل با هشدار نسبت به توسعه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی عنوان کرد که «اسرائیل ممکن است با رویارویی‌های دائمی و مستقیم با جمهوری اسلامی مواجه شود».

● این مقام نظامی در جلسه با اعضای کمیته امور خارجه و دفاع پارلمان اسرائیل گفت، «وضعیت هسته‌ای در ایران مانند اتمبیلی است که تمام قطعات آن آماده است و اکنون فقط باید مونتاژ شوند... ما باید بتوانیم همزمان در دو جبهه بجنگیم و درک کنیم که این جنگ‌ها طولانی خواهد بود. ممکن است با درگیری‌های دائمی و مستقیم با جمهوری اسلامی مواجه شویم».

خبرگزاری «کان» روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ تیرماه) به نقل از یک مقام ارشد دفاعی اسرائیل تأکید کرد که حکومت ایران بیش از هر زمان دیگری به ساختن سلاح هسته‌ای نزدیک شده است.

ژنرال امیر برام معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اسرائیل با هشدار نسبت به توسعه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی عنوان کرد که «اسرائیل ممکن است با رویارویی‌های دائمی و مستقیم با جمهوری اسلامی مواجه شود».

ژنرال برام چند روز پیش از این در کمیته امور خارجه و دفاع پارلمان اسرائیل «کنست» گفته بود، «وضعیت هسته‌ای در ایران مانند اتمبیلی است که تمام قطعات آن آماده است و اکنون فقط باید مونتاژ شوند... ما باید بتوانیم همزمان در دو جبهه بجنگیم و درک کنیم که این جنگ‌ها طولانی خواهد بود. ممکن است با درگیری‌های دائمی و مستقیم با جمهوری اسلامی مواجه شویم».

روزنامه «یدیعوت اخرونوت» در همین ارتباط گزارش داد، در ابتدا قرار بود این بحث بر روی پیش‌نویس مفادی از قوانین نظامی متمرکز شود، اما امیر برام چندین موضوع امنیتی دیگر را نیز مطرح کرد و افزود: «ارتش تا کنون به مسائل امنیتی معمولی می‌پرداخت، اما امروز بحث بر سر مسائل موجودیت اسرائیل است».

هشدار غیرمعمول برام با اظهارات یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل در جریان سفرش به ایالات متحده در اواخر ماه گذشته، همسو است. گالانت در دیدار خود با لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا از وی خواست که ایالات متحده به تعهد خود برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای عمل کند و توضیح داد که «اکنون زمان انجام تعهدات همه دولت‌های اخیر ایالات متحده است- جلوگیری از یک ایران هسته‌ای، که تهدیدی برای کل جهان است... وقت رو به پایان است».

گزارش‌ها حاکی از این است که مقامات اسرائیلی نگران‌اند که ایران ممکن است از فضای انتخاباتی آمریکا برای دستیابی به سلاح هسته‌ای سوء استفاده کند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای نوامبر امسال (۲۰۲۴) برنامه‌ریزی شده

بالا گرفتن اختلاف میان مخالفان و حامیان شهردار تهران عضو شورای اسلامی شهر از «هزینه بالای» برخورد با زاکانی خبر داد!

مهدی اقراریان در سخنان خود از «هزینه بالای» برخورد با زاکانی خبر داده و گفته «هزینه برخورد با آقای زاکانی و انتقال زاکانی بالاست، من هزینه این موضوع را در همان سال اولی که در اصل مسئولیت کمیسیون حقوق و نظارت شورا را داشتم پرداخت کردم و در اصل عدم رای مجدد به من از سوی یکی از اعضا با همین دلیل اتفاق افتاد که الان نمی‌خواهم به آن بپردازم.»

در این میان کارزار «برکناری شهردار تهران» که از فروردین امسال و در اعتراض به ساخت مسجد در پارک‌ها و بوستان‌های شهر تهران آغاز شده بود اکنون با تبلیغات اصلاح‌طلبان به ۱۶۰ هزار امضا رسیده است. در مقابل حامیان زاکانی نیز کارزاری با عنوان «حمایت از شهردار مومن و انقلابی تهران و درخواست ابقاء ایشان» را به ۲۰۴ هزار و ۸۰۰ امضا رسانده‌اند.

مهدی اقراریان عضو شورای اسلامی شهر از وجود افرادی به عنوان مدافعان زاکانی در این شورا خبر داده است. به نظر می‌رسد یکی از این افراد که مدافع سرسخت زاکانی است، مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران است. مهدی چمران کارزار برکناری شهردار تهران را که از سوی مخالفان زاکانی تبلیغات گسترده‌ای درباره آن صورت گرفته، غیرموثر خوانده و گفته «اینجا کارزار نیست. شهردار را شورای شهر تعیین می‌کند حالا هر تعداد امضاء هم جمع شده باشد دلیل نمی‌شود که تغییری صورت بگیرد بلکه باید مسیر قانونی طی شود. از سوی دیگر تغییر مدیریت‌ها در میانه کار نتیجه‌ای جز متوقف کردن کار ندارد. سیستم کشور ما کارزاری نیست بلکه انتخاب است.»

پرویز سروری نایب رئیس پارلمان شهری پایتخت نیز امضاهای کارزار علیه زاکانی را «غیرواقعی» خوانده و گفته که «این‌ها گروهی فیک هستند. ما باید در جبهه انقلاب متحد باشیم. این روند جمع‌آوری امضا پوپولیستی و بسیار مخرب است. جمع‌آوری امضا برای برکناری زاکانی توسط گروه اصلاح‌طلبی صورت گرفته که در این انتخابات زخم خورده‌اند. یکی از کسانی که به جریان اصلاح‌طلبی در انتخابات ریاست‌جمهوری زخم زد، آقای زاکانی بود.»

با اینهمه تخلفات و اقدامات علیرضا زاکانی به عاملی برای برکناری قانونی او تبدیل شده است. علیرضا زاکانی که سالها به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی تلاش کرده بود از خود چهره‌ای ضدفساد نشان دهد، اکنون با اتهامات مختلفی از قراردادهای رانتی تا پُست فروشی روبروست.

مهدی اقراریان با هشتگ «فامیل بازی» در صفحه خود در «ایکس» نوشت: «در پروژه حمله رسانه‌ای به منتقدان زاکانی؛ اولین بار نیست که هزینه پرداخت می‌کنیم. امروز با سردار سلامی درخصوص عملکرد غیرحرفه‌ای فارس صحبت کردم.» به نظر می‌رسد منظور اقراریان از «فامیل بازی» نسبت برخی مدیران خبرگزاری فارس با علیرضا زاکانی شهردار فعلی تهران است.

ناصر امانی دیگر عضو شورای اسلامی شهر نیز در مطلبی با همین هشتگ در «ایکس» نوشت: «با افتخار به شهردار شدن غیرقانونی آقای زاکانی رای ندادم و در مقابل قانون‌شکنی‌ها و تخلفاتش ایستاده و هزینه آن را نیز پرداخته‌ام، حال با تهمت و افترای پروژه‌بگیران ساکت نخواهم شد؛ وَلْتَصِرْ عَلٰی مَا آذَيْتُمُوْنَ وَ عَلٰی اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ.»



یکی از مهمترین ادعاهای مطرح شده علیه علیرضا زاکانی «پُست فروشی» در شهرداری تهران است مبنی بر اینکه با اطلاع شهردار پست‌هایی در شهرداری با دریافت رشوه فروخته می‌شوند. به تازگی ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که فردی در آن ادعا می‌کند در ازای انتصاب او به عنوان معاون شهرسازی و معماری شهرداری منطقه یک تهران، سعید صدرزاده، دستیار علیرضا زاکانی، شهردار تهران، از او درخواست ۴۰۰ سکه طلا و ۴۵۰ هزار دلار کرده است. نجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس که عضو شورای اسلامی شهر تهران است در نشست روز یکشنبه ۲۴ تیرماه این شورا از «گزارش‌های متعدد» درباره تخلفات مشابه در شهرداری تهران و در دست بررسی بودن آنها از سوی شورای اسلامی شهر خبر داد. او گفت: «در مطالب منتشرشده در فضای مجازی، شاهد هستیم افشای اطلاعاتی، به یک عرف در مناطق تبدیل شده است.»

نجس سلیمانی ایرادهای دیگری به عملکرد علیرضا زاکانی وارد کرد و گفت: «از وقتی وارد شورا شدیم شهر تغییر قابل توجهی نداشته و حمل و نقل عمومی، جمع‌آوری پسماند، اختلال در مدیریت امور شهری و ارتباط مردم با شهرداری همچنان وضعیت مناسبی ندارد.»

روزنامه «جهان صنعت» در شماره امروز چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۳ در مطلبی با عنوان «یک پست در شهرداری به ازای یک ویلا در آلتینا!» نوشته خرید و فروش پست‌های شهرداری تهران به امروز و دیروز برمی‌گردد. از دیرباز شائبه خرید و فروش پست وجود داشته اما تاکنون کسی آن را علنی نکرده بود و همیشه توسط مدیران ارشد شهری پایتخت انکار شده است.

مهدی اقراریان عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز گفته «برکناری زاکانی در دستور برخی از اعضای شورای شهر تهران قرار گرفته و یکی از اعضای این شورا و فردی از کابینه رئیسی به عنوان دو گزینه جانشین زاکانی مطرح هستند.» با بیان این سخنان گمانه‌زنی‌ها مبنی بر شهردار شدن چهره‌هایی مانند محمد مخبر، مهرداد بذرپاش و مهدی عباسی بیشتر شد.

● تلاش برای پایین کشیدن زاکانی از کرسی شهرداری تهران که از چند ماه پیش آغاز شده بود با چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به صورت سازمانیافته شدت گرفته است.

● مهدی اقراریان عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته «برکناری زاکانی در دستور برخی از اعضای شورای شهر تهران قرار گرفته و یکی از اعضای این شورا و فردی از کابینه رئیسی به عنوان دو گزینه جانشین زاکانی مطرح هستند.»

با قوت گرفتن احتمال عزل علیرضا زاکانی از سمت شهرداری تهران، اختلاف و درگیری میان مخالفان و حامیان او بالا گرفته است.

روزنامه «هشتمری» متعلق به شهرداری تهران در شماره امروز چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۳ در مطلبی به قلم محسن مهدیان مدیرمسئول این روزنامه با حمله به نرجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی و عضو شورای اسلامی شهر تهران به دلیل سخنانش علیه عملکرد علیرضا زاکانی نوشته «اگر واقعا تفاوت نقد مشفقانه و تذکر دلسوزانه و گلایه مسئولانه با بداخلاقی و بی‌انصافی روشن نیست به اثر رفتارها توجه کنیم. ببینیم چرا ضدانقلاب اینقدر خوشحال می‌شود؟ ببینیم چرا سوت و کف می‌زند؟ چرا تشویق می‌کند؟ رفتار ما چه آورده‌ای برای دشمنان خبیث انقلاب داشته است؟»

محسن مهدیان که در بخشی از این مطلب نوشته «سخن بر سر خطاهای مکرر در شورای شهر است» با اشاره به سخنان نرجس سلیمانی تأکید کرده «تنها برای نمونه، روز یکشنبه گفته شد طی سه سال گذشته مدیریت شهری هیچ دستاورد مهمی نداشته است؛ واقعا نداشته است؟ این نقد است؟ نظارت است؟ یا تکیه کردن به دروغ آشکار مجازی که از بیخ و بن تکذیب شده است و آنرا نشانه ضعف مدیریت شهری دانستن، اخلاق است؟ تقواست؟»

در روزهای اخیر اختلاف بر سر عزل یا ماندگاری علیرضا زاکانی در شهرداری تهران بالا گرفته است. عملکرد علیرضا زاکانی که از اواخر تابستان ۱۴۰۰ بر کرسی شهرداری تهران تکیه زده ست، سبب شده مخالفان و رقبای برای عزل او دست به کار شوند. این تلاش‌ها که از چند ماه پیش آغاز شده بود با چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به صورت سازمانیافته شدت گرفته است. علیرضا زاکانی در این انتخابات به عنوان نامزد پوششی برای رویارویی با مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان وارد کارزار انتخاباتی شد و در نهایت یک روز پیش از برگزاری انتخابات انصراف داد.

نقدهای بی‌پرده او به مسعود پزشکیان و اصلاح‌طلبان در مناظره‌ها و گفتگوهای انتخاباتی سبب فعال شدن اصلاح‌طلبان برای حذف زاکانی شده است. علیرضا زاکانی هم منشاء حملات و تخریب‌های روزهای گذشته را در روند انتخابات دانسته و گفته «بعضی‌ها دوست نداشتند ما در انتخابات نظر صریحی داشته باشیم و آن را دنبال کنیم.»

به نظر می‌رسد این سازماندهی به شورای اسلامی شهر تهران هم کشیده شده بطوری که نرجس سلیمانی، سوده نجفی و ناصر امانی، سه عضو این شورا، در روزهای گذشته اظهارات تندی علیه زاکانی مطرح کرده و مهدی اقراریان دیگر عضو شورا نیز از احتمال عزل زاکانی و گفتگوهای درباره گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی او خبر داده است.

جنگال بر سر عزل یا ابقاء علیرضا زاکانی

محمد مخبر دزفولی گزینه شورای اسلامی شهر برای شهرداری پایتخت!

توسعه فضای سبز پارک‌ها میل وافری به تراکم‌فروشی و پارک‌خواری و تغییر کاربری فضای سبز پارک‌های موجود به مسجد و هتل و برج و رستوران و شهرسازی و فضاهای اداری و تجاری و کسب درآمد از پارک‌ها دارد.

در ادامه آمده که «زبان حال مردم تهران خطاب به ایشان این است که ما را به خیر تو امید نیست شرمرسان! اگر نمی‌توانی پارک‌های جدیدی برای رفاه مردم بسازی و سرانه ناچیز فضای سبز را توسعه دهی، لااقل دست از سر پارک‌های موجود بردار و به فضای سبز آنها دست‌درازی و درختان را قطع نکن.»

شهردار تهران در واکنش به کمپین جمع‌آوری امضاء برای برکناری‌اش از مقام شهرداری تهران گفت که این کمپین از لحاظ حقوقی فاقد جایگاه و مضر است. او گفت: «متنی که من دیدم سراسر تهمت بود و من تعجب کردم.»

شهردار تهران افزود: «از طرفی رویه نیز رویه نادرستی است و این مثل آن می‌ماند که کسی رای آورده باشد و عده‌ای بیایند و از طریق جمع‌آوری تعدادی امضاء بخواهند رای آن شخص را در انتخابات پس بگیرند.»

علیرضا زاکانی همچنین گفت: «این اقدام از لحاظ حقوقی جایگاهی ندارد و به لحاظ افکار عمومی مضر است؛ چه بخواهد برای شهرداری باشد، چه دولت و چه هرکس دیگر. ما به ازای این اقدامات القای یک تکانه و بی‌ثباتی به جامعه است. این کار نادرست است.»

اینهمه در حالیکه به نظر می‌رسد فشارهای اصلاح‌طلبان کارساز بوده و زمزمه‌هایی از احتمال برکناری زاکانی به گوش می‌رسد.

وبسایت «عصر ایران» نوشته «شنیده‌ها حکایت از این دارد با توجه رویکرد ضعیف و ناکارآمد زاکانی در شهرداری تهران برخی اعضای شورای شهر تهران به دنبال تغییر شهردار تهران هستند و با توجه به اینکه زاکانی با دولت پزشکیان زاویه دارد و امکان عدم همکاری دولت با شهرداری در دوره جدید وجود داشته باشد تصمیم جدی برای تغییر زاکانی را شرایط کنونی دارند.»

این خبر افزوده «در راستای تعامل با دولت جدید برای پیشبرد هرچه بهتر امور شهرداری تهران و آبادانی تهران برخی از اعضای شورای شهر تهران بنا دارند محمد مخبر را برای شهرداری تهران انتخاب کنند.»

«عصر ایران» نوشته «این گروه از اعضای شورای شهر معتقدند که با توجه به تعامل خوب محمد مخبر با دولت پزشکیان می‌تواند پروژه‌های کلان شهرداری را جلو برد و اکنون او بهترین گزینه برای شهرداری تهران است و می‌تواند با روابط خوبی که در حاکمیت دارد منجر به پیشرفت شهر تهران شود و برای دوره بعد انتخابات شورای شهر هم حضور خود را تهدید کند.»

گفتنی است از ۱۸ تیر امسال کارزار دیگری در همین وبسایت و اینبار در حمایت از زاکانی با عنوان «حمایت از شهردار مومن و انقلابی تهران و درخواست ابقاء ایشان» راه‌اندازی شده که ظرف ۴۸ ساعت بیش از ۱۲۰ هزار و تا زمان تنظیم این گزارش بیش از ۱۸۹ هزار امضاء جمع کرده است. در این کارزار از علیرضا زاکانی خواسته شده «تحت تأثیر القانات و فشارهای گروه‌ها و افراد با گرایش خاصی سیاسی» قرار نگیرد.



دیدار گرم و صمیمانه علیرضا زاکانی و مسعود پزشکیان پس از پیروزی پزشکیان در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران بود. وی در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و در جریان سرکوب دانشجویان در کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران بود. او از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ ریاست سازمان بسیج دانشجویی کشور را در دست داشت و از همانجا به فهرست نامزدهای اصولگرایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی هفتم راه پیدا کرد.

علیرضا زاکانی از سال ۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی راه یافت و به عنوان نماینده‌ای صریح از جناح اصولگرایان تندرو در مجلس ماندگار شد.

او از امرداد ۱۴۰۰ به عنوان شهردار تهران انتخابات شد و از مجلس به شهرداری رفت. عملکرد او به عنوان شهردار تهران نیز مطلوب نیست و اقدامات عجیب وی از جمله نقش برجسته‌اش در سازماندهی حجاب‌بان‌ها در متروها به عنوان بخشی از پروژه سرکوب زنان به بهانه «پوشش اختیاری» و ساختن مسجد در پارک‌ها و بوستان‌ها با واکنش‌هایی روبرو شد.

همچنین گزارش‌هایی از فساد در شهرداری و یا تخلفاتی مانند قطع سازمانیافته درختان کهنسال تهران از جمله اقدامات تحت مدیریت وی بوده که مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین کارزاری برای عزل او از فروردین امسال راه‌اندازی شد. زمان پایان این کارزار شهریور امسال عنوان شده و پس از پیروزی مسعود پزشکیان، اصلاح‌طلبان تبلیغات گسترده‌ای برای راضی کردن شهروندان به امضای این کارزار انجام می‌دهند.

این کارزار اکنون به بیش از ۱۴۳ امضاء رسیده و در بخشی از متن آن آمده «مسئولین شهری و کشوری هیچ عزم و تدبیری برای حل معضلات بزرگ زیست محیطی و خسارت‌های مادی و جانی ندارند و شهردار تهران به جای

مسعود پزشکیان و علیرضا زاکانی که مناظره و یکی‌بدوهای آنها می‌بایست به «گرم کردن» تنور انتخابات حکومت کمک کند، در دیداری پس از انتخابات یکدیگر را دوستانه و گرم به آغوش کشیدند.

وبسایت «عصر ایران» نوشته «در راستای تعامل با دولت جدید برای پیشبرد هرچه بهتر امور شهرداری تهران و آبادانی تهران برخی از اعضای شورای شهر تهران بنا دارند محمد مخبر را برای شهرداری تهران انتخاب کنند.»

علیرضا زاکانی در واکنش به کمپین جمع‌آوری امضاء برای برکناری‌اش از مقام شهرداری تهران محتوای آن را «سراسر تهمت» خوانده و گفته است که این کمپین از لحاظ حقوقی فاقد جایگاه و مضر است.

گفتنی است که از ۱۸ تیرماه جاری کارزاری نیز در حمایت از زاکانی راه‌اندازی شده که تا زمان تنظیم این گزارش بیش از ۱۸۹ هزار امضاء جمع کرده است.

جریان حامی مسعود پزشکیان در چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی همچنان برای برکناری علیرضا زاکانی شهردار تهران در تلاش است. برخی خبرهای غیررسمی از احتمال موفقیت آنها برای برکناری شهردار تهران و جایگزینی محمد مخبر دزفولی سرپرست کنونی دولت سیزدهم خبر می‌دهند.

علیرضا زاکانی بسیجی اصولگرایی که طی سال‌های گذشته توانست تا نمایندگی مجلس شورای اسلامی و شهرداری تهران برسد، این روزها هدف حمله اصلاح‌طلبان حامی مسعود پزشکیان قرار دارد.

حملات گسترده برای کشیدن صندلی شهرداری تهران از زیر پای زاکانی در حالیکه که او روز گذشته، پنجشنبه ۲۱ تیرماه، در دیداری «دوستانه» با مسعود پزشکیان به او برای پیروزی در انتخابات تبریک گفت و «در مورد همکاری بین شهرداری تهران و دولت» با او گفتگو کرد.

بر اساس تصاویر منتشر شده از این دیدار، مسعود پزشکیان و علیرضا زاکانی که مناظره و یکی‌بدوهای آنها می‌بایست به «گرم کردن» تنور انتخابات حکومت کمک کند، یکدیگر را دوستانه و گرم به آغوش کشیدند.

علیرضا زاکانی در دو دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری به عنوان نامزد پوششی حضور پیدا کرد تا از نامزد اصلی اصولگرایان حمایت و به ویژه در مناظره‌های تلویزیونی وظیفه تخریب رقیب را به عهده بگیرد. حضور زاکانی در دوره سیزدهم انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی ابراهیم رئیسی کمک زیادی کرد و این دوره نیز او به عنوان نامزد پوششی وارد صحنه رقابت‌ها شد.

در جریان مناظره‌ها و مصاحبه‌های انتخاباتی علیرضا زاکانی در مقابل مسعود پزشکیان قرار گرفته بود و جدل‌های دوطرفه زیادی را با او پیش برد. اکنون به نظر می‌رسد نخستین تسویه حساب انتخاباتی حامیان پزشکیان متوجه علیرضا زاکانی شده است.

علیرضا زاکانی که سابقه حضور در جنگ ایران و عراق در سنین نوجوانی و سپس عضویت در بسیج را دارد، از نیروهای اصولگرا و تندرو در جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. او یک سال بعد از پایان جنگ به دانشگاه علوم پزشکی رفت و ۹ سال بعد مدرک پزشکی عمومی گرفت. زاکانی سال‌ها عضو انجمن اسلامی و چهار سال نیز رئیس

دوباره زاکانی؛ فسادهای پی در پی و قوت گرفتن احتمال برکناری شهردار پایتخت



● نرجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی و عضو شورای اسلامی شهر تهران در نشست روز یکشنبه ۲۴ تیرماه این شورا از «گزارش‌های متعدد» درباره تخلفات مشابه در شهرداری تهران و در دست بررسی بودن آنها از سوی شورای شهر خبر داد.

● روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» نوشته زاکانی که در تمام دوران نمایندگی مجلس و مناظرات ریاست جمهوری از مبارزه با فساد گفته، حالا با پرونده‌های فسادهای مختلفی از جمله خرید و فروش پست در دوره شهرداری‌اش در تهران روبروست.

علیرضا زاکانی شهردار پرحاشیه تهران بار دیگر با خبری درباره خرید و فروش پست و مقام در شهرداری تهران در مرکز توجه قرار گرفته است. انتقاد یک عضو شورای اسلامی شهر از عملکرد سه ساله زاکانی در شهرداری سبب تنش در جلسه این شورا شد. رئیس شورای اسلامی شهر هم آب پاکی را روی دست منتقدان شهردار ریخت و گفت زاکانی فعلا می‌ماند!

حساسیت‌ها در ارتباط با عملکرد علیرضا زاکانی در شهرداری تهران طی روزهای گذشته و پس از انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده است. حامیان مسعود پزشکیان بطور سازمانیافته حاشیه‌ها و ناکارآمدی‌های زاکانی را برجسته کرده و تلاش دارند او از مقام شهرداری پایتخت عزل شود.

عملکرد علیرضا زاکانی سبب ایجاد تنش در نشست روز گذشته شورای اسلامی شهر تهران نیز شد. ماجرا از آنجا آغاز شد که هادی کسایی‌زاده روزنامه‌نگار ویدیویی منتشر کرده که فردی در آن ادعا می‌کند در ازای انتصاب او به عنوان معاون شهرسازی و معماری شهرداری منطقه یک تهران، سعید صدرزاده، دستیار علیرضا زاکانی، شهردار تهران، از او درخواست ۴۰۰ سکه طلا و ۴۵۰ هزار دلار کرده است.

پس از ایجاد موجی از واکنش‌ها به این ویدیو در فضای مجازی، نرجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس که عضو شورای اسلامی شهر تهران است در نشست روز یکشنبه ۲۴ تیرماه این شورا از «گزارش‌های متعدد» درباره تخلفات مشابه در شهرداری تهران و در دست بررسی بودن آنها از سوی شورای شهر خبر داد. او گفت: «در مطالب منتشرشده در فضای مجازی، شاهد هستیم افشای اطلاعاتی، به یک عرف در مناطق تبدیل شده است.»

نرج سلیمانی ایرادهای دیگری به عملکرد علیرضا زاکانی وارد کرد و گفت: «از وقتی وارد شورا شدیم شهر تغییر قابل توجهی نداشته و حمل و نقل عمومی، جمع‌آوری پسماند، اختلال در مدیریت امور شهری و ارتباط مردم با شهرداری همچنان وضعیت مناسبی ندارد.»

در واکنش به اظهارات نرجس سلیمانی، محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر تهران گفت: «چرا کارکرد ما را زیر سوال می‌برید؟ من شخصا موضوع را پیگیری می‌کنم و ناراحت می‌شوم وقتی می‌گویید سه سال کار نکردید.»

او خطاب به نرجس سلیمانی گفت: «یعنی ما زیر کولر باد خوردیم. اینکه چشمان خود را ببندیم و دهان خود را باز کنیم در شأن فرزند قاسم سلیمانی نیست. من نماینده شهردار نیستم و عضو شورا هستم.»

در این میان مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر

تهران هم روز یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳ با بیان اینکه «هیچ بحثی در خصوص تغییر شهردار تهران مطرح نیست» گفته که «شایعات در خصوص تصدی شهرداری از سوی برخی افراد صحت ندارد و از شخصی که این موج دروغ را در فضای مجازی راه انداخته شکایت رسمی شده است.»

مهدی چمران در جمع خبرنگاران تأکید کرده که «هیچ تغییری در سیستم مدیریت شهری نخواهیم داشت و علیرضا زاکانی با قدرت کار خود را ادامه خواهد داد.»

علی‌اصغر قائمی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز به «هم‌میهن» گفته ویدیویی را که در شبکه‌های اجتماعی درباره خرید و فروش پست در شهرداری منتشر شده دیده و اطلاعات بیشتری در اینباره ندارد. او گفته «اگر صحت داشته باشد طبیعتاً چاره کار استیضاح آقای زاکانی است.»

این عضو شورای اسلامی شهر درباره حمایت حامیان و نزدیکان زاکانی در این شورا با استیضاح او گفته «بعید می‌دانم که مخالفتی در این مورد صورت گیرد چرا که این موضوع برای حوزه مدیریت شهری قابل تأمل است.»

اصلاح‌طلبان و حامیان مسعود پزشکیان بیش از دو هفته است در تلاش هستند تا انتقام مناظره‌های تلویزیونی انتخاباتی نمایشی را از علیرضا زاکانی که نامزد این نمایش بود و سپس انصراف داد بگیرند.

روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» در گزارشی نوشته که علیرضا زاکانی که در تمام دوران نمایندگی مجلس و مناظرات ریاست جمهوری از مبارزه با فساد گفته، حالا با پرونده‌های فسادهای مختلفی از جمله خرید و فروش پست در دوره شهرداری‌اش در تهران روبروست؛ فسادهایی که برای ردگم‌کنی به خروج دلار از کشور رسیده است. آنطور که گفته می‌شود «پست‌ها در هر منطقه نرخ خود را دارد و بیشترین نرخ به منطقه یک در امور ساخت و ساز برمی‌گردد و حتی شهرداران نواحی نیز نرخ خود را دارد.»

نرجس سلیمانی درباره خرید و فروش پست‌ها در شهرداری تهران به «هم‌میهن» گفته «متأسفانه گزارش‌های

متعددی از بروز این اختلال در شهرداری به کمیسیون داده شد. متعاقب آن ضمن بررسی و جلسات با تعدادی از اشخاص که در موقعیت‌های مختلف با این مسئله مواجه شده بودند شکل گرفت و در حال حاضر مسئله در حال بررسی است. اصل موضوع وجود تخلفات را تایید می‌کنم. متأسفانه این مساله ریشه‌های تاریخی دارد و به دلایل متعدد در بعضی موارد به صورت محدود و داخلی در بخش‌هایی تبدیل به رویه‌های غلط و نامبارک نانوشته‌ای شده که در جزایر اختلال و فساد گسترش پیدا کرده است، همچون ویروس در فضاهای مبهم و بدون نور.»

یکی دیگر از حاشیه‌ها درباره علیرضا زاکانی قرارداد مبهم چند هزار میلیارد تومانی است که او از سوی شهرداری تهران با یک شرکت نسل دومی و وابسته به خودش امضا کرده است. ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته این قرارداد توسط یکی از شرکت‌های نسل دومی شهرداری بسته شده و موضوع آن زیر ساخت‌های انرژی اتوبوس‌های برقی بوده است.

سوده نجفی عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر تهران نیز امروز دوشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۳ گفته اگر «شهرداری درباره قرارداد چند هزار میلیاردی شفاف‌سازی نکند جزئیات را در صحن می‌گویم. این قرارداد در ۸ اردیبهشت در زمینه خرید ۹۵۰ دستگاه شارژ AC و DC با عنوان خرید خدمات طراحی مهندسی و بدون مجوز شورا و تشریفات، توسط یک موسسه زیرمجموعه دفتر شهردار [علیرضا زاکانی] منعقد شده است.

سوده نجفی دو هفته پیش نیز در تذکری در صحن شورای شهر تهران از شهرداری تهران خواست که درباره قرارداد چند هزار میلیارد تومانی غیرقانونی و خارج از تشریفات با چین پاسخگو باشد.

وبسایت «عصر ایران» هم هفته گذشته نوشت که شنیده‌ها حکایت از این دارد با توجه رویکرد ضعیف و ناکارآمد زاکانی در شهرداری تهران برخی اعضای شورای شهر تهران به دنبال تغییر شهردار تهران هستند و با

ماتادورها رکورددار قهرمانی در جام ملت‌های اروپا حسرت ۶۴ ساله انگلیس برای جام!



تیم اسپانیا برنده مسابقات جام ملت‌های اروپا ۲۰۲۴ / برلین / یکشنبه ۱۴ ژوئیه / رویترز

دور پنالتی نگرفت و بازی را ادامه داد و حتی VAR نیز دخالتی نکرد. به همین دلیل بسیاری از طرفداران آلمان معتقد بودند حق تیم آنها بود که در فینال باشد نه اسپانیا که روی اشتباه داور مسابقه نیمه نهایی را بُرد.

با اینهمه بسیاری از تحلیلگران معتقدند اسپانیا بهترین تیم این دور از مسابقات بود و شایستگی قهرمانی را داشت. این تیم در مرحله گروهی با تیم‌های ایتالیا، کرواسی و آلبانی هم گروه بود و به عنوان تیم نخست از گروه مرگ به مرحله حذفی صعود کرد. در مرحله حذفی تیم‌های گرجستان، آلمان و فرانسه را شکست داد و به دیدار نهایی راه یافت. این دومین بار است که انگلستان در دیدار نهایی رقابت‌های اروپا شکست می‌خورد و نایب قهرمان می‌شود. آنها در دور گذشته نیز دو بر یک در برابر ایتالیا شکست خوردند و نتوانستند در آن دور قهرمان شوند.

همچنین بسیاری کارشناسان معتقدند تیم‌های سوئیس، اتریش و ترکیه هرچند در مرحله حذفی این رقابت‌ها حذف شدند اما فراتر از انتظار بودند به ویژه تیم فوتبال ترکیه که بعد از آلمان به عنوان میزبان رقابت‌ها بیشترین تعداد تماشاگران را در استادیوم‌ها داشت زیرا حدود هفت میلیون ترک‌تبار در آلمان زندگی می‌کنند و بسیاری از بازیکنان تیم ترکیه سابقه بازی در لیگ آلمان و سایر کشورهای اروپایی داشته و آمادگی فنی و فیزیکی خوبی برخوردار بودند.

هرچند در جریان برگزاری مسابقات یورو چند مورد تهدید تروریستی علیه هواداران گزارش شد اما تأمین امنیت مسابقات یورو ۲۰۲۴ مأموریت دشوار برای پلیس و نهادهای امنیتی آلمان بود که از آن سربلند بیرون آمدند، به ویژه آنکه پیش از برگزاری این مسابقات تهدیدات افزایش پیدا کرده بود. آنچه در رسانه‌ها و همچنین شبکه‌های اجتماعی از سوی طرفداران فوتبال به آن پرداخته شد کیفیت قابل توجه حمل و نقل عمومی در آلمان و همچنین تلاش‌های پلیس برای تأمین امنیت مسابقات بود.

● تیم فوتبال اسپانیا با پیروزی در مقابل این انگلیس قهرمان چهاردهمین دوره رقابت‌های جام ملت‌های اروپا، یورو ۲۰۲۴، شد. این مسابقه که یکشنبه شب ۱۴ ژوئیه (۲۴ تیرماه) در استادیوم «المپیک» برلین برگزار شد دو بر یک به سود ماتادورها خاتمه یافت تا حسرت انگلیسی‌ها برای قهرمانی ۶۴ ساله شود.

تیم فوتبال اسپانیا با پیروزی در مقابل این انگلیس قهرمان چهاردهمین دوره رقابت‌های جام ملت‌های اروپا، یورو ۲۰۲۴، شد. این مسابقه که یکشنبه شب ۱۴ ژوئیه (۲۴ تیرماه) در استادیوم «المپیک» برلین برگزار شد دو بر یک به سود ماتادورها خاتمه یافت تا حسرت انگلیسی‌ها برای قهرمانی ۶۴ ساله شود.

چهارمین قهرمانی اسپانیا در اروپا آنها را به پرافتخارترین تیم در رقابت‌های جام ملت‌های اروپا تبدیل کرد. چند چهره مشهور این مسابقه را از نزدیک در استادیوم تماشا می‌کردند. شاخص‌ترین آنها پادشاه اسپانیا، فیلیپ ششم و دخترش لئونور و پرنس ویلیام ولیعهد بریتانیا و فرزندش پرنس جُرج بودند.

آنها پیش از شروع مسابقه عکس یادگاری گرفتند و در طول مسابقه نیز دوربین‌ها مدام واکنش‌های آنها به صحنه‌های مسابقه‌ها را زیر نظر داشتند. واکنش‌های شاهزاده ویلیام و فرزندش به صحنه‌های حساس مسابقه سوژه روزنامه «دیلی میل» بود. آنها پس از به ثمر رسیدن گل انگلیس از خوشحالی سر از پا نمی‌شناختند اما شادی آنها کوتاه بود زیرا واپسین دقایق مسابقه تیم انگلیس گل دوم را دریافت کرد.

تیم اسپانیا با غلبه بر آلمان به فینال مسابقات رسید آنهم در یک مسابقه جنجالی! در حالی که بازی در وقت اضافه و با نتیجه یک بر یک در جریان بود، مارک کوکویا مدافع اسپانیا در دقیقه ۱۰۶ شوتی از جمال موسیلا را در محوطه جریمه اسپانیا با دست چپ خود دفع کرد اما آنتونی تیلور

توجه به اینکه زاکانی با دولت پزشکیان زاویه دارد و امکان عدم همکاری دولت با شهرداری در دوره جدید وجود داشته باشد تصمیم جدی برای تغییر زاکانی را شرایط کنونی دارند.»

این خبر افزوده «در راستای تعامل با دولت جدید برای پیشبرد هرچه بهتر امور شهرداری تهران و آبادانی تهران برخی از اعضای شورای شهر تهران بنا دارند محمد مخبر را برای شهرداری تهران انتخاب کنند.»

«عصر ایران» نوشته «این گروه از اعضای شورای شهر معتقدند که با توجه به تعامل خوب محمد مخبر با دولت پزشکیان می‌تواند پروژه‌های کلان شهرداری را جلو ببرد و اکنون او بهترین گزینه برای شهرداری تهران است و می‌تواند با روابط خوبی که در حاکمیت دارد منجر به پیشرفت شهر تهران شود و برای دوره بعد انتخابات شورای شهر هم حضور خود را تمدید کند.»

علیرضا زاکانی بسیجی اصولگرا طی سال‌های گذشته توانست به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و شهرداری تهران برسد. او در دو دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری به عنوان نامزد پوششی حضور پیدا کرد تا از نامزد اصلی اصولگرایان حمایت و به ویژه در مناظره‌های تلویزیونی وظیفه تخریب رقیب را به عهده بگیرد. حضور زاکانی در دوره سیزدهم انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی ابراهیم رئیسی کمک زیادی کرد و این دوره نیز او به عنوان نامزد پوششی وارد صحنه رقابت‌ها شد.

در جریان مناظره‌ها و مصاحبه‌های انتخاباتی علیرضا زاکانی در مقابل مسعود پزشکیان قرار گرفته بود و جدلهای دوطرفه زیادی را با او پیش برد. اکنون به نظر می‌رسد نخستین تسویه حساب انتخاباتی حامیان پزشکیان متوجه علیرضا زاکانی شده است.

علیرضا زاکانی که سابقه حضور در جنگ ایران و عراق در سنین نوجوانی و سپس عضویت در بسیج را دارد، از نیروهای اصولگرا و تندرو در جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. او یک سال بعد از پایان جنگ به دانشگاه علوم پزشکی رفت و ۹ سال بعد مدرک پزشکی عمومی گرفت. زاکانی سال‌ها عضو انجمن اسلامی و چهار سال نیز رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران بود. وی در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و در جریان سرکوب دانشجویان در کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ رئیس بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران بود. او از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ ریاست سازمان بسیج دانشجویی کشور را در دست داشت و از همانجا به فهرست نامزدهای اصولگرایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی هفتم راه پیدا کرد.

علیرضا زاکانی از سال ۱۳۸۳ به مجلس شورای اسلامی راه یافت و به عنوان نماینده‌ای صریح از جناح اصولگرایان تندرو در مجلس ماندگار شد.

او از امرداد ۱۴۰۰ به عنوان شهردار تهران انتخابات شد و از مجلس به شهرداری رفت. عملکرد او به عنوان شهردار تهران نیز مطلوب نیست و اقدامات عجیب وی از جمله نقش برجسته‌اش در سازماندهی حجاب‌بان‌ها در متروها به عنوان بخشی از پروژه سرکوب زنان به بهانه «پوشش اختیاری» و ساختن مسجد در پارک‌ها و بوستان‌ها با واکنش‌هایی روبرو شد.

هر چند پس از انتخابات ریاست جمهوری، حامیان مسعود پزشکیان تلاش زیادی برای کشیدن صندلی شهرداری پایتخت از زیر پای زاکانی انجام دادند اما او هفته گذشته در دیداری گرم و صمیمی با مسعود پزشکیان حضور داشت و تصاویر آنها در حالیکه خندان یکدیگر را به آغوش کشیده‌اند منتشر شد.

فعالان حقوق زنان گیلان برای اجرای حکم راهی زندان لاکان رشت شدند



● فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، نگین رضایی، شیوا شاه‌سیاه و آزاده چاوشیان با همراهی جمع کثیری از فعالین و اعضای خانواده مقابل دادسرای انقلاب رشت، جهت تحمل حبس، راهی زندان لاکان شدند.

● روز چهارشنبه ۲۰ تیر، زهره (فاطمه) دادرس، شهروند ساکن رشت و فعال حقوق زنان که در همین پرونده به حبس محکوم شده بود، از سوی مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد.

● زهرا دادرس خواهر زهره و دیگر محکوم این پرونده پس از احضار تلفنی خود را به اجرای احکام کیفری رشت معرفی کرده بود.

فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، نگین رضایی، شیوا شاه‌سیاه و آزاده چاوشیان، فعالان حقوق زنان در گیلان برای گذراندن حکم حبس راهی زندان لاکان رشت شدند.

وبسایت «بیدارزنی» فعال در زمینه حقوق زنان گزارش داده که صبح امروز شنبه ۲۳ تیرماه، جمعی از فعالان حقوق زنان ساکن گیلان، جهت تحمل دوران حبس راهی زندان لاکان شدند.

بر اساس این گزارش فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، نگین رضایی، شیوا شاه‌سیاه و آزاده چاوشیان با همراهی جمع کثیری از فعالین و اعضای خانواده مقابل دادسرای انقلاب رشت، جهت تحمل حبس، راهی زندان لاکان شدند.

پرونده‌ای که علیه فعالان حقوق زنان در گیلان گشوده شد یازده متهم دارد که دادگاه بدوی هر یک از آنها را به یک تا بیش از ۹ سال زندان محکوم کرده است. این احکام در دادگاه تجدید نظر نیز تأیید شد.

پیشتر روز چهارشنبه ۲۰ تیر، زهره (فاطمه) دادرس، شهروند ساکن رشت و فعال حقوق زنان که در همین پرونده به حبس محکوم شده بود، از سوی مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شد. همزمان زهرا دادرس خواهر زهره و دیگر محکوم این پرونده پس از احضار تلفنی خود را به اجرای احکام کیفری رشت معرفی کرده بود.

در پرونده معروف به فعالان حقوق زنان در گیلان زهره دادرس، فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیاه، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاوشیان، زهرا دادرس، جلوه جواهری و هومن طاهری به احکام حبس محکوم شده‌اند. آنها همگی در مرداد ۱۴۰۲ در یک عملیات همزمان و ضربتی در شهرهای مختلف استان گیلان بازداشت شدند.

شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی مهدی راسخی روز چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳ حکم بدوی متهمان این پرونده را اعلام کرده بود. این احکام روز هشتم خرداد در شعبه ۱۱ تجدید نظر دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی محمدصادق ایران‌عقیده، و بدون تشکیل دادگاه عیناً تأیید شد.

بر اساس حکم صادر شده، زهره دادرس در مجموع به ۹ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است. او به اتهام تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی به شش سال و یک روز حبس تعزیری و به اتهام اجتماع و تبانی، به سه سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیاه، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاوشیان و زهرا دادرس هر یک در مجموع به شش سال و سه ماه و ۷ روز حبس محکوم شدند. در رابطه با اتهام اجتماع و تبانی

از دیگر موارد اتهامی این افراد برقراری ارتباط با خانواده جانب‌باختگان افرادی بوده است که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ جان باخته‌اند. اداره اطلاعات گیلان مدعی شده بود آنها افرادی را که بستگان خود را از دست داده‌اند تحریک می‌کردند.

جلسه دادگاه رسیدگی به فعالان بازداشت‌شده دهم اسفند ۱۴۰۲ در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. این فعالین به «اجتماع و تبانی»، «تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی» و «عضویت در گروه» متهم شدند. مصطفی نبیلی، وکیل فروغ سمیع‌نیا و جلوه جواهری، روز چهارشنبه ۸ فروردین به «شبکه شرق» گفت که شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت این ۱۱ فعال امور زنان را به بیش از ۶۰ سال حبس محکوم کرده است.

این وکیل دادگستری درباره احکام صادره برای موکلانش گفت که فروغ سمیع‌نیا، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» به ۳ سال و ۶ ماه و یک روز حبس و به اتهام «عضویت در گروه غیرقانونی» به ۲ سال و ۷ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شد.

مصطفی نبیلی افزوده بود که جلوه جواهری هم به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است.

بر اساس گزارش‌ها فعالان بازداشت شده، برای اعتراف اجباری در معرض شکنجه و ضرب و جرح و فشارهای روانی قرار گرفته بودند.

سارا جهانی دکتر داروساز و از بازداشت‌شدگان در شهر رشت هنگام بازداشت به دلیل مقاومت در برابر دادن رمز گوشی موبایلش به مأموران به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفت.

گزارش‌ها حاکی از آن بود که هومن طاهری از دیگر بازداشت‌شدگان این پرونده، بر اثر ضرب و جرح در جریان بازجویی یک دندان خود را از دست داده، صورتش به شدت متورم شده و آثار کبودی بر گردن و قفسه سینه و خراش در دیگر نقاط بدنش پس از گذشت چند روز و انتقال او به بند عمومی، همچنان قابل مشاهده بوده است.

به قصد برهم زدن امنیت کشور، این فعالان به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و به اتهام عضویت در گروه غیرقانونی به دو سال و هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شدند.

جلوه جواهری و هومن طاهری هم به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

پس از بازداشت این فعالان، اداره کل اطلاعات استان گیلان ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده بود «یک تیم تشکیلاتی» شامل ۱۲ نفر به اتهام «تشکیل دوره‌های براندازی نرم» و «اقدامات ضدامنیتی متعدد» بازداشت شدند.

در این اطلاعیه آمده بود «این افراد که سابقه فعالیت‌های ضدامنیتی متعددی در اغتشاشات سال گذشته را دارند، با شناسایی و گردآوردن دیگر افراد سابقه‌دار در آن وقایع و فریب تعدادی از جوانان و متشکل نمودن آنها، در حال فراهم آوردن مقدمات اغتشاش و ناامنی در سطح استان گیلان و برخی شهرستان‌های استان کردستان بودند.»

اطلاعات گیلان مدعی شده بود دو نفر از اعضای این تیم که رهبری آنها را به عهده داشتند «در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده آموزش دیده و پس از مراجعت به کشور، ضمن حفظ ارتباط با برگزارکنندگان شناخته شده دوره‌ها، مبالغ قابل توجهی پول در پوشش کمک به خانوادگی آسیب‌دیدگان وقایع سال گذشته دریافت کردند.»

عوامل وزارت اطلاعات در استان گیلان مدعی شدند این افراد بخش اندکی از پول دریافتی را خرج خانواده آسیب‌دیدگان کردند و محل هزینه‌ی مابقی وجوه دریافتی وضعیت نامشخصی دارد که در دست بررسی است!

یکی دیگر از اتهامات این افراد ارتباط با شبکه «ایران اینترنت‌نشال» است. بر اساس بند آخر اطلاعیه وزارت اطلاعات «اعضای گروه با فراخوان تعدادی از مرتبطین خود در زمان‌ها و مکان‌های مشخص شده و انجام رفتارهای هنجارشکن، از آن صحنه‌ها فیلم‌برداری کرده و تصاویر تهیه شده را به رسانه‌های معاند ارسال می‌کردند.»

فرهاد مشیری هنرمند برجسته و پیشرو ایرانی درگذشت

● فرهاد مشیری نقاش برجسته و پیشرو ایرانی هفته جاری در سن ۶۱ سالگی درگذشت. گالری پروتین پاریس درگذشت این هنرمند را تأیید کرده است.

فرهاد مشیری نقاش برجسته و پیشرو ایرانی هفته جاری در سن ۶۱ سالگی درگذشت. گالری پروتین پاریس درگذشت این هنرمند را تأیید کرده است.

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی این هنرمند پیشرو بر اثر ایست قلبی در تهران چشم از جهان فرو بست.

نام فرهاد مشیری پس از آنکه در مارس ۲۰۰۸ یک اثر او به عنوان نخستین هنرمند اهل خاورمیانه در حراج بُنهامز دویی با قیمت بیش از یک میلیون دلار به فروش رفت، در تیتز خبر رسانه‌های بین‌المللی جای گرفت. «عشق» (۲۰۰۷) شامل یک بوم سیاه بزرگ بود که واژه عشق به زبان فارسی و با کریستال‌های گرانیقیمت سواروسکی روی آن گلدوزی شده بود.

این هنرمند برجسته بیش از همه با نقاشی‌هایش از کوزه‌های ایرانی و به «نقاشی کوزه‌ها» شهرت داشت؛ ظروف سفالی قدیمی که زمانی حاوی سرکه یا شراب بودند و از بازار خریده شده بود.

همسر او شیرین علی‌آبادی عکاس حرفه‌ای بود که در سال ۱۳۹۷ درگذشت.

فرهاد مشیری در سال ۲۰۱۷ نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در موزه اندی وارمول در شهر پیتزبورگ در ایالت پنسیلوانیا آمریکا برگزار کرد. «فرهاد مشیری: به غرب برو» یک برآورد حرفه‌ای بود که سنت را با جذابیت قوی فرهنگ عامه غرب در ایران بهم پیوند داد.

خوزه کارلوس دیاز مدیر موزه اندی وارمول درباره «فرهاد مشیری: به غرب برو» گفته بود این نمایشگاه فرهاد مشیری را به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرمندان معاصر مقیم ایران به مخاطبان جدیدی معرفی می‌کند.

فرهاد مشیری سال گذشته و زمانی که برای انتشار کاتالوگ دو جلدی مصور از آثارش به نام «زندگی زیباست» به سردبیری دینا ناصر خدیوی و توسط انتشارات اسکیرا به لندن سفر کرده بود گفتگوی مفصلی با «کیهان لایف» داشت.

فرهاد مشیری دوران کودکی و نوجوانی خود را در شیراز گذراند؛ شهری که پدرش در آن مالک سینماهای زنجیره‌ای بود. او معتقد بود باید فیلمساز می‌شد؛ «من بیشتر با تماشای فیلم بزرگ شدم تا کتاب‌های هنری.»

فرهاد مشیری پس از پایان تحصیلات متوسطه در شیراز، در دهه ۱۹۸۰ برای تحصیل در مؤسسه هنر کالیفرنیا به آمریکا رفت و نقاشی خواند.

او می‌گوید آن زمان روزگار دشواری برای حضور در آمریکا بود؛ ایران به شدت در انزوا قرار داشت و به شکلی بسیار تاریک و زنده به تصویر کشیده می‌شد.

فرهاد مشیری پس از فارغ‌التحصیلی با مشکلاتی روبرو شد: «پیدا کردن کار به عنوان یک هنرمند بسیار سخت بود. من یک نمایشگاه داشتم، اما خیلی موفق نبود.»

در نهایت فرهاد مشیری پس از ۱۳ سال دوری از وطن، به ایران بازگشت و به گفته خودش تصور هنرمند بودن را کنار گذاشت. او می‌گفت: «من داشتم به جایی باز می‌گشتم که دنیای هنر وجود نداشت. من که نتوانستم زندگی هنرمندان را در غرب پیش ببرم چطور می‌توانستم آن را در ایران بسازم؟» او با بازگشت به شیراز ساخت اشیاء هنری را آغاز کرد.



فرهاد مشیری

میز و سایر وسایل خانه را در سمساری‌ها پیدا و آنها را بازطراحی و بازسازی می‌کرد و به فروش می‌گذاشت. این فعالیت اما ناامیدکننده بود چون او دریافت که مهم نیست چقدر تلاش می‌کند و چه طراحی‌های ارزشمندی را روی این وسایل پیاده می‌کند؛ در نهایت این اجسام «فقط یک صندلی» هستند و یک اثر هنری به شمار نمی‌روند. همین موضوع او را دوباره به سمت بوم کشاند و نقاشی حرفه‌ای را دوباره از سر گرفت.

اما نخستین نقاشی‌ها در آغاز دوباره از نظر خودش «بسیار بد» بودند با اینهمه حس آزادی به او می‌دادند و توانست دوره‌ای که آن را «بدون هیچ تماشگری» می‌خواند تجربه کند. بعد از مدتی فرهاد مشیری با الهام از نقاشی‌های دوره قاجار آثاری نایف* را خلق کرد و در نهایت نخستین نمایشگاه او چند سال پس از بازگشت به میهن در گالری سیحون تهران برگزار شد.

با اینهمه فرهاد مشیری معتقد بود سینما خاستگاه اصلی اوست و تحصیلاتش نیز در همین زمینه بود. در همان سال‌ها سینمای ایران در غرب مورد توجه قرار گرفته بود و این موضوع نیز دلگرم‌کننده بود. مشیری برای گرفتن مجوز دست به کار شد. فیلمنامه او باید از سدهایی چون وزارت ارشاد و بنیاد سینمایی فارابی عبور می‌کرد؛ فیلمنامه‌ها بارها و بارها برای اصلاح بازگردانده می‌شد. فرهاد مشیری دریافت سینما به شدت «کنترل شده» است و مراجعه برای گرفتن مجوز یک چرخه باطل و بی‌پایان است.

او دریافت نقاشی بسیار ساده‌تر است: «می‌توانستم در حالی نقاشی کنم که کسی از بالای شانهام کنترل نکند.» پس از خلق یک مجموعه که از اجسامی مانند در، فرش پاره، پنجره، تکه چوب در آنها استفاده شده بود او به هنر باستانی ایران علاقمند شد.

قصه «نقاشی کوزه‌ها» از روزی آغاز شد که او به همراه همسر هنرمندش شیرین علی‌آبادی در بازار خرید می‌کرد و کوزه‌های قدیمی خسته‌ای به چشمش خورد که زمانی در آنها سرکه و شراب درست می‌کردند. او این کوزه‌های ارزان را که هر یک فقط چند دلار قیمت داشت خرید و در حالی که

یکی از آنها را پشت صندوق عقب ماشین‌اش حمل می‌کرد، مأموران به تصور اینکه او در حال حمل عتیقه است اتومبیل را متوقف کردند!

مشیری می‌گوید از آن روز «من تازه شروع به رنگ‌آمیزی شیشه کردم و سعی کردم آنچه را دوست دارم روی یک سطح صاف بازآفرینی کنم.»

آثار مشیری بر بوم‌های شیشه‌ای فروش فوق‌العاده‌ای داشتند و بازار او- ابتدا در خانه و سپس در اروپا- رونق گرفت. مشیری در ادامه به ساختن نقاشی‌هایی با خط و اعداد به زبان فارسی پرداخت و سپس بطور کامل تغییر سبک داد و ذائقه ایران معاصر را به تصویر کشید و نوعی پاپ‌آرت ایرانی تولید کرد.

او در اینباره گفته چیزی در کلیت در حال رخ دادن بود که بسیار جذاب بود؛ زیبایی‌شناسی تازه به دوران رسیده‌ها. ارزش دلارهای نفتی شروع به ریزش کرده بودند، مردم در حال ساختن بودند، اتفاقاتی در حال رخ دادن بود. فرهاد مشیری با ارائه تصویری اغراق‌آمیز از خانه‌های تازه ثروتمندان که با مبلمان باروک مصنوعی پر شده بودند، مجموعه‌ای از «هنر چیدمان» فوق‌العاده چشم‌نوازی خلق کرد که صندلی‌ها، میزها و سیستم‌های سرگرمی خانگی را با طلایی عمده‌اشیک و براق پوشانده بودند.

سپس گالریست فرهاد مشیری در شهر رم به او پیشنهاد داد آثاری خلق کند که بتواند روی دیوارها آویزان شود. او با یادآوری قاب‌دوزی‌هایی که در بسیاری از خانه‌های ایرانی یافت می‌شد، کار با گلدوزی‌های حرفه‌ای را که همگی زنانه بودند محور اصلی کار خود قرار داد: «از اینکه نرم و زنانه بودم، خوشم آمد. گلدوزی‌ها بزرگتر شدند و با استفاده از موادی مانند کریستال جلوه و تجمل بیشتری پیدا کردند. از آن مجموعه، اثر معروف «عشق» موفقیت جهانی برای فرهاد مشیری به ارمغان آورد.

چرا اثر «عشق» در دویی سر و صدا کرد؟ چون دورانی بود که حراجی‌های هنری به دنبال هنر بومی به خاورمیانه آمدند. هیچ پایگاه داده واقعی در اینباره وجود نداشت که آنها بتوانند هنرمندان را پیدا کنند؛ بنابراین آنها از اطراف می‌پرسیدند که چه کسی برنامه دارد؟ چه کسی اینجا و آنجا مشغول فعالیت است و به این ترتیب از گالری‌ها سر در می‌آوردند.

فرهاد مشیری گفته «ما فقط خوش‌شانس بودیم که آنجا بودیم و این اتفاق در اوج هیجان در اطراف دویی رخ داد.» این هنرمند افزوده «از آن زمان، این برای من یک چالش است که پیشرو باشم و خودم را تکرار نکنم. بنابراین من دائماً در تلاش برای توسعه ایده‌های جدید، راه‌های جدید، روش‌های جدید بودم.»

فرهاد مشیری با آغوش باز از شکوفایی هنر معاصر در ایران استقبال می‌کرد: «ما نمی‌توانیم در مورد چیزی که هرگز فرصتی نداشته است خیلی خشن رفتار کنیم، و حالا که به نوعی شانس دارد، آن را له نکنید. من فکر می‌کنم همه چیز رو به بهبود است.»

* هنر نایف یا هنر بدوی به آثاری گفته می‌شود که هنرمندان خودآموخته و بدون تحصیلات دانشگاهی در زمینه هنر خلق می‌کنند. این هنرمندان با وجود آشنایی با اصول و قواعد هنر کلاسیک، مانند ژرفانمایی، به صورت غریزی و با بیانی ساده به خلق اثر می‌پردازند.

* منبع: کیهان لایف

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

افزایش بی سابقه دما در ایران؛ قطع برق در بخش خانگی به دلیل ناتوانی حکومت در تأمین برق



● مدیرعامل شرکت توانیر با اشاره به رکوردهای تازه افزایش دما در ایران گفته این میزان دما در ۵۰ سال اخیر بی سابقه است.

● شرکت توزیع برق تهران روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «به دنبال افزایش کم سابقه دمای هوا، میزان مصرف برق در کشور افزایش بسیار زیادی پیدا کرده و به مرز هشدار نزدیک شده است.»

دمای هوا در ایران بطور بی سابقه‌ای افزایش یافته و به دلیل ناتوانی جمهوری اسلامی در تأمین برق مورد نیاز کشور، قطع برق پس از بخش صنعت و کشاورزی به بخش خانگی رسیده است.

مصطفی رجبی مشهدی مدیر عامل شرکت توانیر با اشاره به رکوردهای تازه افزایش دما در ایران گفته این میزان دما در ۵۰ سال اخیر بی سابقه است.

سختگویی صنعت برق گفته «در مکان‌های مختلف و استان‌های مختلف این عدد متفاوت بود ولی از رکوردهایی که امسال به دست آمده، مثلا در شهرستان اهواز بیش از ۷ روز دمای آن بیش از ۵۰ درجه بود که تاکنون طی ۵۰ سال اخیر بی سابقه بود و این عدد بسیار بزرگی است.»

به گفته او، «۳۹ و ۳ دهم درجه سیلیسیوس افزایش دما در کل کشور ثبت شده که عدد بسیار بزرگی است که رکورد مصرف برق را هم شکسته است.»

او گفته است که «به ازای هر یک درجه افزایش دما در کشور حدود ۱۸۰۰ مگاوات به میزان مصرف برق اضافه می شود که این به دلیل استفاده از کولرها و وسایل سرمایشی است.» مازیار جمشیدی مدیر بهره برداری و کنترل شبکه برق کشور هم اعلام کرده که روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه بیش از ۷۷ هزار مگاوات مصرف برق را پشت سر گذاشتیم که این میزان مصرف در مقایسه با هفته قبل، ۶ هزار مگاوات افزایش داشته است که معادل ۸ درصد رشد را نشان می دهد. به گفته مازیار جمشیدی میزان افزایش مصرف برق در کشور هم اکنون معادل ۲ برابر مصرف برق استان خراسان رضوی است.

در سالهای گذشته گرم شدن دمای هوا سبب غایان شدن کاستی‌های جمهوری اسلامی در تولید و تأمین برق مورد نیاز کشور شده است. امسال نیز هر چند دولت از اوایل بهار با جیره بندی برق بخش صنعت و کشاورزی تلاش کرده بود قطع برق به بخش خانگی کشیده نشود اما گزارش‌ها از قطع برق خانگی در شهرهای مختلف حکایت دارد.

در حالی که از دو روز پیش و با پیش بینی موج جدید گرما در آخر هفته‌ی ایران، در ۱۳ استان ایران ادارات تعطیل یا نیمه کاره شدند تا مصرف برق کاهش پیدا کند اما همچنان دولت نتوانست برق مورد نیاز را تأمین کند.

بر اساس گزارش‌ها برخی مناطق شهر تهران روز پنجشنبه ۲۱ تیر با ۵ ساعت قطع برق روبرو شدند. مصطفی رجبی مشهدی در واکنش به قطع برق روز گذشته در بخش‌های زیادی از شهر تهران گفته «خاموشی برنامه ریزی شده نداریم» و مدعی شده که قطع برق به دلیل خرابی و تعمیرات بوده است.

او گفته «در تابستان به دلیل افزایش مصرف و به دلیل اینکه تجهیزات در معرض نور آفتاب و گرما قرار می گیرند احتمال خرابی آنها بیشتر است به همین دلیل امکان وقوع حادثه و خاموشی وجود دارد که همکاران ما به سرعت این

مساله را برطرف می کنند.»

سختگویی صنعت برق در همین حال تأکید کرده که «رشد مصرف در این روزها بسیار بالا است و باید مردم در مدیریت مصرف به صورت جدی مشارکت داشته باشند.» او همچنین با اشاره به جیره بندی برق گفته «صنایع به سه گروه تقسیم شدند، مشتریان صنعتی کوچک هیچ محدودیتی در تأمین برق ندارند، برای واحدهایی که در شهرک‌ها هستند برنامه ریزی شده که یک روز مشارکت کنند و برای سایر مصارف بزرگتر برنامه ریزی با همکاری وزارت صمت تدوین شده که آن را اجرایی می کنیم، این روزها به دلیل افزایش مصرف لازم است که صنایع همکاری بیشتری داشته باشند و برنامه‌های ابلاغی را اجرایی کنند.»

برخلاف ادعای مدیر عامل شرکت توانیر درباره قطع برق محدود در پایتخت به دلیل خرابی، گزارش‌های دیگری نیز از قطع برق پیاپی در چند منطقه تهران گزارش شده است. بر اساس این گزارش‌ها برق محله‌هایی از منطقه ۶ تهران از جمعه هفته گذشته هر روز رأس ساعت ۱۲ ظهر به مدت حداقل ۲ ساعت قطع می شود و همچنین برق محله‌هایی از مناطق مسکونی همچون منطقه ۲ و منطقه ۵ نیز در ساعت مشخص قطع شده است.

قطع برق بخش خانگی به صورت اعلام نشده، سبب انتقاد شهروندان شده و می گویند در سالهای گذشته قطع برق بخش خانگی از پیش و با انتشار جداول قطع برق محله‌های مختلف انجام می شد. آنها می گویند غافلگیری ناشی از قطع ناگهانی برق برای چند ساعت قابل پذیرش نیست.

شرکت توزیع برق تهران روز چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۳ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «به دنبال افزایش کم سابقه دمای هوا، میزان مصرف برق در کشور افزایش بسیار زیادی پیدا کرده و به مرز هشدار نزدیک شده است.»

در این اطلاعیه از شهروندان خواسته شده بود «بطور اکیدا از استفاده از وسایل برقی پرمصرف همچون ماشین لباسشویی، اتو و جاروی برقی و استفاده از دور تند کولرهای

آبی در ساعات اوج مصرف به ویژه در ساعات ۱۱ تا ۱۷» خودداری کنند.

شرکت توزیع برق تهران همچنین از مشتریان خواسته بود «در صورت استفاده از کولرهای گازی و سامانه های سرمایشی پرمصرف، دمای سامانه سرماساز را بر روی عدد ۲۵ یا ۲۴ درجه سانتیگراد تنظیم کنید.»

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ نیز از قطع برق ۶۵ مشترک اداری پرمصرف شهر تهران به دلیل خودداری از کاهش مصرف برق در روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه خبر داد. حامد احمدی مدیر کل هوشمندسازی شرکت توانیر نیز خبر داده که دیروز، سه شنبه ۱۹ تیرماه، رکورد جدید مصرف برق با عدد ۷۷ هزار و ۱۵۲ مگاوات ثبت شد. به گفته این مقام دولتی، استان‌های تهران، خوزستان، فارس، خراسان رضوی و اصفهان بیشترین میزان مصرف برق را به خود اختصاص دادند.

همچنین در روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه استان‌های سمنان، زنجان، خوزستان، قم، بوشهر، مرکزی، اصفهان، یزد، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، خراسان جنوبی، لرستان با اطلاعیه‌های صادر شده جداگانه از سوی مدیران استانی اعلام کردند که مراکز اداری این استان‌ها در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تعطیل شده یا ساعت کار آنها کاهش یافته است. در دو استان همدان و سیستان و بلوچستان اعلام شده ادارات در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه دو ساعت زودتر تعطیل خواهند شد. در استان‌های لرستان، اصفهان، قم و مرکزی اما ادارات در روز چهارشنبه دو ساعت زودتر تعطیل اما در روز پنجشنبه کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی تعطیل خواهند بود.

این تعطیلی گسترده در بیش از یک سوم استان‌های کشور در پی هشدار سازمان هواشناسی از موج گرمای «جهنمی» در سه روز آینده صورت گرفته است. بر اساس اعلام این سازمان میدان اصلی موج گرما در غرب و جنوب غرب کشور به ویژه استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان، بوشهر است.

هشدار یک اقتصاددان به مسعود پزشکیان شرایط تک‌نرخی کردن ارز فراهم نیست

درآمدهای صادراتی، بازگشت ارز حاصل از صادرات، جلوگیری سیستمی از اظهار قیمتی خلاف واقع در واردات و صادرات، کنترل جریان ریال و جلوگیری از مبادلات سوداگرانه ارز، از جمله آنهاست.

همچنین قدرت‌الله امام‌وردی کارشناس اقتصادی نیز با اشاره به اینکه اقتصاددانان حامی مسعود پزشکیان و مشاوران او به اقتصاد باز باور دارند گفته طبیعی است که دولت چهاردهم با وجود این افراد به سمت تک‌نرخی شدن قیمت دلار حرکت کند.

این تحلیلگر اقتصادی گفته «اتخاذ چنین تصمیمی در دولت جدید را می‌توان یک اقدام مهم و در عین حال مفیدی در ساختار اقتصادی کشور تلقی کرد، اما باید این نکته را هم یادآور شد که عملیاتی کردن این برنامه در کوتاه مدت می‌تواند شوکی را به شکل افزایش قیمت و با همگن شدن نرخ کالاها را به بازار وارد کند.»

قدرت‌الله امام‌وردی افزوده که «این شوک در حقیقت هزینه‌ای است که باید برای و جراحی ساختار اقتصادی کشور پرداخته شود. درمان اقتصاد ایران بدون درد و خون‌ریزی امکان‌پذیر نیست؛ لذا، معتقدم که چنین تصمیمی منشاء آثار خوبی خواهد بود.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» با استناد به گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول نوشته ۱۲ کشور از ۱۸۹ کشور اقتصادهای جهان دارای اقتصادهای دوگانه هستند. کشورهایی مانند ارمنستان، باهاما، غنا، عراق، قرقیزستان و... دارای اقتصاد دوگانه هستند.

کشورهایی همچون آنگولا، میانمار، نیجریه، سودان، اوکراین و... دارای نظام ارزی چندنرخه هستند؛ یعنی ۱۶۶ کشور دارای اقتصاد تک‌نرخه و بقیه دونرخه و چندنرخه هستند.

درواقع ارز دونرخه وضعیتی است که در آن دولت یا بانک مرکزی، دو نرخ ارز برای ارزیابی تعیین می‌کنند. یک نرخ رسمی برای تجارت و مبادلات رسمی و یک نرخ ارز هم برای مبادلات غیررسمی تعیین می‌شود. این وضعیت مشکلاتی نظیر افزایش فساد، نوسانات ناپیوسته، تنش‌های اقتصادی و اجتماعی و رشد و افزایش تورم برای کشور به وجود می‌آورد.

«دنیای اقتصاد» افزوده که «در دهه ۹۰ هجری شمسی تحریم‌های بین‌المللی بر ایران تأثیرات عمیقی گذاشت. تحریم‌ها سبب کاهش صادرات، افزایش هزینه‌های مالی و تجاری، کاهش ارزش پول ملی، محدودیت در تسویه حساب‌های بانکی و کاهش تأمین مالی برای واردات شد.»

همچنین «تهدید نشدن خطوط اعتبار ارز، تعلیق فرایند صدور بیمه اعتباری و تجاری باعث محدود شدن مبادلات مالی و تجاری شد. این امر در نهایت منجر به شکل‌گیری مازاد تقاضا و گسترش شکاف میان ارز رسمی و غیررسمی، کاهش قدرت خرید و عمیق‌تر شدن نابرابری در اقتصاد کشور شد.»

این گزارش تأکید کرده «در حال حاضر هم مشکل ارز دونرخه در کشور وجود دارد و معضلات زیادی برای صادرات و واردات کشور ایجاد کرده است. البته شاید این ارز دونرخه برای حل مشکلات تولید، صادرات و واردات تدارک دیده شده اما نه تنها مشکلات را حل نکرده بلکه مشکلات دامن زده است.»



یک شرایط عادی در داخل و خارج از کشور قرار داشته باشد.» او راهکاری نیز پیش‌روی دولت پزشکیان گذاشته و گفته «یکی از گزینه‌های موجود در شرایط تنگنای اقتصادی و مشکلات ارزی این است که به صورت سهمیه به کالاها مهم و تأثیرگذار ارز تخصیص دهد، اگر افرادی در این میان سوء استفاده‌هایی دارند و یک‌شبه میلیاردر می‌شوند به این معنی نیست که باید صورت مسئله را پاک کنند؛ بلکه باید سراغ افرادی بروند که از این شرایط سوء استفاده می‌کنند یا کسانی که این بستر را برای آنها فراهم کرده‌اند.»

به عقیده مرتضی افقه «زمانی که دولت هنوز قادر به فروش نفت به صورت عادی نیست و همچنان با زیان‌های بالا نفت را می‌فروشد و منابعی هم که وارد می‌کند بر اساس گفته آقای قالیباف ۳۰ درصد زیر قیمت اصلی است و حتی از نزدیکترین کشور یعنی عراق هم نمی‌توانیم این منابع را وارد کنیم پس شرایط ارز تک‌نرخه هنوز فراهم نشده است.»

این موضوع پیشتر نیز از سوی محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی مورد تأکید قرار گرفته بود. او در خردادماه امسال و در نشست تحلیلی «تبیین و ارزیابی سیاست‌های پولی و ارزی» گفته بود: «در شرایط فعلی به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌ها امکان تک‌نرخی کردن ارز وجود ندارد.»

بخش خصوصی اقتصاد اما ارز چند نرخی را سبب‌ساز مشکلاتی در مسیر تجارت خارجی کشور و توزیع فساد ارزیابی می‌کند. مهدی عبدیان رئیس اتاق بازرگانی قزوین به تازگی در یک نشست خبری با تأکید بر اینکه مانع جدی در مسیر صادرات، ارز چند نرخی است، گفته بود: «وقتی قیمت ارز را پایین‌تر از بازار تعیین کنند، برای تولیدکننده جذابیت صادراتی وجود نخواهد داشت.»

اینهمه در حالیست که میرهادی رهگشای کارشناس پول و بانک معتقد است تحقق شعار تک‌نرخی کردن ارز به پیش‌نیازهای متعددی نیاز دارد که تعیین مناسب نرخ در کنار ایجاد بسترهای رسمی برای مبادلات خارجی، افزایش

● مرتضی افقه اقتصاددان معتقد است شرایط امروز کشور به گونه‌ای نیست که یک شوک اقتصادی را هم تجربه کند و قیمت ارز باز هم تغییر کند آنهم در آستانه ورود دولت جدید.

● محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی ماه گذشته گفته بود «در شرایط فعلی به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌ها امکان تک‌نرخی کردن ارز وجود ندارد.»

● میرهادی رهگشای کارشناس پول و بانک معتقد است تک‌نرخی کردن ارز به پیش‌نیازهای متعددی نیاز دارد که ایجاد بسترهای رسمی برای مبادلات خارجی، افزایش درآمدهای صادراتی از جمله آنهاست.

در حالی که تک‌نرخی کردن ارز به عنوان یکی از نخستین سیاست‌های اقتصادی دولت مسعود پزشکیان مطرح شده، یک اقتصاددان هشدار داده که در حال حاضر شرایط اقتصادی برای تک‌نرخی کردن ارز فراهم نیست. ماه گذشته و پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نیز رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرده بود «امکان تک‌نرخی کردن ارز میسر نیست.»

مسعود پزشکیان در حالی که برنامه مشخص اقتصادی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ندارد اما در کلی‌گویی‌ها درباره اقتصاد به تک‌نرخی کردن ارز اشاره و با انتقاد از نحوه تخصیص ارز و نظام ارزیابی در کشور، این روند را عامل افزایش رانت برشمرد.

مسعود پزشکیان مخالفت خود را با هرگونه ارز غیرآزاد اعلام کرد و علت تورم را اقدامی از سوی دولت دانست که سبب ناترازی می‌شود. او گفت وقتی به کسی ارز ترجیحی داده می‌شود درواقع به او اجازه رانت داده می‌شود.

به تازگی علی طیب‌نیا اقتصاددان و وزیر اقتصاد دولت نخست حسن روحانی که اکنون از او به عنوان مشاور اقتصادی رئیس دولت چهاردهم و یکی از گزینه‌های احتمالی وزارت اقتصاد یاد می‌شود نیز بر تک‌نرخی شدن ارز تأکید کرده است.

علی طیب‌نیا در یک فایل ویدئویی گفته «نرخ‌های ارز ترجیحی باعث ایجاد ثروت‌های بادآورده برای کسانی شده که به این ارزها دسترسی پیدا میکنند.» همچنین از رویکرد طیب‌نیا اینگونه برداشت می‌شود که احتمالاً بعد از آغاز به کار دولت چهاردهم، سیاست تک‌نرخی شدن ارز با نرخ دلار غیر رسمی ۶۰ هزار تومان پیش خواهد رفت.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره وعده تک‌نرخی کردن ارز که بطور ویژه از سوی پزشکیان مورد تأکید قرار گرفته، معتقد است که الان وقت تک‌نرخی کردن ارز نیست.

او در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته «شرایط امروز کشور به گونه‌ای نیست که یک شوک اقتصادی را هم تجربه کند و قیمت ارز باز هم تغییر کند آنهم در آستانه ورود دولت جدید. هشدار جدی ما به دولت آقای پزشکیان این است که فعلاً وارد این مقوله نشوند، در غیر اینصورت مختصر سرمایه اجتماعی هم که باعث پیروزی ایشان شده هم از دست می‌رود. ضمن آنکه گروه‌های رقیب هم در انتظار تصمیمات این دولت هستند.»

این اقتصاددان گفته «ما زمانی می‌توانیم نرخ ارز را تغییر دهیم و آن را به سمت تک‌نرخی شدن ببریم که دولت در

عربستان پرواز هواپیماهای «ماهان ایر» را بر فراز این کشور ممنوع اعلام کرد



ماهان ایر اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جابجایی محموله‌های تسلیحاتی و نظامی است

هشدار محرمانه آمریکا به جمهوری اسلامی در مورد فعالیت‌های مشکوک اتمی



● پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۷ ژوئیه به نقل از سه مقام آمریکایی و اسرائیلی گزارش داد، دولت بایدن ماه گذشته یک هشدار محرمانه درباره نگرانی جدی در مورد فعالیت‌هایی که می‌تواند برای تولید سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد، به رژیم ایران ارسال کرده است.

● در این گزارش آمده، آمریکا و اسرائیل در ماه‌های اخیر فعالیت‌های اتمی مشکوک متخصصان جمهوری اسلامی را شناسایی کرده‌اند. این دو کشور نگران‌اند که این فعالیت‌ها بخشی از تلاش‌های پنهان حکومت ایران برای توسعه فعالیت‌های مرتبط با ساختن بمب اتمی در دوره کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا باشد.

● پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۷ ژوئیه (۲۷ تیرماه) به نقل از سه مقام آمریکایی و اسرائیلی گزارش داد، دولت بایدن ماه گذشته یک هشدار محرمانه درباره نگرانی جدی در مورد فعالیت‌هایی که می‌تواند برای تولید سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد، به رژیم ایران ارسال کرده است.

● در این گزارش آمده، آمریکا و اسرائیل در ماه‌های اخیر فعالیت‌های اتمی مشکوک متخصصان جمهوری اسلامی را شناسایی کرده‌اند. این دو کشور نگران‌اند که این فعالیت‌ها بخشی از تلاش‌های پنهان حکومت ایران برای توسعه فعالیت‌های مرتبط با ساختن بمب اتمی در دوره کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا باشد.

● نهادهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و همچنین مقامات و سیاستمداران ارشد هر دو کشور، به دنبال فعالیت‌های مخفی رژیم ایران هستند. آنها همچنین این موضوع را که آیا تغییراتی در سیاست هسته‌ای علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به وجود آمده، بررسی کردند.

● مقامات آمریکایی گفتند ایرانی‌ها در واکنش به هشدار آمریکا توضیحاتی ارائه دادند و تأکید کردند که «هیچ تغییری در سیاست‌های آنها ایجاد نشده و برای تولید سلاح

ایراتورهای بین‌المللی را در عربستان به خطر انداخته است. شرکت هواپیمایی ماهان به دلیل همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جابجایی تسلیحات نظامی در فهرست تحریم‌های اروپا و آمریکا قرار دارد. این شرکت در چارچوب اقدامات ضد تروریستی آمریکا آذر ۱۳۹۸ به دلیل انتقال تجهیزات سرکوب مردم ایران و سلاح‌های کشتار جمعی به سوریه تحریم شد.

● مرکز تحقیقاتی «الما» مستقر در ایالت ویسکانسین آمریکا آذرماه ۱۴۰۱ در یک گزارش تحقیقاتی اعلام کرد شرکت هواپیمایی «ماهان» تحت پوشش خطوط مسافربری به انتقال مقادیر قابل توجهی تسلیحات در مناطقی که شبه‌نظامیان شیعه وابسته به جمهوری اسلامی مستقرند با سپاه پاسداران همکاری می‌کند. تال بری پژوهشگر امور امنیتی و نظامی گفته بود ۶۳ خلبان «ماهان ایر» در قاچاق سلاح دست دارند.

● در حال حاضر ارائه خدمات فرودگاهی به هواپیماهای ماهان ایر در اغلب کشورهای غربی ممنوع است. بسیاری از شرکت‌های فنی و مهندسی و سوخت‌رسان‌ها حاضر به همکاری با ماهان نیستند. این وضعیت از یکسو ریسک پرواز را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر معطلی در فرودگاه‌ها و احتمال لغو پروازها را بیشتر می‌کند. تعدادی زیادی از پروازهای ماهان در میانه‌ی راه به علت نقص فنی مجبور شده‌اند به ایران بازگردند زیرا تأمین قطعات یدکی برای آنها در فرودگاه‌های خارجی ممکن نیست.

● کاپیتان امیر اسداللهی خلبان شرکت هواپیمایی ماهان در خرداد ۱۳۹۹ طی یک مصاحبه گفته بود سال ۹۲ او هدایت یک ایرباس را برعهده داشت که حامل «هفت تن بار ممنوعه به سمت دمشق» بود و قاسم سلیمانی نیز در کابین خلبان حضور داشت.

● پایگاه خبری «خلیج تایمز» روز سه‌شنبه ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیرماه) گزارش داد، اداره کل هوانوردی غیرنظامی عربستان GACA مجوز ورود شرکت هواپیمایی ماهان ایران به این کشور را باطل کرد.

● این اداره پرواز شرکت ایرانی ماهان را برای فرود در فرودگاه‌های عربستان یا پرواز بر فراز حریم هوایی آن ممنوع کرده است.

● اداره کل هوانوردی غیرنظامی عربستان شرکت ماهان ایر را به نقض قوانین داخلی این کشور متهم کرده که امنیت

● اداره کل هوانوردی غیرنظامی عربستان در تصمیمی معتادار پرواز هواپیماهای شرکت «ماهان ایر» بر فراز آسمان سعودی را ممنوع اعلام کرد.

● پایگاه خبری «خلیج تایمز» روز سه‌شنبه ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیرماه) گزارش داد، اداره کل هوانوردی غیرنظامی عربستان GACA مجوز ورود شرکت هواپیمایی ماهان ایران به این کشور را باطل کرد.

● این اداره پرواز شرکت ایرانی ماهان را برای فرود در فرودگاه‌های عربستان یا پرواز بر فراز حریم هوایی آن ممنوع کرده است.

● اداره کل هوانوردی غیرنظامی عربستان شرکت ماهان ایر را به نقض قوانین داخلی این کشور متهم کرده که امنیت

دست و دل‌بازی دیگری از جمهوری اسلامی برای اتباع افغان: حداقل یک میلیون اتباع تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند اگر بیشتر از این شد که چه بهتر!



سپرده‌گذاری همانند شهروندان دیگر مجاز خواهند بود از همه خدمات بانکی از جمله دریافت تسهیلات طبق قوانین بانکی برخوردار شوند.

طرح جذب و مدیریت منابع مالی و سپرده‌گذاری اتباع و مهاجرین خارجی در زنجیره‌های تولید کشور از جمله سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی برای ساماندهی سرمایه‌ها و منابع مالی اتباع است که از سال ۱۴۰۲ آغاز شد. طبق این طرح، همه اتباع خارجی می‌توانند در مرحله نخست در بانک ملی صاحب حساب بانکی با مشخصات خود شوند و از همه خدمات بانکی از جمله کارت‌های بانکی و استفاده از بانکداری الکترونیک بهره‌مند شوند.

هدیه دقیقه نودی دولت سیزدهم به اتباع افغانستانی: ۱۰۰ میلیون بده تابعیت ایرانی بگیر!

«برای تابعیت ایرانی تنها به ۱۰۰ میلیون تومان نیاز است» و این هدیه آخر دولت سیزدهم به اتباع افغانستانی بود. دولت سیزدهم در روزهای آخر فعالیت خود، «لایحه اصلاح قوانین مدنی تابعیت ایران» را به مجلس فرستاد تا رسالت خود را در زمینه حضور بی‌رویه اتباع افغان در ایران تکمیل کند. محدودیت‌هایی که قبل‌تر بر سر راه ورود افراد وجود داشت در این قانون از بین رفته است.

به این ترتیب افراد ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌کنند و فرقی ندارد آنها عضو داعش و طالبان باشند و یا حتی در کشتارهای جمعی و فسادهای کشور خود نقشی داشته باشند. جدا از برخورداری اتباع خارجی از خدمات بانکی و نیز ایجاد تسهیلات برای داشتن تابعیت ایرانی، صدور شناسنامه برای کودکان کار اتباع افغانستانی نیز از دیگر اقداماتی است که در دولت سیزدهم به اجرا درآمد.

یکی از کارشناسان اداره اتباع در ۱۸ تیرماه خبر داد که برای کودکان کار اتباع مجاز، اثر انگشت و شناسنامه تعریف خواهد شد.

● مدیر سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: «بیش از ۴ میلیون اتباع داریم که طبق قانون باید تحت پوشش قرار بگیرند کارفرمایان باید حق بیمه کارگران خارجی را بدهند که امسال می‌خواهیم حدود یک میلیون نفر را بیمه کنیم.»

● چندی پیش نیز سازمان ملی مهاجرت اعلام کرد که اتباع خارجی می‌توانند از تسهیلات بانکی بهره‌مند شوند.

● صدور شناسنامه برای کودکان کار اتباع افغانستانی نیز از دیگر اقداماتی است که در دولت سیزدهم به اجرا درآمد.

مدیر سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: «امسال حداقل یک میلیون اتباع را تحت پوشش بیمه قرار می‌دهیم.» میرهاشم موسوی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در نشست خبری که روز شنبه ۲۳ تیر به مناسبت هفته تامین اجتماعی برگزار شد با اشاره به پوشش بیمه اتباع بیگانه گفت: «بیش از ۴ میلیون اتباع داریم که طبق قانون باید تحت پوشش قرار بگیرند کارفرمایان باید حق بیمه کارگران خارجی را بدهند که امسال می‌خواهیم حدود یک میلیون نفر را بیمه کنیم.»

وی با اشاره به اینکه طرح جدید برای پوشش بیمه‌ای تحت عنوان پوشش بیمه اتباع در حال اجراء است تاکید کرد: «هدف ما این است که حداقل یک میلیون اتباع را امسال تحت پوشش بیمه قرار بدهیم و اگر بیشتر از این شد که چه بهتر!» چندی پیش نیز سازمان ملی مهاجرت اعلام کرد که اتباع خارجی می‌توانند از تسهیلات بانکی بهره‌مند شوند.

خبرگزاری ایرنا ۳۱ خرداد به نقل از رئیس سازمان ملی مهاجرت نوشت: «طرح سپرده‌گذاری اتباع خارجی فقط شامل مهاجران و اتباع قانونی است که توسط جمهوری اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و دارای مشخصات هویتی هستند.»

به گفته عبدالله مبینی، طبق این طرح اتباع نیز پس از

→ هسته‌های تلاش نمی‌کنند». اما بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جمهوری اسلامی مواد کافی برای تولید دست‌کم سه سلاح اتمی طی چند هفته را ذخیره کرده است. مقامات آمریکایی و اسرائیلی گفته‌اند که تبادل اطلاعات و پیام‌هایی که ایالات متحده و اسرائیل به دست آورده‌اند برخی نگرانی‌ها را برطرف کرده و تا حدودی نگرانی در مورد فعالیت‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای ایران را کاهش داده است. یک مقام آمریکایی می‌گوید، پیامی که ایالات متحده برای ایرانی‌ها فرستاد مؤثر بود. وی اما افزود که هنوز نگرانی‌های قابل توجهی در مورد برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد.

یک مقام آمریکایی نیز به آکسیوس گفت: «ما نشانه‌هایی نمی‌بینیم که [رژیم] ایران در حال حاضر فعالیت‌های کلیدی لازم برای تولید یک بمب هسته‌ای قابل آزمایش را انجام می‌دهد... ما هرگونه تشدید تنش هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران را کاملاً جدی می‌گیریم و همانطور که رئیس جمهور [بایدن] تصریح کرده است، ما متعهد هستیم که هرگز اجازه ندهیم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و آماده‌ایم تا از تمام عناصر قدرت ملی برای اطمینان از این نتیجه استفاده کنیم.»

در شرایطی که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید قادر به راست‌آزمایی و تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی نیست، آژانس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل اواخر خردادماه گزارش دادند جمهوری اسلامی در حال «مدلسازی کامپیوتری متخصصان هسته‌ای ایران برای پژوهش و توسعه تسلیحات هسته‌ای» است. کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی اردیبهشت ۱۴۰۳ در اظهاراتی تهدیدآمیز گفت: «ما تصمیمی برای ساخت بمب هسته‌ای نداریم، اما در صورت تهدید موجودیت ایران [منظور موجودیت جمهوری اسلامی است]، چاره‌ای جز تغییر دکترین نظامی ما وجود نخواهد داشت.»

برخی از مقامات آمریکایی و اسرائیلی گفتند این اطلاعات یک پیام نگران‌کننده در مورد ماجراجویی‌های اتمی نظامی جمهوری اسلامی در بر دارد. یاکوب ناگل مشاور سابق امنیت ملی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، که اکنون از اعضای ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) است، مدعی شد که ده‌ها دانشمند ایرانی در ماه‌های اخیر روی فرآیندهای فنی لازم برای ساخت بمب اتم کار کرده‌اند.

ناگل که هنوز به نتانیاهو بسیار نزدیک است، سه هفته پیش در مصاحبه‌ای به آکسیوس گفت که این فعالیت‌ها در پوشش تحقیقات دانشگاهی صورت می‌گیرد و ادعا می‌شود که مربوط به فعالیت‌های غیرنظامی است.

ناگل با اشاره به فتوای علی خامنه‌ای مربوط به حرام بودن ساخت بمب اتم مدعی شد که آژانس‌های اطلاعاتی اسرائیل و ایالات متحده معتقدند خامنه‌ای از تأیید صریح و رسمی این فعالیت خودداری کرده است تا جایی برای انکار قابل قبول واقعیت‌ها باقی بماند. نتانیاهو به شدت نگران اطلاعات جدید بوده و از کاخ سفید خواسته است تا گروه مشورتی استراتژیک آمریکا و اسرائیل (SCG) برای بررسی وضعیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد.

مقامات آمریکایی و اسرائیلی گفتند سرویس‌های اطلاعاتی هر دو کشور معتقد نیستند که هیچ تصمیم یا دستوری از بالا و توسط خامنه‌ای برای حرکت جهت تولید سلاح هسته‌ای وجود داشته باشد.

طرفین توافق کردند که هماهنگی بین ایالات متحده و اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران، به ویژه پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده که قرار است در نوامبر ۲۰۲۴ برگزار شود تقویت گردد.

شیوع ویروس زگیل تناسلی در ایران به ۱۶ سالگی رسید

● یک کارشناس مامایی، شیوع ویروس اچ.پی.وی را یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه سلامت جنسی دانست و گفت: «با توجه به نبودن بستر آمارگیری صحیح در ایران، آمار رسمی در این خصوص وجود ندارد؛ با توجه به تجربه شخصی، این ویروس در پایین‌ترین سن تا ۱۶ سال دیده شده است که در صورت ابتلا و پیشرفت ویروس، سرطان دهانه رحم ایجاد می‌شود.»

● دکتر لیلی رز طرزی: «تحقیقات نشان داده است، دستگاه‌های آندوسکوپ یا سونوگرافی که به صورت واژینال انجام می‌شوند در صورت استریل نشدن می‌توانند ناقل اچ.پی.وی باشند. توجه داشته باشید وسایل بهداشتی در مراکز درمانی معمولاً استریل می‌شوند؛ اما بیشترین شیوع ویروس از طریق روابط جنسی و لیزرهای نایمن است.»

● «با توجه به کاهش سن روابط جنسی و افزایش احتمال ابتلا به ویروس اچ.پی.وی لازم است این ویروس، مثل بسیاری از ویروس‌های دیگر که با انجام واکسیناسیون ریشه‌کن شدند، تحت واکسیناسیون ملی [سراسری] قرار گیرد تا از بحران سلامت، که ممکن است در آینده با آن مواجه شویم جلوگیری شود.»

یک کارشناس مامایی، شیوع ویروس اچ.پی.وی را یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه سلامت جنسی دانست و گفت: «با توجه به نبودن بستر آمارگیری صحیح در ایران، آمار رسمی در این خصوص وجود ندارد؛ با توجه به تجربه شخصی، این ویروس در پایین‌ترین سن تا ۱۶ سال دیده شده است که در صورت ابتلا و پیشرفت ویروس، سرطان دهانه رحم ایجاد می‌شود.»

وبسایت رکنا روز شنبه ۲۳ تیر با اشاره به کاهش سن روابط جنسی و گسترش روابط متعدد و نبودن آمار رسمی ابتلا به ویروس اچ.پی.وی، از آمارهای غیر رسمی رو به افزایش این ویروس خبر داد و به نقل از دکتر لیلی رز طرزی نوشت: «با توجه به آمار غیررسمی رو به افزایش ابتلا به ویروس اچ.پی.وی، مهم‌ترین راه جلوگیری از آن، تک پارتی است. هرچند نمی‌توان پیشینه پارتی را در خصوص روابط جنسی تضمین کرد و بر همین اساس، تمامی افراد (مردان و زنان) در معرض ابتلا به این ویروس قرار دارند.»

به گفته وی، «یکی از باورهای اشتباه، که باعث می‌شود از واکسیناسیون سراسری این ویروس جلوگیری شود، در خصوص تزریق واکسن است. عموم مردم فکر می‌کنند با تزریق واکسن‌های اچ.پی.وی، راه برای روابط جنسی گسترده و متعدد باز خواهد شد. در حال حاضر با توجه به کاهش سن رابطه جنسی و شیوع روابط جنسی متعدد، این روابط به صورت کلی وجود دارند. با تزریق این واکسن، امنیت و سلامت جنسی جامعه بیشتر شده و جامعه‌ای دچار مشکلات متعدد وابسته به این ویروس نخواهیم شد.»

وی با اشاره به انواع روش‌های ابتلا به ویروس اچ.پی.وی، مهم‌ترین عامل ابتلا به این ویروس را رابطه جنسی

آنها از مرزها به کشور؛ دور باطلی که تکرار می‌شود تا کنون گزارش‌های متعددی در مورد حضور پرتعداد اتباع افغانستانی در شهرها و روستاهای کشور در رسانه‌های داخلی منتشر شده است، روزنامه «جمهوری اسلامی» که بارها نسبت به حضور پرتعداد اتباع افغان در کشور هشدار داده است در ۷ خرداد نوشت: «چندین میلیون افغانی در تمام نقاط ایران حضور دارند. بعضی روستاها صد درصد در اختیار آنها هستند، بعضی شهرها تقریباً در تسخیرشان قرار دارند. نفوذی‌های طالبان در میان آنها فراوانند، صحبت از انبارهای پنهان سلاح است، ناامنی در حال زیاد شدن است و مردم که از برخورد مسئولین با این پدیده خطرناک ناامیدند، خودشان در تدارک مقابله جدی با آن هستند. خطر اصلی همین است. توصیه ما به مسئولین ارشد نظام اینست که به آنچه زیر پوست حضور اتباع خارجی در جریان است توجه کنند و برای مقابله با آن از مردم عقب نیفتند و جلوی وقوع فاجعه را بگیرند.»



همان زمان وزارت «مهاجرین و عودت‌کنندگان» طالبان از برگشت داوطلبانه و اجباری چهار هزار و ۸۸۱ مهاجر از ایران خبر داده بود. به گزارش خبرگزاری افغانستانی «شفقتا» این افراد طی دو روز اخیر از مرز ابریشم در نیمروز وارد این کشور شدند.

اینهمه در حالیست که نماینده ویژه رئیس جمهوری اسلامی در امور افغانستان ۱۹ خرداد طی یک سخنرانی در شهر قم ادعا کرد: «یکی از اقدامات اساسی که می‌تواند موجب حاکمیت ملی شود باید مرزها را با قدرت پاسداری و حفاظت کرد که یکی از ابزارها، انسداد فیزیکی است که در دستور کار قرار گرفته است.»

با وجود هشدار مکرر برخی ناظران و مقامات جمهوری اسلامی درباره مهاجران افغانستانی در ایران، داوود معصومی معاون سازمان مهاجرت چندی پیش ادعا کرد که «اسرائیل و عده‌ای وطن‌فروش علیه افغان‌ها در ایران جنگ روانی به راه انداخته‌اند.» وی همچنین با اشاره به سیاست ایدئولوژیک و مذهبی جمهوری اسلامی افزود: «هدف ما در حوزه اتباع، رفتن به سمت امت واحد اسلامی است و باید مراقب ترندهای دشمنان در این زمینه از جمله ایران‌هراسی و افغان‌هراسی باشیم.»

به گفته اشرف محسنی، برای کودکان کار اتباعی که مجاز هستند، اثر انگشت و شناسنامه تعریف خواهد شد. در گذشته این امر صورت نمی‌گرفت، اما در حال حاضر حتی برای کسانی که غیرمجاز هستند نیز ثبت اثر انگشت صورت می‌گیرد. وی با بیان اینکه اداره اتباع با انگشت‌نگاری کودکان کار قدم بزرگی برداشته است تأکید کرد: «علاوه بر این شیوه‌نامه جدیدی برای ساماندهی کودکان کار به اداره اتباع ابلاغ شده است.» محسنی با اشاره به اینکه ما از کودکان کار حمایت نمی‌کنیم، ادعا کرد: «اگر حمایت از کودکان کار صورت گیرد جمعیت بسیاری از کودکان کار در سطح شهر پراکنده می‌شوند تا ثبت شوند و از آنها حمایت صورت گیرد. قطعاً باید قوانین بازدارنده باشد تا خانواده‌ها نگذارند کودکانشان کودک کار شوند و ترس از باطل شدن مدرک آنها داشته باشند.»

روند پرستاب تحصیل دانش‌آموزان «اتباع» با امکانات رایگان آموزش و پرورش

از سوی دیگر رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش روز یکشنبه ۱۰ تیرماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «تراکم در کلاس‌های درس به دو علت است؛ اول غفلت در مدرسه‌سازی و دوم حضور اتباع.»

در همین ارتباط رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی نیز از سنچش ۲۰ هزار دانش‌آموز اتباع خبر داده بود. حجت‌الله الماسی ۹ خردادماه گفته بود: «آمار دقیقی از تعداد همه نوآموزان اتباع نیست ولی پیش‌بینی می‌شود حدود ۷۰ هزار نوآموز اتباع شامل سنچش هستند.»

به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش با وجود کمبود معلم و منابع مالی آموزش و پرورش، از سال ۱۳۸۵ جمعیت دانش‌آموزان اتباع در کشور هر سال رو به افزایش بوده است در شرایطی که حضور و تحصیل دانش‌آموزان اتباع، حتی دانش‌آموزان اتباعی که فاقد مدارک اقامتی و هویتی هستند در مدارس دولتی رایگان اعلام شده است.

با اینکه مقامات آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان اتباع در کشور را ۶۰۰ هزار تن اعلام کرده‌اند اما آمار از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل اتباع را اعلام نکرده‌اند که شامل کودکان کار نیز می‌شوند.

بسیاری از ناظران و تحلیلگران مسائل اجتماعی حضور بی‌رویهی اتباع افغانستانی در کشور را یک معضل اجتماعی ارزیابی می‌کنند.

در همین ارتباط، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ۱۱ تیرماه به وبسایت خبرآنلاین گفته بود: «گروهی که بخش زیادی از آنها مهاجرین غیرمجاز هستند بعد از استقرار طالبان در افغانستان به ایران مهاجرت کردند، مهاجرتی که حالا برای کشور میزبان تبدیل به مسئله شده است.»

حسن موسوی چلک تأکید کرده بود: «در تمام کشورهای دنیا در حوزه مهاجرت سیاست‌هایی اتخاذ می‌کنند که در نتیجه جذب مهاجر به توسعه و پیشرفت کشور میزبان کمک کند، اما ما در ایران اصلاً نمی‌دانیم سیاست‌های مهاجرتی چیست، لذا ما سیاست‌های مهاجرتی نداریم که مهاجرین را براساس نیازهای خودمان جذب کنیم.»

وی درباره چرایی ایجاد حساسیت مهاجرین در داخل کشور توضیح داده بود: «عدم اشراف اطلاعاتی دولت روی این گروه از مهاجران است که سبب شده ما هیچ آماری از آنها نداشته باشیم، از طرفی اتفاقاتی در کشور توسط اتباع افتاده، مانند سرقت، تجاوز، قتل، که سبب شده این حساسیت زیاد شود، ضمن این‌که جمعیت بالای آنها در کشور بررسی مجدد حضور آنها در ایران را تبدیل به مطالبه جدی کرده است.»

بازگرداندن مهاجران غیرقانونی افغانستانی و ورود پنهانی



و حتی زوج‌ها. واکسن «گارداسیل» خارجی نایاب و هر دوزش تا هشت میلیون تومان رسیده است. «پاپیلوگارد» داخلی هم کمیاب و تاییده جهانی‌اش مبهم است. انگار در کوتاه مدت بایستی منتظر موج سرطان گردن رحم و آلت و مقعد باشیم.»

اعلام افزایش بیماری‌های مقاربتی و بحران رایگان نبودن واکسن سرطان دهانه رحم

اجرای سیاست‌های افزایش جمعیت در چند سال اخیر علاوه بر نقض حقوق شهروندی در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری و اجبار در دستیابی به جمعیت مورد تأیید نظام، ابعاد گسترده‌تر و خطرناک‌تری به خود گرفته است.

در همین ارتباط با ممنوع شدن ارائه رایگان وسایل پیشگیری از بارداری، در همین مدت کوتاه بطور چشمگیری بیماری‌های مقاربتی از جمله زگیل تناسلی، افزایش یافته است. به گفته مسعود مردانی رئیس انجمن متخصصین میکروبیولوژی بالینی و بیماری‌های عفونی: «واکسن اچ‌پی‌وی (سرطان دهانه رحم) به صورت رایگان در کشور ما در دسترس نیست. این واکسن قبلاً قیمت کمتری داشت اما به دلیل بالا رفتن نرخ ارز به یک تا ۱/۵ میلیون در هر دوز افزایش پیدا کرده است.»

با این سیاست ممنوعیت‌ها و تبلیغ و تطمیع برای فرزندآوری، اگرچه حکومت ممکن است در افزایش جمعیت به هدف خود برسد اما در ارتباط با کیفیت و سطح زندگی، آینده‌ی ایران را مردمانی تشکیل خواهند داد که در کودکی محروم از هرگونه امکانات و تسهیلات برای رشد فکری و بالندگی بوده‌اند.

اچ‌پی‌وی یا «ویروس پاپیلوم انسانی» گروهی از ویروس‌ها است که پوست و مخاط مرطوب مانند مقعد، دهانه رحم، دهان و گلو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نزدیک به ۱۰۰ نوع از این ویروس وجود دارد که حدود ۴۰ نوع آن می‌تواند ناحیه تناسلی را مبتلا کند. این ویروس قدرت سرایت بالایی دارد و عفونت ناحیه تناسلی با انواع خاص مانند نوع ۱۶ و ۱۸ آن می‌تواند باعث سرطان سرریکس یا زگیل تناسلی شود؛ هرچند متخصصان استفاده از کاندوم در تماس جنسی را سبب کاهش انتقال اچ‌پی‌وی می‌دانند اما معتقدند که اثر پیشگیری‌کننده کامل ندارد زیرا این ویروس، در تمام مناطق اطراف ناحیه تناسلی و مقعد وجود دارد و کاندوم، تمام این نواحی را پوشش نمی‌دهد.

شده، حدود ۸ درصد است و از آنجا که عفونت اچ‌پی‌وی وی مهم‌ترین عامل بروز کانسر سرویکس (سرطان دهانه رحم) است باید اقدامات لازم برای تشخیص زودهنگام و در صورت پیدا کردن ضایعات پیش بدخیم، درمان آنها انجام شود. در واقع می‌توانیم به اختصار بگوییم که شیوع اچ‌پی‌وی وی شاخص مهم‌تری است برای انجام مداخلات مرتبط با سرطان دهانه رحم نسبت به بروز این سرطان.»

در مقابل، دکتر علی آذین متخصص پزشکی اجتماعی و سکسولوژیست همان زمان شیوع این ویروس را در جامعه به مراتب بیشتر از ۸ درصد دانسته و تأکید کرده بود: «تجارب شخصی من و همکاران در کار بالینی طبیعتاً قابل تعمیم به آنچه در جامعه در حال اتفاق افتادن است نخواهد بود اما می‌تواند سرنخی برای توجه بیشتر مسئولین نظام سلامت باشد. نمی‌دانم آمار وزارت بهداشت بر مبنای چه پژوهشی است؛ اما خیلی خوش بینانه به نظر می‌رسد. شیوع برآورد شده در مطالعات مراکز تحقیقاتی دانشگاهی به مراتب بیش از این بوده است. صرف نظر از این رویکردهای محافظه کارانه در اطلاع رسانی و ایجاد درک خطر در مردم، با تغییر سریع در الگوهای رفتار جنسی در جامعه، گسترش سریع آلودگی با این ویروس امری حتمی است.»

در همین ارتباط، کیهان لندن در آذرماه ۱۴۰۲ با انتشار گزارشی به نقل از یک پزشک ساکن تهران نوشت: «اغراق نیست اگر بگوییم روزانه حداقل ۹ تا ۱۰ بیمار مبتلا به ویروس اچ‌پی‌وی به مطب من مراجعه می‌کنند که عمدتاً از میان مردان هستند. در سال‌های پیش شاید در طول هفته ۱۰ بیمار مراجعه می‌کردند اما اکنون این تعداد را به صورت روزانه ویزیت می‌کنم.»

به گفته یک مربی تربیت بدنی نیز «در حال حاضر در به در دنبال واکسن برای بچه‌های نوجوان خانواده هستیم که قیمت‌اش سر به فلک می‌زند و نایاب است. اینهمه در حالیهست که هیچ آموزشی برای پیشگیری از شیوع این ویروس نیست.» یک پزشک متخصص نیز نتیجه‌ی سیاست‌های حکومت مبنی بر افزایش جمعیت، افزایش «سوزاک، سیفلیس و زگیل تناسلی» را دانست.

همان زمان، دکتر مهدیار سعیدیان پزشک فعال مستقل صنفی و سردبیر ماهنامه «دانستنی‌های پزشکی» در صفحه ایکس خود نوشته بود: «تقریباً روزی نیست که بیمار «زگیل تناسلی» نداشته باشم. از مردهای مجرد تا زنان سکس وورکر

دانست و تأکید کرد: «این روابط می‌توانند دهانی، مقعدی و تماس پوستی ناحیه تناسلی باشند. توجه داشته باشید که روابط جنسی محافظت شده هم نمی‌توانند از ابتلا به ویروس جلوگیری کنند. لیزرهایی که به صورت رول هستند و روی پوست بدن فرد کشیده می‌شوند در صورتی که بدون استریل شدن برای دیگران هم مورد استفاده قرار بگیرند، امکان انتقال ویروس را بالا می‌برند.»

این کارشناس مامایی توضیح داد: «تحقیقات نشان داده است، دستگاه‌های آندوسکوپ یا سونوگرافی که به صورت واژینال انجام می‌شوند در صورت استریل نشدن می‌توانند ناقل اچ‌پی‌وی باشند. توجه داشته باشید وسایل بهداشتی در مراکز درمانی معمولاً استریل می‌شوند؛ اما بیشترین شیوع ویروس از طریق روابط جنسی و لیزرهایی نایمن است.»

وی سویه ۱۶ و ۱۸ اچ‌پی‌وی خطرناک‌ترین سویه این ویروس دانست و افزود: «سویه ۱۶ و ۱۸ تا ۷۰ درصد احتمال سرطان دهانه رحم را به دنبال داشته و تقریباً ۹۰ درصد سرطان‌های ناحیه حلق مربوط به سویه ۱۶ اچ‌پی‌وی است. سویه ۶ و ۱۱ در افرادی که رابطه دهانی داشته‌اند، زگیل در ناحیه تناسلی و حلقی را به همراه خواهد داشت.» دکتر طزری در مورد اهمیت واکسن در جلوگیری از شیوع

این بیماری توضیح داد: «با توجه به کاهش سن روابط جنسی و افزایش احتمال ابتلا به ویروس اچ‌پی‌وی لازم است این ویروس، مثل بسیاری از ویروس‌های دیگر که با انجام واکسیناسیون ریشه‌کن شدند، تحت واکسیناسیون ملی [سراسری] قرار گیرد تا از بحران سلامت، که ممکن است در آینده با آن مواجه شویم جلوگیری شود.»

به گفته وی «در کنار واکسن‌های خارجی با مبالغ بالا کشور ما واکسن دو سویه این ویروس، که برای جلوگیری از ابتلا به سرطان است، را تولید کرده است که ایمنی بدن شخص را به نسبت فردی که هیچ واکسنی تزریق نکرده است بالا می‌برد. واکسن‌های ایرانی کمتر از یک میلیون تومان است و در حال حاضر قیمت واکسن‌های خارجی ۴ سویه حدود ۴ میلیون تومان و ۹ سویه حدود ۸ میلیون تومان است.»

طرزی اضافه کرد: «با توجه به اینکه فرد مبتلا به اچ‌پی‌وی در روند درمان باید هزینه‌های بسیار گزافی در زمینه آزمایش اچ‌پی‌وی، قیمت داروهای مکمل و واکسیناسیون پرداخت کند و این هزینه‌ها به مدت دو سال برای فرد ادامه داشته و استرس زیادی را برای فرد به همراه دارد، وزارت بهداشت و درمان می‌تواند با انجام واکسیناسیون ملی [سراسری] از بروز مشکلات فردی و اجتماعی جلوگیری کند.»

پنهانکاری حکومت و شیوع ویروس زگیل تناسلی

با اینهمه به دلیل پنهانکاری حکومت در ارائه آمار دقیق مبتلایان به ویروس اچ‌پی‌وی در کشور آمار درستی وجود ندارد اما تقریباً یک دهه پیش، مصطفی اقلیما رئیس وقت انجمن مددکاری اجتماعی ایران آمار غیررسمی مبتلایان به این ویروس را دست‌کم یک میلیون نفر اعلام کرده بود. وی آن زمان هشدار داده بود که این ویروس در آستانه تبدیل شدن به یک «اپیدمی» در کشور است.

این درحالیست که علی مطلق رییس اداره مدیریت سرطان وزارت بهداشت در آبان ۱۴۰۱ میزان شیوع سرطان دهانه رحم در کشور را تنها ۸ درصد اعلام کرده و به وسایت خبرآنلاین گفته بود: «سرطان دهانه رحم که عمدتاً در میان زنان میانسال در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال به چشم می‌خورد، شیوع خیلی بالایی در کشور ما ندارد اما نرخ شیوع ویروس اچ‌پی‌وی در کشور ما بر اساس چند مطالعه‌ای که انجام

۲۱ هزار میلیارد تومان؛ خسارت سیل‌های سه سال گذشته در ایران!



صورت رایگان به آلاچیق‌ها و مهدیه‌ها دعوت شدند. در دره شمخال قوچان هم حدود ۱۰۰ گردشگر در روان‌آب‌ها گرفتار شدند.

سرپرست اداره کل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی تأکید کرده بود که با توجه به تغییرات اقلیمی، بارش‌ها، بارش‌های رگباری شدید است و حجم آب زیاد است، بنابراین مردم باید توجه کنند که زمانی که هشدار نازنجی صادر می‌شود از رفتن به مناطق گردشگری تفرجگاهی اجتناب کنند.

در مازندران نیز طی روزهای گذشته بارندگی‌های شدید و جاری شدن سیل در لاریجان خراب‌ساز شده است. همچنین سازمان هواشناسی برای روزهای آتی هشدارهایی درباره بارش‌ها در شرق کشور داده است.

حسین ظفری سخنگوی سازمان مدیریت بحران گفته در سال ۱۴۰۰ وقوع ۵۵۵ مورد، در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۷۵ سیلاب و در سال گذشته ۳۱۶ مورد سیلاب در کشور اتفاق افتاد که بیشتر آنها در سیستان و بلوچستان و فارس بوده است.

حسین ظفری مجموع خسارات وارد به کشور از سیل سه سال اخیر را ۲۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفته که بیشتر این خسارات در حوزه زیربنایی و راه‌ها بوده است. به گفته سخنگوی سازمان مدیریت بحران به دلیل اهمیت سیلاب و خسارت‌های ناشی از آن، برنامه جامع مقابله با سیلاب تنظیم شده و در دست اجرا است. یکی از مهمترین برنامه‌های دولت برای مهار سیلاب‌ها سرمایه‌گذاری صنایع آب‌بر در طرح‌های آبخیزداری و مهار روان آب‌ها است.

بر اساس توضیحات سخنگوی سازمان مدیریت بحران در این طرح اشخاص، شرکت‌ها و مجموعه‌های بزرگ صنعتی که نیازمند آب هستند، برای احداث آب‌بند و سدهای کوچک سرمایه‌گذاری می‌کنند و در مقابل سهم آب خود را می‌برند. همچنین کارخانه‌های پتروشیمی و صنایع فولادی که نیازمند آب هستند، سالانه مبالغ زیادی برای خریداری آب پرداخت می‌کنند و می‌توانند با سرمایه‌گذاری در طرح‌های مهار آب، به همان میزان از آب‌های جمع‌آوری شده، استفاده کنند.

خردادماه امسال نیز اعظم بهرامی کارشناس محیط زیست در توضیحی در شبکه «ایکس» با اشاره به اینکه در مورد سیل جاده چالوس نکاتی وجود دارد که تقریباً در مورد تمام جاده‌ها، مسیرهای کوهستانی و استان‌های شمال ایران حاکم است نوشت: «ساخت و ساز گسترده در حریم رودخانه و جنگل و تجاوز به زمین‌ها برای ساخت ویلا و ساختمان و تغییر کاربری گسترده زمین‌ها شده است زخمی همیشه خونین بر پیکر این استان‌ها».

به گفته بهرامی، در همین استان مازندران، جمعیت در عرض دو دهه سه برابر شده است. مساحت جنگل تنها در مازندران در دو دهه اخیر ۲۲ درصد کاهش یافته است. بنا به قوانین برای تعیین حریم رود و تعیین داغاب، نشان دهنده ماکزیم حریم طبیعی رودخانه یک پایش ۲۵ ساله نیاز است؛ این قانون نخست، توسط خود وزارت نیرو و سازمان آبفا که مسئول حفاظت رودها هستند نقض می‌شود.

این فعال محیط زیست در ادامه توضیح داد: «تغییر اقلیم، تغییر الگوی بارش، تنش‌های دمایی، حتی اثرش بر پوشش گیاهی با تخریب زمین، رشد خارج ظرفیت جمعیت، به تعویق انداختن تمهیدات ضروری مثل کنترل مسیر رودها، لایروبی، تثبیت کوهپایه‌های منتهی به جاده و پل، تثبیت خاک (با کاشت گیاهان، جلوگیری چرای بی رویه، تقویت آبخوان‌ها و...)، جمع‌آوری زباله‌های رها شده در مسیر رودها و نزدیک پل‌ها امروز ما را بعد هر بارش باران معمولی هم گرفتار بحران معادل یک سونامی می‌کند.»

از سوی دیگر تغییرات اقلیمی نیز تعداد سیلاب‌ها را افزایش داده است. برای نمونه در اتفاقی نادر روز جمعه ۲۲ تیرماه به دلیل بارندگی شدید در استان خراسان «رضوی» روستاهای اطراف مشهد با سیلاب روبرو شدند.

رضا عباسی نیشابوری سرپرست اداره کل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی پس از این سیلاب از وارد شدن خسارات سنگین به خودروهای گرفتار در سیل امروز روستاهای اطراف مشهد خبر داد.

او گفت که در کلات در منطقه گردشگری ارتکند حدود ۳۵ خودرو به علت تخریب مسیر از جنگل امکان برگشت ندارند و جهت حفظ امنیت جانی مردم، خانواده‌ها به

● سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور برآورد خسارت سیل در کشور در سه سال گذشته را حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است.

● تغییرات اقلیمی در کنار سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی سبب بروز سیلاب‌های ویرانگر در سال‌های اخیر شده است.

سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور از ۲۱ هزار میلیارد تومان خسارت سیل طی سه سال گذشته در ایران خبر داده است. حسین ظفری سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور برآورد خسارت سیل در کشور در سه سال گذشته را حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است. دولت در نظر دارد صنایع آب‌بر را ترغیب به سرمایه‌گذاری در طرح‌های آبخیزداری و مهار آب‌های روان کند.

خبرگزاری «ایرنا» گزارش داده که سیلاب در پنج سال گذشته به یکی از پر تکرارترین حوادث غیرمترقبه در کشور تبدیل شده است؛ سیل ویرانگر فروردین ۹۸ که پنج استان کشور از جمله خوزستان، لرستان و گلستان را درگیر کرد؛ سیلاب‌های فصلی در سیستان و بلوچستان؛ سیل امامزاده صالح تهران در تابستان ۱۴۰۱ و به تازگی سیل مشهد و حتی سیل جاده چالوس و سوادکوه در مرز استان‌های مازندران و تهران نمونه بارز از سیلاب‌هایی است که نه فقط خسارات مالی بر جای گذاشته‌اند بلکه مرگ هموطنان را نیز در پی داشته‌اند.

تغییرات اقلیمی در کنار سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی سبب بروز سیلاب‌های ویرانگر در سال‌های اخیر شده است. برای نمونه در سیل بهار امسال در مشهد کوه‌خواری و ساخت و سازهای غیرمجاز در کوه‌های جنوب این شهر عامل جاری شدن سیلابی گسترده به درون شهر و بروز خسارت‌های مالی و جانی شد.

محمود ارجمنندی فعال محیط زیست و کارشناس شهرسازی به روزنامه «هم‌میهن» گفت: «ساخت کمربند جنوبی مشهد یک پروژه طولانی‌مدت است و هدف مدیریت شهری از اجرای آن، روان‌شدن ترافیک در حاشیه شهر مشهد بود، اما ترافیک داخل مشهد هم با اجرای این پروژه سنگین شده است. شش سال پیش آقای پژمانفر، نماینده مشهد و شورای شهر وقت هم قول دادند که پروژه خرید و فروش املاک ارتفاعات جنوبی و تخریب این محدوده برای همیشه متوقف شود. شهرداری هم درختکاری‌هایی انجام داد و فضای سبز ایجاد شد، اما با آمدن شورای شهر جدید روند ساخت‌وسازها شدت گرفته است.»

به گفته وی «منطقه سیدی همیشه مسیر پخش سیلابی بوده که از داخل شهر مشهد عبور می‌کرد و به سمت کال قره‌خان می‌رفت، اما امروز این کانال به صورت کامل دفن و به یک کانال بسیار باریک در زیرزمین تبدیل شده است. کال قره‌خان یک کانال فصلی سیلابی بود و ۱۰۰ سال پیش برای جمع‌آوری سیلاب احداث شده بود تا این آب را از ارتفاعات جنوبی جمع و به سمت کشف‌رود برد. سرچشمه این کانال در بلوار فلسطین مشهد است، اما امروز به صورت کامل دفن و روی آن ساخت‌وساز شده و به یک کانال خروجی تبدیل شده که آب را از مشهد خارج می‌کند؛ به این ترتیب در بافت مرکزی مشهد هم خطر شدیدی وجود دارد و اگر مدیریت شهری فکری برای آن نداشته باشد و به دوران ترسالی برگردیم که زمانش مشخص نیست، مشهد خسارت زیادی می‌بیند.»

پس از بروز سیل در جاده کرج - چالوس در هفته آخر

هشدار رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی درباره کمبود آموزگار؛ «عزل و تنبیه» و اخراج هزاران مدیر و آموزگار از سال ۱۴۰۰ تا کنون

اینکه «در دو دهه گذشته جذب و استخدام معلمان وضعیت به سامانی نداشته» گفته «بی توجهی به توسعه ظرفیت‌های دانشگاه فرهنگیان و تقریباً تضعیف و انحلال مراکز تربیت معلم و مجموعه قوانین تعیین تکلیف استخدامی معلمان از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ سبب بحرانی شدن نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش شد.»

او افزوده این وضعیت همراه با افزایش روند بازنشستگی معلمان و افزایش جمعیت دانش‌آموزی، اثرات نامطلوبی بر روند تأمین نیروی انسانی در سال‌های آینده خواهد داشت. بر اساس توضیحاتی که رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی داده با اینکه قانون اجازه استفاده از آموزگاران بازنشسته را داده اما «تاخیر چندماهه در پرداخت حق‌الزحمه و سطح پایین دستمزد» باعث عدم تمایل آموزگاران بازنشسته به بازگشت به کار در کلاس‌های درس شده است. در نتیجه جبران کمبود آموزگار با استفاده از نیروهای بازنشسته نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر به دلایل مختلف اقتصادی همچون بالا بودن هزینه مسکن در کلانشهرها از جمله تهران، مشاغل معلمی برای مردان به شدت با کاهش استقبال مواجه شده به نحوی که در آزمون استخدامی سال ۱۴۰۲ در تهران ظرفیت پذیرش مردان ۱۵۷۸ نفر بوده که به دلیل عدم استقبال، تعداد ۱۳۵۴ نفر، یعنی معادل ۸۶ درصد از این تعداد، حتی در مرحله تکمیل ظرفیت هم پر نشده است. در کل کشور نیز در سال ۱۴۰۲ از بیش از ۵۷ هزار مجوز، بیش از ۱۰ هزار مجوز خالی باقی مانده است. زنگ خطر کمبود آموزگار در ساختار آموزشی کشور از مدتها پیشتر به صدا درآمده اما وزارت آموزش و پرورش بجای تمرکز بر حل این مشکلات به دنبال تدوین و اجرای طرح‌هایی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت است. دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش آذرماه سال گذشته از حضور «سرباز طلبه‌ها» در مدارس خبر داد و گفت: «حضور زنان طلبه به عنوان معلم ابتدایی در راستای تحول اسلامی آموزش است». وی همچنین ادعا کرد که بیش از ۹۵ درصد خانواده‌ها از حضور روحانیون در مدرسه رضایت دارند.

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش با بیان اینکه طلبه‌ها آمار بزهکاری در مدارس را کاهش داده‌اند تأکید کرده بود «چرا ما نباید از طلاب متخصص بدون هزینه در آموزش و پرورش استفاده کنیم؟!»

همچنین در راستای تبلیغ و ترویج نماز و نمازخوانی در مدارس، رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نماز را «مهمترین رکن آموزش و پرورش» دانسته و گفته بود «۲۰ هزار دانش‌آموز اذان‌گو تربیت و بیش از ۱ میلیون مترمربع سجاده تولید کرده‌ایم!»

در همین حال رضامراد صحرایی دی‌ماه گذشته در گفتگو با وبسایت خبری «جماران» گفته بود: «تأمین بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع سجاده، گسترش طرح ایجاد ۹ هزار مسجد و نیز طرح ساخت هفت هزار و ۲۸۰ نمازخانه در سطح مدارس و مراکز آموزشی از مهم‌ترین اقدامات آموزش و پرورش در سال تحصیلی جاری است.»

او همچنین بر لزوم حضور «روحانیت» در مدارس تأکید کرده و گفته بود که «خوشبختانه پردیس معلم در قم آغاز به کار کرده است و جذب مربیان پرورشی در دستور کار است.»



قادر به این کار نخواهد بود.»

مرتضی نظری گفته روندی که طی سه سال گذشته در آموزش و پرورش رخ داده نوعی «خالص‌سازی» بوده و تأکید کرده که «خالص‌سازی در مدارس بسیار خسارت‌بار بود چون تمام این مدیران، افراد گزینش شده و مجرب بودند.» رئیس سابق مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش از برخوردهای نامناسب با آموزگاران اشاره می‌کند که به گفته او در همه دولت‌ها وجود داشته اما در دولت سیزدهم «رویه‌های پلیسی و برخوردهای قهری و دستوری و سیاسی» رواج داشت.

او گفته «یک میلیون مدیر و معلم و بیش از ۱۵ میلیون دانش‌آموز، خانواده‌های ایران هستند. دولت سیزدهم به دنبال این بود که همه این جمعیت را یکجور ببیند و به همه‌شان بگوید که باید یک دستور و یک طرز فکر واحد را اجرا کنند. بسیاری از جایجایی‌ها به همین دلیل اتفاق افتاد و برای معلمانی که به ناکارآمدی مدیریتی انتقاد داشتند پرونده انضباطی در هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری تشکیل شد.» این استاد دانشگاه علت به وجود آمدن چنین روندی را چنین توضیح می‌دهد: «چون مسئولان وزارت آموزش و پرورش فاقد سعه صدر بودند و هیچ شناختی از تغییرات نسلی نداشتند و می‌خواستند نسل «زد» و معلمان و مدیران را با دستور اداره کنند که چنین روالی هم آسیب زیادی به اعتبار آموزش و پرورش وارد کرد چون خود را روبروی معلمان قرار دادند و به جای گفت‌وگو با معلم، برایش پرونده انضباطی تشکیل دادند.»

هفته گذشته نیز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از کمبود دست‌کم ۲۴۸ هزار آموزگار برای سال تحصیلی آینده خبر داده بود. بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از کمبود ۱۷۶ هزار معلم در مدارس ایران برای سال تحصیلی آینده خبر داده و گفته بود تا شهریور امسال ۷۲ هزار معلم دیگر نیز در ایران بازنشسته خواهند شد. بر اساس اعلام رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کمبود آموزگار برای سال جدید تحصیلی در مجموع به ۲۴۸ آموزگار خواهد رسید.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با بیان

● رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به سرپرست ریاست دولت نسبت به کمبود آموزگار برای سال تحصیلی جدید هشدار داده و دلایل این کمبود و راهکارهای جبران آن را برشمرده است. ● هفته گذشته نیز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از کمبود دست‌کم ۲۴۸ هزار آموزگار برای سال تحصیلی آینده خبر داده بود.

کمبود آموزگار در سال تحصیلی جدید که در راه است، هشدار رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی را در پی داشته است. آموزش و پرورش در حالی با کمبود آموزگار روبروست که طی سه سال فعالیت دولت ابراهیم رئیسی و به ویژه پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، دست‌کم ۲۰ هزار مدیر مدرسه «عزل و تنبیه» شده و هزاران آموزگار نیز تعلیق و اخراج، و یا با پرونده‌های امنیتی و قضایی روبرو شدند.

علیرضا منادی سفیدان رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به محمد مخبر دزفولی سرپرست ریاست دولت نسبت به کمبود آموزگار برای سال تحصیلی جدید هشدار داده و دلایل این کمبود و راهکارهای جبران آن را برشمرده است.

خبرگزاری «تسنیم» متن نامه رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس دوازدهم به محمد مخبر را منتشر کرده است. در این نامه آمده با وجود استخدام و جذب نیروی انسانی قابل توجه صورت گرفته در طی دو سال اخیر به دلیل خروج نیروی انسانی از طریق بازنشستگی بطور قطع در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ کلاس‌های بدون معلم آموزش و پرورش را دچار بحران خواهد نمود.

در نامه تأکید شده که افزایش جمعیت دانش‌آموزی از یکسو، خروج خدمت از طریق بازنشستگی از سوی دیگر و کاهش چشمگیر پذیرش دانش‌جو معلم چالش‌های جدید کمبود آموزگار برای سال تحصیلی پیش رو هستند.

علیرضا منادی سفیدان تأکید کرده که چنانچه از بین معلمان شاغل فقط دویست هزار نفر راغب به همکاری با آموزش و پرورش با اخذ حق‌التدریس شوند، بحران مدیریت خواهد شد حال آنکه این عدد هم‌اکنون کمتر از ۸۰ هزار نفر است.

ارائه مشوق به آموزگاران بازنشسته یا در آستانه بازنشستگی برای ادامه تدریس یکی از راهکارهای رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی برای جبران کمبود آموزگار در سال تحصیلی جدید بوده است. رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی در حالی دلایل کمبود آموزگار را برشمرده که به موج سرکوب گسترده آموزگاران در سه سال گذشته اشاره نکرده که سبب خروج هزاران آموزگار از ساختار آموزشی کشور شده است.

در همین رابطه مرتضی نظری استاد دانشگاه و رئیس سابق مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش به روزنامه «اعتماد» گفته در سه سال فعالیت دولت ابراهیم رئیسی دست‌کم ۲۰ هزار مدیر مدرسه «عزل و تنبیه» شدند. این «عزل و تنبیه» با جایجایی این مدیران صورت گرفته است.

این استاد دانشگاه گفته «وزیر آموزش و پرورش متوجه نیست که ما در مدارس‌مان با یک نسل منتقد، رک‌گو و صریح مواهیم و اگر معلم و مدیر مدرسه نتوانند این نسل منتقد و رک‌گو و صریح را درک کنند، هیچکس دیگری هم

محیط زیست ایران خاکستر می‌شود؛ ۱۶۹ هزار میلیارد تومان خسارت آتش‌سوزی جنگل‌ها در یک دهه گذشته

این نقش از طریق آتش افروزان سهل‌انگار ایفا شده باشد و چه از طرف مدیران سهل‌انگار حفاظت از جنگل‌ها. چرا می‌گوییم سهل‌انگاری مدیران؟ چون از خیلی پیش بسیاری از کارشناسان نسبت به بروز آتش‌سوزی در زاگرس هشدارهای مکرری داده بودند.

به نوشته «اقتصاد ۲۴» آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس همواره مراتع و مناطق حفاظت شده در جنوب و غرب زاگرس را شامل شده است. سه استان به صورت معمول کانون اصلی این آتش‌سوزی بوده اند و اصلی‌ترین کانون آتش‌سوزی زاگرس معمولاً استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان و ایلام بوده است، اما در دو سال گذشته استان‌های بوشهر، کردستان، ایلام و کردستان نیز درگیر آتش‌سوزی‌های پراکنده و گاه وسیع شده اند.

مدیرکل منابع طبیعی لرستان در سال ۹۸ در اینبار گفته بود: «بخش اعظمی از جنگل‌های زاگرس در جریان ممنوعیت برداشت چوب از جنگل‌های شمال قربانی شده است و این مهم به بحرانی در کشور تبدیل خواهد شد. روزانه دو هزار کامیون چوب به انحصار مختلف از درختان بلوط به شمال کشور حمل می‌شود.»

این گزارش تأکید کرده آتش‌سوزی‌های پی در پی در نقاط مختلف استان‌های غربی کشور را سال‌هاست رنگ سرسبزی را از یاد ساکنین شهر برده است. طبق گفته کارشناسان بیش از ۹۰ درصد آتش‌سوزی‌ها در این استان‌ها به صورت عمدی رخ داده است و نبود یک قانون و مجازات مشخص برای خاطیان این کار، جسارت بیشتری به آن‌ها داده است تا به راحتی زیست را از محیط زیست بگیرند.

آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره مساله آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های ایران مربوط به پاییز سال ۱۳۹۹ است. این گزارش که زمستان سال ۱۳۹۹ با عنوان «علل، آثار، چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آتش‌سوزی‌های جنگل‌ها و مراتع کشور» منتشر شد، نشان می‌دهد، روند آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی ایران طی ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است.

بر اساس این گزارش، بیش از ۱۰۰۰ فقره از آتش‌سوزی‌هایی که هر سال به‌ویژه با فرارسیدن ماه‌های گرم در عرصه‌های طبیعی جهان رخ داده تنها در جنگل‌های ایران روشن شده است که در نتیجه آن ۳۵۰۰ هکتار از عرصه‌های جنگلی را تخریب یا به‌طور کامل به خاکستر تبدیل و نابود کرده است. آمارها نشان می‌دهد ۱۰ درصد آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌ها و مراتع کشور توسط عوامل طبیعی مانند برخورد صاعقه و آذرخش و خودسوزی جنگل‌ها بر اثر وزش بادهای گرم به وقوع پیوسته است، اما بیش از ۹۰ درصد آتش‌سوزی‌ها توسط عامل انسانی در رویشگاه‌های طبیعی افروخته شده است. اختلافات یا تبدیل جنگل به مرتع به‌منظور تأمین علوفه بیشتر برای چرای دام و تهیه و فروش زغال به‌ویژه در جنگل‌های مناطق مرزی و همچنین برافروختن آتش با انگیزه گسترش اراضی کشاورزی عامل ۹۰ درصد آتش‌سوزی‌های جنگلی اعلام شده است.

سازمان جهانی فائو نیز با ارائه گزارشی اعلام کرده سالانه بین ۴۰۰ میلیون هکتار از جنگل‌ها و مراتع دنیا بر اثر آتش‌سوزی از بین می‌روند و ایران نیز تا سال ۲۰۰۷، سالانه ۶۵۰۰ هکتار از جنگل‌های خود را در آتش از دست داده است.



بخشی از جنگل‌های منطقه حفاظت شده خائیز پس از مهار آتش‌سوزی

است در طول یک دهه گذشته، ۱۶۹ هزار میلیارد تومان خسارت بر اثر آتش‌سوزی در ۱۴۰ هزار هکتار به عرصه‌های منابع طبیعی کشور تحمیل شده است.

سرهنگ قاسم سبزی فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری در سال ۱۳۹۷ خبر داده بود که «خسارت به اراضی مرتعی در صورت آتش‌سوزی در هر هکتار حدود ۱۷ میلیون تومان و در هر هکتار از مناطق جنگلی ۵۶ میلیون تومان است.»

سرهنگ قاسم سبزی هم‌زمان گفته بود که «سالانه به‌طور میانگین حدود ۱۰ هزار هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی طعمه حریق می‌شوند که از این مقدار ۱۵ تا ۲۰ درصد در جنگل‌ها و مابقی در اراضی مرتعی اتفاق می‌افتد.»

به گفته او تنها در ۵ ماه نخست سال ۱۳۹۷ بیش از ۵۰۰ فقره آتش‌سوزی در عرصه‌های منابع طبیعی کشور رخ داده است، و وسعت این آتش‌سوزی‌ها ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار بوده است. این ارقام به این معناست که تنها در طول ۵ ماه از سال ۱۳۹۷ حدود ۲۵ تا ۳۵ هزار میلیارد تومان خسارت در پی آتش‌سوزی‌ها به ایران وارد شده است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی درباره آتش‌سوزی‌های جنگل‌ها و مراتع نوشته در سال‌های اخیر تقریباً از اواسط اردیبهشت، هر روز آتش‌سوزی‌های قسمتی از جنگل‌ها و مراتع را سوزانده است. برخی از این آتش‌سوزی‌ها نیز روزها به طول انجامیده و به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل یک چیز بوده است: «عامل انسانی.»

از سوی دیگر نبود امکانات اطفای حریق، هر روز این آتش‌ها را شعله‌ورتر کرده است و ما شاهد نابودی بیشتر پوشش‌های گیاهی و گونه‌های حیوانی بوده‌ایم. این گزارش افزوده تا چندی قبل اکثر کارشناسان خشکسالی را دلیل رخداد آتش‌سوزی در جنگل‌ها می‌دانستند و حالا تنها دلیل قرص و محکم آتش‌سوزی‌ها ترسالی اعلام می‌شود. در ادامه آمده که مشخص است که نمی‌توان نقش عوامل طبیعی را در کنار عامل انسانی نادیده گرفت؛ حال چه

● از ابتدای سال تا کنون ۱۲ هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در ۵۸۳ فقره حریق سوخته‌اند.

● فرماندار شهرستان گیلانغرب گفته بیش از ۱۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این شهرستان طعمه حریق شده است.

● جواد هادی اصل فعال محیط زیست از نابود شدن ۴۰ تا ۵۰ درصد جنگل‌های خائیز در آتش‌سوزی اخیر خبر داده است.

● در طول یک دهه گذشته، ۱۶۹ هزار میلیارد تومان خسارت بر اثر آتش‌سوزی در ۱۴۰ هزار هکتار به عرصه‌های منابع طبیعی کشور تحمیل شده است.

در روزهای گذشته جنگل‌های منطقه حفاظت‌شده خائیز در استان کهگیلویه و بویراحمد دچار آتش‌سوزی شد و طی پنج روز آنقدر سوخت که به گفته فعالان محیط زیست دیگر چیزی برای سوختن نمانده بود. تنها از ابتدای امسال تا کنون ۱۲ هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در آتش سوخته‌اند. خسارت آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع ایران در یک دهه گذشته ۱۶۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. آتش‌سوزی جنگل‌های منطقه حفاظت‌شده خائیز دوشنبه ۱۸ تیر آغاز شد و تا روز جمعه ادامه یافت. این آتش‌سوزی گسترده زمانی پس از پنج روز پایان یافت که فعالان محیط زیست معتقدند دیگر چیزی برای سوختن باقی نمانده بود.

حریق در پی آتش‌زدن یک زمین کشاورزی توسط مالک در روستای «ده خلیفه» پس از برداشت محصول و با باور اینکه سال بعد محصول بهتری به بار می‌نشیند به جنگل‌های خائیز کشیده شد و آنها را خاکستر کرد.

تیم «خط آتش» که شامل کوهنوردان بهیمنی می‌شود، از همان ساعات اولیه در حال کمک‌رسانی به فعالان محیط زیست و نیروهای سازمان محیط زیست برای مهار حریق بودند. مدیرکل مدیریت بحران استانداری کهگیلویه و بویراحمد عامل اصلی در وقوع و گسترش این آتش‌سوزی مهیب را وزش باد شدید و سخت گذر بودن منطقه حفاظت‌شده خائیز اعلام کرد و گفت که این آتش‌سوزی هشت مصدوم هم داشته است.

فرماندار شهرستان گیلانغرب نیز گفته است بر اثر این آتش‌سوزی بیش از ۱۰ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این شهرستان طعمه حریق شده است. جواد هادی اصل فعال محیط زیست نیز از نابود شدن ۴۰ تا ۵۰ درصد جنگل‌های خائیز در این آتش‌سوزی خبر داده است.

منطقه حفاظت‌شده خائیز با مساحت بیش از ۳۳ هزار هکتار یکی از هفت منطقه حفاظت‌شده در استان کهگیلویه و بویراحمد است.

آتش‌سوزی جنگل‌های حفاظت‌شده خائیز تنها یکی از صدها آتش‌سوزی بزرگ و کوچکی است که سالانه مراتع و جنگل‌های ایران را به نابودی می‌کشاند.

به گفته فعالان محیط زیست نبود پایگاه اطفای حریق مجهز به بالگرد و نیروهای متخصص سبب گستردگی آتش‌سوزی‌های زاگرس می‌شود. آمارهای سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نشان می‌دهد از ابتدای سال تا امروز، ۱۲ هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در ۵۸۳ فقره حریق سوخته‌اند.

بر اساس آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره وضعیت جنگل‌های ایران که پیش از سال ۱۴۰۰ منتشر شده

نسل زد در ایران، نسل بی‌مسکن؛ مهاجرت یا همخانگی اجباری در یک واحد استیجاری به دلیل تورم مسکن!

تا ۲۶ سال قرار دارند را بررسی کرده است. با توجه به اینکه بخش زیادی از این نسل، در شهر تهران به تازگی وارد بازار مسکن شده و مستأجر هستند، طبیعتاً هزینه‌های زندگی آنها با سایر خانه‌های متفاوت است. این گزارش که به بررسی میدانی در یک سازمان با تعداد ۳۰۰ نفر نیروی انسانی که حدود ۱۰۰ نفر یعنی یک‌سوم آنها در بازه سنی مربوط به شاغلان نسل Z قرار دارند، تهیه شده است.

در گزارش «دنیای اقتصاد» آمده که متوسط درآمد ماهانه شاغلان نسل Z در سازمان مورد بررسی، بین ۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تا ۱۲ میلیون تومان است. این افراد که درآمد ماهانه آنها از حداقل درآمد نیروهای کار که در سال جاری حول و حوش ۸ میلیون تومان است اندکی بالاتر است، بطور متوسط ۷ تا ۷/۵ میلیون تومان از این درآمد را صرف اجاره بهای ماهانه مسکنی که در آن ساکن هستند، می‌کنند. حول و حوش ۴/۵ میلیون تومان دیگر را نیز صرف سایر هزینه‌های زندگی خود از خوراک، پوشاک، درمان و ... می‌کنند. این برآورد درآمد و هزینه در این سازمان، به نوعی، وضعیت درآمد و هزینه‌های زندگی شاغلان نسل Z در سازمان‌هایی را نمایندگی می‌کند که درآمد آنها اگرچه بالاتر از کف حقوق نیروهای کار است، اما فاصله چندانی هم با کف حقوق ندارد.

در چنین شرایطی بسیاری از این افراد حتی توانایی پس‌انداز را هم ندارند اما برخی از آنها گفته‌اند که ماهانه در نهایت می‌توانند یک میلیون تومان پس‌انداز کنند. در این تحقیق میدانی همچنین این سوال مطرح شد که با توجه به وضعیت فعلی بازار مسکن و سطح درآمد، آیا اساساً این نسل تازه وارد به بازار کار امیدی هم به خانه دار شدن دارد؟

چهار گروه پاسخ از اظهارات این جامعه آماری حدود ۱۰۰ نفری، استخراج شد. گروهی از پرسش‌شونده‌ها اظهار کردند که ما اصلاً به مسکن و خانه دار شدن فکر نمی‌کنیم و چون فکر نمی‌کنیم اصلاً به ازدواج و فرزند آوری هم فکر نمی‌کنیم (غی توانیم فکر کنیم).

گروهی دیگر اعلام کردند که حتی دوستان ما که شرایط مشابهی به لحاظ حقوق و درآمد دارند و حتی به لحاظ سنی بزرگ‌تر از ما هستند (حول و حوش ۳۰ سال و بالاتر هستند)، نیز سبک زندگی کاملاً متفاوت از افراد ۳۰ سال به بالایی که در دهه ۸۰ ایران زندگی می‌کردند، دارند. در واقع سبک زندگی آنها سبک زندگی بزرگسالی نیست و تعداد زیادی از آنها وارد دوره مجرد قطعی شده‌اند و به خانه دار شدن هم فکر نمی‌کنند. چون اساساً امکان خانه دار شدن با سطوح فعلی درآمد و قیمت مسکن ندارند. گروه دیگری به «دنیای اقتصاد» اعلام کردند که فقط فکر می‌کنیم اگر معجزه‌ای شود می‌توانیم به خانه دار شدن فکر کنیم.

یک گروه دیگر اعلام کردند ما حتی توان خرید یک دوچرخه برای رفت و آمد به محل کار و منزل نداریم؛ چون می‌بینیم که اساساً شرایط برای خانه دار شدن و مابقی مسائل تا این حد دشوار شده است فکر می‌کنیم یا باید شرایط اقتصادی کشور متحول شود که بتوانیم خانه دار شویم یا اینکه باید گزینه مهاجرت از کشور را بررسی کرده و مهاجرت کنیم.



باشیم بطوری که فراتر از استطاعت جوانان است. این امر جهت تأثیری که بر رشد اقتصادی می‌گذارد و هم به دلیل پیامدهای اجتماعی آن بسیار بااهمیت است. نکته مهمی که در این زمینه شاهد آن هستیم این است که متأسفانه افرادی که متعلق به دهک‌های پایینی هستند بیشتر در معرض فشار افزایش هزینه‌های ناشی از تورم هستند. «دنیای اقتصاد» تأکید کرده که بحران گرانی مسکن در کشور باعث شده تا بخشی از جوانان توانمند به فکر مهاجرت باشند؛ این رویه در بلندمدت به زیان فعالیت‌های استارت‌آپی تمام می‌شود؛ چرا که نیروی توانمند و کارآی خود را از دست می‌دهند. این در حالی است که امروز استارت‌آپی‌ها نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. در شرایطی که چالش مسکن در کشور ریشه در متغیرهای کلان اقتصادی دارد؛ رفع این بحران نیز تنها از طریق اصلاحاتی در سطح کلان میسر است و نباید با آن برخوردی در سطح مشکلی داشت که به دلیل عدم انصاف این یا آن فرد حادث شده است.

همزمان با انتشار این گزارش، مقایسه‌ای از افزایش اجاره‌بها در ایران و اروپا منتشر شد که نشان می‌دهد در قاره اروپا در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ میانگین تورم اجاره‌بها ۱۷/۶ درصد افزایش پیدا کرده است. این در حالیست که طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ اجاره ماهانه به‌علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک متر بنای مسکونی در تهران حدود متری ۵۴۰ درصد تورم داشته است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» امرداد سال گذشته به شرایط جوانانی در بازار مسکن ایران پرداخته که به عنوان نسل زد شناخته می‌شوند. برآوردها بر اساس نرخ تورم نشان می‌دهد در صورت «ثبات قیمت‌ها» جوانان باید بیش از یک و نیم قرن و حدود ۱۶۶ سال انتظار بکشند تا بتوانند یک واحد مسکونی با استفاده از درآمدشان پس‌انداز کنند.

«دنیای اقتصاد» وضعیت دسترسی شاغلان نسل Z یعنی شغل‌های متولد دهه ۷۰ و افرادی که در بازه زمانی ۲۵

بخشی از نسل زد‌ها ناچار به همخانه شدن گروهی در یک واحد اجاره‌ای شده‌اند. معمولاً دو یا سه نفر از این افراد با هم یک آپارتمان کوچک اجاره می‌کنند تا هزینه اجاره بین آنها تقسیم شود.

تعداد افراد ساکن در یک خانه ۶۰ تا ۷۰ متری و دارای یک اتاق خواب از ۲ نفر در سال‌های گذشته به ۴ نفر برای امسال در حال افزایش است.

در صورت «ثبات قیمت‌ها» جوانان باید بیش از یک و نیم قرن و حدود ۱۶۶ سال انتظار بکشند تا بتوانند یک واحد مسکونی با استفاده از درآمدشان پس‌انداز کنند.

افزایش قیمت مسکن سبب شده زمان انتظار خرید مسکن برای جوانان در ایران به ۱۶۶ سال افزایش یابد. جوانانی که غالباً مطمئن هستند هرگز امکان صاحبخانه شدن را نخواهند داشت حتی در پرداخت اجاره‌بهای مسکن نیز با مشکل روبرو بوده و به تازگی پدیده اجاره گروهی خانه در میان این نسل رواج یافته است.

«سه مستأجر شاغل در یک واحد» برای صرف حداکثر ۳۰ درصد درآمد ماهانه به هزینه اجاره در تهران و بسیاری از دیگر شهرهای بزرگ ایران شیوع پیدا کرده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی پدیده اجاره گروهی واحدهای مسکونی را مورد بررسی قرار داده و نوشته «حدود ۷۵ درصد از درآمد ماهانه نسل Z شاغل در پایتخت، توسط «اجاره‌بها» بلعیده می‌شود و خیلی از این دسته شاغلان برای دورزدن این «ابرهزینه»، به شکل گروهی - دو یا سه مستأجر - سکونت دارند تا سهم هزینه اجاره را به حداکثر ۳۰ درصد برسانند.»

در این گزارش آمده که نسل Z سهم بالای ۴۰ درصد از نیروی کار خیلی از شرکت‌های رو به رشد را به خود اختصاص داده که البته نقش آنها در شرکت‌های نوآور به مراتب بیشتر است. این گروه از نیروی کار در مواجهه با تورم مسکن مجبور به حذف دومینیوی ۷ فاکتور هزینه‌ای از سبد مصرف است. از نگاه کارشناسان، تداوم این روند باعث «مهاجرت به مبدأ» یا تشدید مهاجرت به خارج از کشور خواهد شد.

در ادامه آمده که بخشی از این جوانان که به تناسب اشتغال ملزم به زندگی در تهران شده‌اند؛ به دلیل هزینه بالای اجاره‌بها به شکل گروهی در آپارتمان‌های کوچک زندگی کرده و به‌رغم تخصص و اشتغال در شرکت‌های استارت‌آپی و دریافت حقوق متوسط، امکان اجاره خانه مستقل را ندارند. در این شرایط افزایش مستمر اجاره‌بها باعث شده تا بخشی از این نسل به افزایش تعداد نفرات در خانه‌های خود روی آورند؛ به‌نحوی که تعداد افراد ساکن در یک خانه ۶۰ تا ۷۰ متری و دارای یک اتاق خواب از ۲ نفر در سال‌های گذشته به ۴ نفر برای امسال در حال افزایش است.

این گزارش افزوده که تقاضای بالای مسکن در شهرهای بزرگ که بخشی ناشی از تورم بالا و بخش دیگر به دلیل جذابیت مسکن به عنوان یک دارایی سبب شده است تا قیمت مسکن شدیداً افزایش یابد به نحوی که برای جوانی با درآمد متوسط ۵۰ سال طول می‌کشد تا صاحب خانه شود. این موضوع باعث می‌شود تا شاهد بالا بودن رقم اجاره‌بها

طرح مجلس شورای اسلامی برای افزایش دستمزد کارگران



در ایران گویای فشاری هستند که دستمزدهای ناعادلانه و ناچیز بر معیشت خانوار وارد کرده است.

شاخص ضریب جینی که نشاندهنده شکاف طبقاتی است به بالای ۴۰ درصد رسیده است، در حالیکه این ضریب در عراق حدود ۳۰ درصد است یا در مجارستان ۲۹ درصد است. شاخص فلاکت که از جمع دو نرخ تورم و بیکاری بدست می‌آید در پایان پاییز ۱۴۰۲ برابر با ۵۲ واحد بوده که رقمی بالا و قابل توجه است. از سوی دیگر این شاخص در ۲۳ استان ایران از میانگین کشوری بالاتر است. به بیان دیگر در حدو سه چهارم استان‌های ایران مردم فقر و فلاکت بیشتری نسبت به میانگین کشوری تجربه می‌کنند که می‌تواند انگیزه‌ی محرکی برای شکل‌گیری اعتراضات سراسری باشد. در همین رابطه فرشاد مومنی اقتصاددان و استاد دانشگاه خردادماه امسال با اشاره به گسترش فزاینده فقر در کشور گفته بود مظلوم‌ترین و بی‌پناه‌ترین گروه اجتماعی، مشمولان قانون کار هستند.

او همچنین با بیان اینکه با شتاب بی‌سابقه در افزایش جمعیت فقیر در دوره زمانی کوتاه روبرو هستیم، گفته بود که «این واگرایی بسیار خطرناک است. برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ایران در ۱۱۵ سال گذشته فاصله زمانی برای اینکه اندازه جمعیت فقیر ایران دو برابر شود به سه سال رسیده است! ما تا کنون چنین چیزی نداشتیم.»

به گفته فرشاد مومنی «این واگرایی درباره فاصله ما با دیگر کشورها نیز وجود دارد، توضیح داد: برای گونه تولید ناخالص سرانه ایران در سال ۱۳۵۶ تقریباً دو برابر کره جنوبی بوده اما در سال ۱۳۹۴ تولید ناخالص سرانه کره بالغ بر ۵.۵ برابر ایران شده است.»

به عقیده این اقتصاددان «کسی که فهم راهبردی دارد، از درون این شکاف، تهدید امنیت ملی استنباط می‌کند. اگر بخواهیم از سال ۹۴ به بعد را بررسی کنیم با مقیاس دلار نرخ‌گذاری شده به این شیوه فاجعه‌ساز، این نسبت بسیار وحشتناک‌تر به نفع کره جنوبی خواهد شد. ما داریم روند قهقرایی را چه از نظر کیفیت زندگی مردم و چه از نظر جایگاه ایران در نظام جهانی طی می‌کنیم.»

این اقدام دولت سبب رانده شدن میلیون‌ها خانوار کارگری و بازنشسته به زیر خط فقر شده است.

حسین سلاح‌ورزی رئیس سازمان ملی کارآفرینی معتقد است که «طبق قانون، شورای عالی کار باید درباره دستمزد تصمیم‌گیری کند و قانونگذار نگفته که دولت باید به تنهایی درباره حقوق و دستمزد کارگران تصمیم‌گیری کند. اما در همه سال‌های بعد از انقلاب، پس از جاری و ساری شدن قانون کار فعلی، ترکیب، چیدمان و نحوه عملکرد شورای عالی کار، به‌گونه‌ای پیش رفت که دولت، تصمیم‌گیر نهایی شد.»

به گفته حسین سلاح‌ورزی اگر دولت بخواهد دقیق عمل کند باید بر اساس مفاد ماده ۴۱ قانون کار رفتار کند. او معتقد است که «دولت باید هم به تورم توجه کند و هم سبب معیشت را در نظر داشته باشد. همچنین نباید فراموش کند که حقوق و دستمزد باید به صورت جغرافیایی و بخشی تعیین شود. بنابراین، لازم است دستمزد منطقه‌ای برای بخش‌های مختلف صنعت، تولید و خدمات تعریف کند اما در عمل هرگز به این موارد توجه نشده است.»

رئیس سازمان ملی کارآفرینی گفته «دولت مایل است در شورای عالی کار، اینگونه نشان دهد که نمایندگان کارفرمایی موجب شده‌اند دستمزد تعیین‌شده تورم را پوشش ندهد در صورتی که چنین نیست.»

او افزوده «به واسطه تورمی که از طریق اخذ مالیات از افراد کم‌درآمد، ظلم آشکاری به جامعه کارگری و جامعه مزدبگیر می‌کند، نتوانسته شرایطی فراهم کند که مسکن اجاره‌ای، با قیمت مناسب وجود داشته باشد. دولت نتوانسته شرایطی فراهم کند که خدمات بهداشت و درمان، برای قشر کم‌درآمد، رایگان محسوب شود. کم‌کاری بخش دولت، دلیل اصلی وضعیت نامناسب کارگران است.»

عدم تعادل دستمزد و هزینه زندگی اما سبب شده جمعیت فقیر در ایران با روندی پرسرعت در حال افزایش باشد. درآمدهای بی‌ارزش و بروز بحران‌های معیشتی حتی در دستمزد کارکنان دولت که میزان درآمد آنها در جریان لایحه بودجه تعیین می‌شود نیز دیده می‌شود. شاخص‌هایی که بیانگر فقر و فاصله طبقاتی هستند نیز

● در حالی که رقم خط فقر بیش از ۳۲ میلیون تومان ارزیابی می‌شود، اگر یک کارگر همه مزایای شغلی را دریافت کند، حقوق او به حدود ۱۱ میلیون تومان می‌رسد. ● بسیاری از کارشناسان دخالت دولت در روند تعیین رقم حداقل دستمزد را غیرقانونی دانسته و معتقدند این اقدام دولت سبب رانده شدن میلیون‌ها خانوار کارگری و بازنشسته به زیر خط فقر شده است.

یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی برای اصلاح ماده ۴۱ قانون کار جهت افزایش حقوق و تنظیم دستمزد کارگران به نسبت میزان تورم خبر داد. میثم ظهوریان نماینده مشهد و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی با عنوان «طرح اصلاح ماده ۴۱ قانون کار» با هدف افزایش دستمزدها خبر داده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته این طرح برای اصلاح ماده ۴۱ قانون کار و رفع ابهام این ماده تدوین شده است؛ ابهامی که موجب شده بود در سال‌های اخیر شورای عالی کار حقوق کارگران را کمتر از نرخ تورم اعلامی، مصوب کند که با این طرح به دنبال رفع این ابهام و افزایش حقوق کارگران بر اساس تورم هستیم.»

این نماینده مجلس همچنین گفته که این لایحه «در سامانه مربوطه بارگزاری شده که پس از این مرحله، برای بررسی و اعلام وصول تقدیم هیئت رئیسه مجلس خواهد شد.»

بر اساس توضیحات میثم ظهوریان در ماده ۴۱ قانون کار ابهامی وجود دارد که موجب شده بود در سال‌های اخیر شورای عالی کار حقوق کارگران را کمتر از نرخ تورم اعلامی، تصویب کند. او گفته «با این طرح به دنبال رفع این ابهام و افزایش حقوق کارگران بر اساس تورم هستیم.»

بنا بر این لایحه مجلس «میزان افزایش (حقوق) باید به شکلی باشد که «حداقل و میانگین مزد کارگران؛ حداقل به میزان درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، افزایش یابد.»

در متن این طرح و در توضیح «ضرورت» آن آمده که «یکی از مشکلاتی که در سال‌های اخیر (بطور ویژه از سال ۹۷ تا کنون بجز سال ۱۴۰۱) موجب کاهش قدرت خرید طبقه حقوق‌بگیر شده است، این است که افزایش حقوق سالیانه مصوب قانون کار به شکل قابل توجهی از نرخ تورم کمتر بوده است.» در این طرح «پیشنهاد» شده که «میزان افزایش باید به شکلی باشد که حداقل و میانگین مزد کارگران؛ حداقل به میزان درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، افزایش یابد.»

پیشنهاد مجلس برای افزایش حقوق کارگران در حالیست که از ابتدای سال فعالان کارگری اعتراضات گسترده‌ای به رقم تعیین شده برای «حداقل دستمزد» که مبنای پرداخت حقوق کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی است انجام شده بود. در سال جدید نیز کمیته دستمزد در شورای عالی کار با فشار دولت با افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها موافقت کرد. در حالی که رقم خط فقر بیش از ۳۲ میلیون تومان ارزیابی می‌شود، اگر یک کارگر همه مزایای شغلی را دریافت کند، حقوق او به حدود ۱۱ میلیون تومان خواهد رسید.

تعیین این رقم با واکنش شدید فعالان کارگری روبرو شد و در مقابل دولت اعلام کرد لایحه‌ای برای اصلاح قانون کار و با هدف سپردن دستمزد به مجلس شورای اسلامی تدوین کرده است. بسیاری از کارشناسان دخالت دولت در روند تعیین رقم حداقل دستمزد را غیرقانونی دانسته و معتقدند

۴۰ شهر ایران در معرض شیوع تب دنگی؛ احتمال اپیدمی از امرداد امسال!

کالاهای بی اثر خود اقدام می‌کنند.»
رئیس دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت مدعی شده که «خوشبختانه برخلاف بسیاری بیماری‌های عفونی دیگر، تب دنگی نمی‌تواند به صورت مستقیم از یک فرد به فرد دیگر منتقل شود و از راه گزش پشه می‌تواند به افراد سالم منتقل شود، بنابراین امکان همه‌گیری بزرگ مانند آنچه در بیماری کرونا تجربه کردیم به هیچ وجه در مورد دانگ مصداق ندارد.»

آمیتیس رضانی عضو هیئت علمی انستیتو پاستور ایران هفته گذشته با بیان اینکه تب دنگی در ابتلاهای بعدی جدی‌تر می‌شود و مثل کرونا نیست که ایمنی نسبی ایجاد کند و ابتلای دوم خفیف‌تر باشد، گفته بود: «بطور کلی موارد دریافت این واکسن بسیار محدود است و بیشتر برای کودکان، افراد دچار بیماری‌های زمینهای، اشخاص مسن و افرادی که یک بار به این بیماری مبتلا شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

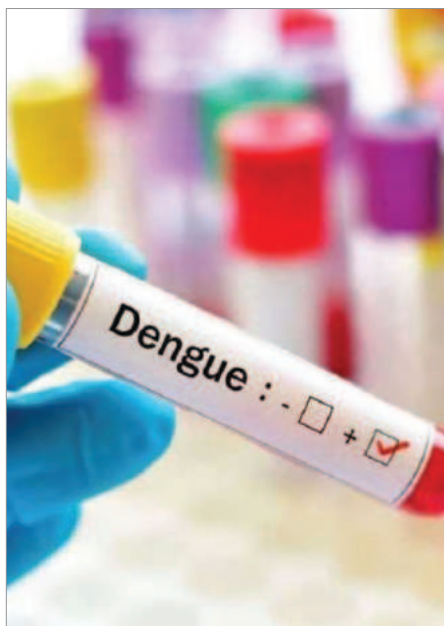
عضو هیئت علمی انستیتو پاستور ایران همچنین گفته بود: «این بیماری واکسن دارد و دو واکسن برای این بیماری دارای تاییدیه وزارت بهداشت هستند، اما تعداد این واکسن‌ها محدود است و تنها به افرادی تزریق می‌شود که یک بار این بیماری را گرفته باشند. همچنین تزریق واکسن تب دنگی بیشتر به افراد ۶ تا ۱۶ ساله توصیه می‌شود.»

بیماری تب دنگی معروف به «تب استخوان‌شکن» در شرایط خفیف باعث تب شدید و علائم شبیه آنفلوآنزا می‌شود، اما در موارد شدیدتر می‌تواند خطرناک‌تر باشد و زندگی فرد را تهدید کند. ویروس از پشه آلوده به انسان منتقل می‌شود؛ یک پشه فردی را که به ویروس دنگی آلوده است مورد خونخواری قرار می‌دهد و وقتی پشه شخص دیگری را می‌گزد، منجر به انتقال ویروس می‌شود؛ ممکن است فرد بیش از یکبار به این بیماری مبتلا شود که اغلب بار دوم خطرناک‌تر است و شاید علائم خود را شدیدتر نشان دهد.

پشه آندس در تاپرها و آب‌های راکد کوچک تخم‌گذاری می‌کند و بر اساس آنچه وزارت بهداشت اعلام کرده، مسافرت به کشورهای همسایه به ویژه امارات می‌تواند به گسترش این بیماری در کشور دامن بزند. پشه دنگی می‌تواند ۴ نوع ویروس را منتشر کند، باتوجه به شرایط آب و هوایی حدود ۵ روز تا یک‌هفته زمان می‌برد تا ویروس در بدن پشه تکثیر و آماده انتقال شود. فقط پشه آندس توانایی این انتقال را دارد. پشه‌هایی که روی سر و صورت می‌نشینند و به راحتی هم کنده نمی‌شوند، احتمالاً پشه آندس هستند. این پشه‌ها گروهی حمله می‌کنند و نیش‌شان دردناک است. البته همه این پشه‌ها آلوده نیستند.

بر اساس گزارش مرکز پیشگیری و کنترل بیماری‌های اروپا (ECDC) از نهادهای زیرمجموعه اتحادیه اروپا، از ابتدای سال ۲۰۲۴ بیش از ۱۰ میلیون مورد ابتلا به تب دنگی در ۸۰ کشور جهان گزارش شده است. تخمین زده می‌شود این بیماری در نیمه نخست سال جاری میلادی بیش از ۵۰۰۰ کشته در سراسر جهان برجا گذاشته باشد.

تب دنگی از جمله بیماری‌هایی است که در تمام طول سال امکان ابتلا به آن وجود دارد و هر ۲ تا ۵ سال به صورت دوره‌ای شیوع گسترده آن رخ می‌دهد. به اعتقاد برخی کارشناسان، تغییر اقلیم و تغییرات آب و هوایی در مناطق مختلف جهان، شیوع بیماری را گسترده‌تر کرده است.



شهر کشور از نظر وجود پشه ناقل بیماری تب دنگی است. او به «هم‌میهن» گفته که از نظر استقرار پشه آندس که ناقل بیماری تب دنگی است، چابهار نسبت به کل کشور، آلوده‌ترین شهر است و تقریباً در تمام شهر چابهار، مرکز دشتیاری و کنارک، پشه مستقر است.

به گفته او، سال گذشته ۹ بیمار وارد چابهار شده بودند و امسال سه بیمار از پاکستان ورود کرده‌اند: «بیمار که باشد پشه با گزش فرد بیمار، آلوده می‌شود و بیماری را به فرد دیگری منتقل می‌کند. بنابراین اگر بیمار قرنطینه نشود و در معرض پشه باشد، قطعاً این بیماری هم به دیگران منتقل می‌شود.» بر اساس اعلام او در ۷۸۱ مکان چابهار، پشه شناسایی شده است. با اینهمه ضاربان تاکید می‌کند که با وجود دیده شدن پشه و بیمار مبتلا به تب دنگی، هنوز انتقال داخلی و محلی صورت نگرفته است.

ایرج ضاربان با تأکید بر اینکه «به نظر می‌رسد که از اواخر مردادماه و در شهریورماه، کشور با اپیدمی این بیماری مواجه شود» گفته «ما نباید نسبت به این بیماری خوشبین باشیم، هر چقدر بیمار از آن طرف مرز وارد کشور شود، احتمال انتقال هم زیاد می‌شود.»

او همچنین گفته «زائران اربعین می‌توانند منجر به انتقال بیماری شوند» و توضیح داده که «سال گذشته ۴۶ هزار زائر پاکستانی از مرز ریمدان وارد سیستان و بلوچستان شدند. امسال برآورد شده که تعداد این زائران ۱۰۰ هزار نفر شود. این افراد نباید از داخل شهرها تردد کنند و باید برایشان مسیرهای خارجی در نظر گرفته شود. بهترین وسیله تردد هم هوایی است. بر این اساس باید مراقب بود که این افراد بیماری را بیشتر نکنند و بیماریابی به شکل گسترده‌ای انجام شود تا چرخه انتقال بیشتر نشود.»

اینهمه در حالیست که فرشید رضایی رئیس دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت در گفتگو با خبرنگاری «تسلیم» گفته «برخی افراد سودجو در لباس همه‌چیزدان از موضوع تب دنگی برای منفعت اقتصادی و شخصی سوءاستفاده کرده و با ساخت شایعات، به فروش دارو و

آخرین آمارهای مورد ادعای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تعداد مبتلایان تب دنگی در کشور را ۱۴۹ نفر اعلام کرده است. وزارت بهداشت همچنین از مرگ بیمار در پی ابتلا به تب دنگی خبر داده است.

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفته ۴۰ شهر در معرض بیماری قرار دارند و سه استان شمالی یعنی گیلان، مازندران و گلستان و استان‌های جنوبی از خوزستان تا سیستان و بلوچستان مواردی از بیماری را داشته‌اند.

سرپرست دانشکده علوم پزشکی چابهار گفته به نظر می‌رسد از اواخر مردادماه و در شهریورماه، کشور با اپیدمی این بیماری مواجه می‌شود.

بر اساس آخرین اخبار دست‌کم ۴۰ شهر ایران درگیر تب دنگی شده و یکی از مسئولان وزارت بهداشت از احتمال اپیدمی این بیماری در کشور از امرداد امسال خبر داده است.

آخرین آمارهای مورد ادعای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تعداد مبتلایان تب دنگی در کشور را ۱۴۹ نفر اعلام کرده است. وزارت بهداشت همچنین از مرگ بیمار در پی ابتلا به تب دنگی خبر داده است. بر اساس این آمارها ۱۳۰ بیمار در کشور امارات آلوده شده بودند، ۱۱ نفر از بندر لنگه و بقیه موارد هم از پاکستان یا کشورهای دیگر مبتلا شده بودند.

شهنام عرشی رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت به روزنامه «هم‌میهن» گفته در سال ۹۸ اولین مورد پشه در استان هرمزگان شناسایی شد. امسال هم موج بیماران بعد از اپیدمی شدن بیماری در امارات، آغاز و در ایران هم شناسایی شد.»

به گفته عرشی، ایرانی‌هایی که به این کشور رفت و آمد داشتند، این بیماری را با خود به ایران آوردند و در استان‌های مختلف پخش شدند. بالاترین مورد بیماری در استان فارس دیده می‌شود.

او گفته بیمارانی که در کشورهای دیگر مبتلا شده و وارد ایران شدند، پشه‌های آندس که از قبل در جنوب استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر مستقر بودند را آلوده کرد. اولین آلودگی پشه هم در شهرستان بندرلنگه بود، به همین دلیل این منطقه اولین جایی است که انتقال محلی داشته است.

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفته ۴۰ شهر در معرض بیماری قرار دارند: «چهار استان جنوبی و سه استان شمالی در معرض این بیماری قرار دارند. سه استان شمالی یعنی گیلان، مازندران و گلستان و استان‌های جنوبی از خوزستان تا سیستان و بلوچستان مواردی از بیماری را داشته‌اند. این ۷ استان به‌صورت بالقوه در معرض این پشه هستند یا ممکن است در آینده با این پشه مواجه شوند. در تهران هم چند مورد از این بیماری دیده شده است.» آنطور که گفته می‌شود مرحله اول ابتلای این بیماری خفیف است و بیشتر بیماران کم‌علامت هستند و خطر مرگ و میر کمتری دارد اما در نوبت‌های بعدی اگر سوبه‌های دیگری فرد را مبتلا کند، بیماری شدیدتر است: «این بیماری چهار سوبه دارد و در سال‌های آینده وارد کشور می‌شود.»

ایرج ضاربان سرپرست دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی چابهار گفته این شهرستان آلوده‌ترین

گزارش سرکوب رسانه‌ها توسط جمهوری اسلامی در نیمه نخست سال ۲۰۲۴: ۲۳۶ مورد پرونده قضایی و امنیتی



دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ادامه پیدا کرد. در این گزارش آمده که همزمان با آغاز هر کدام از چهار موج سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایران، جمهوری اسلامی با کمک رسانه‌های دولتی، شبه رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای نزدیک به نهادهای حکومتی و کاربران حامی نظام در شبکه‌های اجتماعی، کارزارهایی گسترده را برای انتشار اخبار و گزارش‌های نادرست و یا گمراه‌کننده سازماندهی کرد؛ کارزارهایی که با هدف ممانعت از به چالش کشیده شدن روایت رسمی و یا کاهش تاثیر روایت‌های مستقل انجام شد.

آن را از مجموع گزارش‌های منتشرشده در ارتباط با موارد نقض حقوق روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در ایران به ۲۷ درصد افزایش داده است. بر اساس این گزارش، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های ایران طی شش ماهه اول سال ۲۰۲۴ با چهار موج سرکوب روبرو شده‌اند که همگی بلافاصله پس از یک رویداد مهم اجتماعی آغاز شد. حمله به مراسم سالگرد قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین سپاه قدس، در ماه ژانویه، درگیری بی‌سابقه نظامی بین ایران و اسرائیل در ماه آوریل و منتشر شدن گزارش بی‌بی‌سی جهانی در این ماه درباره فرایند کشته شدن

● سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات طی نیمه نخست سال جاری میلادی ۲۳۶ مورد از برخوردهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی با رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای را ثبت کرده است.

● در نیمه نخست امسال میلادی ۲۶ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای، شامل هفت زن و ۱۹ مرد، در مجموع به بیش از ۳۱ سال حبس، ۱۰ سال حبس در تبعید، ۹۳ میلیون تومان جزای نقدی، چهار سال تبعید، چهار سال محرومیت از فعالیت در حرفه روزنامه‌نگاری محکوم شدند.

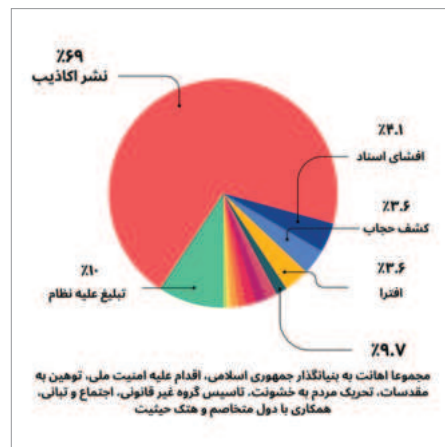
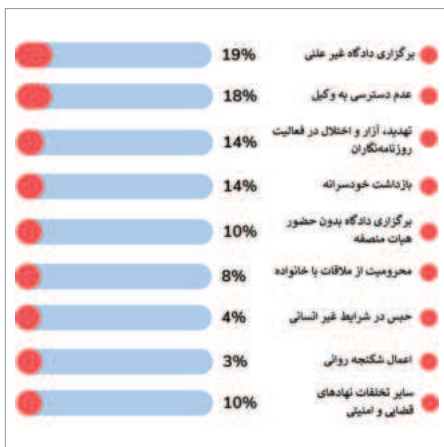
● «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» به عنوان «پرتکرارترین اتهام مطرح‌شده علیه روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها» ارزیابی شده است.

● صدور حکم بدون برگزاری دادگاه، محروم کردن روزنامه‌نگار زندانی یا بازداشت‌شده از دسترسی به خدمات پزشکی موثر، اعمال خشونت بی‌ضابطه و ضرب و جرح روزنامه‌نگار هنگام بازداشت، آزار و اعمال فشار بر خانواده زندانی از جمله فشارها بر اهالی رسانه بوده است.

● سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات تأکید کرده تکرار اتهام نشر اکاذیب در پرونده‌های مطبوعاتی اثبات می‌کند، جمهوری اسلامی به شکل هدفمند در تلاش برای اعتبارزدایی از روزنامه‌نگاران و رسانه‌های غیردولتی است.

سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات (DeFFI) در گزارش سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در شش ماهه اول سال ۲۰۲۴ اعلام کرده در این مدت ۲۳۶ مورد رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای ایرانی تحت پیگرد قانونی و امنیتی قرار گرفتند.

در گزارش سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات (DeFFI) آمده که از یک ژانویه ۲۰۲۴ تا ۳۰ ژوئن این سال (۱۱ دی ۱۴۰۲ - ۱۰ تیر ۱۴۰۳)، ۱۸۱ رسانه، روزنامه‌نگار و فعال



آمارهای تفکیکی ارائه شده در این گزارش نشان می‌دهد ۲۶ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای، شامل هفت زن و ۱۹ مرد، در مجموع به بیش از ۳۱ سال حبس، ۱۰ سال حبس در تبعید، ۹۳ میلیون تومان جزای نقدی، چهار سال تبعید، چهار سال محرومیت از فعالیت در حرفه روزنامه‌نگاری محکوم شدند.

همچنین جمهوری اسلامی در این شش ماه،

«نیکا شاکرمی»، رویدادهایی بودند که مکانیزم‌های قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی را برای سرکوب روزنامه‌نگاران، رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی فعال‌تر کردند. این گزارش تأکید کرده که مرگ ابراهیم رئیسی در حادثه سقوط هلی‌کوپتر حامل او و همراهانش، نقطه آغاز وسیع‌ترین سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۲۴ بود. روندی که تا ۴۵ روز پس از این رویداد و تا روز برگزاری

رسانه‌ای برخوردهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی داشته‌اند.

این سازمان طی نیمه نخست سال جاری میلادی ۲۳۶ مورد از برخوردهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی با رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای را ثبت کرده است. کشف و مستند کردن بخشی از الگوهای سرکوب مطبوعات توسط جمهوری اسلامی توسط این سازمان، سهم

قتل شیخ آزاد شهابی و دو درویش از مریدانش در «خانقاه تپه مالان» سقز



شیخ آزاد شهابی

جان‌شان را از دست دادند و شیخ آزاد هم به بیمارستان منتقل شد که به علت شدت جراحات صبح پنجشنبه جان خود را از دست داد.

جعفر توان فرماندار سقز با تأیید این خبر گفت: «جلسه شورای تأمین تشکیل شده و مراجع قضایی در حال بررسی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته محل حادثه هستند.»

سرهنگ صیدعلی صفری فرمانده انتظامی شهرستان سقز نیز گفت: «پیگیری این موضوع و تلاش‌های ویژه برای شناسایی و دستگیری قاتل یا قاتلان، با دستور ویژه فرمانده انتظامی استان کردستان در دستور کار پلیس قرار دارد.»

وی افزود: «پلیس به سرخ‌های خوبی در این خصوص دست یافته که به زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

تکیه و خانقاه «شیخ آزاد» محل عبادت دراویش سقز در انتهای بلوار «وحدت» واقع شده است.

ترور و قتل سازماندهی شده دراویش در ایران توسط جمهوری اسلامی سابقه طولانی دارد. حکومت سال‌هاست تلاش می‌کند به روش‌های مختلف در میان آنها رخنه کند یا تفرقه بیندازد و به هر شکلی به آنها ضربه بزند.

اعتبارزدایی از روزنامه‌نگاران و رسانه‌های غیردولتی است؛ اقدامی که در بستری فراقانونی و فاقد مصادیق مجرمانه انجام می‌شود.

تحلیل آماری و رویدادنگاری دفاع از جریان آزاد اطلاعات نشان می‌دهد، بخش مهمی از واکنش نهادهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی به رویدادهای اجتماعی از الگوهای مشابه پیروی می‌کند؛ الگوهایی بر پایه پروتکل‌های از پیش طراحی شده که به شکل مستمر به‌روزرسانی می‌شوند.

این سازمان تأکید کرده تکرار این الگوهای سرکوب در رویدادهای مشابه، درکنار تغییر بخشی از این الگوها - به‌ویژه در مواجهه با رویدادهای مهم اجتماعی و فعالیت‌های رسانه‌ای و حقوق بشری اپوزیسیون - نشان‌دهنده سازمان‌یافته بودن ساز و کار سرکوب اطلاع‌رسانی مستقل در ایران است.

● شیخ آزاد شهابی از شیوخ معروف منطقه سقز به همراه دو نفر دیگر به نام‌های پیمان و پرویز که گفته می‌شود از دراویش استان کردستان بودند در «خانقاه شیخ آزاد» در تپه مالان سقز کشته شدند.

● جعفر توان فرماندار سقز با تأیید این خبر گفت: «جلسه شورای تأمین تشکیل شده و مراجع قضایی در حال بررسی فیلم‌های دوربین‌های مداربسته محل حادثه هستند.»

● سرهنگ صیدعلی صفری فرمانده انتظامی شهرستان سقز نیز گفته «پلیس به سرخ‌های خوبی در این خصوص دست یافته است.»

شیخ آزاد شهابی از شیوخ معروف منطقه سقز به همراه دو نفر دیگر که گفته می‌شود از دراویش استان کردستان بوده‌اند در «خانقاه شیخ آزاد» در تپه مالان سقز کشته شدند.

منابع داخلی گزارش دادند این حمله مسلحانه توسط «افراد ناشناس» چهارشنبه شب ۲۷ تیرماه صورت گرفته است.

وبسایت خبری «گرد پرس» نوشته «شب گذشته افراد مسلح با ورود به خانقاه شیخ آزاد به سوی او و مریدانش تیراندازی کردند که آن دو نفر به نام‌های پیمان و پرویز در

این رسانه، روز ۹ فوریه (۲۰ بهمن) از تحریریه رسانه فردای اقتصاد به بازداشتگاه آگاهی شاپور تهران منتقل شدند.

بهبزاد بهمن‌نژاد و مهرداد عسگری پس از ۱۰ روز بازداشت موقت، روز پنج‌شنبه ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن)، از بازداشتگاه آزاد شدند. فردای اقتصاد روز شنبه ۲۴ فوریه (۵ اسفند)، در بیستمین روز توقیف، فعالیت خود را از سر گرفت و نیکان خبازی روز دوشنبه ۴ مارس (۱۴ اسفند) پس از نزدیک به یک ماه بازداشت آزاد شد. با این وجود، علی تسنیمی به‌عنوان آخرین عضو بازداشتی فردای اقتصاد، بیش از دو ماه را در بازداشت سپری کرد.

سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات (DeFFI) نوشته تکرار اتهام نشر اکاذیب در پرونده‌های مطبوعاتی اثبات می‌کند، جمهوری اسلامی به شکل هدفمند در تلاش برای

دست‌کم در ۲۲۵ مورد، حقوق قانونی روزنامه‌نگارانی که مورد پیگرد قضایی قرار گرفته بودند را نقض کرده است و ۶۱ رسانه مورد پیگرد قرار گرفتند.

«نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» به عنوان «پرتکرارترین اتهام مطرح‌شده علیه روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها» ارزیابی شده است.

«تبلیغ علیه نظام» با ۱۸ تکرار، «افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده» با هشت تکرار، «کشف حجاب» با هفت تکرار، «افترا» با هفت تکرار، «اخلال در نظم و آسایش عمومی»، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «هتک حیثیت» و «اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی»، هرکدام با سه تکرار و «توهین به مقدسات»، «تحریک مردم به اعمال خشونت»، «تاسیس گروه غیر قانونی» و «همکاری با دول متخاصم»، مجموعاً با شش تکرار، سایر اتهامات منتسب‌شده به روزنامه‌نگاران ایرانی بود.

سنگین‌ترین احکام صادرشده علیه روزنامه‌نگاران در شش ماه گذشته علیه دو زن صادر شد؛ ژینا مدرس گرجی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان به ۱۰ سال زندان قابل‌اجرا و حبس در تبعید و شیرین سعیدی، خبرنگار اقتصادی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین به پنج سال زندان محکوم شدند.

این گزارش افزوده که برگزاری دادگاه‌های مطبوعاتی به شکل غیر علنی در ۴۴ پرونده، محرومیت کردن ۴۴ روزنامه‌نگار زندانی و یا بازداشت‌شده از ملاقات با خانواده، ۳۱ مورد بازداشت خودسرانه روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای بدون رعایت ضوابط قانونی، برگزاری دادگاه‌های مطبوعاتی بدون حضور هیئت منصفه در ۲۲ پرونده، ۱۹ مورد محروم کردن روزنامه‌نگاران بازداشتی از داشتن وکیل، ۱۰ مورد ضبط غیر قانونی لوازم شخصی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران بدون ارائه حکم قانونی، حبس کردن روزنامه‌نگار بازداشتی در شرایط غیر انسانی بازداشتگاه در هشت پرونده و اعمال شکنجه روانی علیه شش روزنامه‌نگار بازداشت شده، پرتکرارترین موارد نقض حقوق روزنامه‌نگاران در شش ماهه اول سال ۲۰۲۴ بود که دفاع از جریان آزاد اطلاعات امکان مستندکردن آن را یافت.

صدور حکم بدون برگزاری دادگاه، محروم کردن روزنامه‌نگار زندانی یا بازداشت‌شده از دسترسی به خدمات پزشکی موثر، اعمال خشونت بی‌ضابطه و ضرب‌وجرح روزنامه‌نگار هنگام بازداشت، آزار و اعمال فشار بر خانواده زندانی و آزار جنسی روزنامه‌نگاران هنگام بازداشت، شمار دیگری از تخلفاتی بود که در شش ماهه اول سال ۲۰۲۴ بارها از سوی نهادهای قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی تکرار شد.

این گزارش به توقیف دو رسانه «دیدارنیوز» و «فردای اقتصاد» اشاره کرده و افزوده وبسایت پایگاه خبری دیده‌بان ایران برای ۲۲ روز فیلتر شد و پلیس امنیت اقتصادی تهران

استودیوی رسانه تصویری فردای اقتصاد را پلمپ کرد.

پلمپ استودیوی «فردای اقتصاد» دومین برخورد فراقضایی پلیس امنیت اقتصادی تهران با این رسانه بود. روز ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ (۵ فوریه ۲۰۲۴) نیز ماموران پلیس امنیت اقتصادی تهران با ورود به تحریریه فردای اقتصاد، ساعت‌ها تمامی اعضای تحریریه این رسانه را در ساختمان کیان در میدان آرژانتین تهران محبوس کردند.

در این رویداد دست‌کم پنج روزنامه‌نگار فردای اقتصاد بازداشت شدند. علی میرزاخانی، سردبیر این رسانه، سه روز پس از بازداشت در ساختمان کیان، روز ۸ فوریه (۱۹ بهمن) آزاد شد و بهبزاد بهمن‌نژاد، قائم‌مقام سردبیر فردای اقتصاد، علی تسنیمی، گوینده رادیو فردای اقتصاد، نیکان خبازی، مدیر استودیو و مهرداد عسگری، ویدئو ژورنالیست

دیوان عالی کشور پرونده قتل مهرجویی را به دادسرا بازگرداند ابهامات و ایرادات وکیل بر پرونده پذیرفته شد



مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر - تالار رودکی، تهران

مورد انگیزه متهمان برای جنایت کذب محض است. مانوش منوچهری معتقد است «شتابزدگی در صدور رأی» نیز یکی دیگر از ایرادات و ابهامات در این پرونده است! پس از قتل داریوش مهرجویی و اطلاعاتی که از کاردآجین شدن این فیلمساز منتقد و همسرش وحیده محمدی فر منتشر شد، بسیاری بر این باور بودند که این قتل، یک قتل معمولی با انگیزه دزدی نبوده و ردی از جنایات سریالی و قتل‌های زنجیره‌ای جمهوری اسلامی در آن دیده می‌شود. اکبر محمدی فر برادر وحیده محمدی فر نیز پیشتر به «رادپو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام اعرایی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریت فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند. پس از آنکه مقامات قضایی از صدور کیفرخواست این پرونده و پایان تحقیقات خبر دادند، مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی در استوری حساب اینستاگرام خود درباره روند بررسی پرونده قتل پدر و مادرش نوشت: «تا کنون هیچیک از شواهد و مدارک، اقرار و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد و حضور در پرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.» داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد.

وحیده محمدی فر پانزدهم مهرماه، با انتشار یک

در پلیس آگاهی فراجا و اداره پزشکی قانونی، خون مرحوم مهرجویی بر هیچیک از آنها ملاحظه نشده است و تنها خون خانم محمدی فر بر آن باقی مانده که طبق نظریه همان ادارات احتمال وجود چاقوی دیگری متصور است. به گفته وکیل پرونده اختفای آلت قتاله خونی در زیر خاک در حالیست که دستکش‌های پلاستیکی که متهمان اظهار کردند در دست داشتند به گفته خود ایشان سوزانده و معلوم نیست چرا آلت قتاله معدوم نشده است. از سوی دیگر بنا بر اظهارات متهمان تنها سه نفر از ایشان دستکش به دست داشته و یک نفر از آنها که اتفاقا بنا به گفته خودش با قصد قتل به دلیل کدورت پیشین به خانه مهرجویی‌ها آمده، دستکش در دست نداشته است. مانوش منوچهری گفته آنچه توجه مونا مهرجویی را از همان لحظه ورود به قتلگاه پدر و مادرش جلب کرده، لباس بر تن پدر بوده که لباسی رسمی بوده و جز در مواقعی که مجبور بوده بر تن نمی‌کرده، چه برسد به خانه خودش در شامگاه. او افزوده عدم واکنش کارگران مستقر در کانکس مجاور محل زندگی مهرجویی که پس از انجام تحقیقات، گفته بودند در ساعت بین ۹ و ۱۰ شب خواب بوده و چیزی متوجه نشده‌اند. این وکیل دادگستری افزوده بنا بر محتویات پرونده، اپلیکشن‌های تلگرام و واتس‌آپ و اینستاگرام خانم محمدی فر به‌رغم استفاده از آن تا ساعات پایانی زندگی‌اش و ارسال پیام به مونا یا دوستان دیگرش، بلافاصله پس از وقوع جنایت پاک شده که حتی بخشی از پیام‌های مونا در آستانه ورود به ویلا نیز دریافت نشده که با وجود کشف گوشی تلفن به همراه آلت قتاله، بررسی‌های کافی جهت بازگرداندن این اپلیکشن‌ها و بررسی اطلاعات آن انجام نشده است. بر اساس اطلاعات وکیل پرونده دزدی جاروبرقی یا طلب ۳۰ میلیون تومانی، هیچ یک منطبق با پرونده نیست و در

● دیوان عالی کشور ایرادات وکیل خانواده مهرجویی را پذیرفته و با اعلام نقص تحقیقات، دستور تکمیل تحقیق در خصوص ایرادات مطروحه را صادر کرده و پرونده مجدداً جهت رفع این ایرادات به دادسرای فردیس ارجاع شده است.

● وکیل خانواده مهرجویی ۹ ایراد بر این پرونده وارد دانسته که شامل ابهامات در مستندات و صدور عجزنامه رأی دادگاه است. این ابهامات بر احتمال حضور شخص یا چاقوی دیگری در صحنه جنایت تأکید دارد.

● بسیاری معتقدند که این قتل، یک قتل معمولی با انگیزه دزدی نبوده و ردی از جنایات سریالی و قتل‌های زنجیره‌ای جمهوری اسلامی در آن دیده می‌شود. پرونده قتل داریوش مهرجویی فیلمساز سرشناس ایرانی و همسرش از سوی دیوان عالی کشور به دادسرای فردیس کرج بازگردانده شده است. دیوان عالی کشور ایرادهای وکیل خانواده مهرجویی به پرونده از جمله «احتمال وجود شخص یا چاقوی دیگر» را پذیرفته و حکم به بررسی دوباره پرونده داده است.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در شماره امروز شنبه ۲۳ تیرماه ۱۴۰۳ گزارش داده که دیوان عالی کشور ایرادات وکیل خانواده مهرجویی را پذیرفته و با اعلام نقص تحقیقات، دستور تکمیل تحقیق در خصوص ایرادات مطروحه را صادر کرده و پرونده مجدداً جهت رفع این ایرادات به دادسرای فردیس ارجاع شده است.

بر اساس این گزارش مانوش منوچهری وکیل خانواده مهرجویی ۹ ایراد بر این پرونده وارد دانسته است از جمله این ایرادات اینست که شهرک محل زندگی مرحوم مهرجویی دارای در ورود و نگهداری و مجهز به دوربین مداربسته بوده، اما این دوربین‌ها بررسی نشده و اگر هم شده در پرونده موجود نیست. همچنین آلات قتاله در نزدیکی محل کار یکی از متهمان با راهنمایی خود متهم کشف شده که یکی از آنها خونی و دیگری پاک بوده و در آزمایش‌های صورت گرفته

آبرفتکش جمهوری اسلامی با پرچم «سودان» لورفت!



آبرفتکش «آنیتا»

بفروشد. دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) ده‌ها نفتکش و کشتی را که جمهوری اسلامی از آنها برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کرده در فهرست تحریم‌ها قرار داده اما این کشتی هنوز در این فهرست قرار نگرفته است. همچنین هیچ شرکت بیمه‌ای این کشتی را بیمه نکرده است!

آمار نشان می‌دهد تقریباً دو سوم ناوگان شیخ جمهوری اسلامی هنوز در لیست سیاه قرار نگرفته و نفتکش‌های آن شرایطی مشابه نفتکش «آنیتا» دارند. آنها که اغلب با GPS و موقعیت‌یاب خاموش حرکت می‌کنند نه تنها برای محیط زیست، بلکه برای خدمه خود نیز خطرات زیادی به همراه دارند.

قرار گرفتن کشتی‌ها در فهرست تحریم‌ها، ورود آنها را به اکثر بنادر در سراسر جهان ممنوع می‌کند و شرکت‌های بین‌المللی نیز حاضر نمی‌شوند آنها را بیمه کنند.

تحریم کشتیرانی جمهوری اسلامی و نفتکش‌های داخلی و تانکرهای خارجی که در دور زدن تحریم‌ها با حکومت ایران همکاری دارند از زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ آغاز شد و با اینکه در چند نوبت دولت جو بایدن نیز این تحریم‌ها را گسترش داد اما منتقدان دولت وی را متهم به مداخلات با رژیم ایران از طریق نادیده گرفتن تحریم‌ها می‌کنند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا پیش از این اواسط فروردین‌ماه ۱۴۰۳ چهارم آوریل (۱۶ فروردین‌ماه) یک شبکه پولشویی و تأمین مالی نهادهای نظامی جمهوری اسلامی شامل شرکت «اوشن لینک مری‌تایم» و ۱۳ کشتی متعلق به این شرکت را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران برای دور زدن تحریم‌ها و پولشویی روی شرکت‌هایی که در امارات، مالزی، ترکیه، هنگ‌کنگ و هند فعال‌اند حساب ویژه باز کرده است.

● پایگاه خبری «انرژی پرس» که اخبار حوزه نفت و گاز را پوشش می‌دهد روز جمعه ۲۲ تیرماه گزارش داد «تنها چند روز به روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان مانده است که یکی از تانکرهای مهم فروش نفت ایران به صورت کاملاً اتفاقی لو رفته است».

● بر اساس اطلاعات منابع ردیابی کشتی‌ها و نفتکش‌ها از جمله «TankerTrackers» آبرفتکش «آنیتا» که با پرچم سودان در آب‌های بین‌المللی حرکت می‌کند در چهار سال گذشته حداقل ۲۳ مورد نفت خام ایران را حمل کرده است.

● این کشتی هنوز در فهرست تحریم‌ها قرار ندارد. همچنین هیچ شرکت بیمه‌ای این کشتی را بیمه نکرده است!

● آمار نشان می‌دهد تقریباً دو سوم ناوگان شیخ جمهوری اسلامی هنوز در لیست سیاه قرار نگرفته و نفتکش‌های آنها شرایطی مشابه نفتکش «آنیتا» دارند. آنها که اغلب با GPS و موقعیت‌یاب خاموش حرکت می‌کنند نه تنها برای محیط زیست، بلکه برای خدمه خود خطرات زیادی به همراه دارند.

● پایگاه خبری «انرژی پرس» که اخبار حوزه نفت و گاز را پوشش می‌دهد روز جمعه ۲۲ تیرماه گزارش داد «تنها چند روز به روی کار آمدن دولت مسعود پزشکیان مانده است که یکی از تانکرهای مهم فروش نفت ایران به صورت کاملاً اتفاقی لو رفته است».

● بر اساس اطلاعات منابع ردیابی کشتی‌ها و نفتکش‌ها از جمله «TankerTrackers» آبرفتکش «آنیتا» که با پرچم سودان در آب‌های بین‌المللی حرکت می‌کند در چهار سال گذشته حداقل ۲۳ مورد نفت خام ایران را حمل کرده است. طول این نفتکش ۳۳۲ متر و عرض آن ۵۶ متر است.

● جمهوری اسلامی با کمک نفتکش‌های معروف به «ناوگان شیخ» توانسته در شرایط تحریم سه میلیارد دلار نفت

استوری در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود.

همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است.

او همچنین گفته بود که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سروری وکیل داریوش مهرجویی بلافاصله پس از این قتل هولناک گفته بود که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به وکیلش گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

پرونده تشکیل شده برای قتل داریوش مهرجویی و همسرش چهار متهم دارد که یک متهم اصلی و سه متهم دیگر همدستان او در قتل مهرجویی و همسرش هستند.

دو متهم این پرونده زیر سن قانونی هستند. آنها شناسنامه ندارند و با آزمایش‌های پزشکی مشخص شده هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. پیشتر اعلام شده بود که متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش تابعیت ایران را ندارند و افغانستانی هستند.

محاکمه چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش صبح چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد. در حالی که پیشتر اعلام شده بود دادگاه علنی خواهد بود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری به عمل آمد.

بر اساس گزارش‌ها، فرزندان داریوش مهرجویی در دادگاه حاضر نشدند و تنها وکیل آنها با حضور در جلسه خواستار اشد مجازات برای متهمان شد.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز بهمن‌ماه ۱۴۰۲ از صدور رأی بدوی دادگاه بررسی پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فرد خبر داد.

به گفته رئیس کل دادگستری استان البرز متهم ردیف اول به اتهام «قتل عمدی» داریوش مهرجویی و همسرش، «بر اساس مطالبه قصاص از سوی اولیای دم» به «قصاص نفس» محکوم شد.

او افزوده متهم ردیف اول علاوه بر قصاص نفس، در مورد سایر جرائم ارتكابی همزمان با قتل از قبیل «سرقت» به بیست سال حبس تعزیری، شلاق و دبه محکوم شد؛ همچنین بابت جرائم قبل از ارتكاب قتل، که ناظر بر یک هفته قبل از این اقدام است از جمله به اتهام «ورود به منزل به صورت غیرقانونی» و «تهدید با چاقو» مجموعاً به هشت سال حبس تعزیری و شلاق محکوم شده است که البته طبق مقررات در مجازات‌های تعزیری، مجازات اشد قابل اجرا خواهد بود.

همچنین متهمان ردیف دوم و سوم نیز به اتهام جرمی نظیر «شروع به قتل» و «سرقت» مجموعاً هر یک به ۳۶ سال حبس تعزیری، شلاق و دبه محکوم شده‌اند.

حسین فاضل هریکندی افزوده بود «در مورد متهم ردیف چهارم هم به جهت ارتكاب جرمی نظیر «معاونت در شروع به قتل» و «سرقت» و با لحاظ نقش وی در جرائم ارتكابی، دادگاه وی را مجموعاً به هشت سال حبس تعزیری محکوم کرده است.»

رئیس کل دادگستری استان البرز تأکید کرده بود که آرای صادر شده قطعی نبوده و در صورت فرجام‌خواهی، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد و در صورت تأیید رای و قطعیت آن، اجرا خواهد شد.

کاهش ۳۴ درصدی تعداد داوطلبان کنکور در ۳ سال گذشته

مقایسه داوطلبان کنکور در سالهای گذشته نشان می‌دهد که تعداد داوطلبان کنکور در ۳ سال گذشته حدود ۳۴ درصد کاهش داشته است.

جواد فیض عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در همین ارتباط به «ایسکانیوز» گفت: «فارغ‌التحصیلان در گذشته در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به کار می‌شدند؛ اما در سال‌های اخیر امکان اشتغال در ایران محدود شده است. فارغ‌التحصیلان به علت کوچک شدن صنایع کمتر امکان جذب به بازار کار را دارند. در صورت جذب هم درآمدشان به حدی نیست که برای گذران یک زندگی کافی باشد. به همین جهت سعی می‌کنند برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروند.»

بررسی‌های آماری از تعداد شرکت‌کنندگان کنکور ۱۴۰۳ بیانگر این است که از تعداد ۹۸۴ هزار و ۲۱۴ داوطلب شرکت‌کننده، ۶۲۰ هزار و ۵۵۷ نفر زن و ۳۶۳ هزار و ۶۵۷ نفر مرد هستند. در واقع ۶۳ درصد این داوطلبان زن و ۳۷ درصد مرد هستند. این ارقام نشان‌دهنده افزایش ۲ درصدی سهم زنان از کنکور در سه سال گذشته است.

- امسال در گروه آزمایشی ریاضی و فنی، ۱۲۵ هزار و ۱۱۹ نفر ثبت‌نام کرده بودند که ۴۴ هزار و ۶ نفر (۳۵ درصد) زن و ۸۱ هزار و ۱۱۳ نفر (۶۵ درصد) مرد بودند. استقبال داوطلبان زن برای شرکت در آزمون گروه هنر، چشمگیر بود به گونه‌ای که ۷۸ درصد جمعیت کل داوطلبان این گروه را به خود اختصاص دادند و ۳۵ هزار و ۷۷۹ نفر زن و تنها ۱۰ هزار و ۲۵۲ نفر مرد، داوطلب گروه آزمایشی هنر شدند.

شاهزاده رضا پهلوی:

خشونت سیاسی در دموکراسی‌ها جایی ندارد

شاهزاده رضا پهلوی پس از سوء قصد ناکام علیه دونالد ترامپ در ایالت پنسیلوانیا و حین سخنرانی وی، در پیامی از



شاهزاده رضا پهلوی:
خشونت سیاسی در دموکراسی‌ها
جایی ندارد

این واقعه ابراز تأسف و برای نامزد ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا آرزوی سلامتی کرد.

در این پیام آمده است: «من از سوء قصد علیه پرزیدنت ترامپ به شدت شوکه و متأسف شده‌ام. برای آقای ترامپ و خانواده‌اش بهترین آرزوها را دارم و برای بهبودی سریع وی دعا می‌کنم. همچنین به قربانیان و مردم آمریکا تسلیت می‌گویم. خشونت سیاسی هیچ جایی در دموکراسی‌ها ندارد.»

ریاضی که به «علم مادر» مشهور است در جمهوری اسلامی خریدار ندارد!

صندلی‌های رشته ریاضی که از علوم پایه به شمار می‌رود، در دانشگاه‌های کشور خالی مانده و در عوض «حقوق» که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته می‌شود و «روانشناسی» که از جمله به دلیل همین زیر پا گذاشتن حقوق، مرزهای ناهنجاری در جامعه جایجا شده، صندلی‌هایشان پر است. عبدالرسول پورعباس سرپرست ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش با بیان اینکه دو رشته روانشناسی و حقوق بیشترین متقاضیان رشته علوم انسانی را دارند، گفت که در گروه علوم انسانی حدود ۲۷۰ هزار نفر داوطلب وجود دارد که همین حدود ظرفیت تعیین شده است. وی افزود: «در گروه علوم ریاضی و فنی حدود ۱۲۵ هزار داوطلب داریم و ظرفیت سال گذشته بیش از ۲۰۰ هزار نفر بود. برای این گروه اگر همه داوطلبان انتخاب رشته کنند صندلی وجود دارد و رقابت بر سر صندلی بهتر است.»

آتش‌سوزی در هتل «دیپلمات» کیش

صبح ۲۲ تیرماه هتل «دیپلمات» کیش طعمه حریق شد و تلاش‌ها برای خاموش کردن حریق ادامه دارد. منابع محلی اعلام کرده‌اند که بلافاصله پس از وقوع آتش‌سوزی، عوامل آتش‌نشانی اقدام به تخلیه این هتل کرده و عملیات اطفای حریق را آغاز کردند. آتش‌سوزی ابتدا از طبقه دوازدهم این هتل آغاز شد و سپس به طبقه یازدهم سرایت کرد. هفته‌های گذشته نیز دو مورد آتش‌سوزی در هتل‌های جزیره کیش رخ داده بود که با اقدام آتش‌نشانی مهار شدند. پیگیری برای مشخص شدن علت حادثه و میزان خسارت به هتل «دیپلمات» ادامه دارد.

افزایش ۳۰ درصدی قیمت بلیت قطار برای سفرهای تابستانی

به گزارش خبرگزاری «مهر» از تاریخ ۲۴ تیر ۱۴۰۳ قیمت بلیت قطارهای مسافری در ایران بطور متوسط ۳۰ درصد



افزایش ۳۰ درصدی قیمت
بلیت قطار برای سفرهای تابستانی

افزایش یافت. این افزایش قیمت شامل همه مسیرها و انواع قطارها (اتوبوسی، دلفین، غزال و...) برای سفرهای ۱ تا ۲۳ مرداد می‌شود. پیش‌فروش اینترنتی بلیت‌ها از ساعت ۹ صبح یکشنبه ۲۴ تیر و پیش‌فروش حضوری بلیت‌ها از ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ۲۴ تیر آغاز شد. دلیل این افزایش قیمت، مصوبه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی بود که در ۱۰ تیر ۱۴۰۳ به تأیید راه آهن نیز رسید.

میرباقری عضو مجلس خبرگان:

مردم ما خودشان راه شهادت و گرسنگی را انتخاب کردند!

آیت‌الله سید محمدمهدی میرباقری رئیس فرهنگستان «علوم اسلامی» و عضو مجلس «خبرگان» در پایان نشست «ملت ابراهیم» که ۲۳ تیرماه به یاد ابراهیم رئیسی برگزار شد عنوان کرد: «پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام سختی و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند. برخی می‌خواهند ایران را مانند ژاپن و آلمان کنند!» عباس عبدی فعال سیاسی اصلاح‌طلب که تلاش زیادی برای رأی آوردن مسعود پزشکیان کرده در واکنش به صحبت‌های میرباقری بطور تلویحی رفتن میلیون‌ها شهروند ایران به زیر خط فقر را لاپوشانی کرده و گفته «اگر ذره‌ای گرسنگی و سختی در این چهره دیدید مردم را خبر کنید. همین سخنان هم از روی سیری و آسایش است، چون انسان گرسنه و در حال سختی به این حرف‌ها فکر هم نمی‌کند.»

محمدجواد ظریف نیز که به عنوان هم‌نامزد نیابتی و هم رئیس دولت نیابتی به شدت مشغول فعالیت برای ترمیم جمهوری اسلامی است، در دورانی که وزیر خارجه بود، در یک مصاحبه جنجالی وقتی مجری برنامه (رضا رشیدپور) از او پرسید چرا در بین تمام کشورهای دنیا فقط ایران تحریم می‌شود؟ گفته بود «خودمون انتخاب کردیم که اینطور زندگی کنیم.» وی که عضو اصلی ستاد تبلیغات مسعود پزشکیان در «سیرک انتخابات» بود دوشنبه ۱۱ تیرماه نیز در جمع خبرنگاران گفت: «ما جمعه داریم انتخاب می‌کنیم، اگر پس فردا من گفتم خودمان انتخاب کردیم دلخور نشوند!» حالا همه منتظرند تا ببینند رهبر جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش در داخل ایران، چه برای آنها «انتخاب» کرده‌اند!

یک زن جوان ایرانی تبار وزیر آموزش و پرورش امارات متحده عربی شد

ساره امیری زن جوان ایرانی‌تبار وزیر آموزش و پرورش امارات



یک زن جوان ایرانی تبار
وزیر آموزش و پرورش
امارات متحده عربی شد

متحده عربی شد. شیخ محمد بن راشد آل مکتوم نخست وزیر امارات متحده عربی روز یکشنبه ۲۴ تیرماه این خبر را در پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» اعلام کرد. ساره امیری پیشتر و در زمان پرتاب موفقیت‌آمیز کواشگر امارات به مریخ در سال ۱۳۹۹ رئیس آژانس فضایی و شورای دانشمندان امارات متحده عربی بود. ساره امیری اهل سیستان و بلوچستان است و خانواده او پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ از ایران به امارات مهاجرت کردند.

زنجیرزنی دختران جوان بدون حجاب در کرج!

ویدیوی زنجیرزنی دختران جوان بدون حجاب در یک دسته‌عزاداری در کرج که سه‌شنبه ۲۶ تیرماه در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد بازتاب زیادی پیدا کرده است. گفته می‌شود ویدئو مربوط به ظهر عاشورا بوده. در چند شهر دیگر نیز عکس‌ها و ویدیوهایی از حضور زنان بی‌حجاب در هیات‌های عزاداری منتشر شده است. در واکنش به این مسئله محمدعلی باقری، رئیس شورای هیأت مذهبی مازندران، گفت: «بی‌حجابان و هنجارشکنان در عزای ابا عبدالله جایی ندارند. باید از حرمت‌شکنی و هنجارشکنی در مراسم عزای امام حسین به ویژه در دسته روی‌ها پرهیزیم.» او افزود: «اگر حجاب و عفاف مهم نبود چرا اهل بیت نگران حجابشان بودند!»

فروش ضایعات و نخاله‌های بنای امامزاده زید کاشان به خرافه‌پرست‌ها

در شبکه‌های اجتماعی ویدیویی از فروش نخاله و ضایعات ساختمانی امامزاده زید کاشان به خرافه‌پرست‌ها منتشر شده است. براساس توضیحاتی که در مورد این ویدئو داده شده، بنای امامزاده برای تعمیرات و توسعه تخریب شده، اما مدیران فرصت طلب پروژه با چراغ‌سبز مسئولان محلی سنگ و آجر بنا را با ادعای اینکه مقدس است، به مردم می‌فروشند!

بهزاد امیدی، قهرمان کاراته جوانان جهان، مدال بین‌المللی خود را به محمدمهدی کرمی اهدا کرد

در اقدامی نمادین، بهزاد امیدی، قهرمان کاراته جوانان جهان، اولین مدال بین‌المللی خود را که در مسابقات آلمان کسب کرده، به محمدمهدی کرمی، معترض اعدام شده در خیزش ۱۴۰۱ اهدا کرد. امیدی که دو سال پیش پس از مسابقات جهانی در اسلونی به آلمان پناهنده شد، در مراسم رسمی این مدال را به یاد و احترام محمدمهدی کرمی و جنبش ملی ایرانیان برای



بهزاد امیدی، قهرمان کاراته جوانان جهان، مدال بین‌المللی خود را به محمدمهدی کرمی اهدا کرد

پس از خائیز، هورالعظیم در آتش می‌سوزد

از روز یکشنبه بخش عراقی تالاب هورالعظیم دچار حریق شد و آتش به بخش ایرانی این تالاب سرایت کرده است. پس از مهار آتش‌سوزی گسترده در منطقه حفاظت شده خائیز در استان کهگیلویه و بویراحمد که سبب از بین رفتن نیمی از جنگل‌های این منطقه شد، مراجع جنگلی کوه شیره زول شهرستان ایوان در استان ایلام نیز دچار حریق شد.

در طول یک دهه گذشته، ۱۶۹ هزار میلیارد تومان خسارت بر اثر آتش‌سوزی در ۱۴۰ هزار هکتار به عرصه‌های منابع طبیعی کشور تحمیل شده است.

امام جمعه اصفهان:

در جامعه اسلامی بی‌حجابی و سگ‌گردانی موجب افزایش فساد و برخورد با آن ضروری است!

یوسف طباطبایی‌نژاد امام جمعه و نماینده علی‌خامنه‌ای در شهر اصفهان با تأکید بر اینکه انسان باید با حیوان متفاوت باشد و «راه درست» را انتخاب کند گفت: «بی‌حجابی، بدحجابی و سگ‌گردانی از مفاصد اجتماعی هستند که باعث افزایش فساد می‌شوند و برخورد با آن در جامعه اسلامی ضروری است.»

سخنگوی دولت: واردات اتومبیل از مدل ۲۰۱۹ به بالا برای همه شهروندان آزاد شد

سخنگوی دولت با اشاره به اینکه «لزوم رعایت استانداردهای روز اروپا در واردات خودروهای دست دوم حتمی است» افزود که «واردات خودروهای پلاک منطقه آزاد به سرزمین اصلی در این آیین‌نامه مورد تأکید است.» بر اساس طرح پیشین دولت سیزدهم برای واردات اتومبیل



سخنگوی دولت: واردات اتومبیل از مدل ۲۰۱۹ به بالا برای همه شهروندان آزاد شد

درگذشت یاسین موسی‌خانی بوکسور جوان ملایری

لانی عضو تیم ملوان در رودخانه گرمابدشت (پل وافر) رودسر غرق شد. نیروهای «هلال احمر» از جمعه شب ۲۲ تیرماه برای یافتن پیکر وی تلاش می‌کنند اما پیکر او هنوز پیدا نشده است.

خودکشی رزیدنت بخش کودکان بیمارستان در یزد؛

به گزارش وبسایت «دیدهبان ایران»، محمدرضا اسدی عضو هیات مدیره نظام پزشکی تهران بزرگ از خودکشی یک رزیدنت در یزد خبر داد. این رزیدنت، خانم دکتر فروغی نسب مادر یک کودک خردسال، در بخش کودکان بیمارستان «شهید صدوقی» یزد مشغول به کار بود.

لغو مجوز هیأت کرجی به دلیل حضور دختران با پوشش عادی در دسته‌عزاداری

رئیس سازمان هیأت و تشکل‌های دینی از لغو مجوز هیأت کرجی که دخترانی با پوشش عادی و بدون حجاب اجباری در دسته‌عزاداری عاشورا حضور پیدا کرده بودند، خبر داد.

این روزها ویدئوی دخترانی که بدون حجاب تحمیلی در دسته‌عزاداری کرج زنجیر می‌زنند، در رسانه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد.

مجید باباخانی در همین ارتباط گفت: «فیلم منتشر شده مربوط به هیأتی در شهرستان کرج است که متأسفانه اینگونه رفتارها از آنها مسبوق به سابقه است. به همین دلیل قبل از ماه محرم به این هیأت تذکر داده شد.» وی افزود: «بلافاصله با همکاری نیروهای انتظامی، مسئول هیأت احضار شد و سیر قانونی در خصوص برخورد با او در جریان است.»

وی همچنین مدعی شد: «اقدام صورت گرفته در این



لغو مجوز هیأت کرجی به دلیل حضور دختران با پوشش عادی در دسته‌عزاداری

هیأت برنامه‌ریزی شده بود و با برنامه این فیلم تهیه و منتشر شد و به همین دلیل، مجوز هیأت لغو شد.» سال‌هاست که عزاداری‌های مذهبی در ایران شکل و شمایل دیگری پیدا کرده و بسیاری از هیأت‌ها و مداحان و شهروندانی که در آنها حضور پیدا می‌کنند، برخلاف میل حکومت رفتار کرده و با جنبش اعتراضی در جامعه همراهی می‌کنند.

باید تا پایان سال ۱۴۰۱ صد هزار دستگاه و تا پایان بهار ۱۴۰۲ نیز صد هزار دستگاه دیگر اتومبیل به کشور وارد می‌شد اما در عمل تعداد اندکی اتومبیل وارد شد.

کارشناسان بازار اتومبیل معتقدند اساساً طرح‌های جمهوری اسلامی برای واردات اتومبیل پیش نخواهد رفت و اتومبیل‌هایی که در حال حاضر به ایران وارد می‌شوند نیز از دلان خریداری می‌شوند.

آزادی اهدا کرد. محمدمهدی کرمی یکی از جوانانی است که در جریان خیزش ۱۴۰۱ در ایران دستگیر و اعدام شد. بهزاد امیدی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران اظهار داشت که این مدال را به یاد و گرامیداشت تمام کسانی که در راه آزادی و عدالت جان خود را از دست داده‌اند، اهدا می‌کند. او همچنین ابراز امیدواری کرد که این اقدام نمادین بتواند توجه جهانی را به وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران جلب کند.



عکس هفته | جانشین «قاضی مرگ» و «قصاب تهران»

مسعود پزشکیان پس از سانحه مشکوک سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی که به کشته شدن وی و حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه اش انجامید، با انتخابات زودهنگام و مایشی تیرماه ۱۴۰۳ به عنوان رئیس دولت چهاردهم جانشین «قاضی مرگ» شد. رئیسی به علت کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت و همچنین ریاست قوه قضائیهی جمهوری اسلامی به «قصاب تهران» نیز معروف است و پزشکیان به گفتهی خودش و خامنه‌ای آمده تا راه او را ادامه دهد.